



کودک و نوجوان

مطالعات تطبیقی

سال اول - شماره اول - بهار و تابستان ۱۴۰۵

۱

دو فصلنامه علمی مطالعات تطبیقی کودک و نوجوان

حوزه علمیه خراسان «معاونت علمی با همکاری

مدرسه علمیه حضرت خدیجه سلام الله علیها

پدیده نوجوانی و بلوغ از دیدگاه قرآن و علوم تربیتی

عفت حسینی

روش تربیت دینی از نظر نهج البلاغه

آمنه دلنیا

بررسی تطبیقی روش های تربیتی از منظر روانشناسی و دینی با تأکید بر دعای بیست و پنجم امام سجاد (علیه السلام) در صحیفه سجاده

سپیده ولی زاده، زینب حامدی، فاطمه اسمعیلی

بررسی رابطه میان تربیت بارویگرد اسلامی با میزان اضطراب و خودکارآمدی در دانش آموزان استان خراسان شمالی

امیر حسین مهرزاد، ایلینا روغنی

عوامل مؤثر در شخصیت کودکان با تأکید بر نقش خانواده از منظر قرآن

فاطمه شوروری

راهکارهای انتقال ارزش های دینی به کودکان از منظر روایات

فاطمه فرهادیان، فاطمه حبیبی

اثر بخشی پروتکل درمان شناختی- رفتاری بر اعتماد به نفس و مهارت های ارتباطی دختران نوجوان با تأکید بر دیدگاه قرآن و روایات

نجمه السادات امیری دشت بیاض



دوفصلنامه علمی

مطالعات تطبیقی کودک و نوجوان

شماره اول - بهار و تابستان ۱۴۰۵

مرکز مدیریت حوزه علمیه خراسان و مدرسه علمیه حضرت خدیجه علیها السلام

مدیرمسئول: مریم احمدی طایفه

سردبیر: فاطمه باور

مدیر اجرایی: سیده لیلا علمداری

ویراستار و صفحه آرا: بتول اصلی

مدیریت پژوهش و توسعه علمی حوزه علمیه خراسان، اداره برنامه ریزی و

ارزیابی پژوهش - تلفن تماس: ۰۵۱۳۲۰۰۸۱۵۷

هیئت تحریریه:

- عباس جوانشیر (استادیار، عضو هیأت علمی و مدیر گروه علوم تربیتی و

روانشناسی جامعه‌المصطفی نمایندگی خراسان)

- نعمت‌الله فیروزی (عضو هیئت علمی الهیات دانشگاه بین‌المللی امام رضا علیه السلام)

- محمد غلامپور (استاد حوزه علمیه خراسان و استاد دانشگاه)

- مریم احمدی طایفه (استاد حوزه و دانشگاه)

- فاطمه باور (استاد حوزه علمیه خراسان و استاد دانشگاه)

- اکرم برهان‌منش (استاد حوزه علمیه خراسان و استاد دانشگاه)

- بی بی زینب طلوع هاشمی (استاد حوزه علمیه خراسان، عضو هیئت علمی

و استادیار موسسه غیرانتفاعی آرمان رضوی)

به موجب ماده ۳۱ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴/۱۲/۲۸
مجلس شورای اسلامی پروانه انتشار نشریه مطالعات تطبیقی
کودک و نوجوان در زمینه اجتماعی، فرهنگی به زبان فارسی،
انگلیسی و ترتیب انتشار دو فصلنامه با گستره سراسری و
نوع انتشار مجله‌ای به نام خانم مریم احمدی طایفه در تاریخ
۱۴۰۵/۲/۱۶ به شماره ثبت ۱۰۰۶۷۸ از سوی وزارت فرهنگ و
ارشاد اسلامی صادر گردید.

نشانی دفتر نشریه:

مشهد مقدس، احمدآباد، بهشت ۵، مدرسه علمیه حضرت

خدیجه علیها السلام - شماره تماس: ۰۵۱۳۸۴۶۸۶۸۰

راهنمای نویسندگان

رعایت شیوه نامه نگارش، در مقالات ارسالی به دوفصلنامه الزامی است.

الف. نحوه تنظیم مقالات:

۱. عنوان: عنوان مقاله گویا، رسا و ناظر به محتوای مقاله باشد.
۲. مشخصات نویسنده یا نویسندگان: شامل نام و نام خانوادگی، رتبه علمی، آخرین تحصیلات حوزوی و دانشگاهی، رشته، دانشگاه محل خدمت، شماره تلفن و نشانی پست الکترونیکی باشد. در صورتی که مقاله بیش از یک نویسنده داشته باشد باید نویسنده مسئول مشخص گردد (مسئولیت مشخصات ثبت شده برای نویسندگان به عهده نویسنده مسئول است).
۳. چکیده: چکیده، عصاره مقاله است و باید بین ۱۵۰ تا ۲۵۰ واژه و در بردارنده عنوان و موضوع مقاله، قلمرو بحث، قلمرو منابع، اشاره به مهمترین نتایج، روش تحقیق و رویکرد خاص و فهرستی از واژه‌های کلیدی، حداقل ۵ واژه و حداکثر ۷ واژه باشد (تعداد واژه‌های مقاله حداقل ۴۵۰۰ و حداکثر ۸۰۰۰ واژه باشد).
۴. مقدمه: شامل خلاصه‌ای از بیان مسئله، اهمیت موضوع، اهداف پژوهش، سؤال‌های پژوهش و پیشینه پژوهش باشد.
۵. بدنه اصلی مقاله: در ساماندهی بدنه اصلی مقاله لازم است به موارد زیر پرداخته شود: توصیف و تحلیل ماهیت، ابعاد و زوایای مسئله، نقد و ارزیابی نظریات رقیب به طور مستدل، تبیین نظریه پذیرفته شده، تقسیم‌بندی مطالب در قالب محورهای مشخص.
۶. نتیجه‌گیری: شامل یافته‌های پژوهش به شیوه‌ای دقیق و روشن، تبیین میزان ارتباط یافته‌های پژوهش با اهداف پژوهش و ارائه راکاره‌ها و پیشنهادها باشد.

۷. روش ارجاع به منابع در متن : ارجاع به منابع به شیوه درون‌متنی (APA) است؛ (نام نویسنده، سال انتشار، شماره جلد، شماره صفحه).

اگر از متن ترجمه شده استفاده شده است، مشخصات (نام نویسنده، سال ترجمه، شماره جلد، شماره صفحه) آورده شود.

در تمام ارجاعات، نام خانوادگی نویسنده ذکر شده و از کلماتی همچون «همان» و «همو» اجتناب شود.

۸. فهرست منابع در پایان مقاله : به صورت زیر تنظیم می‌شود:

کتاب: نام‌خانوادگی، نام (سال انتشار)، عنوان کتاب (بلد و ایتالیک)، مصحح یا مترجم، محل نشر: نام ناشر.

مقاله: نام‌خانوادگی، نام (سال انتشار)، عنوان مقاله، عنوان مجله (بلد و ایتالیک)، دوره، شماره، شماره صفحات ابتدا و انتهای مقاله.

پایگاه‌های اینترنتی: نام خانوادگی، نام نویسنده، تاریخ نشر، عنوان موضوع، نام و آدرس.
۹. جدول‌ها و نمودارها باید دارای عنوان باشند. عنوان جدول در بالای جدول و با فونت ۱۰ (B Zar) پررنگ و عنوان نمودار در پایین نمودار و با فونت ۱۰ (B Zar) پررنگ قرار گیرد. مطالب و ارقام داخل جدول با فونت ۱۱ (B Zar) تنظیم شوند.

۱۰. مقاله پس از تایپ در صفحه A4، فونت ۱۲ (Zar B) برای کلمات فارسی و عربی و فونت ۱۲ (Time New Roman) برای کلمات انگلیسی تنظیم شود. ذخیره‌سازی با فرمت (Word ۲۰۰۳-۹۷) صورت گیرد. آیات قرآن با فونت ۱۴ (Badr B) و بلد در متن مشخص شوند.

۱۱. تیتريهای اصلی با شماره های ۱، ۲، و ۳... و زیرمجموعه آنها با ۱-۱، ۲-۱ و ... مشخص

شود.

۱۲. شکل لاتینی نامهای خاص، واژه‌های تخصصی و ترکیبات خارجی در پاورقی درج

شود.

۱۳. یادداشت‌های توضیحی (توضیحاتی که به نظر مولف ضروری است) در پاورقی درج

شود.

۱۴. اگر اشاره مطلب به خود آیه یا حدیث هست در متن آورده شود و ترجمه در پاورقی

ذکر شود. اما اگر در متن ترجمه آورد شده اصل آیه یا حدیث در پاورقی ذکر شود. آیه قرآن

در متن بدین صورت باشد (بقره: ۲۴)

ب: تذکرات

- آرای مندرج در مجله، الزاماً مبين نظرات مجله نیست.

- مسئولیت محتوای مقالات به عهده نویسندگان است.

- مجله در ویراستاری و تلخیص مقالات آزاد است.

- نقل مطالب مجله با ذکر مأخذ بلامانع است.

- اخذ کد اخلاق برای پژوهش‌های اثربخشی و مداخله‌ای الزامی است.

- نویسندگان مقالات ملزم هستند فرم تعهدنامه و فرم تعارض منافع نشریه را از لینک ذیل

دانلود نموده و پس از تکمیل به همراه مقاله ارسال نمایند.

- به مقالاتی که بدون راهنمایی و نام اساتید حوزوی سطوح عالی و یا اساتید دانشگاهی

(استاد، دانشیار و استادیار) باشد ترتیب اثر داده نخواهد شد.

- حق رد یا قبول و نیز ویرایش مقالات برای نشریه محفوظ است.

سخن سردبیر

«كُلُّ مَوْلُودٍ يُوَلَّدُ عَلَى الْفِطْرَةِ...» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۳، ص ۳۲۳)

با تکیه بر این اصل بنیادین که حقیقت تکوین انسان را در «فطرت» جست‌وجو می‌کند، نخستین شماره از نشریه‌ی علمی «مطالعات تطبیقی کودک و نوجوان» را با هدف بستری برای تلاقی دانش تجربه‌گرا و مبانی اصیل انسانی آغاز می‌کنیم.

نیاز مبرم امروز جامعه‌ی علمی به بررسی پدیدار رشد، از یک نگاه تک‌بعدی فراتر رفته و مستلزم اتخاذ «رویکرد تطبیقی» است. ظهور این نشریه، پاسخی است به ضرورت واکاوی شکاف‌های موجود میان دستاوردهای علوم رفتاری مدرن و مبانی هستی‌شناختی اصیل. ما در این نشریه، بر آنیم تا از طریق مطالعات تطبیقی، به بررسی تفاوت‌ها و شباهت‌های میان مدل‌های نظری غربی و آموزه‌های بنیادین مربوط به «ساحت قدسی تربیت» بپردازیم؛ تا از این طریق، بتوان به فهمی جامع از تکوین کودک و نوجوان، هم در تعامل با زیست‌بوم‌های جهانی و هم در وفاداری به ریشه‌های وجودی خود، دست یافت.

رویکرد تطبیقی در این نشریه، تنها به معنای مقایسه‌ی سطح اول متغیرها نیست، بلکه به معنای جست‌وجوی عمیق در تعاملات پیچیده‌ی میان عوامل زیستی، روانی و محیطی در بسترهای فرهنگیِ گوناگون است. هدف ما این است که با مقایسه‌ی نظام‌مند یافته‌های علمی در محیط‌های مختلف، بتوانیم جایگاه «فطرت» و ارزش‌های اصیل انسانی را در میان نظریه‌های مختلف رشد بازشناسی کنیم.

سیاست علمی این نشریه، بر پایه استقرار نظام‌های داورى تخصصی بنا شده است، با این باور که اعتبار علمی، بدون توجه به مبانی انسان‌شناختی و اخلاقی، نگاهی ناقص به پدیدارِ رشد

خواهد بود. ما بر این باوریم که پژوهشگران این حوزه، با استفاده از روش‌شناسی‌های دقیق و نگاهی تطبیقی، وظیفه دارند چگونگی تکوین شخصیت و هویت را در تعامل با جهان معاصر واکاوی کنند، بدون آنکه از نگاه حقیقت‌محور و غایت‌مند خود در مسیر تولید دانش، غافل شوند. در این شماره‌ی نخست، تلاش بر آن بوده است تا با تبیین جهت‌گیری‌های پژوهشی، نقشه‌ی راهی برای مطالعاتی ترسیم گردد که هم در سطح استانداردهای جهانی و هم در راستای نیازهای اصیل جامعه‌ی اسلامی و انسانی، تراز بالایی از اعتبار را کسب نمایند. امیدواریم این نشریه، به عنوان پلی میان دانش علمی، رویکرد تطبیقی و حکمت‌های اصیل، نقشی کلیدی در توسعه‌ی معرفت تخصصی مطالعات رشد ایفا نماید.

با احترام

فاطمه باور

فهرست مطالب

سخن سردیر.....	۹
پدیده نوجوانی و بلوغ از دیدگاه قرآن و علوم تربیتی.....	۱۳
غفت حسینی	
روش تربیت دینی از نظر نهج البلاغه.....	۴۷
آمنه دلتیاد	
بررسی تطبیقی روش‌های تربیتی از منظر روانشناسی و دینی با تأکید بر دعای بیست و پنجم	
امام سجاد (علیه السلام) در صحیفه سجاده.....	۷۵
سپیده ولی زاده، زینب حامدی، فاطمه اسمعیلی	
بررسی رابطه میان تربیت با رویکرد اسلامی با میزان اضطراب و خودکارآمدی در دانش	
آموزان استان خراسان شمالی.....	۱۰۱
امیر حسین مهرزاد، ایلیا روغنی	
عوامل مؤثر در شخصیت کودکان با تأکید بر نقش خانواده از منظر قرآن.....	۱۳۱
فاطمه شورورزی	
راهکارهای انتقال ارزش‌های دینی به کودکان از منظر روایات.....	۱۶۱
فاطمه فرهادیان، فاطمه حبیبی	
اثربخشی پروتکل درمان شناختی-رفتاری بر اعتماد به نفس و مهارت‌های ارتباطی دختران	
نوجوان با تأکید بر دیدگاه قرآن و روایات.....	۱۸۳
نجمه السادات امیری دشت بیاض	
چکیده عربی و انگلیسی.....	۲۰۶

پدیده نوجوانی و بلوغ از دیدگاه قرآن و علوم تربیتی

عفت حسینی^۱

چکیده

دوره نوجوانی به لحاظ رشد جسمی و از منظر اجتماعی و فرهنگی دوره‌ای طلایی در زندگی هر فرد محسوب می‌شود. تحول جسمانی، پیشرفت شناختی و توسعه تفکر انتزاعی، هویت‌یابی، خودمختاری و استقلال، مسئولیت‌پذیری، تقویت تعاملات اجتماعی و همچنین نوسان احساسات و عواطف از جنبه‌های بارز در این دوره است. نوجوانان بیش از کودکان در معرض خطرات و انحرافات می‌باشند زیرا آنها بر سر دو راهی عقل و عواطف قرار دارند. نوجوانان سرمایه‌های بزرگ مملکت تلقی می‌شوند و استفاده از نیرو، قوت و استعداد نوجوانان نیازمند به شناخت صحیح این دوره است. هدف اصلی تحقیق حاضر چگونگی معرفی شدن نوجوان از دیدگاه قرآن و علوم تربیتی است. در این راستا در این مقاله به واکاوی و بررسی تطبیقی تعریف نوجوان، اهمیت دوره نوجوانی، تعریف بلوغ و انواع آن در بیان قرآن کریم و علوم تربیتی پرداخته شده است. نوع فعالیت اجرایی در انجام این تحقیق، به صورت کتابخانه‌ای و از طریق بررسی اطلاعات ثبت شده در متون و اسناد صورت گرفته است. اهم یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که وجود تغییرات جسمی، ذهنی، عاطفی و... در این دوره غیر قابل انکار است. این تغییرات برهم اثر گذارند و مهم‌ترین پدیده در این دوره، بلوغ و مسئله بحران هویت است که جزء سخت‌ترین مرحله زندگی هر فرد محسوب می‌شود و عبور از آن دشواری‌های خود را دارد.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، نوجوانی، بلوغ، علوم تربیتی.

^۱ . استاد و پژوهشگر حوزه علمیه خراسان، استاد دانشگاه، ehoosiny@yahoo.com

مقدمه

هر پدیده‌ای در طبیعت سرگذشتی دارد که ما از آن به تاریخ تعبیر می‌کنیم. شاخص‌ترین پدیده آفرینش، انسان است. آدمی بعد از تولد، مراحل را پشت سر می‌گذارد. نوزادی (تولد تا یک‌سالگی)، نوپایی (یک‌سالگی تا سه سالگی)، خردسالی (سه تا پنج سالگی) کودک (شش تا دوازده سالگی)، نوجوانی (دوازده تا بیست سالگی)، جوانی (بیست تا سی و پنج سالگی)، میان سالی (سی و پنج تا پنجاه سالگی) کهن سالی و پیری (پنجاه سالگی به بعد) (زیگوریدز، ۱۳۸۱، ص ۳۹).

هر مرحله دارای اهمیت و ویژگی‌های خاصی می‌باشد. اما به عقیده روانشناسان و علماء دینی یکی از حساس‌ترین مراحل زندگی هر فرد دوران نوجوانی است که عوامل زیستی، روانی، اجتماعی، هوشی و... در نحوه بروز این مرحله تأثیرگذار بوده و سبب ایجاد تحولات وسیع و عمیقی در وجود نوجوان می‌گردد. این تحولات گاه بصورت آشکار و گاه بصورت نهان وجود دارد. از جمله جنبه‌های غیرقابل مشاهده افزایش هورمون رشد، افزایش متابولیسم بدن، افزایش حجم اندام گوارشی و... می‌باشد. از جنبه‌های قابل مشاهده می‌توان به افزایش قد و وزن، ایجاد صفات ثانویه جنسی، تغییر در چهره و صدا، دگرگونی در خلق و خو، میل به استقلال طلبی و... اشاره نمود (احدی و محسنی، ۱۳۹۶، ص ۱۴).

این مرحله از زندگی فرد به لحاظ فیزیولوژیکی مصادف است با آغاز بلوغ و به لحاظ روحی مصادف است با اثراتی که بلوغ همراه با خود به ارمغان می‌آورد. در این مرحله کودک آرام و صبور و وابسته دیروز به نوجوانی قد کشیده و طالب استقلال مبدل می‌گردد. کودکی که تا دیروز به راحتی مهر و علاقه خود را به مادر ابراز می‌نمود امروز در بیان کردن علاقه خود راه

کتمان را پیش می‌گیرد. بنابراین تبیین موقعیت و جایگاه نوجوان از نظر اسلام و متخصصین علوم تربیتی و اطلاع از ضوابط و دستورات آنها درباره نوجوانی منجر به آشنایی با تغییرات و تحولاتی که در این دوره رخ می‌دهد می‌شود و به دنبال آن آشنایی با مراقبت‌هایی که نوجوان در این مرحله به آن نیازمند می‌باشد؛ حاصل می‌گردد. نویسنده در این مقاله به تعریف نوجوانی، اهمیت این دوره، پدیده بلوغ و انواع آن پرداخته است.

۱- تعریف نوجوانی و بلوغ

واژه نوجوانی در زبان فارسی به معنای نوجوان است، تازه برخاسته (عمید، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۱۱۷) تازه برآمده، تازه جوان، تازه بالغ و جوانی را از سر گرفتن آمده است (شمیم، ۱۳۳۲، ج ۲، ص ۱۱۱۷).

در اصطلاح پسری را گویند که تازه به مرحله بلوغ و جوانی پا گذاشته است و از نشانه‌های نوجوانی، رویدن مو بر پشت لب‌ها می‌باشد. نوجوانی کنایه از شادابی و قوت و نشاط است که در مقابل این دوره سستی و فرتوتی دوران پیری قرار دارد (معین، ۱۳۸۰، ص ۱۱۳۴).

در زبان عربی این واژه معادل با لفظ «الحداث» و «الشباب» است. «الحداث» و «الحداثه» به معنای نو، تازه، آغاز و نوجوان می‌باشد. ابن منظور مصری در ذکر ماده «شباب» آورده است: الشباب: الفتاء و الحداثه که به معنای شروع جوانی، تازه، نورسیده و نوظهوری می‌باشد (ابن منظور، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۴۸۰).

«حادثه السن: کنایه عن الشباب و اول العمر» که اشاره به شروع نوجوانی و آغاز بلوغ دارد. در دوره نوجوانی پدیده تازه و نویی در وجود فرد بروز می‌کند که بلوغ نام گرفته است. واژه «شباب» با توجه به ریشه آن که به معنای افروختن و روشن کردن است؛ گویا اشاره به افروختن و روشن شدن این پدیده، در مرحله نوجوانی دارد (زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۹۰).

بلوغ از نظر لغوی؛ به معنای رسیدن است (سیاح، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۳۰). راغب می‌گوید: رسیدن به انتهای مقصود و گاهی نزدیک شدن به مقصد مراد است، هرچند به آخر نرسد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۴۴). در ارتباط با بلوغ واژه «ادراک» نیز استعمال می‌شود ادراک الغلام = ای بلغ (زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۶، ص ۴).

از نظر اصطلاحی نیز بلوغ رسیدن به مرحله تکلیف است (مهریزی، ۱۳۷۶، ص ۲۰۷). بنابراین بلوغ در اصطلاح، افزون بر معنای لغوی، به داشتن تکلیف هم اشاره دارد.

۲- ویژگی‌های نوجوانی در قرآن و علوم تربیتی

به استناد آیات قرآن زندگی هر فرد بعد از تولد، شامل سه مرحله اساسی می‌باشد.

«اللّٰهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَيْبَةً يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْقَدِيرُ»؛ «خدا آن کسی است که شما را اول از جسم ضعیف (نطفه) آفرید آنگاه پس از ضعف و ناتوانی توانا کرد و باز از توانایی به ضعف و سستی پیری برگردانید. او هر چه بخواهد خلق می‌کند زیرا خدا به همه امور عالم و دانا (و به هر چه خواهد) توانا است» (روم: ۵۴).

طبق این آیه شریفه سه دوران عمده در زندگی آدمی وجود دارد:

الف- دوران ضعف نخست (خلقکم من ضعف)؛

ب- دوران قوت (من بعد ضعف قوه)؛

ج- دوران ضعف نهایی (من بعد قوه ضعفا) (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳، ج ۱۴، ص ۲۴)؛

طباطبایی، ۱۳۶۱، ج ۳۲، ص ۱۵) که در هر دوران، مراحل مختلفی وجود دارد.

همچنین در سوره مبارکه حج نیز خداوند می‌فرماید: «... وَ نُقِرُّ فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ وَ مِنْكُمْ مَّنْ يُتَوَفَّى وَ مِنْكُمْ مَّنْ يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْذَلِ الْعُمُرِ...»؛ «و آنچه را اراده می‌کنیم تا مدتی معین در رحم‌ها قرار می‌دهیم، آنگاه شما را (به صورت) طفل بیرون می‌آوریم سپس (حیات شما را ادامه می‌دهیم) تا به حد رشد برسید و برخی از شما (زودرس) می‌میرید و برخی از شما به غایت پیری می‌رسید» (حج: ۵).

این آیه شریفه نیز مراحل عمده زندگی انسان را بعد از تولد بیان می‌کند:

الف- دوران طفولیت (ثم نخرجكم طفلاً)؛

ب- دوران بلوغ (لتبلغوا اشدكم)؛

ج- دوران پیری (ارذل العمر) (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳، ج ۱۶، ص ۴۹۷؛ طباطبایی، ۱۳۶۱،

ج ۲۸، ص ۲۰۶)

۲-۱- دوران ضعف نخست یا طفولیت

در اصطلاح قرآن، فرد از هنگام تولد تا بلوغ، «طفل» نامیده می‌شود. «..... أَوِ الطُّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ...» (نور: ۳۱). در روایات این دوران به دو مرحله تقسیم می‌شود:

الف - مرحله فعالیت که همان هفت سال اول زندگی آدمی است.

ب - مرحله حصول قابلیت تعلیم و تأدیب؛ در این مرحله از هفت سالگی به بعد ویژگی تازه‌ای در فرد حاصل می‌شود و آن ویژگی «تکلیف پذیری» است (باقری، ۱۳۸۲، ص ۱۲۲).

۲-۲- دوران قوت

پس از طفولیت دوران دیگری فرا می‌رسد که آن را دوران قوت می‌نامند. این دوران نیز مراحل دارد.

مرحله اول، مرحله بلوغ می‌باشد. از پایان مرحله نهایی دوران گذشته (طفولیت)، زمینه‌هایی در فرد فراهم می‌شود که سرانجام به بلوغ جنسی ختم می‌شود.

در قرآن علاوه بر بلوغ جنسی از عنوان «بلوغ اشد» «وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَاسْتَوَىٰ ۖ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا» (قصص: ۱۴) یاد شده است که در ضمن این دو مرحله از بلوغ، فرد به قابلیت فکری و اجتماعی نایل می‌شود.

در مورد قابلیت فکری می‌توان به توصیه‌های لقمان به فرزندش استناد جست. خداوند می‌فرماید: «وَإِنْ جَاهِدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا...»؛ «و اگر پدر و مادر تو را به شرک خدا وادار کنند (که) تو به (حقیقت) آن علم نداری، (دراین صورت) پس دیگر امر آنها را اطاعت مکن» (لقمان: ۱۵).

اگر پدر و مادر به سبب عقیده انحرافی فرزند را امر به شرک کنند وظیفه فرزند تسلیم نشدن و حفظ استقلال فکری‌اش می‌باشد تا عقیده توحیدی را با شرک معاوضه نکند (شریعتمداری، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۴۰۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۵۳، ج ۱۷، ص ۹۶).

این امر پروردگار نشانه آن است که فرد با ورود به عرصه تکلیف یعنی رسیدن به مرحله بلوغ، به قابلیت فکری کافی دست می‌یابد تا آنجا که باید استقلال فکری خود را حفظ کرده و در مقابل خواسته‌های ناصحیح تسلیم نشود. فرزند انسان از زمان تولد تا بلوغ «کودک» یا «صغیر» نامیده می‌شود. در این مرحله فاقد تکلیف الزامی است؛ زیرا تکلیف مشروط به بلوغ است. (لأنَّ التكاليف منوطة بالبلوغ) (حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۶، ص ۱۰۹) و در اینکه بلوغ شرط تکلیف به واجب و حرام است هیچ اختلافی نیست (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۲۶۶).

در این آیه نهی از اطاعت پذیری در صورت دعوت به شرک صورت گرفته است و این انشاء طلبی از صغیر معنا ندارد. اما قابلیت اجتماعی به دلیل حصول رشد می‌باشد. «رشد» به معنای راه یابی و هدایت به مقصد است (سیاح، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۵۶۲). منظور از رشد در این مرحله، دست یابی به قابلیت کافی برای تنظیم امور اقتصادی و اجتماعی است که بدین ترتیب فرد می‌تواند به طرف مقصد زندگی خود هدایت شود. از مقایسه دو آیه شریفه زیر می‌توان به این نکته دست یافت که رشد و بلوغ اشد با هم ملازمه دارند (باقری، ۱۳۸۲، ص ۱۲۲).

خداوند در آیه ۶ سوره نساء می‌فرماید: «وَابْتَالُوا الْيَتَامَىٰ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ...»؛ «و یتیمان را بیازماید تا وقتی به (سن) زناشویی برسند، پس اگر در ایشان رشد (فکری) یافتید، اموالشان را به آنها رد کنید».

و در سوره کهف آیه ۸۲ می‌فرماید: «وَأَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ فِي الْمَدِينَةِ وَكَانَ تَحْتَهُ كَنْزٌ لَهُمَا وَكَانَ أَبُوهُمَا صَالِحًا فَأَرَادَ رَبُّكَ أَنْ يَبْلُغَا أَشُدَّهُمَا وَيَسْتَخْرِجَا كَنْزَهُمَا...»؛ «و اما آن دیوار، از آن دو نوجوان یتیم در آن شهر بود و زیر آن، گنجی متعلق به آن دو وجود داشت و پدرشان مرد صالحی بود و پروردگار تو می‌خواست آنها به حد بلوغ برسند و گنجشان را استخراج کنند».

خدا خواست تا آن اطفال به حد رشد برسند تا (به لطف خدا) خودشان گنج را استخراج کنند.

در هر دو آیه بحث از نایل شدن اطفال یتیم به قابلیت تصرفات مالی و اقتصادی است اما در آیه اول پدیدار شدن «رشد» و در آیه دوم «بلوغ اشد» مطرح شده است که در واقع ملازمه این دو را می‌رساند. حصول رشد بعد از بلوغ به منزله شرطی برای شرکت فرد نوجوان در امور

اقتصادی و اجتماعی است. لذا جواز فرد برای مبادرت در پاره‌ای از احکام اسلامی که جنبه اقتصادی و اجتماعی دارد، مثل تصرفات مالی، شهادت دادن و ... نیل به رشد است. پس فرد در بلوغ و مرحله اوج بلوغ که اولین مرحله قوت است، به قابلیت‌هایی نظیر قابلیت فکری، اجتماعی، اقتصادی، آمادگی برای ازدواج و ... می‌رسد. بنابراین اگر در احادیث، هفت سال سوم زندگی به عنوان مرحله تکلیف‌پذیری، وزارت و مشورت معرفی شده است، ناظر بر همین امور است (باقری، ۱۳۸۲، ص ۱۲۳).

در احادیث برای تعیین سن نوجوانی بین سیزده، چهارده و پانزده سالگی شاهد نوساناتی هستیم. به‌طوری‌که بعضی از احادیث، سیزده سالگی را به عنوان شروع مرحله بلوغ می‌دانند و در بعضی احادیث سن چهارده سالگی را سن آغاز بلوغ معرفی می‌نمایند و در هر دو مورد مسئله، وجود پاداش و تنبیه در برابر اعمال آنها مطرح است. امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «اذا بَلَغَ الْغُلَامُ ثَلَاثَ عَشْرَةِ سَنَةٍ كُتِبَتْ لَهُ الْحَسَنَةُ وَ كُتِبَتْ عَلَيْهِ سَيِّئَةٌ وَ عَوِيبٌ؛ هنگامی که فرزند به سیزده سالگی رسید اعمال نیک و بد وی نوشته می‌شود و مورد مؤاخذه قرار می‌گیرد» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۹، ص ۳۶۵).

در جایی دیگر در پاسخ به سؤالی چنین می‌فرمایند: «فی کَم تَجَرى الاحکامُ علی الصبیان؟ قال (علیه السلام): فی ثلاثٍ عَشْرَةٍ وَ اربع عَشْرَةِ سَنَةٍ؛ چه موقع می‌توان احکام را بر کودکان جاری ساخت؟ حضرت فرمودند: در سیزده و چهارده سالگی» (طوسی، ۱۳۶۲، ج ۶، ص ۱۰). و در حدیثی سن پانزده سالگی را (با بیان معیارهای جسمی بلوغ) برای آغاز مرحله بلوغ معرفی می‌نمایند.

حضرت می‌فرمایند: «الغلام لا يجوز امره في البيع والشراء، ولا يخرج من اليتيم حتى يبلغ خمسة عشر سنة او يحتلم او يشعر او يتبت قبل ذالك؛ كودك نابالغ جایز نیست خرید و فروش کند و از یتیمی خارج نمی‌شود تا اینکه پانزده ساله شود یا محتلم شود یا (اینکه در برخی از قسمت‌های بدن او) مو برود» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۷، ص ۱۹۷).

از این حدیث برمی‌آید در صورت عدم نشانه‌ها و معیارهای جنسی و جسمی، می‌توان ورود به سن پانزده سالگی را آخرین نشانه و معیار بلوغ قرار داد.

در مورد دختران سن نه سالگی آغاز قبول مسئولیت می‌باشد. نتیجه اینکه از دیدگاه اسلام شروع مرحله نوجوانی با بلوغ آغاز می‌شود. اما مرحله دوم دوران قوت را «استواء» نامیده‌اند که بعد از اوج بلوغ ظهور می‌کند (بستانی، هویشم، ۱۳۸۸، ص ۱۱۹). قرآن در مورد این مرحله می‌فرماید: «وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَاسْتَوَىٰ ءَاتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا...»؛ «چون به رشد و کمال خویش رسید به او حکمت و دانش عطا کردیم» (قصص: ۱۴).

این دوره را بیشتر صاحب نظران علوم تربیتی حد فاصل کودکی و جوانی می‌دانند. نوجوانی به معنای رشد تا رسیدگی است. منظور از رشد و رسیدگی فقط رشد جسمانی نیست، بلکه رشد روانی و اجتماعی را نیز شامل می‌شود. در این مرحله نوجوان از یک سو در حال گسیختن از پیوندهای خود با دوره کودکی و از سوی دیگر شیفته دستیابی به استقلال بزرگسالی است. لذا این دوره دارای طیف وسیعی است که با بخشی از قلمرو کودکی مرتبط می‌شود و انتهای این طیف به جوانی و دوران بزرگسالی می‌رسد. نوجوانی مرحله دگرگونی و تغییرات کیفی است که نوجوان را از کودک و بزرگسال جدا می‌سازد (نجاتی، ۱۳۸۹، ص ۱۴).

شروع سن نوجوانی همراه با بلوغ جسمی و جنسی است. بنابراین مشخص کردن سن طبق این معیار در افراد با قاطعیت بیشتری امکان پذیر می‌باشد هرچند همین نقطه آغاز هم در افراد

جوامع مختلف متغیر است زیرا عوامل شروع سن بلوغ مانند جنسیت، وراثت، محیط اجتماعی، وضعیت تغذیه، روابط اجتماعی و... را نمی توان نادیده گرفت از طرفی پایان آن را هم بر حسب شرایط محیطی و فرهنگی نمی توان در جوامع مختلف یکسان دانست. بنابراین متخصصان این امر بیشتر در مورد میانگین سن، سخن می گویند و به همین دلیل مرحله نوجوانی، از سوی روانشناسان به صورت های متفاوتی تقسیم بندی شده است (شرفی، ۱۳۷۹، ص ۲۳).

گروهی از روانشناسان نوجوانی را به سه مرحله تقسیم کرده اند:

الف- نوجوانی نخستین (از سیزده تا پانزده سالگی)

ب- نوجوانی میانه (از پانزده تا هیجده سالگی)

ج- نوجوانی بعدی یا انتهایی (از هیجده تا بیست سالگی)

گروهی نیز نوجوانی را به دو مرحله تقسیم کرده اند:

الف- دوره اول نوجوانی (از دوازده سالگی تا شانزده سالگی)

ب- دوره دوم نوجوانی (از شانزده تا بیست سالگی) (نجاتی، ۱۳۸۹، ص ۱۶). در روانشناسی

رشد برای این دوران تقسیم بندی های دیگری نیز بیان شده است. به عنوان مثال، در یک تقسیم بندی در ذکر سن برای دختران و پسران، تفاوت هایی قائل شده اند. اما نقطه اشتراک این تقسیم بندی ها این است که خط امتداد نوجوانی از سن ده سالگی تا بیست سالگی را شامل می شود و مهم ترین ویژگی دوران نوجوانی را بلوغ ذکر می کنند. نکته دیگر اینکه؛ برای بلوغ علائمی ذکر می شود که وجود همین علائم سبب شده است شروع سن نوجوانی در دختران زودتر از پسران اعلام شود.

۳- اهمیت نوجوانی از دیدگاه قرآن و علوم تربیتی

بر طبق مراحل زندگی انسان در قرآن، نوجوانی مرحله قوت و قدرت، ایام طراوت و شادابی و انرژی‌زایی است. در این مرحله جهل تبدیل به دانایی، ضعف تبدیل به توانایی و وابستگی مبدل به استقلال می‌شود.

خداوند می‌فرماید: «... ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً...»؛ «سپس بعد از ضعف (دوران) قوت را قرار داد» (روم: ۵۴).

یکی از مهمترین ویژگی‌های این مرحله، بالغ شدن فرد است. حادثه مهمی که به دنبال خود، آمادگی و استعداد فرد را برای حضور در مقابل پروردگار عالم، فراهم می‌سازد. قرآن می‌فرماید: «وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ...»؛ «و آنگاه که اطفال شما به حد احتلام (و بلوغ) رسیدند» (نور: ۵۹).

واژه «حلم» به معنای آنچه در خواب دیده می‌شود، بلوغ، تکلیف، رؤیا و عقل می‌باشد (سیاح، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۳۳۴) در این آیه واژه «حلم» کنایه از بلوغ است که با یک جهش عقلی و فکری توأم است. گاه چون جوانان مقارن با بلوغ، صحنه‌هایی در خواب می‌بینند که سبب احتلام آنها می‌شود؛ این واژه به عنوان کنایه از بلوغ بکار رفته است (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳، ج ۱۴، ص ۵۴۱).

کودک بعد از بالغ شدن و رسیدن به مرحله نوجوانی مکلف می‌شود که به انجام فرایض بپردازد و هر چه از واجبات را تا قبل از این مدت به صورت تمرینی و تقلیدی انجام می‌داده است، باید بعد از این به صورت دقیق و دائمی به انجام برساند.

در اهمیت این دوران، احادیث فراوانی ذکر شده است. از جمله اینکه از این دوران در قیامت سؤال می‌شود پیامبر فرمودند: «إِنَّ الْعَبْدَ لَا تَزُولُ قَدَمًا عَبْدٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يَسْأَلَ عَنْ أَرْبَعٍ عَنْ عُمْرِهِ فِيمَا أَفْنَاهُ وَ شَبَابٍ فِيمَا أَبْلَاهُ وَ...؛ بدرستی که بنده بر نمی‌دارد قدمی از قدم در روز قیامت تا اینکه به چهار چیز پاسخ دهد. اینکه عمرش را در چه راهی فنا کرده و نوجوانی خود را در چه مسیری گذرانده است و...» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷، ص ۲۵۸).

گویا منظور حضرت از این عبارت، توجه دادن آدمی به اهمیت این دوران است. زیرا هنگامی که از انسان سؤال شود عمرت را در چه راهی گذراندی؟ خود به خود این دوره را نیز شامل می‌شود. اما حضرت به‌طور خاص در مورد سؤال از این مرحله و این دوران در ادامه حدیث سخن به میان آورده‌اند که در واقع بیانگر اهمیت این مرحله می‌باشد. توصیه‌های امیرالمومنین علی (علیه السلام) نیز بر اهمیت این مرحله، سند قاطعی است. حضرت می‌فرمایند: «شَيْئَانِ لَا يُعْرَفُ فَضْلُهُمَا إِلَّا مَنْ فَقَدَهُمَا: الشَّبَابُ وَالْعَافِيَةُ» (ابن ابی فارس، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۲۸).

امیرالمؤمنین (علیه السلام) در این حدیث شریف، نعمت نوجوانی را در ردیف نعمت عافیت و تندرستی می‌آورند؛ زیرا همه به این مسئله، که صحت و سلامتی یکی از بزرگترین نعمات الهی است، اعتقاد دارند.

همچنین امیرالمؤمنین (علیه السلام) همواره به یاران و اصحاب جوان خود می‌فرمودند: «بَادِرْ شَبَابَكَ قَبْلَ هَرَمِكَ؛ جوانیت را قبل از پیری دریاب» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۶۸، ص ۱۰۸) و نسبت به آنهایی که از نیرو و قوت و قدرت این دوران غافل و از جایگاه و موقعیت ویژه خود بی‌خبر بودند و این فرصت را به راحتی از کف می‌دادند و از آن به خوبی استفاده نمی‌کردند، می‌فرمودند: «فَهَلْ يَنْتَظِرُ أَهْلُ بَضَاضَةِ الشَّبَابِ إِلَّا حَوَانِي الْهَرَمِ؟؛ آیا کسی که در جوانی اهل تن پروری بوده می‌تواند در پیری چیزی جز شکستگی و ذلت را انتظار داشته باشد؟!» (مجلسی،

۱۴۰۴ق، ج ۶۸، ص ۱۰۸). اساساً آنهایی که از این مرحله به خوبی بهره می‌برند و به سلامت عبور می‌کنند، در مراحل بعدی نیز با مشکلات جدی و سخت روبرو نخواهند شد.

این مرحله از عمر انسان دوره‌ای پیچیده از مراحل رشد انسان است؛ زیرا در طی این دوران، نوجوان بلوغ و بحران بلوغ را تجربه می‌کند که بر رشد جسمانی و روان شناختی او تاثیر می‌گذارد. بحران هویت به مسائل و مشکلات عاطفی آنها در این مرحله بیش از پیش دامن می‌زند. نوجوان از نظر هوشی به مرحله تفکر انتزاعی می‌رسد. نوجوانی، یک دوره انتقال از کودکی و وارد شدن به دنیای بزرگترها می‌باشد. خود نوجوان نیز تمایل دارد از دوران کودکی رها شود. بنابراین نقش الگوها در ورود او به دنیای بزرگسالان و آموزش مسائل این دوران بسیار با اهمیت است. نوجوانی یک دوره تغییر است. میزان تغییر در نگرش‌ها و رفتارها در طی دوران نوجوانی با میزان تغییر در وضعیت بدنی برابر بوده و این تغییرات نیز همانند تغییرات فیزیولوژیکی با شتاب بوجود می‌آید. نوجوانی یک سن مسئله آفرین است؛ زیرا در سراسر دوره کودکی مسائل و مشکلات او توسط والدین، بزرگترها، مربیان و معلمان رفع می‌شد. اما اکنون نوجوان خواستار این است که خودش مشکلاتش را حل کند. به همین سبب اغلب کمک‌های والدین و مربیان را نمی‌پذیرند و دیگر اینکه نوجوانان دوست دارند افرادی مستقل و آزاد باشند، بر خلاف کودکان که همیشه اظهار وابستگی می‌کنند (سهراب زاده و حکیم جوادی، ۱۳۹۹، ص ۵۹ و ۶۰). «روسو» از این دوره با نام (تولد دوباره) یاد می‌کند. برخی دیگر از روانشناسان از این دوره با نام دوره «عاطفه پرستی»، «احساس گرایی»، «فشار»، «بی سر و سامانی روحی»، «نقطه عطف زندگی» و دوران «تشنج» تعبیر کرده‌اند (بیابانگرد، ۱۳۷۸، ص ۱۷).

این دوران در واقع مرحله بروز برخی مشکلات است. مشکلات جسمانی نظیر نداشتن تناسب اندام مطلوب، احساس خستگی و بی‌رمقی، ظهور ناگهانی تمایلات جنسی و در بسیاری

از مواقع ارضاء نادرست این تمایلات و مشکلات اجتماعی از قبیل ناتوانی در گفتگو با دیگران، عدم آشنایی با فعالیت‌های اجتماعی، بی‌اطلاعی از شیوه‌های صحیح ارتباط، مشکلات تحصیلی مثل عدم تمرکز و توجه، عدم توانایی در برنامه ریزی صحیح، اطلاع نداشتن از شیوه صحیح مطالعه، تبعیض در کلاس، ضعف دقت و مشکلات اخلاقی مانند خودنمایی، پرخاشگری، وسواس، انحرافات جنسی و مشکلات خانوادگی نظیر اختلاف بین پدر و مادر، محدودیت زیاد، استبداد پدر و مادر، بد اخلاقی با فرزندان، خوار شمردن نوجوان، تبعیض بین فرزندان، عصبانیت، وجود والدین بد بین، بی‌مهری و سردی والدین نسبت به فرزندان، نداشتن کانون گرم و صمیمی در سایه محبت و ... می‌توان اشاره کرد (اناری، ۱۳۹۹، ص ۱۲).

تغییرات رشدی این دوران، همه جانبه است و توجه به آن ضروری است. نوجوان دارای ماهیتی، زیستی - اجتماعی است. به عبارت روشن‌تر رشد و تکامل نوجوانی از عوامل طبیعی و سرشتی، تجارب دوران طفولیت و کودکی، گرایش‌های والدین، نقش گروه‌های همسال و مقتضیات، خواسته‌ها و انتظارات والدین، دوستان و جامعه متأثر می‌شود (منصور و دادستان، ۱۳۵۶، ص ۳۰۲).

۴- مختصات و ابعاد بلوغ از دیدگاه قرآن و علوم تربیتی

قرآن کریم «احتلام» را کنایه از بلوغ می‌داند. «وَ إِذَا بَلَغَ الْأَطْفَلُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ» (نور: ۵۹) و آن را پایان دوره کودکی و شروع دوره نوجوانی معرفی می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳، ج ۱۴، ص ۵۴۱).

بلوغ در لاتین به معنای سن مردانگی است (حق شناس و انتخابی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۱۰۳۷) و در اصطلاح وقتی اعضای جنسی فرد به رشد نهایی خود می‌رسد، بلوغ حادث می‌شود. رشد،

صفات ثانویه جنسی و تغییرات بدنی و روانی نشان دهنده بلوغ است (منصور و دادستان، ۱۳۶۵، ص ۷۱).

هنگامی که کودک به دنیا می آید، دارای چهار هزار سلول عصبی مغزی است. تمام این سلول‌ها در همه وقت در حال فعالیت نیستند. به محض اینکه روابط عصبی نسوج برقرار شد، تمرین فعالیت عصبی، خود به خود آغاز می گردد؛ ولی قبل از رسیدن به بلوغ، این واکنش‌های عصبی خیلی زیاد نیست. اگر شرایط انفعالی رضایت بخش نباشد، بلوغ مغزی به طور طبیعی پیشرفت نمی کند. فعالیت‌های عصبی باید بارور شده به مرحله تکامل لازم برسد و اگر کودک در این مرحله نتواند از آن استفاده کند، بلوغ او به کندی پیش می رود. از تاثیر عوامل هورمونی در رشد غده هیپوفیز که در تنظیم رشد بلوغ اهمیت فوق العاده‌ای دارد، نمی توان چشم پوشی کرد. در مرحله بلوغ، هیپوتالاموس به غده هیپوفیز علائمی می دهد تا هورمون‌هایی را که تاکنون ترشح نمی کرد، ترشح کند و این هورمون‌ها بر سایر غدد مثل تیروئید، آدرنال، تخمدان‌ها در زنان و بیضه‌ها در مردان اثر کنند و این غدد هورمون رشد جنسی را فعال می کند (شکیباپور، ۱۳۵۲، ص ۱۵۹). بر این اساس تکامل فیزیولوژیکی مغز و روان و جان آدمی را بلوغ می گویند. تغییرات بلوغ در همه افراد، در یک سن خاص و در زمان خاص رخ نمی دهد، بلکه در برخی نوجوانان در همان اوایل و در بعضی در اواسط و حتی اواخر نوجوانی صورت می گیرد. اما قابل توجه این است که پدیده «بلوغ» در نوجوانی رخ می دهد. در حصول پدیده بلوغ اختلالاتی نظیر زودرسی و دیررسی هم صورت می گیرد که به شرایط و عوامل متعددی بستگی دارد. به عنوان مثال از عوامل بلوغ دیررس کم کاری هورمون‌ها، کمی هورمون رشد، نوع تغذیه و شرایط آب و هوا را ذکر کرده‌اند. اما در بلوغ زودرس - که خطرناک هم به نظر می رسد - به عواملی همچون: نوع تغذیه، شرایط جوی (آب و هوای گرم)، مطالعه کتب محرک، غریزه

جنسی، بی‌قیدی مثل ارتباط بی‌قید و شرط اطرافیان از جمله پدر و مادر، نوع پوشش و ... اشاره کرده‌اند (بیابانگرد، ۱۳۷۸، ص ۵۷).

۵- انواع بلوغ از منظر قرآن و علوم تربیتی

در این دوره، فرد به مرحله‌ای می‌رسد که تحولاتی در اندام، احساسات و اندیشه‌اش پدیدار می‌گردد. این از عمر، مرحله بسیار حساسی است. نوجوان در این مرحله از جهات مختلف به بلوغ و رشد می‌رسد، اما همه ابعاد بلوغ بطور همزمان رخ نمی‌دهد. در همه جوامع و نزد همه مکاتب، این مرحله به علت دگرگونی‌های عمیق جسمی و روحی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به همین جهت روانشناسان، حقوق‌دانان، جامعه‌شناسان و فقیهان به بررسی و تحقیق در این زمینه پرداخته‌اند و با توجه به تحقیقات، آنها به ابعاد مختلفی از بلوغ اشاره می‌کنند. از جمله بلوغ جسمی، جنسی، عقلی، عاطفی، قانونی، نکاح، بلوغ شرعی و اعتقادی.

۵-۱- بلوغ جسمی

از مشخص‌ترین و محسوس‌ترین جنبه‌های رشد، بلوغ جسمی است که از آغاز تشکیل نطفه شروع می‌شود و بعد از تولد با یک آهنگ منظم جریان می‌یابد و همزمان با تغییرات بدنی، تحولاتی در شخصیت فرد نیز بوجود می‌آید. بیشترین تغییرات و تحولاتی که در دوران بلوغ، دیده می‌شود، رشد و تکامل فیزیکی در داخل (تغییرات هورمونی) و خارج از بدن مانند تغییر در اندام‌ها، مانند بلند شدن قد، رشد مو در اطراف اندام جنسی، تغییر صدا و بم شدن آن، آکنه‌های پوستی و... که کاملاً محسوس است (اناری، ۱۴۰۲، ص ۳۷).

منظور از بلوغ جسمی، آخرین حد رشد جسمانی فرد می‌باشد که این رشد بر اساس عواملی مثل ژنتیک، محیط جغرافیایی، نوع تغذیه و ... کما بیش فرق می‌کند. ولی به‌طور کلی

آخرین حد رشد جسمانی در دختران تقریباً پایان شانزده سالگی و در پسران تا پایان بیست سالگی است. بعد از آن، رشد جسمی خیلی کند می‌شود به طوری که از بیست و سه و بیست و چهار سالگی دیگر رشد جسمی کاملاً متوقف می‌شود (آسیموف و بهزاد، ۱۳۶۶، ص ۴۵۸). بنابراین داشتن یک برنامه غذایی مناسب و سالم در این دوره الزامی است.

امام صادق (علیه السلام) نیز در تفسیر آیه شریفه «وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَاسْتَوَى...» (قصص: ۱۴) فرمودند: «اشدّه ثمانی عشرة سنه و استوی التحی» (ابن بابویه قمی، ۱۳۶۱، ص ۲۲۶). مراد از «اشده» (نیرومندی) رسیدن به سن هیجده سالگی و مراد از «التحی» رویدن مو در صورت است. آیت الله طباطبایی نیز معتقد است: «بلوغ اشد» اشاره به نیرومندی بدن دارد که این نیرو غالباً در هیجده سالگی در فرد حاصل می‌شود» (طباطبایی، ۱۳۶۱، ج ۳۲، ص ۱۰۸).

۵-۲- بلوغ جنسی

نقطه زمانی پیدایش غریزه جنسی در کودک را شروع بلوغ می‌گویند که آغاز آمادگی جنسی است. در این دوره، اندام‌های جنسی به جهت بروز صفات ثانویه جنسی شروع به رشد می‌کند. پسران، توانایی در امر تولید اسپرم برای باردار کردن، و دختران توانایی در آزاد کردن تخمک و باردار شدن پیدا می‌کنند (وایت و شاهلویی، ۱۳۶۰).

تغییرات هورمونی که سبب ساز بلوغ جنسی در نوجوان می‌باشد، می‌تواند منجر به نوسانات عاطفی و افزایش حساسیت نوجوان شود. رشد هویت جنسی، بخشی از فرایند عمومی رشد است و اساس زیستی دارد. اما با عواملی نظیر چگونگی ارتباط با والدین، همسالان، محیط آموزشی و فرهنگ و جامعه نیز مرتبط است. برخی از تحقیقات نشان می‌دهد که هویت جنسی از جهت نگرش و رفتار، در دختران و پسران متفاوت است. براین اساس، انرژی پسران عمدتاً جهت گیری

خارجی دارد و بر کنترل و تسلط بیرونی متمرکز است؛ در حالی که انرژی روانی دختران متوجه دنیای درونی و عاطفی است (لطف آبادی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۱۲۶).

قرآن نیز به بلوغ جنسی اشاره دارد. در تفسیر آیه شریفه «و إِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ» (نور: ۵۹) آمده است: «حلم» به معنای در خواب دیدن می باشد و منظور از احتلام خروج منی است و احتلام از نشانه های بلوغ است. لذا این آیه اشاره به بلوغ جنسی دارد.

امام صادق (علیه السلام) نیز در این باره می فرمایند: «انقطاع یتیم بالاحتلام؛ یتیمی با محتمل شدن پایان می پذیرد» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۷، ص ۶۸). بنابراین احتلام از نشانه های اصلی و بارز بلوغ جنسی می باشد.

گذر از مرحله بلوغ جنسی، مشکلات متعددی در زمینه روانشناختی از جمله اضطراب، افسردگی، اختلالات خلقی، اختلال در خوردن مثل بی اشتهاپی و... را به همراه دارد (سهراب زاده و حکیم جواد، ۱۳۹۹، ص ۶۴). درک موقعیت و صحبت با نوجوان در مورد بلوغ جسمی و جنسی به جهت آگاه کردن، آرام کردن و حتی دلپذیر کردن این دوره برای آنها ضروری است؛ زیرا اغلب نوجوانان از این تغییرات حاصله ناخشنود و حتی مضطرب می شوند.

۳-۵- بلوغ عقلی یا رشد شناختی

بلوغ عقلی یعنی زمانی که عقل به نهایت رشد و کمال خود می رسد (حق جو، ۱۳۷۶، ص ۲۴).

همه افراد در رسیدن به بلوغ عقلی و فکری یکسان نیستند. رشد شناختی در این دوره با تغییرات پیچیده ای همراه است که بر تفکر، یادگیری و تصمیم گیری نوجوان تاثیر گذار است. در این دوره نوجوان قادر به تفکر انتزاعی می شود (لطف آبادی، ۱۳۸۰، ص ۱۰۲).

بنابراین می‌تواند به تجزیه و تحلیل مفاهیم بپردازد. او می‌تواند استدلال‌های منطقی را انجام داده و نتایج احتمالی را بررسی کند؛ به‌طوری که شروع به تجزیه و تحلیل احساسات و تفکرات خود می‌کند و نسبت به قضاوت‌های دیگران حساس‌تر می‌شود در حالی که در دوره‌های گذشته (کودکی) این گونه نبود. یعنی با ورود به دوران نوجوانی یک تحول کیفی در تفکر نوجوان بوجود می‌آید. از نظر «دانیل کتینگ» تفکر در نوجوانی دارای پنج ویژگی اساسی است و آنها عبارتند از: تفکر درباره ممکنات، تفکر آینده‌نگر، تفکر با کمک فرضیات، اندیشیدن به فرایند فکری خود و تفکر در ورای حدود قراردادی (شریفی، ۱۳۸۰، ص ۱۹۳). این مرحله با مخاطرات جدی نیز همراه است. کودکی که تا دیروز وضعیت موجود را همان گونه که بود می‌پذیرفت و دستورالعمل‌ها را اجرا می‌کرد، به مرحله‌ای می‌رسد که قادر است شقوق فرضی متفاوت از واقعیت موجود را در ذهن تصور کند و گاهی واقعیت‌ها را نپذیرد. تفکر ایده‌آلی او ریشه در همین مسئله رشد شناختی و رسیدن به مرحله تفکر انتزاعی دارد. این ایده‌آل‌گرایی بین نوجوان و والدین و نسل قبلیش شکاف عمیقی به وجود می‌آورد (لطف آبادی، ۱۳۸۰، ص ۱۰۸). یکی دیگر از مخاطرات دوره نوجوانی که مرتبط با پدیده تحول شناختی نوجوان است، خود محوربینی نوجوان می‌باشد که تصور می‌کند همیشه تحت نظر است و دیگران نیز مانند خودشان نسبت به همه اعمال و حرکات و وضعیت ظاهری آنها حساس هستند. بنابراین مثل فردی که روی صحنه نمایش است خود را می‌بیند و به تبع آن خیلی وسواس گونه عمل می‌کند. از طرفی به دلیل علاقه‌مندی به بروز و بکارگیری توانمندی‌های ذهنی، تمایل به مجادله در بحث‌های مذهبی، فلسفی و... در این دوره دیده می‌شود (رایس فلیپ، فروغان، ۱۴۰۱، ص ۲۱۸).

قرآن درباره بلوغ عقلی و رشد فکری می‌فرماید: «وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ...» (اسراء: ۳۴). در تفسیر این آیه چنین آمده است: «حفظ مال یتیم خدمتی آشکار به یتیمان است و این وضع تا زمانی که آنها به رشد فکری و عقلی برسند، ادامه دارد» (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳، ج ۱۲، ص ۱۰۹). لغت «اشد» از «شد» به معنای گره محکم است و به هرگونه استحکام جسمانی و روحانی گفته می‌شود. لغت «اشد» هم بلوغ بدنی و هم بلوغ فکری را می‌رساند (قرشی، ۱۳۸۱، ج ۴، ص ۱۱).

ابن سنان از امام صادق (علیه السلام) سؤال کرد: «مَتَىٰ يَدْفَعُ إِلَى الْغُلَامِ مَالَهُ؟ قَالَ: «إِذَا بَلَغَ وَ أَوْتَسَ مِنْهُ رَشْدٌ وَ كَمَ يَكُنْ سَفِيهًا أَوْ ضَعِيفًا؛ چه موقع اموال نوجوانان در اختیارشان سپرده می‌شود؟ امام فرمودند: موقعی که بالغ شود و بعلاوه رشد عقلی وی نیز معلوم گردد و سفیه یا ضعیف العقل نباشد» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۰۰، ص ۱۶۴).

۵-۴- بلوغ عاطفی یا رشد هیجانی

از جمله نیازهای انسان، شکوفایی عواطف و احساسات است. بُعد عاطفی نیز در وجود انسان، باید تقویت شود تا نمادهای عاطفه و احساس مانند خشم، محبت، ترحم و دلسوزی و... به بلوغ و شکوفایی برسند. این بلوغ، بلوغ عاطفی نام دارد. از جمله جنبه‌های مهم رشد روانی که به نوجوان کمک می‌کند تا احساسات خود را درک و کنترل کند و در نتیجه با دیگران روابط سالم‌تری داشته باشد، رسیدن به بلوغ عاطفی و رشد هیجانی است. بلوغ عاطفی که ناشی از رشد روان انسان است، در دوره نوجوانی اوج می‌گیرد و نیازمند هدایت، به سمت و سوی راه صحیح می‌باشد (حق‌جو، ۱۳۷۶، ص ۲۴). این دوره می‌تواند تأثیرات عاطفی و روانشناختی عمیقی به همراه داشته باشد. یکی از دلایل نوسانات عاطفی، همان تغییرات هورمونی است که

موجب احساسات متغیر در نوجوان می‌گردد. از جمله خصایص هیجان و عواطف نوجوان، شدت، سرعت، عدم کنترل، ناپایداری و ناشی‌گری است (شعاری نژاد، ۱۳۸۸، ص ۵۷۲).
قرآن می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْأِحْسَانِ...» (نحل: ۹۰). عدل و احسان و نیکی کردن به دیگران ناشی از عواطف و احساسات انسان است و در صورتی که افراد به این دستور الهی، جامه عمل می‌پوشند، که به بلوغ عاطفی برسند.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرمایند: «مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ؛ کسی که صبح کند در حالی که نسبت به امور مسلمین اهتمام نرزد، مسلمان نیست» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۶۴).

در دوره نوجوانی، احساسات و عواطف، بطور چشمگیری بروز و ظهور پیدا می‌کنند. سرچشمه اغلب دوستی‌ها، خیرخواهی‌ها و بعضی از انحرافات نیز همین به اوج رسیدن عواطف است.

۵-۵- بلوغ قانونی

از نظر قوانین مدنی، بلوغ دارای سن خاصی می‌باشد. افراد بعد از رسیدن به سن قانونی باید از قوانین مصوب در مجلس قانونگذار کشورشان تبعیت کنند؛ چنانچه اگر مرتکب عمل خلاف قانون شوند، چون بالغ هستند، از نظر قانون باید با آنها برخورد شود.

به عنوان مثال؛ در ایران سن بلوغ مدنی در مرد و زن یکسان است. در قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران، ماده ۳۸ کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ برای استخدام دولتی، صدور گواهی نامه و اخذ آن، رسیدن به سن هجده سالگی ملاک است.

همچنین طبق ماده ۲۱۰ قانون مدنی ایران، صغیر به کسی گفته می‌شود که به هجده سال تمام نرسیده باشد. بنابراین کسی که به سن هجده سالگی نرسیده باشد، ارث به او می‌رسد و املاک به نام او ثبت می‌شود، اما حق خرید و فروش ندارد (مهریزی، ۱۳۷۶، ص ۳۱۸).

۵-۶- بلوغ نکاح

زمانی که فرد، صلاحیت ازدواج کردن پیدا می‌کند، می‌تواند تشکیل خانواده بدهد. در اسلام، نکاح قبل از بلوغ ممنوع است؛ یعنی قبل از حصول علائم بلوغ، دختر و پسر اجازه ازدواج ندارند (احسانبخش، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۲۱).

در تفسیر آیه شریفه «وَ ابْتُلُوا اَلْیَتَامٰی حَتّٰی اِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ...» (نساء: ۶) چنین آمده است: «این آیه به بلوغ نکاح اشاره دارد. منظور از بلوغ نکاح این است که فرد به مرحله توانایی همخواهی برسد (طوسی، ۱۳۶۲، ج ۳، ص ۱۸). زمان فرا رسیدن بلوغ نکاح همان زمان پیدایش بلوغ جنسی است (طباطبایی، ۱۳۶۱، ج ۷، ص ۲۹۱) و بلوغ نکاح کنایه از بلوغ جنسی است (کاشانی، ۱۳۵۱، ج ۲، ص ۴۳۸). اما منظور از بلوغ نکاح، فقط رسیدن به بلوغ جنسی نمی‌باشد و ظهور احتلام یا قاعدگی به تنهایی ملاک نیست. منظور از بلوغ نکاح این است که از لحاظ بلوغ جسمی و روحی فرد به کمال رسیده باشد و بتواند تشکیل خانواده بدهد و از عهده آن بر بیاید. بنابراین فقط احتلام و بلوغ جنسی منظور نیست؛ چون نه احتلام دلیل کامل بر رشد جسم و روح است و نه عدم احتلام دلیل عدم رشد جسم و روح می‌باشد. بنابراین این که بلوغ نکاح با ظهور نشانه‌های بلوغ (احتلام، انابت، سن) مشخص می‌شود، صحیح است؛ ولی اینها برای ازدواج کافی نیستند، هرچند این موارد ضروری می‌باشد.

۵-۷- بلوغ شرعی

در فقه اسلامی «بلوغ» شرط صحت انجام احکام تکلیفی و وضعی مثل عبادات، معاملات و حقوق است.

بر اساس موازین شرعی دختر بعد از به پایان رسانیدن نه سال تمام قمری و پسر بعد از اتمام پانزده سال قمری مکلف می شود و به بلوغ می رسد.

پیامبر (صلی الله علیه و اله و سلم) می فرمایند: «إِنَّهُ إِذَا اسْتَكْمَلَ الْمَوْلُودُ وَ خَمْسُ عَشْرَةَ سَنَةً كَتَبَ مَالَهُ وَ مَا عَلَيْهِ وَ أَخَذَ مِنْهُ الْخُدُودُ؛ هرگاه پانزده سال فرزند (پسر) کامل شود آنچه برای اوست و آنچه علیه اوست (از حسنات و سیئات) نوشته می شود و حدود بر او اقامه می شود» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۳، ص ۱۴۳).

همچنین پیامبر (صلی الله علیه و اله و سلم) می فرمایند: «لَا يَدْخُلُ بِالْجَارِيَةِ حَتَّى يَأْتِيَ بِهَا تِسْعَ سِنِينَ أَوْ عَشْرَ سِنِينَ؛ همبستر شدن با دختر قبل از نه و ده سالگی جایز نیست» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۸، ص ۴۱۱).

«عَلَى الصَّبِيِّ إِذَا احْتُلِمَ الصِّيَامُ وَ عَلَى الْمَرْأَةِ إِذَا حَاضَتْ الصِّيَامُ؛ بر پسران وقتی محتلم شدند و بر دختران وقتی حائض شدند روزه واجب می شود» (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۲۱۸).

با مشخص شدن علائم بلوغ، فرد از نظر فقهی و شرعی مکلف به انجام فرائض می شود.

۵-۸- بلوغ اعتقادی یا رشد اخلاقی

ریشه غرایز و خواهش های نفسانی از دوران کودکی در نهاد آدمی وجود دارند؛ اما تدریجاً با پیشرفت و افزایش سن و تناسب نمو بدن، در دوران نوجوانی با شدت بیشتری آشکار می گردند. ریشه های معرفت نیز به طور فطری در اعماق جان آدمی نهفته است. در این دوران،

همان‌طور که فرد از نیروی جسمانی برخوردار می‌شود، بذره‌های معرفت و تمایلات فطری، ایمانی و اعتقادی نیز در سراسر وجود نوجوان خودنمایی می‌کند. رشد اخلاقی در نوجوان تحت تاثیر عواملی همچون شناخت، تجربیات اجتماعی و روابط فردی است که نوجوان می‌تواند ارزش‌ها و اصول اخلاقی را بپذیرد و آنها را شکل داده و توسعه بدهد. رشد اخلاقی وابسته به رشد شناختی است. در این دوره ارزش‌ها و استانداردهای اخلاقی برای فرد بیش از پیش مطرح می‌شود.

از نظر پیاژه، رشد مفاهیم اخلاقی در کودکان دارای توالی ثابت و نامتغیری است که از یک مرحله اولیه که مرحله «واقع‌نگری اخلاقی» نام دارد، آغاز می‌شود و پس از چند سال به یک مرحله کامل‌تر به نام «اخلاق توافقی» منتقل می‌شود. از نظرایشان ویژگی‌های «اخلاق توافقی» چنین است:

- ۱- قضاوت‌های اخلاقی در این دوره در مورد قوانین اجتماعی، بیشتر «نسبی‌گرا» است. به این معنا که قوانین و مقررات در نظر نوجوان عبارت است از یک سلسله موافقت‌های قراردادی و دل‌خواهی که می‌تواند مورد تردید و حتی تغییر قرار گیرد.
- ۲- اطاعت از افرادی همانند والدین که دارای قدرت هستند، نه ضروری است و نه همیشه مطلوب.

- ۳- سرپیچی و تخلف از قوانین نیز همیشه خطا نیست و قطعاً هم به تنبیه منتهی نمی‌شود.
- ۴- در قضاوت رفتار دیگران، علاوه بر توجه به پیامدهای عینی آن، احساسات و دیدگاه‌های افراد نیز باید به حساب آید. تنبیه یک رفتار، همیشه باید مناسب با ثبات فاعل و ماهیت سرپیچی (انگیزه مخالفت) باشد.

۵- تنبیه رفتار نادرست باید به صورتی اعمال شود که یا آسیب وارده تلافی شود و یا دست کم به خطا کار پیامزد که در صورت تکرار موقعیت به گونه‌ای بهتر عمل کند.

۶- باید مساواتی به شکل «عدالت برابر» برای همه وجود داشته باشد (بی‌ریا، ۱۳۷۵، ص ۴۲۲).

«کلبرگ» دیدگاه «پیاژه» را گسترش داده است. در تحقیقات او، اخلاق دوره نوجوانی از نوع اخلاق فوق قراردادی و خودمختاری است. در واقع نوعی تصمیم‌گیری اخلاقی است که شخص با انتخاب خود اصول اخلاقی معینی را دنبال می‌کند. پایه اساسی اخلاق این دوره، اصول جهان شمول عدالت به عنوان بنیاد تصمیم‌گیری در مسائل اخلاقی است که می‌تواند به اصول دیگری همچون حقوق اجتماعی، برابری و حق تعیین سرنوشت تعمیم یابد. در این مرحله است که اخلاق فرد می‌تواند از اصول مربوط به قراردادهای اجتماعی نیز فراتر رود و حتی ضرورت نافرمانی از برخی قراردادهای اجتماعی نامطلوب را موجب بداند (سیف، ۱۴۰۱، ص ۲۸۱).

«موریس دبس» معتقد است که رشد اخلاقی و ارزشی نوجوان دارای سه مرحله است؛

مرحله اول: مرحله اخلاق بسته یا اخلاق مبتنی بر دستورات و مقررات و قوانینی که از جانب دیگران وضع شده است و نوجوان از آنها اطاعت می‌کند.

مرحله دوم: مرحله اخلاق باز که به صورت فردی بروز می‌کند و جنبه تمایل شخصی دارد. این اخلاق صورت مخالفت با ارزش‌های خانوادگی و محیطی را به خود می‌گیرد و نوجوان پیوسته به سوی حیات شخصی‌تر و خصوصی‌تر می‌رود و می‌خواهد آزاد باشد تا بتواند به میل خود رفتار کند. او غالباً در خصوص انتخاب‌های خود احساسات تند و مبالغه‌آمیزی دارد و اعمال خود را از روی این احساسات تنظیم می‌کند.

مرحله سوم: مرحله اخلاق ارزش‌هاست که در آن حالاتی مانند فداکاری، یکرنگی، پاکدلی، رحم، شفقت و قهرمانی ارزش می‌یابد و فرد با سرمشق قرار دادن انسان‌هایی که آینه کمالات اخلاقی و دینی هستند، به دعوت آنها گوش فرا می‌دهد (دبس، کاردان، ۱۳۷۴، ص ۸۹).

نوجوان به‌طور طبیعی رغبت زیادی به درک مسائل مذهبی دارد. زمانی که رسول اکرم (صلی الله علیه و اله و سلم) در مکه قیام کردند و دعوت خود را بین مردم آشکار نمودند، هیجان عظیمی در نسل نوجوان و جوان ایجاد شد. آنان به دلیل تمایل فطری مذهب، در اطراف پیامبر (صلی الله علیه و اله و سلم) اجتماع کردند و تحت تأثیر گفتار ایشان قرار گرفتند. همین امر سبب بروز اختلافات بین نوجوانان با سایرین گردید. به طوری که والدین نوجوانان نسبت به این مسئله به پیامبر (صلی الله علیه و اله و سلم) اعتراض نمودند و گفتند: «فَاجْتَمَعَتْ قَرِيشٌ فَقَالُوا: يَا اِبَاطَالِبِ اَنْ اِبْنِ اَخِيكَ قَدْ سَبَّ الهِتَا وَاَفْسَدَ شَبَابَنَا وَفَرَّقَ جَمَاعَتَنَا؛ قَرِيشٌ نَزَدَ ابِوطَالِبٍ جَمَعَ شَدَنَدٌ وَاَبَاطَالِبِ اَيُّ ابِوطَالِبٍ بَرَادِرْزَادَهَاتِ خَدَايَاں مَا رَا بِهٖ بَدِیْ يَادَ كَرَدَهٗ وَاَبَاطَالِبِ مَا رَا فَاَسَدَ نَمُودَهٗ وَاَبَاطَالِبِ مَا رَا فَاَسَدَ نَمُودَهٗ وَاَبَاطَالِبِ مَا رَا فَاَسَدَ نَمُودَهٗ» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۳۴۳).

در مرحله‌ای از نوجوانی، تمایل فطری نوجوان به مذهب بیشتر می‌شود. روان‌شناسان معتقدند: بین بحران تکلیف و جهش‌های مذهبی ارتباط وجود دارد (قائمی، ۱۳۶۱، ص ۲۴۸).

تقاضای مذهب یکی از خواش‌های فطری بشر است که با فرا رسیدن بلوغ مانند سایر تمایلات طبیعی در نهاد نوجوان بیدار می‌شود و آنها را به کوشش وادار می‌دارد.

۶- مسئله بحران هویت

به طور کلی دوران بلوغ، دوره‌ای از زندگی انسان تلقی می‌شود که در طی آن فرد با انقلاب و اغتشاش فراوانی روبرو است. نوجوان به دنبال هویت‌یابی و کشف استقلال است، یعنی می‌خواهد بداند چه کسی است؟ در زندگی به دنبال چه چیزی است؟ (برک، سید محمدی،

۱۴۰۳، ج ۲، ص ۶۹). جنسیت، فردیت، پایداری مهم‌ترین مسائل اساسی در احراز هویت محسوب می‌شوند (بیابانگرد، ۱۳۷۶، ص ۱۵۷).

بلوغ را دوران بی‌قراری، بی‌سر و سامانی روحی، دوران احساس‌گرایی و ... نامیده‌اند و حتی کار به جایی می‌رسد که از آن با نام «جنون» یاد شده است (شرفی، ۱۳۷۶، ص ۹۷). این دوران ممکن است با مشکلاتی مانند اضطراب، افسردگی و تعارضات خانوادگی همراه باشد (سهراب زاده و حکیم جوادی، ۱۳۹۹، ص ۶۱). از طرفی هم می‌تواند با غلبه بر مشکلات فرصت خوبی برای رشد و توسعه مهارت‌های فردی و اجتماعی باشد. خانواده، مذهب و فرهنگ نقش مهمی در ابراز هویت نوجوان دارند (موسوی منفرد و سهرابی زاده، ۱۳۹۴، ص ۶).

در این مرحله چون نوجوان از جهات مختلفی به بلوغ و رشد می‌رسد، مرحله بسیار حساسی است. نوجوان، برای رسیدن به کمال بلوغ دو مرحله اساسی را پشت سر می‌گذارد. یکی مرحله «جهش» و دیگری مرحله «ثبات».

مرحله «جهش» همان حرکت ابتدایی است که در آن پایداری وجود ندارد. در این مرحله نوجوان مانند گیاهی که تازه سر از خاک برآورده است، قدرت حفاظت و حراستش کم است. نوجوان در دوران پیش از بلوغ و بلوغ مرحله «جهش» را می‌گذراند. در در این مرحله نوجوان یا جهش مثبت یا جهش منفی دارد.

در مرحله «ثبات»، حرکات و رفتارهای نوجوان غالباً از پایداری برخوردار می‌شود. پایه مرحله ثابت در مرحله جهش ریخته می‌شود. مرحله ثبات را در روانشناسی «شرطی شدن» و در روایات «ملکه یا عادت» می‌نامند.

مرحله ثبات در اواخر نوجوانی یعنی بعد از بلوغ مشاهده می‌شود. در واقع کمال مرحله جهش، همان تثبیت و نهادینه شدن می‌باشد. اگر نوجوان در این مرحله به جهش مثبت یا منفی خو بگیرد و حاضر به ترک آن نشود، به مرحله ثبات می‌رسد (حق‌جو، ۱۳۷۶، ص ۳۵).

این دوره به دلیل اهمیتش شدیداً نیازمند شناخت و برخورد مناسب و حمایت و مدیریت است. نوجوان در این دوره نیازمند حمایت عاطفی، آموزشی و اجتماعی از سوی افرادی مانند والدین و معلمان و مربیان است؛ زیرا آنها افرادی هستند که با نوجوان ارتباط بیشتری دارند.

نتیجه‌گیری

بعد از بیان موقعیت و جایگاه نوجوان و ضوابط و دستورات اسلام و همچنین بیان نظرات روانشناسان و متخصصین علوم تربیتی درباره نوجوان، بازگویی تغییرات و تحولات جسمی، روحی، شناختی و... این دوره منجر به شناخت، آگاهی و درک بهتر این دوره می‌شود و آمادگی روبرو شدن با این تغییرات پیچیده به عنوان بخش طبیعی از فرآیند رشد را، فراهم می‌آورد. درک چالش‌های این دوره می‌تواند به کاهش اضطراب و استرس نوجوان والدینش بیانجامد و سبب بهبود ارتباط نوجوان با اطرافیان و پیشگیری از مشکلات و رفتارهای پر خطر و اختلالات خلقی نوجوان شود و در نتیجه زمینه‌ساز رشد سالم و متعادل او گردد.

در این مرحله حساس فرد به بلوغ می‌رسد. بلوغ جسمی و جنسی توأم و به صورت اثرگذار بر هم در وجود نوجوان شکل می‌گیرد که در تغییرات خلقی نوجوان هم بی‌تأثیر نیست. اهمیت بلوغ عاطفی و شناختی که یک فرآیند تدریجی محسوب می‌شود و نقش مهمی در شخصیت و توانایی اجتماعی نوجوان دارد، در حفظ سلامت روانی، بهبود روابط اجتماعی و پیشرفت تحصیلی و شغلی نوجوان بشدت اثرگذار است.

فهرست منابع

* قرآن کریم

۱- ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، محمدبن علی (۱۳۶۱)، **معانی الاخبار**، قم: دفتر نشر الاسلامی.

۲- ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، محمدبن علی (۱۳۶۳)، **من لا یحضره الفقیه**، قم: جماعه المدرسین.

۳- ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم (۱۴۰۸ق)، **لسان العرب**، بیروت: انتشارات دارالاحیاء التراث العربی.

۴- احدی، حسن و محسنی، نیکچهر (۱۳۹۶)، **روانشناسی رشد مفاهیم بنیادی در روانشناسی نوجوانی و جوانی**، تهران: انتشارات آینده درخشان.

۵- احسانبخش، صادق (۱۳۷۴)، **نقش دین در خانواده**، قم: ناشر مولف.

۶- سیموف، ایزاک (۱۳۶۶)، **تن آدمی**، محمود بهزاد، تهران: علمی فرهنگی.

۷- اناری، آسیه و اناری، رضوان (۱۳۹۹)، **توانمند سازی نوجوان**، تهران: انتشارات نسل یاسان.

۸- اناری، آسیه و اناری، رضوان (۱۴۰۲)، **راهنمای جامع فرزند پروری در دوره نوجوانی**، تهران: انتشارات نسل یاسان.

پدیده نوجوانی و بلوغ از دیدگاه قرآن و علوم تربیتی ۴۳

۹- باقری، خسرو (۱۳۸۲)، **نگاهی دوباره به تربیت اسلامی**، تهران: انتشارات سازمان

پژوهش و برنامه ریزی.

۱۰- برک، لورا (۱۴۰۳)، **روانشناسی رشد** (از نوجوانی تا پایان زندگی)، یحیی سید

محمدی، تهران: نشر ارس باران.

۱۱- بستانی، محمود و هوشم محمود (۱۳۸۸)، **اسلام روانشناسی**، مشهد: انتشارات

آستان قدس رضوی.

۱۲- بی‌ریا، ناصر (۱۳۷۵)، **روانشناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی**، تهران:

انتشارات سمت.

۱۳- بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۷۸)، **روانشناسی نوجوانان**، تهران: نشر فرهنگ اسلامی.

۱۴- حسینی زبیدی، سید مرتضی (۱۴۱۴ق)، **تاج العروس من جواهر القاموس**،

بیروت: دارالفکر.

۱۵- حق جو، محمدحسین (۱۳۷۶)، **جلوه‌های بلوغ**، تهران: انتشارات رستگار.

۱۶- حق شناس، محمدعلی و انتخابی، نرگس (۱۳۸۰)، **فرهنگ معاصر هزاره انگلیسی**

- **فارسی**، تهران: انتشارات مهر.

۱۷- دبس، موریس و کاردان، محمدعلی (۱۳۷۴)، **مراحل تربیت**، تهران: دانشگاه تهران.

۱۸- دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۵)، **لغت نامه دهخدا**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۴۴ دوفصلنامه علمی مطالعات تطبیقی کودک و نوجوان شماره اول - بهار و تابستان ۱۴۰۵

۱۹- ذیگوریدز، جرج (۱۳۸۱)، **روانشناسی رشد**، سجاد سالک، غلامرضا امام داد،

مشهد: انتشارات ضریح آفتاب.

۲۰- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، **مفردات الفاظ قرآن**، بیروت:

دارالشامیه.

۲۱- رایس، فلیپ (۱۴۰۱)، **رشد انسان**، مهشید فروغان، تهران: انتشارات ارجمند.

۲۲- سهراب زاده، فاطمه و حکیم جوادی، منصور (۱۳۹۹)، ارتباط بین مشکلات بلوغ

عاطفی و اجتماعی نوجوانان با اختلال افسردگی و اضطراب اجتماعی، فصلنامه **پرستاری**

مامایی و پیراپزشکی، دوره ششم شماره سوم زمستان، ص ۶۷-۵۸.

۲۳- سیاح، احمد (۱۳۷۴)، **فرهنگ بزرگ جامع نوین اسلام**، تهران: نشر اسلام.

۲۴- سیف، سوسن؛ کدیور، پروین (۱۴۰۱)، **روانشناسی رشد نظریه‌های رشد**،

تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی علوم انسانی و اسلامی سمت.

۲۵- شرفی، محمد رضا (۱۳۷۶)، **دنیای نوجوان**، تهران: موسسه فرهنگی منادی.

۲۶- شریعتمداری، جعفر (۱۳۸۷)، **شرح و تفسیر لغات قرآن براساس تفسیر نمونه**،

مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

۲۷- شریفی، پرویز (۱۳۸۰)، **نظریه‌های روانشناسی تحولی**، تهران: انتشارات

خوشنواز.

- ۲۸- شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۸۸)، **روانشناسی رشد**، نشر اطلاعات.
- ۲۹- شکیاپور، عنایت الله (۱۳۵۲)، **دائرة المعارف روانشناسی**، تهران: نشر فروغی.
- ۳۰- شمیم، علی اصغر (۱۳۳۲)، **فرهنگ امیر کبیر**، تهران: انتشارات مدبر.
- ۳۱- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۶۱)، **تفسیر المیزان**، قم: اسماعیلیان.
- ۳۲- طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، **التبیان فی تفسیر القرآن**، بیروت: احیاء التراث العربی.
- ۳۳- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷)، **المبسوط (کتاب الصوم)**، تهران: المکتب المرتضویه.
- ۳۴- عاملی، محمد بن مکی (۱۳۴۶)، **لمعه دمشقیه**، بیروت: انتشارات دار الفکر.
- ۳۵- عمید، حسین (۱۳۸۰)، **فرهنگ فارسی عمید**، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- ۳۶- قائمی، علی (۱۳۶۱)، **شناخت، هدایت، تربیت نوجوانان و جوانان**، تهران: نشر امیری.
- ۳۷- قرشی، علی اکبر (۱۳۸۱)، **قاموس قرآن**، تهران: نشر دار الکتب الاسلامی.
- ۳۸- کاشانی، ملافتح الله (۱۳۵۱)، **تفسیر منهج الصادقین**، تهران: انتشارات اسلامی.
- ۳۹- کلینی، یعقوب بن اسحاق (۱۳۶۵)، **الکافی**، قم: دار الحدیث.

۴۰- لطف آبادی، حسین (۱۳۸۰)، **روانشناسی رشد ۲، نوجوانی و جوانی**، تهران:

انتشارات سمت.

۴۱- مجلسی، محمد تقی (۱۴۰۴ق)، **بحار الانوار**، بیروت: دار الاحیاء التراث.

۲۴- معین، محمد (۱۳۸۶)، **فرهنگ معین**، تهران: انتشارات زرین.

۳۴- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، **تفسیر نمونه**، قم: دارالکتاب اسلامی.

۴۴- منصور، محمود و دادستان، پریخ (۱۳۶۵)، **لغت نامه روانشناسی**، تهران: نشر هنر.

۴۵- مهریزی، مهدی (۱۳۷۶)، **رساله فقهی، بلوغ دختران**، قم: مرکز مطالعات

و تحقیقات اسلامی.

۴۶- موسوی منفرد، فرزانه و سهرابی زاده، لیلا (۱۳۹۴)، **خانواده و بحران هویت**

نوجوانان، همایش بین المللی روانشناسی و زندگی.

۴۷- نجاتی، حسین (۱۳۸۹)، **روانشناسی نوجوانی**، تهران: انتشارات بیکران.

۴۸- وایت، ویلیام (۱۳۶۰)، **روانشناسی بلوغ**، فضل الله شاهلویی، تهران: انتشارات

مشعل.

۴۹- ورام، ابن ابی فارس (۱۳۶۳)، **تنبيه الخواطر و نزهه النواظر**، قم: انتشارات مکتب

داوری.

روش تربیت دینی از نظر نهج البلاغه

آمنه دلنیا^۱

چکیده

پیشگیری از جرم و آسیب‌های اجتماعی از دیدگاه امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) شامل روش‌های تربیتی و کنترلی است که بر نظارت، مدیریت احساسات، انتخاب روابط سالم و استفاده درست از فرصت‌ها تأکید دارد. برای این منظور، پژوهش حاضر از دو روش تربیتی پیشگیری و تربیتی کنترل بهره برده است. روش‌های تربیتی شامل دو رویکرد پیشگیری و کنترل هستند. در روش پیشگیری، والدین با نظارت مستمر، پرورش عقل و آگاهی دینی، برنامه‌ریزی صحیح برای اوقات فراغت و پرهیز از محیط‌های ناسالم، زمینه رشد سالم فرزندان را فراهم می‌کنند. در روش کنترل نیز توجه به مهار خشم و احساسات، مدیریت روابط اجتماعی از طریق انتخاب دوستان مناسب و نظارت بر رفتار و عملکرد افراد، نقش اساسی در تربیت دارد. این راهکارها در کنار هم به تربیت فردی آگاه، اخلاق‌مدار و مسئولیت‌پذیر کمک می‌کنند. پژوهش حاضر نشان می‌دهد که بهره‌گیری از آموزه‌های امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در دو حوزه پیشگیری و کنترل، می‌تواند به کاهش آسیب‌های اجتماعی کمک کند. تأکید بر تقویت تفکر، آگاهی دینی، نظارت درست بر رفتار افراد و استفاده مفید از فرصت‌ها، از جمله راهکارهایی است که در سیره علوی برای ایجاد جامعه‌ای سالم و پویا توصیه شده است. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. در بخش توصیفی، دیدگاه‌های امیرالمؤمنین (علیه السلام) درباره پیشگیری و کنترل، با استناد به منابع اسلامی و تاریخی بیان شده است. در بخش تحلیلی، راهکارهای ارائه شده بررسی شده و ارتباط آن‌ها با روش‌های تربیتی و مدیریتی توضیح داده شده است. این رویکرد به درک بهتر اصول تربیتی و تطبیق آن‌ها با نیازهای اجتماعی کمک می‌کند.

واژگان کلیدی: تربیت دینی، پیشگیری و کنترل، امام علی (علیه السلام)

مقدمه

از دیدگاه امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، پیشگیری از جرم و آسیب‌های اجتماعی بر پایه اصول تربیتی و کنترلی استوار است که شامل نظارت، تقویت عقلانیت، انتخاب روابط سالم و بهره‌گیری صحیح از فرصت‌ها می‌شود. این اصول موجب پرورش فردی مسئولیت‌پذیر در جامعه‌ای اخلاقی‌مدار می‌شوند. دو رویکرد اساسی در این زمینه مطرح است: پیشگیری و کنترل. در رویکرد پیشگیری، والدین و مربیان با آموزش ارزش‌های اخلاقی و دینی، برنامه‌ریزی صحیح برای اوقات فراغت و دورنگه‌داشتن فرزندان از محیط‌های ناسالم، زمینه رشد سالم آنان را فراهم می‌کنند. در رویکرد کنترلی، مدیریت هیجانات، کنترل خشم، انتخاب دوستان مناسب و نظارت بر رفتارهای فردی در شکل‌گیری شخصیت اخلاقی و مسئولیت‌پذیر نقش مهمی دارد. ترکیب این دو روش، هم از بروز ناهنجاری‌ها جلوگیری کرده و هم مسیر اصلاح و تعالی فرد را هموار می‌سازد. مطالعه آموزه‌های امیرالمؤمنین (علیه السلام) در حوزه تربیت اجتماعی و اخلاقی، می‌تواند به کاهش آسیب‌های اجتماعی و ایجاد جامعه‌ای سالم کمک کند. تاکنون پژوهش‌های متعددی در این زمینه انجام شده که از جمله آن‌ها می‌توان به آثار مصطفی دلشاد تهرانی، محسن فرمehنی فراهانی و سید مهدی سلطانی رنانی اشاره کرد. ویژگی متمایز این پژوهش، تمرکز ویژه بر دو روش پیشگیری و کنترل در تربیت دینی از منظر نهج‌البلاغه است. برخلاف پژوهش‌هایی که به‌صورت جامع به همه روش‌های تربیتی پرداخته‌اند، این پژوهش فقط به این دو محور پرداخته و بر خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های امیرالمؤمنین (علیه السلام) که به این موضوع مرتبط است، تکیه دارد. این ویژگی باعث شده که پژوهش حاضر به‌عنوان اثری مستقل، نگاهی دقیق

و متمرکز به روش‌های پیشگیری و کنترل در تربیت دینی داشته باشد و جنبه‌های مختلف آن را بررسی کند.

۱- اهمیت تربیت پیشگیرانه و کنترلی

تربیت یکی از بنیادی‌ترین جنبه‌های زندگی انسان است که در متون دینی و اخلاقی جایگاه ویژه‌ای دارد. ریشه واژه «تربیت» به معنای پرورش دادن، راهنمایی کردن و به کمال رساندن است (الشرتونی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۳۸۶). دانشمندان اسلامی مانند علامه طبرسی، بیضاوی و شهید مطهری، این مفهوم را به رشد توانایی‌های درونی انسان و رساندن او به تعالی تعبیر کرده‌اند. حال، اگر تربیت به گونه‌ای انجام شود که نه تنها انسان را به کمال برساند، بلکه او را از افتادن در انحرافات حفظ کند، می‌توان آن را «تربیت پیشگیرانه» نامید (طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۲؛ بیضاوی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۱۰؛ مطهری، ۱۳۸۳، ص ۴۳).

۲- ماهیت و فلسفه تربیت پیشگیرانه

تربیت دینی در پی آن است که انسان را به سوی شناخت خداوند و ارزش‌های معنوی راهنمایی کند. اما در این مسیر، رشد انسان نباید فقط به یادگیری معارف دینی محدود شود، بلکه باید زمینه‌هایی برای جلوگیری از انحراف و کنترل افکار و رفتار افراد فراهم گردد (داوودی، ۱۳۸۹، ص ۲۶). همان‌طور که در تعریف پیشگیری گفته شده است، این مفهوم به معنای به‌کارگیری روش‌هایی برای جلوگیری از اشتباه و گناه است (معین، ۱۳۸۶، ذیل واژه) در واقع، تربیت پیشگیرانه فرایندی است که از ابتدا فرد را در مسیر درست قرار داده و او را در برابر آسیب‌ها و وسوسه‌های شیطان مقاوم می‌سازد (ر.ک. ابراهیمی، ۱۳۸۸، ص ۳۷)، (ر.ک. میرخلیلی، ۱۳۹۹ص ۲۵). اصطلاح پیشگیری از جرم در معنای گسترده خود شامل

اقدامات کیفری و غیر کیفری برای خنثی سازی عوامل ارتکاب جرم و کاهش بزهکاری می شود، اما در مفهوم محدود، پیشگیری تنها تدابیر غیر کیفری را در بر می گیرد (شهلا، ۱۳۸۶، ص ۹۳). پیشگیری وضعی به مجموعه اقداماتی گفته می شود که با تمرکز بر شرایط و محیط وقوع جرم، احتمال ارتکاب آن را کاهش می دهد. هدف اصلی این روش آن است که با افزایش هزینه ها و خطرات جرم در مقایسه با سود حاصل از آن، افراد را از دست زدن به اعمال مجرمانه بازدارد. طرفداران این دیدگاه بر این باورند که انسان به طور منطقی سود و زیان کارهای خود را می سنجد و اگر هزینه ارتکاب جرم بیشتر از منفعت آن باشد، از انجام آن صرف نظر می کند (ریمون، ۱۳۷۶، ص ۴۵).

۳- نقش کنترل و نظارت در تربیت دینی

کنترل و نظارت فرایندی نظام مند است که هدف آن اطمینان از اجرای درست برنامه های سازمانی و دستیابی به اهداف مشخص شده است. در این فرایند، وضعیت موجود با وضعیت مطلوب مقایسه شده و اختلافات احتمالی شناسایی می شود. رابرت ماکلر، کنترل را اقدامی ساختاریافته می داند که شامل تعیین استانداردهای عملکرد، طراحی سیستم های بازخورد، ارزیابی عملکرد واقعی در مقایسه با استانداردها، شناسایی و تحلیل ناهماهنگی ها و در نهایت اجرای اقدامات اصلاحی برای بهینه سازی استفاده از منابع و افزایش کارایی سازمان است (خدمتی، ۱۳۸۱، ص ۳۰).

فرایند تربیت نیازمند کنترل و نظارت است؛ یعنی مراقبتی دائمی برای اطمینان از هماهنگی افکار و رفتار با آموزه های دینی. کنترل به معنای بررسی عملکرد واقعی افراد بر اساس تعالیم دینی و اصلاح اشتباهات احتمالی آنها است. در متون اسلامی، امر به معروف و نهی از منکر

نوعی کنترل اخلاقی و اجتماعی دانسته شده است که از طریق آن، تربیت دینی افراد جامعه تضمین شده و از لغزش‌ها جلوگیری می‌شود (مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۱، ص ۱۲).

۴- ضرورت پیشگیری تربیتی

امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه می‌فرماید: « لا غنی کالعقل؛ و لا فقر کالجہل و لا میراث کالادب ولا ظہیر کالمشاوَرہ؛ هیچ ارثی مانند ادب و تربیت ارزشمند نیست» (حکمت ۵۴). این سخن نشان می‌دهد که مهم‌ترین سرمایه انسان، آموزش درست و پرورش اخلاقی است. در دنیای امروز که بحران‌های فکری و شناختی موجب از بین رفتن ارزش‌های معنوی شده است، شیطان با ابزارهای جدید، مانند رسانه‌های نادرست و محتوای فاسد، افراد را به انحراف می‌کشاند (وظیفه مند، ۱۳۹۱، ص ۷).

تربیت پیشگیرانه و همراه با نظارت، روشی مؤثر برای حفظ ایمان و اخلاق افراد است. در متون اسلامی تأکید شده است که خوشبختی انسان در گرو دانش، خرد و اخلاق دینی است که از طریق آموزش و مراقبت همیشگی به دست می‌آید. اگر جامعه بتواند با سیاست‌های تربیتی مناسب، زمینه‌های انحراف را پیش از شکل‌گیری از بین ببرد، افراد را در برابر فتنه‌های شیطان ایمن خواهد ساخت. بنابراین، باید با شناخت ارزش‌های تربیتی و توجه به اهمیت نظارت و پیشگیری، راه‌های نفوذ شیطان را از همان ابتدا سد کنیم (مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۱، ص ۱۲).

۵- روش تربیت پیشگیری

روش تربیتی پیشگیری، بر پایه‌ی آموزش، آگاهی‌بخشی، فرهنگ‌سازی و مراقبت از نوجوانان و جوانان استوار است. این رویکرد می‌تواند از طریق نهادهای آموزشی، خانواده و جامعه، هم‌زمان اجرا شود تا از شکل‌گیری بزهکاری و انحرافات اجتماعی جلوگیری کند. رویکرد پیشگیرانه در تربیت، بهترین راه برای کاهش آسیب‌های اجتماعی و ایجاد جامعه‌ای سالم و پویا به شمار می‌آید (ریسی و انانی، ۱۳۸۷، ص ۱۸).

در این باره با توجه به کلام گوهر بار امیرالمومنین (علیه السلام) به روش‌های پیشگیری می‌پردازیم؛

۵-۱- نظارت بر تربیت فرزندان

یکی از مهم‌ترین وظایف والدین، مراقبت آگاهانه از روند رشد و تربیت فرزندان است که نقش مستقیمی در شکل‌گیری شخصیت و آینده آن‌ها دارد. این مراقبت، به‌ویژه در دوران نوجوانی، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند؛ زیرا این دوره، زمان پایه‌ریزی ارزش‌ها، باورها و هویت مستقل فرزند است. بدون هدایت و همراهی مناسب، ممکن است نوجوان مسیرهای نادرستی را انتخاب کند که در آینده پیامدهای جبران‌ناپذیری به دنبال داشته باشد.

امام علی (علیه السلام) در سخنان ارزشمند خود، تربیت نوجوان را به کاشت بذر در زمینی آماده تشبیه کرده‌اند: «إِنَّمَا قَلْبُ الْوَلَدِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَهْمَا أَلْقِيَ فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ قَبْلَتْهُ» دل نوجوان به زمین آماده و پاکی می‌ماند، که هر بذری را در آن پاشند، همان را قبول خواهد کرد» (نهج البلاغه، نامه ۳۱) و ایشان تأکید دارند که هرچه در این دوران در ذهن و قلب نوجوان کاشته شود، به سرعت رشد کرده و بخش مهمی از شخصیت او را شکل خواهد داد. بنابراین،

والدین باید با دقت و شناخت کافی، راهنمای فرزندان خود باشند و آن‌ها را از آسیب‌های احتمالی دور نگه دارند (ترجمه نهج البلاغه، محمد دشتی، ص ۱۵۷).

باین حال، مراقبت از فرزندان به معنای سخت‌گیری بیش از حد یا تحمیل نظرات شخصی نیست، بلکه به معنای همراهی، راهنمایی دلسوزانه و ایجاد فضایی مناسب برای رشد سالم نوجوان است. نوجوانان در دوران بلوغ به دنبال کشف هویت خود هستند و سؤالات اساسی درباره جایگاهشان در زندگی و آینده برایشان مطرح می‌شود. پدر و مادر باید با شناخت این شرایط، نه تنها راهنمای فرزندان باشند، بلکه محیطی امن فراهم کنند تا او بتواند با خیال آسوده به آن‌ها اعتماد کرده و مشکلاتش را با آن‌ها در میان بگذارد.

یکی از عواملی که می‌تواند نوجوان را به پذیرش راهنمایی‌های والدین ترغیب کند، میزان اعتمادی است که به دانش و توانایی‌های آن‌ها دارد. اگر والدین بتوانند با مطالعه، مشورت و تجربه، آگاهی خود را درباره تربیت فرزند افزایش دهند، فرزند نیز آسان‌تر به سخنان آن‌ها گوش داده و در تصمیم‌گیری‌های مهم، دیدگاهشان را در نظر خواهد گرفت. در همین راستا، امام علی (علیه السلام) در نامه ۳۱ نهج البلاغه، با بیان تجربه‌های ارزشمند خود برای فرزندان، او را به اهمیت دانش و راهنمایی‌هایشان متوجه کرده و از این طریق اعتماد او را جلب می‌کنند. امام علی (علیه السلام) در این نامه، اعتماد امام حسن (علیه السلام) را به خویش این گونه جلب کرده است: «پسرم! اگر چه من به اندازه پیشینیان عمر نکرده‌ام، ولی در کردار آن‌ها نظر افکندم و در اخبارشان اندیشیدم و در آثارشان سیر کردم تا آنجا که گویی یکی از آن‌ها شده‌ام؛ بلکه با مطالعه تاریخ آنان، گویا تا پایان عمرشان با آنان بوده‌ام. پس قسمت‌های روشن و شیرین زندگی آنان را از قسمت‌های تیره آن شناختم و زندگانی سودمند آنان را با دوران زیان بارش شناسایی کردم. سپس از هر چیزی، مهم و ارزشمند آن را و از هر حادثه‌ای، زیبا و شیرین آن را برای تو

برگزیدم و ناشناخته‌های آنان را دور کردم. پس آن‌گونه که پدری مهربان نیکی‌ها را برای فرزندش می‌پسندد، من نیز بر آن شدم تا تو را با خوبی‌ها تربیت کنم (نهج البلاغه، نامه ۳۱). این روش، الگویی درست برای ایجاد اعتماد در نوجوان است که والدین نیز می‌توانند از آن پیروی کنند.

در نهایت، مراقبت درست و آگاهانه از فرزندان، همراه با جلب اعتماد آن‌ها، موجب کاهش مشکلات روحی و اجتماعی می‌شود. زمانی که نوجوان به والدین خود اعتماد داشته باشد، نگرانی‌ها و دغدغه‌هایش را با آن‌ها در میان می‌گذارد و از راهنمایی‌هایشان بهره می‌برد، به‌جای آنکه برای یافتن پاسخ پرسش‌هایش به محیط‌های نامطمئن و افراد نامناسب پناه ببرد. در نتیجه، ایجاد رابطه‌ای سالم میان والدین و فرزندان نه تنها موجب تربیت نسلی آگاه و مسئولیت پذیر خواهد شد، بلکه نقش مهمی در کاهش مشکلات اجتماعی و اخلاقی جامعه خواهد داشت (سبحانی‌نیا، ۱۳۹۹، ص ۱).

۵-۲- پرورش عقل و بصیرت دینی

یکی از مهم‌ترین عوامل برقراری ارتباط مؤثر، توانایی سخن گفتن به گونه‌ای است که هم «سخن زیبا» بگوییم و هم «زیبا سخن» بگوییم. اسلام به مسلمانان توصیه کرده است که در گفتار خود از مهارت‌ها و اصول اخلاقی پیروی کنند، پیش از سخن گفتن تأمل کرده و عواقب آن را بسنجند. سخن گفتن صحیح، مستلزم پرورش عقل و بصیرت دینی است، چراکه این دو عامل به انسان کمک می‌کنند تا مبنای گفتار خود را بر حقیقت، درستی و حکمت قرار دهد و از سخنان بیهوده، تفرقه‌انگیز و زیان‌بار پرهیز کند.

۵-۲-۱- اهمیت سخن گفتن همراه با تعقل و بصیرت

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در تأکید بر سنجیدن سخن پیش از بیان می‌فرماید: «لَا تُقُلْ مَا لَا تَعْلَمُ، بَلْ لَا تُقُلْ كُلَّ مَا تَعْلَمُ؛ فَإِنَّ اللَّهَ فَرَضَ عَلَى جَوَارِحِكَ كُلِّهَا فَرَانَضَ يَخْتَجُّ بِهَا عَلَيْكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ آنچه نمی‌دانی مگو! بلکه همه آنچه را که می‌دانی نیز مگو زیرا خداوند بر اعضا و جوارح تو واجباتی قرار داده که در قیامت از آنها بازخواست خواهد کرد.» (نهج البلاغه، حکمت ۳۷۴).

این سخن امام علی (علیه السلام) نشان می‌دهد که گفتار ناشیانه و بدون بصیرت می‌تواند به گمراهی، فتنه، فریب دیگران، افشای اسرار، غیبت و حتی اختلاف و دشمنی منتهی شود. بنابراین، فرد عاقل و اهل بصیرت کسی است که به محتوای سخن خود توجه کند، در موضوعاتی که نسبت به آنها آگاهی ندارد دخالت نکند و هر چیزی را که می‌داند، بی‌محبا بر زبان نیاورد، بلکه تنها زمانی سخن بگوید که گفتارش ارزشمند، سازنده و مطابق با حقیقت باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ص ۳۴).

۵-۲-۲- پیوند بین بصیرت دینی و سخن سنجیده

بصیرت دینی، نقش کلیدی در هدایت گفتار و رفتار انسان دارد. قرآن، که کتاب نور و هدایت است، انسان را به سخن گفتن حکیمانه دعوت می‌کند. چنان‌که امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) درباره نقش هدایت‌بخش قرآن می‌فرماید: «كِتَابُ اللَّهِ يُبَصِّرُونَ بِهِ وَ تَضِلُّونَ بِهِ وَ تَسْمَعُونَ بِهِ؛ این قرآن است که با آن می‌توانید (راه حق را) بنگرید، و با آن سخن گوید، و به وسیله آن بشنوید» (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۳).

به عبارتی دیگر، اگر قرآن در جان ما بنشیند و ما متلبس به آیاتش شویم، به واسطه آن می بینیم، می شنویم و حرف می زنیم.

۵-۲-۳- ارتباط عقل و بصیرت دینی در سخن گفتن

عقل، الهام بخش بصیرت است و کسی که از عقل بهره درست ببرد، پیش از سخن گفتن می اندیشد و سپس بر پایه حقیقت و اصول اخلاقی سخن می گوید. امام علی (علیه السلام) در این باره می فرماید: «كفاك من عقلك ما أوضح لك سبل عيك من رشدك؛ عقل، تو را کفایت کند که راه گمراهی را از رستگاری نشانت دهد» (نهج البلاغه، حکمت ۴۲۱).

پس عقل، راهنمای انسان در گزینش گفتار درست و پرهیز از لغزش های زبانی است. غیبت، تهمت، دروغ، سخن چینی، زیاده گوئی و جنجال بر سر مسائل بی اهمیت، نشانه نبود تعقل و بصیرت دینی است. این در حالی است که سکوت به جا، سخن سنجیده و برخورداری از استدلال محکم، نشانه خردورزی و روشن بینی به شمار می آید.

۵-۲-۴- ارتباط پرورش عقل و بصیرت با روش تربیتی پیشگیری

در تعلیم و تربیت اسلامی، یکی از مهم ترین روش ها، پیشگیری است؛ یعنی پیش از آنکه فرد دچار خطا شود، باید او را چنان تربیت کرد که اساساً در مسیر اشتباه قرار نگیرد. آموزش بصیرت دینی و روش صحیح تفکر، به فرزندان و افراد جامعه کمک می کند تا گرفتار سخنان ناپسند نشوند و از پیامدهای زیان بار آن در امان بمانند. مهم ترین عنصر در روش پیشگیری این است که افراد یاد بگیرند پیش از گفتن هر سخنی، درباره آن بیندیشند و نتیجه اش را ارزیابی کنند. کسی که بر پایه عقل و بصیرت دینی سخن می گوید، از آسیب های اجتماعی و اخلاقی ناشی از گفتار نادرست مصون خواهد ماند و در عوض، در مسیر حقیقت گوئی، اصلاح جامعه

و هدایت گام برمی دارد. بنابراین بین زبان، عقل و بصیرت دینی، پیوندی ناگسستنی وجود دارد. هرچه فرد از عقل و بصیرت بیشتری برخوردار باشد، کنترل بیشتری بر سخنان خود خواهد داشت و کمتر دچار لغزش های گفتاری خواهد شد. یکی از مهم ترین روش های تربیت فردی و اجتماعی، پیشگیری از ناهنجاری های زبانی و اخلاقی است که با تقویت عقل و بصیرت دینی حاصل می شود و افراد را در مسیر رشد و تعالی قرار می دهد (مؤذیان، ۱۳۹۵، ص ۱۰).

۵-۳- فرصت سازی؛ سد راه انحراف

یکی از مؤثرترین راه های جلوگیری از آسیب های اجتماعی و انحرافات، استفاده درست از فرصت های زندگی و فراهم کردن شرایط مناسب برای رشد و هدایت است. روش تربیتی پیشگیرانه بر این اصل تأکید دارد که پیش از بروز خطا و انحراف، باید زمینه ای ایجاد شود تا فرد به مسیر درست راه یابد. یکی از مهم ترین ابزارهای این روش، بهره گیری از فرصت ها و پربار سازی اوقات فراغت است؛ زیرا اوقات فراغت یکی از حساس ترین و مهم ترین بخش های زندگی هر فرد به شمار می آید.

امام علی در این زمینه می فرماید: «الْفُرْصَةُ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ، فَانْتَهِزُوا فُرْصَ الْخَيْرِ؛ فرصت، چون ابر می گذرد. پس، فرصت های کار خوب را غنیمت شمرد» (نهج البلاغه، حکمت ۲۱). این سخن حکیمانه نشان می دهد که فرصت ها ناپایدارند و اگر از آن ها به درستی استفاده نشود، انسان دچار حسرت و پشیمانی خواهد شد. همان گونه که حضرت علی (علیه السلام) در جای دیگری می فرماید: «إِضَاعَةُ الْفُرْصَةِ غُصَّةٌ؛ از دست دادن فرصت، اندوه به دنبال دارد» (نهج البلاغه، حکمت ۱۱۸).

با توجه به اهمیت فرصت‌های زندگی، می‌توان از آن‌ها برای هدایت و جلوگیری از انحرافات بهره برد. به‌ویژه در دوران نوجوانی و جوانی که افراد بیشترین استعداد و توانایی را برای پیشرفت دارند، برنامه‌ریزی درست برای پربارسازی اوقات فراغت می‌تواند زمینه‌ساز رشد فردی، اجتماعی و معنوی شود. در مقابل، اگر این فرصت‌ها به‌درستی مدیریت نشوند، ممکن است سبب سوق یافتن افراد به سمت انحراف شود و نوجوانان جوانان، به‌عنوان آینده‌سازان جامعه، اگر زمان خود را با فعالیت‌های مفید مانند آموختن دانش، یادگیری مهارت، ورزش، و مشارکت در کارهای فرهنگی و اجتماعی پر کنند، نه تنها از آسیب‌های اجتماعی در امان خواهند ماند، بلکه در مسیر رشد و پیشرفت گام برمی‌دارند. جامعه‌ای که برای آنان خود برنامه‌ریزی مناسبی در زمینه بهره‌گیری از فرصت‌ها داشته باشد، از بسیاری از مشکلات و آسیب‌های اجتماعی دور خواهد ماند و در مسیر توسعه و پیشرفت حرکت خواهد کرد.

پس همان‌گونه که امام علی (علیه السلام) توصیه فرموده‌اند، باید فرصت‌ها را غنیمت شمرد و از آن‌ها به‌عنوان سد محکمی در برابر انحرافات بهره برد. وقتی فرد راه درستی برای استفاده از زمان و استعدادهایش داشته باشد، زمینه برای ورود آسیب‌ها و انحرافات به زندگی او بسته خواهد شد و در نتیجه، جامعه‌ای سالم، پویا و پیشرفته شکل خواهد گرفت (حسینی نصر آبادی، ۱۳۹۸، ص ۱۵).

۵-۴- پرهیز از محیط‌های ناسالم

یکی از مهم‌ترین شیوه‌های تربیتی در اسلام، روش پیشگیری است. این روش بر این اصل استوار است که به‌جای اصلاح رفتارهای نادرست پس از شکل‌گیری، از ابتدا از بروز انحراف‌های اخلاقی و رفتاری جلوگیری شود. یکی از ابزارهای مهم در این روش، پرهیز از محیط‌های

ناسالم است؛ چراکه محیط زندگی، اجتماع و افرادی که با آنها در ارتباط هستیم، تأثیر زیادی بر شکل‌گیری شخصیت و رفتار ما دارند.

اسلام بر این اصل بنیادین تأکید دارد که انسان موجودی تأثیرپذیر است و محیط اطراف او نقش جدی در شکل‌گیری افکار، احساسات و رفتارهایش دارد. از این رو، دین اسلام توصیه می‌کند که انسان از محیط‌های آلوده و ناسالم دوری کرده و در محیط‌هایی قرار بگیرد که فضیلت‌های اخلاقی و ارزش‌های معنوی را تقویت می‌کنند. امام علی (علیه السلام) در نامه خود به مالک اشتر، بر اهمیت انتخاب افراد شایسته تأکید کرده و می‌فرماید: «لازم است در حوزه‌ی اداری از افراد بافضیلت استفاده کنی؛ همان‌هایی که در خانواده‌های شریف رشد کرده و با حسن سابقه و نیک‌نامی زندگی کرده‌اند؛ افرادی که شجاع، باهمت و بخشنده هستند، چراکه این افراد سرچشمه‌ی بزرگواری و شاخه‌ای از درخت نیکی و فضیلت‌اند» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

این سخن امام (علیه السلام) نشان می‌دهد که یکی از راه‌های پیشگیری از انحراف، حضور در میان افراد صالح و پرهیز از محیط‌های آلوده است.

بسیاری از انحراف‌های اخلاقی و اجتماعی، نتیجه‌ی قرار گرفتن در محیط‌های ناسالم است. اسلام، برای حفظ سلامت اخلاقی و معنوی فرد، بر انتخاب محیط‌های سالم تأکید دارد.

امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «هم‌نشینی با اهل هوا و هوس، ایمان را از دل می‌برد و نفاق را جایگزین آن می‌کند» (آمدی، ۱۴۲۹ق).

این سخن ارزشمند، بیان روشنی از تربیت پیشگیرانه در اسلام است؛ چراکه اگر فرد از ابتدا از هم‌نشینی با افراد منحرف دوری کند، از بسیاری از لغزش‌های اخلاقی، فکری و اعتقادی مصون خواهد ماند.

از نگاه اسلام، پیشگیری از انحراف‌های اخلاقی بر چند اصل استوار است که یکی از مهم‌ترین آن‌ها، پرهیز از عوامل آلوده‌کننده‌ی محیطی است. خداوند در قرآن کریم، دستور به انتخاب الگوهای شایسته داده و از پیروی افراد نادرست نهی کرده است: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب: ۲۱).

بر همین اساس، یکی از بهترین راه‌های تربیت صحیح و جلوگیری از رفتارهای ناپسند، الگو گرفتن از افراد شایسته و پرهیز از پیروی کسانی است که رفتارهای نادرست دارند. اگر فرد در محیطی ناسالم قرار گیرد که الگوهای آن افراد فاسد باشند، به‌مرور به همان روش نادرست خو خواهد گرفت.

پس بنابراین پرهیز از محیط‌های ناسالم، علاوه بر اینکه یکی از توصیه‌های مهم اخلاقی اسلام است، یک روش مؤثر در تربیت پیشگیرانه نیز به‌شمار می‌رود. اگر فرد از ابتدا محیط زندگی، دوستان، هم‌نشینان و محل کار و تحصیل خود را بر اساس معیارهای اخلاقی و دینی انتخاب کند، از بسیاری از آسیب‌های اجتماعی و انحراف‌ها در امان خواهد ماند. دوری از محیط‌های ناسالم، یکی از مهم‌ترین راه‌های پیشگیری از انحراف و ارتقای سطح اخلاقی و معنوی انسان است. روش تربیتی اسلام، با ارائه‌ی این راهکار، مسیر رشد و تکامل فرد را هموار کرده و او را از لغزش‌ها و آسیب‌های احتمالی حفظ می‌کند (سنائی، ۱۳۹۶، ص ۳).

۵-۵- موعظه؛ تربیت پیشگیرانه

یکی از مهم‌ترین روش‌های تربیتی که در آموزه‌های دینی بر آن تأکید شده، روش تربیت پیشگیرانه است. این روش بر شناخت موانع رشد معنوی و عوامل انحراف تمرکز دارد و با هشدارها و تذکرات لازم، از گمراهی و سقوط انسان جلوگیری می‌کند.

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) خود نیز در تربیت مردم به این روش عمل نموده و زنگارها از دل زدوده اند. ایشان می‌فرمایند: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي قَدْ بَشَّتُ لَكُمْ الْمَوَاعِظَ الَّتِي وَعَظَ الْأَنْبِيَاءُ بِهَا أُمَّهُمْ وَأَدَيْتُ إِلَيْكُمْ مَا أَدَّتِ الْأَوْصِيَاءُ إِلَيَّ مِنْ بَعْدِهِمْ؛ ای مردم! من موعظه‌هایی را در میان شما نشر دادم که پیامبران به وسیله آن امت‌هایشان را موعظه کردند و آن چیزی را درباره شما به جای آوردم که اوصیای پیامبران پس از ایشان به جا می‌آوردند» (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۲) که موعظه‌های الهی را، همان گونه که پیامبران و جانشینان آنان به امت‌هایشان ارائه کرده‌اند، در میان مردم گسترش داده‌اند. این سخن حضرت، نشان‌دهنده جایگاه والای موعظه به عنوان ابزاری برای جلوگیری از انحراف و نفوذ شیطان در قلب انسان است.

موعظه و تذکرات همیشگی، مانند سدی محکم، مانع غفلت شده و از تسلط تدریجی شیطان بر دل و ذهن انسان جلوگیری می‌کند. از این رو، پدر و مادر، مربیان و هر کسی که در مسیر هدایت دیگران است، باید از آسیب‌های اخلاقی و راه‌های نفوذ شیطان آگاهی داشته باشند تا بتوانند به درستی از لغزش دیگران پیشگیری کنند (ضیاءآبادی، ۱۳۸۹، ص ۸۶).

بنابراین، موعظه یکی از پایه‌های اصلی تربیت پیشگیرانه است که با هشدارهای به‌جا و تذکرات مداوم، از گرفتار شدن انسان در دام غرور و غفلت شیطانی جلوگیری کرده و مسیر رشد و کمال او را هموار می‌سازد.

۶- روش تربیتی کنترل

یکی از اصول مهم در روان‌شناسی، تربیت کنترلی است که به توانایی فرد در مدیریت و کنترل احساسات، رفتارها و تصمیم‌هایش اشاره دارد. این مهارت به فرد کمک می‌کند تا در

شرایط بحرانی و هنگام شدت گرفتن احساساتی مانند خشم، غم، ترس و نگرانی، تصمیم‌های عجولانه و نادرست نگیرد و پیامدهای رفتار خود را مدیریت کند.

امام علی (علیه السلام) در نهج‌البلاغه روش‌هایی برای مدیریت و کنترل احساسات ارائه می‌دهند که می‌تواند در تربیت کنترلی به کار گرفته شود. از جمله این روش‌ها بردباری، اندیشیدن پیش از واکنش، سکوت هنگام خشم، مهربانی و پرهیز از شتاب‌زدگی است. امام علی (علیه السلام) تأکید دارند که فردی که تحت تأثیر احساسات گذرا تصمیم می‌گیرد، ممکن است دچار پشیمانی و زیان شود. به همین دلیل، تفکر و کنترل احساسات از نشانه‌های رشد عقلی و رفتاری به شمار می‌آید.

بر اساس تربیت کنترلی، فرد باید بیاموزد که چگونه در هنگام شدت احساسات، خود را تنظیم کند؛ یعنی به جای اینکه احساسات او را کنترل کنند، بتواند آن‌ها را مدیریت کند. این دقیقاً همان چیزی است که در نهج‌البلاغه بر آن تأکید شده است؛ اینکه قدرت واقعی انسان در تسلط بر خویش است، نه در واکنش‌های سریع و هیجانی.

۶-۱- کنترل خشم و احساسات

کنترل خشم و عصبانیت یکی از روش‌های مهم تربیتی است که در آموزه‌های دینی و اخلاقی بر آن تأکید شده است. امام علی (علیه السلام) در نامه‌ای به عبدالله بن عباس، هنگام انتصاب او به فرمانداری بصره، به‌طور ویژه به خطرات خشم و ضرورت کنترل آن اشاره می‌فرماید: «سَعِ النَّاسَ بِوَجْهِكَ وَ مَجْلِسِكَ وَ حُكْمِكَ؛ وَ إِيَّاكَ وَ الْغَضَبَ، فَإِنَّهُ طَيْرَةٌ مِنَ الشَّيْطَانِ؛ وَ اعْلَمْ أَنَّ مَا قَرَّبَكَ مِنَ اللَّهِ يُبَاعِدُكَ مِنَ النَّارِ، وَ مَا بَاعَدَكَ مِنَ اللَّهِ يُقَرِّبُكَ مِنَ النَّارِ.» از وصیت

های آن حضرت (علیه السلام) است به عبد الله ابن عباس هنگامی که او را بر بصره جانشین خود گردانید (در آن او را به مهربانی با مردم و دوری از خشم اندرز می دهد).

۱) با مردم گشاده رو و هم مجلس و درستکار باش (کسی را از ملاقات خویش جلوگیری مکن و جایی بنشین که همه به تو راه داشته باشند و پاس احترام هر کس را نگاه دار و آنها را به کارهای سخت و امدار و به عدل و داد بینشان حکم کن) و از خشم نمودن (با مردم) پرهیز که آن سبک مغزی است از شیطان (بتو رسیده است)

۲) و بدان هر کاری که ترا به (رحمت) خدا نزدیک گرداند از آتش (کیفر روز رستاخیز) دورت می نماید، و هر کاری که ترا از خدا دور سازد به آتش نزدیکت می گرداند (نهج البلاغه، شرح فیض الاسلام، نامه ۷۶).

امام علی (علیه السلام) با این توصیه های دقیق، یکی از مهم ترین مهارت های مدیریت احساسات و کنترل خشم را آموزش می دهند. خشم و عصبانیت، اگر بی مورد و شدید باشد، سبب از بین رفتن عقل، تصمیم گیری نادرست و بروز خشونت می شود. بر همین اساس، امام (علیه السلام) دو راهکار اساسی را برای کنترل خشم بیان می کنند:

الف - خوش رفتاری و برخورد مناسب:

با مردم مهربان باش و در ارتباطات اجتماعی، آرامش و متانت خود را حفظ کن. برخورد خوب، نه تنها خشم را کاهش می دهد، بلکه موجب آرامش فرد و جامعه نیز می شود.

ب - پرهیز از وسوسه های شیطانی:

امام (علیه السلام) خشم را امری ناشی از شیطان معرفی می کنند. این بیان، نشان دهنده اهمیت کنترل خشم و نقش آن در رشد معنوی انسان است. در حقیقت، هر چه ارتباط فرد با خداوند قوی تر باشد، کمتر دچار خشم های نابه جا خواهد شد.

در تربیت کنترلی، توانایی مهار خشم یکی از مهارت‌های مهم خودکنترلی است. فردی که بتواند خشم خود را مدیریت کند، از پیامدهای منفی آن مانند خشونت، کینه‌ورزی و رفتارهای ناپسند در امان خواهد بود. امام (علیه السلام) با تأکید بر آثار نزدیکی به خدا و دوری از گناه، آموزش می‌دهند که هر عملی که موجب نزدیکی به خدا شود، باعث آرامش درونی و رشد انسانی است، و هر رفتاری که از خدا دور کند، فرد را درگیر مشکلات اخلاقی و رفتاری خواهد ساخت.

بنابراین سخنان امام علی (علیه السلام) درباره‌ی پرهیز از خشم و لزوم بردباری و خوش برخوردی، الگویی ارزشمند برای مدیریت احساسات و اصلاح رفتارهای فردی و اجتماعی است. اگر بخواهیم جامعه‌ای آرام و سالم داشته باشیم، باید مهارت کنترل خشم را در خود و دیگران تقویت کنیم؛ زیرا این مهارت نه تنها در زندگی دنیا، بلکه در سرنوشت اخروی انسان نیز تأثیرگذار خواهد بود (ابن میثم، ۱۳۷۵، ص ۳۴).

۶-۲- کنترل ارتباطات اجتماعی

کنترل ارتباطات اجتماعی، یکی از ارکان مهم تربیت کنترلی است که نقش بسزایی در شکل‌گیری شخصیت و رفتار فرد دارد. امام علی (علیه السلام) در آموزه‌های خود بر دقت در انتخاب دوستان و پرهیز از روابط ناسالم تأکید دارند، چرا که همنشینی با افراد نادرست می‌تواند زمینه‌ساز انحراف اخلاقی گردد. خانواده به عنوان اولین محیط آموزشی نقش اساسی در هدایت رفتار فرزندان دارد و باید با تشویق عملکردهای درست و اصلاح خطاها، مسیر صحیح را برای آنان ترسیم کند (علیزاده، ۱۳۸۴، ص ۱۱۹).

امام علی (علیه السلام) ما را به این پیروی فرا می خوانند: «اَنْظُرُوا اَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ، فَالْزَمُوا سَمَتَهُمْ وَاتَّبِعُوا اَثَرَهُمْ، فَلَنْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ هُدًى وَلَنْ يُعِيدُوكُمْ فِي رَدًى فَإِنْ كَبَدُوا فَالْبَدُوا وَإِنْ نَهَضُوا فَانْهَضُوا وَلَا تَسِقُّوهُمْ فَتَضِلُّوا وَلَا تَتَأَخَّرُوا عَنْهُمْ فَتَهْلِكُوا». به اهل بیت پیامبران نگاه کنید! از همان مسیری که آن ها گام برمی دارند، گام بردارید و قدم در جای پای آن ها بگذارید. بدانید که آن ها هرگز شما را از راه راست بیرون نمی برند و به تباهی و نابودی نمی کشانند. اگر آن ها توقف کردند، شما نیز متوقف شوید و اگر قیام کردند، شما نیز برخیزید. از آن ها جلوتر نروید که گمراه می شوید و از آن ها عقب نمانید که نابود خواهید شد! (نهج البلاغه، خطبه ۹۷).

من یاران محمد (صلوات الله علیه و آله) را دیده ام، اما هیچ یک از شما را شبیه آنان نمی بینم. آن ها موهای ژولیده و چهره ای غبار آلود داشتند، اما با وجود زندگی در سختی و تنگدستی خم به ابرو نمی آوردند! شب تا صبح در حال سجده و قیام بودند و هرگز از عبادت خسته نمی شدند؛ گاهی پیشانی و گاه دو سوی صورتشان را بر خاک می نهادند و از ترس قیامت، گویی بر شعله های آتش ایستاده اند و قرار و آرام ندارند. پیشانی آن ها از سجده های طولانی پینه بسته بود، همچون زانوی گوسفند. وقتی نام خدا برده می شد، اشک از چشمانشان جاری می گشت، آن چنان که گریبانشان خیس می شد، و مانند درختی که در روزی طوفانی از شدت باد به لرزه می افتد، از خوف عذاب و امید به پاداش می لرزیدند.

الگوگیری از اهل بیت (علیه السلام) در ارتباطات اجتماعی نقش مهمی در هدایت و سعادت انسان دارد. امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) بر پیروی از اهل بیت (علیهم السلام) برای جلوگیری از انحراف تأکید دارند. ارتباطات اجتماعی بر شخصیت افراد تأثیرگذار است؛ معاشرت با افراد صالح موجب رشد و تقویت ایمان می شود، در حالی که پیروی از الگوهای نادرست، سرگشتگی و سقوط اخلاقی را به همراه دارد. برای انتخاب صحیح ارتباطات،

معیارهایی چون عقل، اخلاق و دین را در نظر بگیریم و از توصیه‌های اهل بیت (علیهم السلام) بهره ببریم. با پرهیز از معاشرت با افراد منحرف، می‌توان از آسیب‌های اخلاقی و اجتماعی مصون ماند و مسیر درست زندگی را انتخاب کرد (اسحاقی، ۱۳۸۵، ص ۳۵ و ۳۶).

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) خود نمونه‌ای والا در تربیت عملی بود و هرگز مردمان را به چیزی دعوت نمود، مگر اینکه خود سخت بدان پایبند بود و هرگز آنان را از چیزی دور نساخت، مگر اینکه خود بیش از همه از آن پرهیز داشت. آن حضرت در توصیف این شأن خود فرمود: «أَيُّهَا النَّاسُ، إِنِّي وَاللَّهِ مَا أَحْتُكُمْ عَلَى طَاعَةٍ إِلَّا وَأَسْبِقُكُمْ إِلَيْهَا وَلَا أَنَهَاكُمْ عَنْ مَعْصِيَةٍ إِلَّا وَأَتَنَاهَا قَبْلَكُمْ عَنْهَا؛ «ای مردم! به خدا من شما را به طاعتی بر نمی‌انگیزم، مگر آنکه خود پیش از شما به گزاردن آن پیشی می‌گیرم. و شما را از معصیتی باز نمی‌دارم، جز آنکه پیش از شما از آن خودداری می‌کنم» (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۵).

همچنین، انتخاب دوستان شایسته تأثیر مستقیمی بر رشد فرد داشته و از بسیاری از آسیب‌های اجتماعی جلوگیری می‌کند. امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه، از دوستی با افراد نادان، بخیل، گناهکار و دروغگو نهی کرده و همنشینی با انسان‌های صالح را توصیه کرده‌اند (محمدی، ۱۳۷۵، ص ۳۱).

در یک گفتار حکیمانه، از معاشرت با احمق نهی می‌کند و دلیل روشنی برای آن ذکر می‌نماید و می‌فرماید: «يَا بَنِي آيَاكَ وَمُصَادَقَةَ الْأَحْمَقِ فَإِنَّهُ يَرِيدُ أَنْ يَنْفَعَكَ فَيَضُرُّكَ. وَإِيَّاكَ وَمُصَادَقَةَ الْبَخِيلِ فَإِنَّهُ يَقْعُدُ عَنْكَ أَحْوَجَ مَا تَكُونُ إِلَيْهِ. وَإِيَّاكَ وَمُصَادَقَةَ الْفَاجِرِ فَإِنَّهُ يَبِيعُكَ بِالتَّافِهِ وَإِيَّاكَ وَمُصَادَقَةَ الْكَذَّابِ فَإِنَّهُ كَالسَّرَابِ يَقْرُبُ عَلَيْكَ الْبَعِيدَ وَيَعُدُّ عَلَيْكَ الْقَرِيبَ؛ «فرزندم، از دوستی با احمق برحذر باش، چرا که می‌خواهد به تو سود رساند اما زیان می‌رساند. از دوستی با بخیل پرهیز، زیرا هنگامی که به او نیازمندی از تو رویگردان می‌شود. از دوستی با گناهکار

دوری کن، چرا که تو را به اندک چیزی می‌فروشد. از دوستی با دروغ‌پرداز خودداری کن، چرا که همچو سراب است، دور را به تو نزدیک و نزدیک را دور نشان می‌دهد» (نهج البلاغه، حکمت ۳۸).

امیرالمومنین (علیه السلام) به ویژگی‌های دوستان نیک و وظایف دوستان در قبال هم نیز اشاره می‌کند آن حضرت می‌فرماید «لَا يَكُونُ الصَّدِيقُ صَدِيقًا حَتَّى يَحْفَظَ أَخَاهُ فِي ثَلَاثٍ: فِي نَكْبَتِهِ وَغَيْبَتِهِ وَوَفَاتِهِ» دوست واقعی کسی است که برادر خود را در سه حالت یاری رساند: هنگام گرفتاری، در زمان غیبت و پس از وفات (نهج البلاغه، حکمت ۱۳۴). همچنین، باید فردی مورد اعتماد و باوفا باشد و ویژگی‌هایی مانند صداقت و راست‌گویی، بردباری و شکیبایی، و حفظ آبروی دیگران را داشته باشد. او باید رازدار باشد، حقوق دیگران را پایمال نکند و ستم روا ندارد. در این زمینه، توجه به الگوهای برتر مانند اهل بیت (علیهم السلام) و مؤمنان نیکوکار، راهی مؤثر برای هدایت روابط اجتماعی و پیشگیری از آسیب‌های اخلاقی است. در نتیجه، داشتن خانواده‌ای آگاه، انتخاب دوستان شایسته و پیروی از ارزش‌های دینی، از مهم‌ترین راه‌های کنترل روابط اجتماعی محسوب می‌شود. این موارد نه تنها فرد را از انحرافات اخلاقی مصون می‌دارد، بلکه جامعه را نیز به سوی رشد و پیشرفت هدایت می‌کند (طالبان، ۱۳۷۶، ص ۷۵).

۳-۶- کنترل رفتار و اعمال

کنترل رفتار و اعمال، یکی از روش‌های مهم تربیتی است که در مدیریت جوامع و سازمان‌ها نقش اساسی دارد. این روش بر نظارت و ارزیابی مداوم عملکرد افراد تأکید می‌کند تا از انحراف و فساد جلوگیری شود و مسیر تربیت در جهت رشد فردی و اجتماعی هدایت گردد.

یکی از نمونه‌های برجسته این روش در آموزه‌های امام علی (علیه السلام) دیده می‌شود. آن حضرت در نامه خود به مالک اشتر، اهمیت نظارت و کنترل بر کارگزاران و کارمندان را یادآور می‌شود. از این سخن ارزشمند امام، اصول مهمی در تربیت کنترلی برداشت می‌شود:

(۱) ضرورت نظارت بر عملکرد زیردستان:

امام علی (علیه السلام) بر اهمیت کنترل و بررسی رفتار و کارهای کارگزاران تأکید دارند، زیرا بی‌توجهی به عملکرد آنان، زمینه‌ساز فساد و انحراف می‌شود.

(۲) نظارت غیرمستقیم از طریق بازرسان امین:

امام (علیه السلام) روشی مؤثر در تربیت کنترلی ارائه می‌کنند که بر اساس آن، نظارت باید از طریق افراد امین و مورد اعتماد انجام شود تا کارکنان، حتی بدون آگاهی مستقیم، پایبند به اصول اخلاقی باشند.

(۳) بازرسی پنهانی برای حفظ امانت‌داری:

این نظارت غیرمستقیم و پنهانی سبب می‌شود که کارمندان و مسئولان در انجام وظایف خود دقت بیشتری به خرج دهند و احساس مسئولیت بیشتری داشته باشند. امام علی در اینجا می‌فرماید: «ای مالک، از معتمدان خویش کسی که خداترس و فروتن باشد، برای آنان (محرومان) برگزین تا اموراتشان را به تو گزارش دهد (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

(۴) تأکید بر برخورد قاطع با خیانت‌کاران:

امام علی (علیه السلام) در نامه خود به مالک اشتر بر مجازات جدی کسانی که به امانت خیانت می‌کنند، تأکید دارد. این بیان، نشان می‌دهد که در تربیت کنترلی، برخورد قاطع و بی‌گذشت با متخلفان، یکی از ارکان اصلی نظارت و اصلاح است. امام علی می‌فرماید که: «از همکاران نزدیک سخت مراقبت کن و اگر یکی از آنان خیانت کرد و گزارش بازرسان تو هم

آن خیانت را تأیید کرد، به همین مقدار گواهی قناعت کن. سپس او را تازیانه بزن و آنچه از اموال در اختیار دارد، از او بازپس گیر. سپس او را خوار گردان و خیانت کار بشمار و طوق بدنامی برگردنش بیفکن» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

۵) رسیدگی به معیشت زیردستان و نیازمندان:

نظارت و کنترل در تربیت نباید محدود به عملکرد افراد باشد، بلکه مدیر یا حاکم باید بر وضعیت معیشتی کارکنان و مردم نیز نظارت داشته باشد و در صورت نیاز، از آنان حمایت کند. این دیدگاه امام علی (علیه السلام) نشان می‌دهد که تربیت کنترلی تنها به مراقبت از رفتارهای آشکار محدود نمی‌شود، بلکه مدیر یا حاکم باید با نظارت ساختاری و تأمین نیازهای اساسی، زمینه را برای رشد اخلاقی، امانت‌داری و عدالت فراهم کند. این روش، علاوه بر جلوگیری از انحراف، احساس مسئولیت را در افراد تقویت کرده و به شکل‌گیری جامعه‌ای سالم و پویا کمک می‌کند. در نتیجه، همان‌طور که امام علی (علیه السلام) نه تنها در دوران حکومت خود به کنترل رفتار مسئولان، بلکه به رسیدگی به زندگی مردم توجه ویژه داشت، اجرای چنین رویکردی در جوامع، می‌تواند موجب اصلاح و ارتقای فرهنگی و اخلاقی شود (آذردهشتی، ۱۳۸۶، ص ۶۲).

نتیجه‌گیری

پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و اخلاقی نقش مهمی در حفظ سلامت فرد و جامعه دارد و می‌توان با روش‌های مختلف، به‌ویژه پیشگیری عملی و تربیتی، به این هدف دست یافت. پیشگیری عملی با کم کردن فرصت‌های ارتکاب جرم و بالا بردن هزینه‌های آن، از بروز آسیب‌های اجتماعی جلوگیری می‌کند، در حالی که پیشگیری تربیتی، با تأکید بر آموزش، آگاهی بخشی و تقویت ارزش‌های اخلاقی و دینی، نقش مؤثری در ساختن جامعه‌ای سالم و متعهد به اصول انسانی دارد.

در تعالیم امام علی (علیه السلام)، بر تربیت درست، پرورش عقل و بینش دینی، انتخاب دوستان مناسب، کنترل احساسات، بهره‌گیری از محیط‌های سالم و نظارت بر رفتار افراد تأکید شده است. به کارگیری این اصول در زندگی فردی و اجتماعی، علاوه بر جلوگیری از انحرافات، زمینه‌ساز رشد معنوی، فرهنگی و اجتماعی خواهد شد.

در نهایت، اگر جامعه‌ای بر اساس آموزه‌های تربیتی امام علی (علیه السلام) شکل بگیرد، از سلامت اخلاقی بیشتری برخوردار خواهد بود و افراد آن با آگاهی درست از وظایف خود، در مسیر هدایت، پیشرفت و عدالت اجتماعی حرکت می‌کنند. بنابراین، اجرای راهکارهای پیشگیرانه و تربیتی نه تنها باعث کاهش آسیب‌های اجتماعی می‌شود، بلکه زمینه را برای تقویت ارزش‌های انسانی، امنیت و توسعه پایدار در جامعه فراهم خواهد کرد.

فهرست منابع

*قرآن

* نهج البلاغه

۱- آذردهشتی، امیر هوشنگ (۱۳۸۶)، **کندو کاوی در مدیریت علوی**، قم: دفتر

عقل.

۲- آمدی، عبدالواحد (۱۴۲۹ق)، **غرر الحکم و درر الکلم**، تحقیق السید مهدی

الرجائی، قم: مؤسسه دار الکتاب الاسلامی.

۳- ابراهیمی، شهرام (۱۳۸۸)، رویکردهای موسع و مضیق پیشگیری و آثار آن،

آموزه‌های حقوقی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۱۲، ص ۲۱-۳۳.

۴- ابن میثم، میثم بن علی (۱۳۷۵)، **شرح ابن میثم بحرانی**، ترجمه محمدی مقدم،

مشهد مقدس: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

۵- اسحاقی، حسین (۱۳۸۵)، **سلوک علوی**، راهبردهای امام علی (علیه السلام) در

تربیت فرزندان، قم: بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، مرکز

پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.

۶- بیضاوی، عمر بن محمد (۱۴۰۸ق)، **انوار التنزیل و اسرار التأویل**، بیروت:

دارالکتب العلمیة.

۷- حسینی نصر آبادی، طاهره سادات (۱۳۹۸)، **فرصت شناسی در کلام مولی علی**

علیه السلام، کنگره بازخوانی ابعاد شخصیتی امیرالمؤمنین علی (علیه السلام).

۸- خدمتی، آقا پیروز، ابوطالب، علی (۱۳۸۱)، **مدیریت علوی**، قم: پژوهشگاه حوزه

و دانشگاه.

۹- داوودی، محمد (۱۳۸۹)، **تربیت دینی**، بی جا، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۱۰- ریسی وانانی، رضا (۱۳۸۷)، **رابطه سرمایه گذاری در آموزش و پرورش با**

امنیت اجتماعی، مجموعه مقالات همایش دانش آموز، پلیس و امنیت اجتماعی.

۱۱- سبحانی‌نیا، محمد (۱۳۹۹)، **منشور جوانی از دیدگاه امام علی (علیه السلام)**

با رویکرد نامه ۳۱ نهج البلاغه، پایگاه اطلاع رسانی بلاغ، ص ۱-۱۳.

۱۲- سنائی، نقی (۱۳۹۶)، **از روش های تربیتی اخلاقی در اسلام، ایجاد محیط**

تربیتی مساعد، پایگاه علمی نقی سنائی عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد

قائم‌شهر.

۱۳- ضیاءآبادی، محمد (۱۳۸۹)، **موعظه، راه پیشگیری از نفوذ شیطان در دل**

انسان، تهران: موسسه نبأ، بنیاد خیریه الزهرا.

۱۴- طالبان، محمدرضا (۱۳۷۶)، **مطالعات تطبیقی امر به معروف و نهی از**

منکر و نظارت اجتماعی، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۱۵- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۸ق)، **مجمع البیان**، بیروت، مؤسسه الاعلمی

للمطبوعات.

۱۶- گسن، ریمون، روابط میان پیشگیری وضعی و کنترل بزهکاری، ترجمه علی حسین

نجفی ابرندآبادی، **تحقیقات حقوقی**، تابستان ۱۳۷۶، شماره ۱۹، ص ۶۰۵ - ۶۲۸.

۱۷- محمدی، مهری (۱۳۷۵)، **بررسی تربیت اجتماعی از دیدگاه نهج البلاغه**،

دانشگاه تربیت مدرس، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران، چاپ اول.

۱۸- مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان (۱۳۹۱)، **مدیریت نظارت و کنترل**،

اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان.

۱۹- مطهری، مرتضی (۱۳۸۳)، **تعلیم و تربیت در اسلام**، چاپ چهل و یکم، تهران:

صدرا.

۲۰- معظمی، شهبلا (۱۳۸۶)، **پیشگیری جرم شناختی**، فصلنامه پژوهشی **تحلیلی و**

آموزشی مجد (حقوقی)، شماره اول.

۲۱- معین، محمد (۱۳۸۶)، **فرهنگ معین**، تهران: امیرکبیر.

۲۲- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶)، **پیام امیرالمومنین**، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

۲۳- موزنیان، داود (۱۳۹۵)، **بصیرت دینی از منظر امیر المومنین علی علیه**

السلام (۲)، مبلغان، شماره ۲۰۶.

۲۴- میرخلیلی، محمود (۱۳۹۹)، **جرم شناسی**، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۲۵- وظیفه مند، رضا (۱۳۹۱)، **فرزند یک امانت است، عوامل و روش های موثر**

در تربیت فرزندان، مشهد: انتشارات قدس رضوی.

Edward, Freeman, James, Stoner؛ Management؛ p۶۰۰

بررسی تطبیقی روش‌های تربیتی از منظر روانشناسی و دینی با تأکید بر

دعای بیست و پنجم امام سجاد (علیه السلام) در صحیفه سجاده

سپیده ولی زاده^۱، زینب حامدی^۲، فاطمه اسمعیلی^۳

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی تطبیقی روش‌های تربیتی از منظر روانشناسی و آموزه‌های دینی با تأکید بر دعای بیست و پنجم صحیفه سجاده، یکی ارزشمندترین متون تربیتی اسلامی، انجام شده است. این دعا که توسط امام سجاد (علیه السلام) در قالب نیایش بیان گردیده، الگویی جامع برای تربیت ارائه می‌کند. تربیت انسان شامل ابعاد متنوع جسمانی، دینی و اخلاقی است که در این پژوهش با رویکردهای علمی و دینی مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. باتوجه به تنوع رویکردهای تربیتی در سطح جهانی، بهره‌برداری از تجارب سایر کشورها نیازمند ارزیابی این تجارب براساس مبانی اسلامی است. در این پژوهش، متداول‌ترین رویکردهای تربیتی جهان در پرتو آموزه‌های امام سجاد (علیه السلام) بررسی شده و نقاط قوت و ضعف آن‌ها شناسایی شده است. روش این پژوهش به صورت تحلیلی - تطبیقی است؛ بدین صورت که در ابتدا مفهوم تربیت تبیین شد سپس مولفه‌های کلیدی تربیت شامل ابعاد جسمانی، دینی و اخلاقی از منظر امام سجاد (علیه السلام) و روانشناسان غربی مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفته‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در نگاه روانشناسی، هریک از این مولفه‌ها به صورت مستقل مورد بررسی قرار می‌گیرد، اما از نظر امام سجاد (علیه السلام)، تلفیق و یکپارچگی این مولفه‌ها یک نظام تربیتی جامع را تشکیل می‌دهد که قابلیت هدایت کودکان از بدو تولد تا سن هفت سالگی را داراست. جامعیت دیدگاه تربیتی امام سجاد (علیه السلام) بسیاری از مفاهیم مطرح در حوزه روانشناسی و تربیت را به شکلی کامل‌تر پوشش می‌دهد.

واژگان کلیدی: امام سجاد (علیه السلام)، تربیت جسمانی، تربیت دینی، تربیت اخلاقی، نظریات تربیتی

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی بجنورد، emaili.fateme@gmail.com

۲. کارشناس ارشد روانشناسی عمومی

۳. استادیار گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد، phdesmaili.fateme@gmail.com

مقدمه

تربیت، از دیدگاه اسلام، یکی از موضوعات بنیادین و اساسی محسوب می‌شود که شامل آموزه‌های متنوع و جامعی برای تربیت فردی و اجتماعی است. این دین کامل و جامع، به تربیت انسان‌ها با در نظر گرفتن تمامی ابعاد زندگی از جمله روحانی، اخلاقی، اجتماعی و عقلانی اهمیت ویژه‌ای می‌دهد (حیدری تفریسی، ۱۳۸۷، ص ۱۰). از منظری دیگر تربیت مجموعه‌ای از تلاش‌های سنجیده و منظم برای دستیابی به اهداف مشخص و شکوفاسازی توان‌های بالقوه در تمامی ابعاد وجودی انسان است. رشد موفقیت‌آمیز کودک، وابسته به شناخت ابعاد مختلف تربیت و فرهنگی است که جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند، ارائه می‌دهد (آزاد، ۱۳۹۸، ص ۶۳).

امام سجاد (علیه‌السلام) در رساله جامع حقوقی خود، سه بعد اساسی تربیت فرزندان را مورد توجه قرار داده و والدین را با مسئولیت خطیر تربیت آشنا ساخته است. ایشان در بخشی از دعای بیست و پنجم صحیفه سجادیه به سه بعد مهم تربیت اشاره فرموده‌اند: «وَأَصِحَّ لِي أَبْدَانُهُمْ وَ أَدْيَانُهُمْ وَأَخْلَاقُهُمْ؛ خدایا فرزندانم را از جهت تندرستی و دین درستی سالم و صالح قرار ده». این بیان، گویای اهمیت سلامت جسمی، دینی و اخلاقی فرزندان است.

این مقاله با بهره‌گیری از کلام نورانی امام سجاد (علیه‌السلام) اهمیت تربیت فرزندان را بررسی کرده و ابعاد سه‌گانه تربیت را از منظر دینی و روان‌شناسی تحلیل می‌نماید. در این راستا، اثری آموزشی و تربیتی، مبتنی بر این آموزه‌ها ارائه شده است.

۱- مفهوم‌شناسی واژگان

واژه تربیت از ریشه «ربو» به معنای زیادت و فزونی و رشد و بر آمدن گرفته شده است. در اصطلاح به معنای فراهم کردن زمینه مناسب برای پرورش استعدادها و جسمانی، روحانی و

هدایت آن‌ها در جهت مطلوب و جلوگیری از وقوع انحرافات و ناهنجاری‌ها است. تربیت اسلامی زمینه هدایت، پویایی و شکوفایی عقلانی انسان را فراهم می‌سازد و به تربیت جسم و عقل و روان انسان می‌پردازد (راغب اصفهانی، ۱۳۷۳ق، ص ۱۸۲). تربیت در روانشناسی معادل انگلیسی education است که گاهی نیز به پرورش ترجمه شده است. تربیت عبارت است از جریان یا فرایندی منظم و مستمر که هدف آن هدایت رشد جسمانی و روانی، یا به طور کلی هدایت رشد همه جانبه شخصیت پرورش یابندگان در جهت کسب و درک معارف بشری و هنجارهای مورد پذیرش جامعه و نیز کمک به شکوفا شدن استعدادهای آنان است (سیف، ۱۳۹۱، ص ۷).

در اسلام تربیت به معنای فراهم آوردن زمینه‌های لازم برای رشد و تکامل انسان‌ها است. این رشد و تکامل باید به گونه‌ای باشد که فرد را به شناخت بهتر از خود و خداوند، تقویت ایمان و اخلاق و ایجاد روابط صحیح و سازنده با دیگران هدایت کند. از این رو، تربیت دینی و اخلاقی نقش محوری در شکل‌گیری شخصیت فردی و اجتماعی دارد و هدف اصلی آن، پرورش انسان‌هایی با شخصیت قوی، اخلاق نیکو و توانمندی‌های علمی و عملی است (حیدری تفریشی، ۱۳۸۷، ص ۱۹).

۲- سوابق پژوهش

محمدزاده و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «بررسی نقش والدین در تربیت دینی فرزندان پیش از تولد در اسلام» بیان می‌کند از مراحل مهم و سرنوشت ساز در زندگی انسان، مرحله پیش از تولد او است. و پدران و به ویژه مادران در قبال فرزندان خویش و اجتماع، بزرگ‌ترین و سنگین‌ترین مسئولیت را خواهند داشت. حسن نیا (۱۳۹۶) با مقاله‌ای با عنوان «الگوی تربیتی مبتنی بر سیره امام سجاد (علیه السلام)» بیان می‌کند هدف اصلی از تربیت دینی، تقویت

ارتباط با خدا و رشد و روحیه تعبد و بندگی در فرزند است. سلیمانی (۱۳۹۰) بیان می‌کند که تربیت همانند هر فعالیت ارادی دیگر انسان، هدفی را دنبال می‌کند. هدف دارای تعلیم و تربیت از هدف دارای نظام آفرینش و نوع جهان بینی و انسان شناسی و مبانی پذیرفته شده یک مکتب تربیتی جدا نیست؛ یعنی هر مکتبی با توجه به مبانی اعتقادی خود از تربیت انسان هدف خاصی را دنبال می‌کند. آزاد (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «تربیت فرزند از دیدگاه امام سجاد(علیه السلام) با تأکید بر دعای ۲۵ صحیفه سجاده» بیان می‌کند یادگیری مشاهده‌ای فرزند و نیز تربیت الگویی و عملی والدین، جایگاه بسیار مهمی در تربیت فرزند دارد؛ زیرا اغلب رفتارهای انسان، بر اساس یادگیری است و اولین و مهم ترین پایگاه یادگیری افراد، کانون خانواده است.

۳- شاخص‌های تربیت اسلامی

۳-۱- تزکیه و اصلاح خویش

اسلام هر فرد را مسئول اعمال و رفتار خود می‌داند و بر ضرورت خودسازی تأکید دارد. هیچ‌کس نمی‌تواند مسئولیت اعمال خود را بر عهده دیگران بگذارد؛ چنانچه نیکی کند، نتایج آن به خود او باز می‌گردد و اگر مرتکب خطا شود، پیامدهای آن گریبان گیر خود او خواهد شد.

۳-۲- هدایت و حفاظت از دیگران

هر مسلمان وظیفه دارد دیگران را به سوی خدا دعوت کند، آن‌ها را با احکام اسلامی آشنا سازد و راه صحیح را از نادرست برایشان نمایان کند.

تربیتی کودک‌دانا دارد. کودک‌دانا در هفت سال اولیه زندگی خود هنوز به مفهوم تفکر انتزاعی نرسیده‌اند یعنی تفکر عینی دارند و می‌توان ارزش قوه بینایی در این سن را بهتر درک کرد.

همان‌طور که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله وسلم) می‌فرمایند: «حکایت کسی که در کودکی می‌آموزد مانند نقش در سنگ است» (متقی، ۱۴۱۹ق، ص ۲۴۹). از این حدیث می‌توان این چنین برداشت کرد که پیامبر اسلام از چند منظور این حدیث را بیان کرده اند، که یک مورد را می‌توان به الگوگیری کودکان ربط داد که کودکان آنچه را که می‌بینند در حافظه خود ذخیره می‌کنند و سعی به تکرار آن رفتار را دارند. همچنین در عصر حاضر که دسترسی به فضای مجازی محدود به سن خاصی نمی‌شود و بسیاری از الگوهایی که در این فضا مطرح می‌شوند، می‌تواند نقش مهمی در تربیت کودکان داشته باشد. از جمله نحوه لباس پوشیدن، نحوه صحبت کردن، رفتار کردن، غذا خوردن... که لزوم برنامه‌ریزی در این رابطه را دو چندان می‌کند.

سرمشق‌گیری اصطلاحی کلی است و به آن دسته از تغییرات رفتاری، شناختی و عاطفی اطلاق می‌شود که از طریق مشاهده یک یا چند الگو بدست می‌آید. طبق نظر بندورا سرمشق‌گیری ممکن است شامل تقلید باشد یا نباشد. او در طبقه‌بندی انواع سرمشق‌گیری، یادگیری پاسخ‌های جدید از طریق مشاهده الگو را مدنظر قرار داده و این قسمت را در آموزش و یادگیری مهم می‌شمارد. او معتقد است که کودکان بسیاری از رفتارهای جدید را با مشاهده رفتار والدین، شخصیت‌های تلویزیونی و همسالان می‌آموزند (کرین، ۱۹۳۴، ص ۲۶۸).

کانتر (۲۰۰۰) بیان می‌کند که میزان تاثیر والدین بر روی نگرش‌های فرزندان و رفتار آنها چشم‌گیر است. آنها نقش اساسی در شکل‌گیری اعتقادات بازی می‌کنند و نگرش‌ها اعتقادات خود را به طور مستقیم و غیرمستقیم به کودکان انتقال می‌دهند و کودکان این تاثیرات را از روی مشاهده اعمال و رفتار والدین می‌پذیرند. با توجه به اینکه والدین نقش مهمی در فراهم سازی تجربیات زندگی برای فرزندان دارند، نگرش‌های آنها باید صحیح باشد تا بتوانند به رشد شخصیت فردی کودک و احترام به نقش آنها کمک کنند.

یادگیری مشاهده‌ای از طریق سرمشق‌گیری، زمانی اتفاق می‌افتد که فرد رفتاری را با مشاهده عملکرد دیگران بیاموزد. در این نظریه مشاهده الگو می‌تواند به صورت زنده یا غیر زنده، فیلم یا ویدیو، داستان مصور یا سخنرانی باشد. اگر یادگیری از طریق مشاهده باموفقیت همراه نباشد، احتمالاً بدین علت است که یادگیرنده به فعالیت‌هایی که قرار بود از الگو بگیرد، توجه نکرده، یا آنها را به یاد نسپرده، یا توانایی جسمی آن را نداشته و یا مشوق‌های لازم در اختیارش نبوده است (حسن نیا و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۱۶۷).

۳-۵- تربیت اخلاقی

تربیت اخلاقی در آموزه‌های امام سجاد (علیه السلام) براساس دعای بیست و پنجم صحیفه سجادیه

۱-۳-۵- جایگاه تربیت اخلاقی در دین

تربیت اخلاقی، یکی از ابعاد اساسی تربیت است که امام سجاد (علیه السلام) در بخشی از دعای بیست و پنجم صحیفه سجادیه به آن اشاره می‌فرمایند: «وَأَصِحَّ لِي... أَخْلَاقُهُمْ؛ و اخلاقشان را برای من سالم بدار».

جداسازی تربیت اخلاقی از سایر بخش‌های دین، با توجه به تقسیم‌بندی احکام، اعتقادات و اخلاقیات، نشان‌دهنده اهمیت ویژه‌ی این مسئله است. در روان‌شناسی، اخلاق یکی از مفاهیم کلیدی محسوب می‌شود که شامل مجموعه‌ای از ارزش‌ها و باورهای درونی است و نقش مهارکننده‌ای در رفتارهای انسانی ایفا می‌کند. وجدان اخلاقی، فراتر از یک قضاوت ساده نسبت به درست و نادرست بوده و فرد را به درک، تشخیص و عمل براساس اصول، تکالیف و قوانین اخلاقی سوق می‌دهد (آزاد، ۱۳۹۸، ص ۶۳).

۲-۳-۵- مراحل رشد اخلاقی در آموزه‌های دینی

در آموزه‌های اسلامی، بسیاری از روایات معصومین (علیهم السلام) مراحل رشد کودک و نوجوان را به سه دوره‌ی هفت‌ساله تقسیم می‌کنند هفت سال اول؛ فرزند، سید و سرور است. هفت سال دوم؛ فرزند، فرمان‌بردار می‌شود و هفت سال سوم؛ فرزند، وزیر خانواده است و آماده پذیرش مسئولیت‌های زندگی می‌شود. برای هر یک از این دوره‌های تربیتی، روش‌ها و شیوه‌های تربیتی خاصی باید رعایت شود که مبتنی بر شناخت ویژگی‌های رشدی هر دوره است. از دیدگاه دین، کودک تا هفت سالگی، نیاز به محبت، بازی و ارتباط آزادانه دارد. در این دوره، نباید کودک را به سختی وادار به عبادات کرد یا او را مجبور به رعایت قواعد سنگین نمود. والدین باید نیازهای کودک را بشناسند و با برخوردی بزرگوارانه، محیطی مناسب برای رشد شخصیت او فراهم کنند (سیف و همکاران، ۱۳۷۰، ص ۱۳۱).

۳-۳-۵- اهمیت بازی در شکل‌گیری شخصیت اخلاقی کودک

دوره‌ی هفت سال اول زندگی، دوره‌ی بازی و نشاط کودک است. فرزند از زمان تولد هنوز دنیا را کاملاً درک نمی‌کند و ارتباط مستقیمی با محیط ندارد. او توانایی انجام امور شخصی خود را ندارد و از این رو، این مرحله به عنوان سن رفع نیازها نیز شناخته می‌شود. از دو سالگی، جنب و جوش و بازی‌های کودک افزایش می‌یابد. تا سه سالگی، کودک ارتباط بیشتری با محیط برقرار می‌کند و قدرت تشخیص در او تقویت می‌شود و با وجود رشد شناختی، هنوز در تصمیم‌گیری ناتوان است و نیازمند حمایت والدین است. بر اساس دیدگاه‌های روان‌شناختی، شخصیت فرد در پنج سال اول زندگی شکل می‌گیرد. رشد اخلاقی، تحت تأثیر میزان علاقه‌ی

کودک به معیارها و ارزش‌های معمول بوده و ارتباط مستقیمی با رشد اجتماعی و دینی او دارد (باهنر، ۱۳۹۹، ص ۵۶).

۴-۳-۵- دیدگاه‌های روان‌شناختی درباره‌ی رشد اخلاقی

ژان پیاژه معتقد است که اخلاقی بودن، وابسته به میزان رشد شناختی فرد است. پس از او، لارنس کلبِرگ با توسعه‌ی نظریه‌ی پیاژه، مراحل تحول اخلاقی را در سه سطح و شش مرحله تقسیم‌بندی کرد.

این مراحل از اخلاق پیش‌قراردادی عبور کرده و با اخلاق فراقراردادی یا مبتنی بر اصول پایان می‌یابد. بدین ترتیب، استدلال اخلاقی از کنترل بیرونی به کنترل درونی و نگرش اصول‌گرایانه و جهان‌شمول تغییر می‌کند (محسن پور، ۱۳۸۸، ص ۲۳).

۵-۳-۵- تأثیر والدین بر تربیت اخلاقی کودکان

رشد قوه‌ی قضاوت اخلاقی، می‌تواند به درک درست و نادرست کمک کند؛ اما آنچه اهمیت دارد، التزام عملی به ارزش‌های اخلاقی است. انسان به طور فطری، تمایل به اعمال اخلاقی دارد و از رفتارهای غیراخلاقی گریزان است. بنابراین، والدین باید به جای تمرکز بر قضاوت‌های اخلاقی کودکان، زمینه‌ی شکوفایی گرایش‌های اخلاقی فطری آن‌ها را فراهم کنند (محسن پور، ۱۳۸۸، ص ۲۳). بر اساس آیه‌ی «فَاللَّهُمَّاهُ فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا»؛ «پس پلیدی‌ها و پاکی‌هایش را به او الهام کرد» (شمس: ۸)، ساختار قابلیت‌های اخلاقی در نهاد انسان‌ها از ابتدا وجود داشته و باید از طریق تربیت صحیح، تقویت شود (شاملی، ۱۳۷۹، ص ۱۳). فرزندان، آینه‌ی رفتار والدین و اطرافیان خود هستند. آنچه را که از محیط اطراف مشاهده می‌کنند، درونی کرده و تکرار می‌کنند. بنابراین، الگوهای رفتاری صحیح، نقش مهمی در شکل‌گیری شخصیت

اخلاقی کودک دارند. از همین رو، والدینی که دغدغه‌ی تربیت صحیح فرزندشان را دارند، باید ابتدا رفتارهای خود را اصلاح کنند تا بتوانند الگوی مناسبی برای فرزندان باشند (وجدانی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۴۳).

۶- نقش والدین در تربیت فرزند از دیدگاه اسلامی و روان‌شناسی

امام سجاد (علیه‌السلام) فرزند را نعمتی ارزشمند می‌داند و در بخشی از دعای بیست و پنجم صحیفه سجاده‌یه از خداوند متعال درخواست می‌کند: «وَأَعِنِّي عَلَى تَرْبِيَتِهِمْ وَتَأْدِيبِهِمْ؛ خدایا فرزندانم را از جهت تندرستی و دین‌درستی و خوش خلقی سالم و صالح قرار ده». همچنین، ایشان در «رساله حقوق» بیان می‌فرماید: حق فرزند آن است که والدین بدانند او بخشی از وجود آنان است و اعمال خوب یا بد او در دنیا به والدین منتسب خواهد شد. ایشان تأکید دارند که والدین مسئولیت عظیمی در هدایت فرزند به سوی خداوند بر عهده دارند و باید به نحوی عمل کنند که آثار مثبت تربیت ایشان هم در دنیا و هم در پیشگاه خداوند مشهود باشد.

یکی از اصول اساسی در فرآیند تربیت، توجه جامع به تمامی ابعاد وجودی فرزند است. در سال‌های نخست زندگی، مادر بیشترین نقش را در تعامل با فرزند ایفا می‌کند. با این حال، در سبک زندگی مدرن امروزی، والدین اغلب فرزندان خود را صبح به مهد کودک می‌سپارند و فرصت کافی برای تأمین نیازهای عاطفی و تربیتی آنان ندارند. این نگرش که موفقیت صرفاً در تحصیلات دانشگاهی و اشتغال خلاصه می‌شود، دیدگاهی ناقص بوده و سعادت واقعی انسان را به‌طور کامل در بر نمی‌گیرد. در مرحله پیش از تولد، خانواده و والدین تأثیرگذارترین عوامل در تربیت و آینده کودک محسوب می‌شوند؛ چراکه خانواده نخستین جایگاهی است که ویژگی‌های شخصیتی و تربیتی انسان در آن شکل می‌گیرد. بر این اساس، از دیدگاه اسلام،

مسئولیت پدر و مادر نسبت به تربیت فرزند، از پیش از تولد آغاز می‌شود و کودک حتی پیش از آنکه متولد شود، بر پدر و مادر خود حقوقی دارد که در صورت رعایت نشدن آن‌ها، آثار تعلیم و تربیت او کاهش می‌یابد (محمدزاده، ۱۳۹۹، ص ۵).

نقش مادر، پیش از تولد فرزند شامل توجه به بهداشت جسمانی و روانی خود، مراقبت‌های عبادی و معنوی، و حفظ سلامت جنین در دوران بارداری می‌شود. براساس روایات فراوان، ویژگی‌های مادر هنگام انتخاب همسر، رفتارهای او در دوران بارداری و تغذیه، زمینه‌ساز تربیت صحیح و عاملی مؤثر در خوشبختی یا بدبختی فرزند محسوب می‌شود، بنابراین توجه به این موارد برای پدر و مادر ضروری است. روان‌شناسان بر این باورند که رابطه مادر و فرزند از زمان انعقاد نطفه آغاز شده و در طول بارداری و پس از آن ادامه می‌یابد (مجیدی، ۱۴۰۰، ص ۱۱۱).
الگوهای قرآنی مادر، همچون مادر حضرت عیسی (علیه‌السلام)، مادر حضرت موسی (علیه‌السلام) و مادر حضرت مریم (علیها‌السلام)، به‌وضوح نقش تربیت فرزندان در مراحل جنینی و پس از آن را نشان داده و بر تأثیر حالات روحی، اخلاقی و ایمانی مادر بر خلق و خوی، رفتار و شخصیت فرزند تأکید دارد (مجیدی، ۱۴۰۰، ص ۱۱۱).

جی. اُ. فراست (۲۰۰۵) در کتاب «مادر کافی» اشاره می‌کند که یک مادر خوب لزوماً کامل نیست، اما باید دانش کافی در زمینه رشد کودک و تغییرات جسمانی او داشته باشد تا بتواند نیازهای فرزند خود را به‌درستی و در زمان مناسب تأمین کند.

۷- الگوهای تربیتی

الگوهای تربیتی در اسلام براساس اصول و آموزه‌های قرآن کریم و سنت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله وسلم) شکل گرفته‌اند و راهنمایی برای مسلمانان در جهت رسیدن به کمال

و سعادت دنیوی و اخروی می‌باشند. اسلام بر این باور است که انسان دارای ابعاد مختلفی است که همگی نیازمند توجه و پرورش هستند. به همین دلیل، تربیت در اسلام تنها جنبه‌های مادی و جسمانی محدود نمی‌شود، بلکه شامل تربیت روحانی، اخلاقی، عقلانی و اجتماعی نیز می‌گردد. این نگرش جامع تربیت، باعث شده است تا الگوهای تربیتی اسلام به عنوان یکی از مهمترین موثرترین راهنمایی‌ها برای توسعه و رشد انسان‌ها شناخته شود. الگوگیری یکی از این روش‌های تربیتی است. انسان در مراحل مختلف زندگی خود به الگو نیاز دارد. همانند سازی و درس آموزی در زمینه‌های گوناگون از دوران کودکی آغاز می‌شود. هرچه الگوها مناسب‌تر باشد، انسان در رسیدن به کمال موفق‌تر است. انسان فطرتاً عاشق کمال است و این عشق به کمال، آدمی را به الگوطلبی و الگوپذیری می‌کشانند. سعی می‌کند در همه امور خود را همانند الگوی مطلوب خویش سازد و خود را به او شبیه سازد؛ از این رو ارائه الگوهای متعالی و قابل پیروی از مهم‌ترین امور تربیت انسانی است؛ زیرا روش یادگیری به طور غیر مستقیم و از طریق مشاهده از موثرترین و پایدارترین انواع یادگیری‌ها محسوب می‌شود. تاثیر الگو در نقش‌پذیری انسان یک امر طبیعی است (حیدری تفریسی، ۱۳۸۷، ص ۹۰).

فرزندان به گونه‌ای آینه رفتار نزدیکان خود هستند و آنچه را که از اطرافیان خود به خصوص پدر و مادر مشاهده می‌کنند، نهادینه و تکرار می‌کنند. الگوهای درست می‌تواند زمینه ساز شکل‌گیری رفتارهای مطلوب فرزندان باشد. همین امر دلیلی بر اهمیت الگو باشد. از همین رو لازم است والدینی که دغدغه تربیت اجتماعی صحیح فرزند خود را دارند، ابتدا به اصلاح رفتارهای خود بپردازند تا بتوانند الگویی مناسب برای فرزندان خود باشند. نتیجه این فرایند می‌تواند مشاهده رفتارهای خوب و مناسب فرزندان در اجتماع و فعالیت‌های گروهی باشد. یکی از موادی که می‌تواند زمینه ساز تقویت تربیت اخلاقی و رفتارهای اجتماعی فرزندان باشد، دیدار

با خویشاوندان و صله رحم است که درآموزه‌های دینی بسیار بدان توصیه شده است. در اینجا می‌توان به نظریه یادگیری مشاهده‌ای آلبرت نیز اشاره کرد (کرمانی، ۱۴۰۱، ص ۴۱).

از نظر آدکینز (۲۰۰۳) کودک نخستین تجارب حمایت اجتماعی خود را در کانون خانواده کسب می‌کند. نحوه برخورد، پذیرش، دوست داشتن و رفتار مساعد با کودکان او را برای احیای نقش‌های اجتماعی و بر طرف ساختن نیازهایش بازی می‌دهد. ارتباط پیوند افراد خانواده در سلامت روانی کودک تاثیر بسزایی دارد، به گونه‌ای که الگوهای رفتاری وی را در بزرگسالی بنیان نهاده و موجبات امنیت خاطر و عزت نفس را در وی فراهم می‌آورد. والدین یکی از مهمترین منابع شکل‌گیری خود پنداره و احساس ارزش نسبت به خود در کودکان و نوجوانان هستند و به این وسیله کودک ادراکات نگرش‌ها و واکنش‌های دیگران را جزئی از ارزش‌های درونی خود می‌کند. شواهد نشان می‌دهد که تاثیر ارتباط میان والد - کودک، در کودکی و نوجوانی و حتی تا بزرگسالی نیز ادامه پیدا می‌کند (نیک نژادی، ۱۳۸۶، ص ۲۳).

از دیدگاه روانشناسی داشتن الگو در زمینه رفتار و الگو پذیری در تربیت بسیار سودمند است که گرایش‌های مختلف روانشناسی در این مورد بیان می‌کند:

روانشناسی تربیتی: این گرایش بر بهبود فرآیندهای یادگیری و آموزش تمرکز دارد.

این گرایش به والدین و معلمان کمک می‌کند تا از طریق روش‌های موثر آموزشی، الگوهای رفتاری مناسبی را در کودکان و نوجوانان شکل دهند (سیف، ۱۳۹۱، ص ۴۲۶).

روانشناسی رفتاری: در این گرایش، الگوها به عنوان رفتارهای قابل مشاهده و تکراری

مورد مطالعه قرار می‌گیرند. شرطی‌سازی کلاسیک و شرطی‌سازی عامل نمونه‌هایی از الگوهای رفتاری هستند. رفتارگرایان بر این باورند که رابطه میان محیط و رفتار، مهم‌ترین عنصر تأثیرگذار در فرآیند یادگیری است. آنان معتقدند تغییرات محیطی می‌تواند تغییراتی در فرد ایجاد کرده و

در نتیجه به یادگیری منجر شود. بر اساس این دیدگاه، تقویت یادگیرنده پس از انجام رفتار پسندیده و کسب پیامد مطلوب، سبب تکرار آن رفتار می‌شود. در مقابل، تنبیه و دریافت پیامد نامطلوب به دلیل انجام یک رفتار، منجر به بازداري آن رفتار خواهد شد (حسن نیا، ۱۳۹۸، ص ۱۶۷).

روانشناسی اجتماعی: روانشناسی اجتماعی بر تاثیر محیط اجتماعی و تعاملات بین

فردی در شکل‌گیری الگوهای رفتاری تأکید دارد. این دیدگاه معتقد است که کودکان از طریق تعامل با والدین، دوستان و معلمان، رفتارهای خود را شکل می‌دهند. همانگونه که آلبرت بندورا به شرایط الگوپذیری کودکان اشاره می‌کند او معتقد است که کودکان لزوماً همه رفتارهایی که می‌بینند تکرار نمی‌کنند، بلکه از بین مشاهدات خود رفتارهایی را که انتخاب کرده آن‌ها را تقلید می‌نمایند (آزاد، ۱۳۹۴، ص ۶۳).

روانشناسی رشد: بر این باور است که الگوهای تربیتی باید متناسب با مراحل رشد

روانی- اجتماعی فرد باشند. تربیت در هر مرحله نیازمند روش‌های خاصی است تا کودک یا نوجوان بتواند به درستی رشد کند (لورابرك، ۲۰۱۴، ص ۵۷).

روانشناسی شناختی: شناخت‌گرایان نظری متفاوت ارائه می‌دهند. آنان یادگیری را

به‌عنوان فرآیندی برای کسب و بازسازی ساختارهای شناختی تعریف می‌کنند که از طریق پردازش اطلاعات و ذخیره آن‌ها در حافظه شکل می‌گیرد. نظریه‌های شناختی یادگیری تأکید دارند که این فرآیند یک مکانیزم درونی است که ممکن است به‌سرعت در رفتار آشکار منعکس نشود. به بیان دیگر، شناخت‌گرایان بر این باورند که یادگیری توانایی‌هایی در فرد ایجاد می‌کند که در حافظه ذخیره می‌شوند و هرگاه لازم باشد، چه در کوتاه‌مدت و چه در بلندمدت، مورد استفاده قرار خواهند گرفت (حسن نیا، ۱۳۹۸، ص ۱۶۷).

۸- مراحل رشد از دیدگاه اسلام و روانشناسی

از دیدگاه اسلام انسان موجودی در حال رشد است که در دوران زندگی خود نیز از مراحل و دوره‌های مشخصی عبور می‌کند. که دوره رشد به طور روشن دو دوره قبل و بعد از تولد بیان شده و این نکته نیز ذکر شده است که قبل و بعد از تولد هم مراحل مشخص و معینی دارد.

۸-۱- مراحل رشد قبل از تولد

مراحل رشد قبل از تولد به ترتیب عبارتند از: نطفه، علقه، مضغه، استخوان و پوشانیدن گوشت بر آن و ایجاد آفریشی دیگر (روح)

نطفه: چکیده و خلاصه‌ای از اجزای زمین (خاک) است که با آب آمیخته شده است و رحم که جایگاه آن می‌باشد نیز قرارگاهی امن است؛ زیرا رحم در واقع محفوظ‌ترین جای بدن مادر است که از هر طرف کاملاً محافظت می‌شود.

علقه: در لغت به معنای گوناگونی از جمله زالو دارد و نیز با توجه به ریشه لغت به معنای تعلق و وابستگی است. در این مرحله هر دو معنا می‌تواند به کار رود؛ زیرا جنین در این مرحله نوعی وابستگی و تعلق به دیواره رحم دارد و مانند زالو از خون مادر تغذیه می‌کند. مضغه: جنین در این مرحله به صورت پاره گوشتی در می‌آید و هنوز نظام معینی به خود نگرفته است.

استخوان و گوشت: به تعبیر قرآن در این مرحله جنین از حالت یک پاره گوشت خارج می‌شود و به صورت بافت‌های جداگانه‌ای در می‌آید که از آن جمله پیدایش بافت استخوانی است و سپس بر این استخوان، گوشت پوشانیده می‌شود.

روح: در این مرحله که قرآن از آن به ایجاد آفرینشی دیگر تعبیر می‌کند، روح و روان انسان در بدن پدید می‌آید (مومنون: ۱۴).

۲-۸- مراحل رشد بعد از تولد

در قرآن دوران زندگی انسان بعد از تولد به سه دوره مشخص کودکی، بلوغ و پیری تقسیم شده است؛ دوران مهم رشد و تربیت انسان در سال‌های کودکی و جوانی است، احادیث فراوانی، دوران رشد را از بعد تولد تا ۲۱ سالگی تقسیم‌بندی کرده و ویژگی‌های برای رشد و تربیت یادآور شده‌اند.

پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و اله وسلم) می‌فرماید: «کودک در هفت سال اول سید و آقا است، در هفت سال دوم روحیه اطاعت و فرمانبرداری دارد و در هفت سال سوم وزیر و مشاور است» (حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۵، ص ۱۹۵).

دوران رشد و تربیت بعد از تولد به سه مرحله هفت ساله تقسیم شده است که ما آن را به این صورت نامگذاری می‌کنیم:

دوره سیادت و سروری: بازی کردن و ماندگلی خوشبو بودن از ویژگی‌های این دوره

است که در رشد و تربیت نیز اهمیت اساسی برخوردار است. لغت سید به معنای آقا، بزرگتر و سرور است که می‌تواند اشاره به این باشد که کودک در هفت سال اول باید به اندازه کافی از نظر شخصیتی مورد احترام قرار بگیرد و مرکز توجه اعضای خانواده باشد. و در احادیثی آمده است که کودک را در این هفت سال کاملاً آزاد بگذارید که بازی کند تا از نظر جسمی و روانی، رشد لازم را داشته باشد. از نظر اسلام هفت سال اول دوره‌ای است که کودک محور

تعیین کننده آن است و پدر و مادر باید تا حد امکان مطابق خواسته ها و نیاز های طبیعی کودک خود رفتار کنند.

دوره اطاعت و فرمانبرداری: در احادیث یاد شده اطاعت، حرف شنوی و همچنین

تعلیم و تادیب از ویژگی های این دوره بیان شده بود. در این دوره از دیدگاه اسلام پدر و مادر محور تعلیم و تربیت اند و کودک با خصوصیات روانی و تربیتی که داراست، آمادگی کافی را برای تعلیم و تربیت پذیری مستقیم دارد.

دوره مشورت و همراهی: در هفت سال سوم، وزیر بودن، همراهی و همراهی با پدر و

مادر، یادگیری حلال و حرام و دشمنی یا دوستی با پدر و مادر از خصوصیات کودک ذکر شده است. خصوصیات این دوره این است که آن است که جوان با پدر و مادر خویش یا از در دشمنی در می آید یا از در دوستی. اگر پدر و مادر خصوصیت فرزند خود را در این دوره بشناسند و مسئولیت و حق مشاورت و تصمیم گیری به او بدهند، او هم با پدر و مادر خود کاملاً دوست و رفیق خواهد بود؛ اگر غیر از این با او رفتار کنند و بخواهند مانند دوره های قبل، همچنان بر او واسطه و حاکمیت داشته باشند و مسئولیت و حق تصمیم گیری لازم را به او ندهند، فرزند شان با آنها دشمن خواهد شد و محیط خانواده برای وی، آرامش بخش و پرجاذبه نخواهد بود (سیف، ۱۳۷۰، ص ۱۲۹).

سابقه و هدف خلقت انسان از نطفه تا مرگ از نظر روانشناسان رشد دارای مراحل چون جنینی، کودکی، نوجوانی، جوانی، میان سالی و پیری است. این مراحل علاوه بر ویژگی های زیستی و شناختی دارای اصول تربیتی خاصی است که فرد را به کمال و شکوفایی کامل می رساند (موسوی، ۱۳۹۸، ص ۱۲۹). ژان پیاژه از روانشناسانی است که رشد انسان را تحت چهار مرحله

جدا از نظر رشد شناختی بررسی کرده است. اریکسون پیرو نظریه مراحل رشد را به هشت مرحله گسترش داده است. که از تولد تا پایان عمر را دربرمی گیرد (سیف، ۱۳۹۱، ص ۱۰۸).

مجلسی (۱۴۰۳) نیز بیان می کند که رشد و تحول طی دوره‌ها و مراحل به وجود می آید که از نظر کیفیت با یکدیگر متفاوت هستند و در عین حال، یکی بردیگری بنا شده است. همین طور گزل معتقد است رشد کودک براساس یک برنامه رشد از پیش تعیین شده و به طور طبیعی آشکار می شود و تحت تاثیر دو نیروی عمده است: نخست آنکه کودک محصول محیط خویش است؛ اما رشد کودک به طرزی بنیادی تر از دورن و بر اثر عمل ژن‌ها هدایت می شود. او این فرآیند را رسش یا بالیدگی نامید. ویژگی بارز رشد مبنی بر رسش این است که همواره به شکل مراحل ثابت، آشکار می شود. هفت مرحله رشدی در نظریه رسشی گزل وجود دارد:

مرحله اول؛ از تولد تا یک ماهگی. در این مرحله اندام‌های حسی و حرکتی به طور محدودی با محیط پیرامون آشنا می شوند. مرحله دوم؛ از یک ماهگی تا هفت ماهگی. در این مرحله نوزاد محیط اطراف خود را با استفاده از حواس پنجگانه درک می کند. مرحله سوم؛ هفت تا هجده ماهگی. از نظر حرکتی، کودک بسیار فعال است. مرحله چهارم؛ از هجده ماهگی تا سه سالگی. کودک به توانایی راه رفتن و حرف زدن دست پیدا می کند. مرحله پنجم؛ سه تا پنج سالگی. کودک در این مرحله به طور مدام بر سر دو راهی قرار می گیرد. شروع به پرسش و پاسخ می کند. مرحله ششم؛ از پنج تا ده سالگی. شامل مرحله دبستانی است. کودک جاندار پندار شده است و در عین حال تلاش می کند خودش را با محیط پیرامونش تطبیق دهد. در این مرحله گزل از دیباگرام رابطه کودک، والد و معلم استفاده می کند. مرحله هفتم؛ از ده تا هفده سالگی. در این مرحله کودک، وارد دوره نوجوانی می شود. دگرگونی‌ها و فراز و نشیب‌های زیادی در این مرحله رخ می دهد و از نظر گزل این مرحله، مرحله شکوفایی عقلانی است (کرین، ۱۹۹۳،

ص ۴۹). البته مراحمی که در این مقاله بدان پرداخته شده است، شش مرحله ابتدایی نظریه گزل می باشد.

لویس (۲۰۱۵) می گوید باید متناسب با سن کودک به تامین کافی نیازهای عاطفی اساسی و عملکرد سالم و تعادل بین حفاظت کافی و دادن آزادی توجه کرد. افرادی که حق انتخاب برای انجام وظایف خود دارند، تمایل بیشتری برای انجام دارند و ایجاد فرصت انتخاب در کودکان نقش بسیار مهمی در شکل گیری خودگردانی در آنها دارد و این فرصت برای آنها مسئولیت ایجاد می کند و به آنها کمک می کند که مسئولیت را قبول کنند و عدم انعطاف پذیری و سرسختی باعث می شود نیاز عاطفی اساسی خودگردانی در کودکان تامین نشود.

شیرخوارگی: این دوره زمانی که کودک با دیگران به راحتی رابطه برقرار می کند. اغلب والدین در این دوره مراقب اند کودکشان با دیگران تماس زیادی نداشته باشند تا به بیماری های واگیر مبتلا نشوند. باید والدین عامل تشویق کودکان شوند که از دیگران ترسند و کودک را با امنیت کامل در بغل بگیرند و با لحن نرم و امیدوارکننده با کودک صحبت کنند؛ و اگر کودک تمایلی به ارتباط با دیگران ندارد با لحنی خشمگین و ناامید کننده با او حرف بزنند. از حدود سه ماهگی به بعد کودکان یاد می گیرند که با بچه های دیگر ارتباط برقرار کنند. به خصوص از زمانی که کودک می تواند بنشیند، می تواند ارتباط متقابل با والدین برقرار کند.

سال های نو پایی: در این دوران مغز کودک بیشترین سرعت رشد در سه سال اول زندگی دارد و این رشد چه هیجان انگیز است. اگرچه هرکسی درمورد این سن شنیده که بچه ها در این دوران به نام دوساله های فاجعه معروف اند. در این دوره، بازی اولین کار آنهاست و والدین باید برای تشویق خودگردانی سالم به کودک حق انتخاب بدهند.

دوران ابتدائی کودکی: در سن چهار تا هفت سال کودکان کارهای بیشتری را به صورت مستقل انجام می‌دهند. در این سن والدین هنوز در مواردی مثل خواب، زمان بیدار شدن، حمام کردن (به خصوص در پسرها) نیاز به تذکر دارند. زمانی که مشکلی پیش می‌آید، بخصوص در یک بحث آزاد، باید مشکل را مطرح کرده، با والدین صریح تر خواسته‌های خود را بیان کنند و فرصت به کودک بدهند که نظرات خود را مطرح کنند و دائم به او نگویند چه کاری انجام بدهند و چه کاری انجام ندهند. در این سن بازی مهم تر است.

تاثیر محیط خانواده بر رفتار و رشد کودک موضوعی است که توجه بسیاری روانشناسان را به خود جلب کرده است. این تاثیر می‌تواند در تمام جنبه‌های زندگی کودکان از روابط اجتماعی و سلامت روانی آنها نقش داشته باشد. توجه به سطوح تحول کودک از لحظه‌ای که متولد می‌شود، دگرگونی‌های متنوعی از نظر جسمی، روانی، عاطفی و شناختی، تجربه وظیفه والدین را در این امر نمایان تر می‌کند. یکی از مهم ترین نیازها در سنین کودکی، دریافت تغذیه مناسب، سالم و پاک است. تاکید دین بر تهیه غذای سالم و حلال به عنوان عامل زمینه ساز رشد و پرورش درست کودک، واجب شمرده شود است.

مادر در دوران شیردهی، مانند دوران بارداری، موظف است به حالات، گفتار و رفتار و همچنین تغذیه خود و کودک توجه خاصی مبذول کند. دوران شیر خوارگی که دو سال اول زندگی انسان را شامل می‌شود، حساس ترین و مهم ترین دوران حیات دنیوی به شمار می‌رود. این دوران مهمترین دوران تکامل مغزی انسان محسوب می‌شود که نقش قابل ملاحظه‌ای بر عملکرد ذهنی، جسمی، روانی، اجتماعی و ایمنی وی دارد. آگاهی مراقبان به ویژه مادر، از چگونگی ارائه مراقبت صحیح و به‌جا از کودک بسیار ضروری بوده و در ایجاد احساس امنیت

و اعتماد که پایه و اساس رشد عاطفی اجتماعی کودک است، نقش به سزایی دارد (جعفری میانائی، ۱۳۹۹، ص ۳۲۷).

جان لاک معتقد بود دوره شیرخوارگی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. ذهن در این زمان بیشترین انعطاف‌پذیری را دارد و ما از طریق تقلید می‌آموزیم. بنابراین الگوها شخصیت ما را تحت تاثیر قرار می‌دهند. سرانجام مهم‌تر از همه، از طریق پاداش و تنبیه می‌آموزیم. پیازه نیز دو سال اول زندگی را مرحله جسمی - حرکتی نام‌گذاری کرده است که کودک شیرخواره از تولد تا ۲ سالگی، دنیا را مستقیماً با حواس خود تجربه می‌کند (کرین، ۱۳۹۳، ص ۴۱).

توصیه‌های کاربردی به والدین

باتوجه به راهنمایی‌های امام سجاد (علیه السلام) در دعای بیست و پنجم صحیفه سجاده و با در نظر گرفتن شرایط جامعه امروز، توصیه‌های زیر می‌تواند برای والدین عزیز در مسیر تربیت راهگشا باشد:

اولویت دادن به تربیت دینی و اخلاقی.

الگوی عملی بودن برای فرزندان.

ایجاد محیطی امن و صمیمی در خانه.

توجه به نیازهای روحی و عاطفی فرزندان.

پرورش استقلال و مسئولیت‌پذیری.

توجه به تفاوت‌های فردی فرزندان.

صبر و استقامت و مدیریت استفاده از تکنولوژی.

نتیجه‌گیری

امام سجاد (علیه السلام) در نیایش‌ها و مناجات‌های خود، با دقت و ژرف نگری در دعای بیست و پنجم صحیفه سجادیه، با بررسی نقش عوامل تربیتی در هفت سال نخست زندگی، به نکات کلیدی تربیتی اشاره کرده و افراد را به شناخت عمیق‌تر این اصول و پایبندی به آن‌ها دعوت می‌کند. در این مطالعه، سه بُعد تربیت جسمی، تربیت دینی و تربیت اخلاقی مورد بررسی قرار گرفته و تلاش شده است تا این ابعاد با نظریات مطرح در روان‌شناسی رشد تطبیق داده شود تا راهنمایی مؤثری برای والدین در تربیت فرزندان فراهم گردد. این سه بعد تربیتی، همدیگر را تکمیل می‌کنند و هیچ‌کدام به تنهایی قادر به تأمین نیازهای کامل تربیتی نیستند.

تربیت شامل مراحل پیش از تولد کودک و مراحل بعد از تولد کودک می‌شود. چنانچه زمینه سالم تربیتی ایجاد گردد، کودک سالمی متولد می‌شود که توان علمی و استعدادهای فراوانی دارد. اسلام تربیت را آن‌قدر مهم و حیاتی می‌داند که اصول و برنامه‌های تربیتی‌اش را از زمان قبل از تولد فرزند تا هنگام انتخاب همسر بیان کرده است. از مراحل مهم و سرنوشت ساز در زندگی انسان، مرحله پیش از تولد اوست. به این معنا اگر زن و مرد در این مرحله به وظایف خود آشنا نبوده، مقدمات به وجود آمدن یک انسان سالم را فراهم نخواهند ساخت. تربیت دینی، یکی از حقوق کودک و وظایف والدین است. خانواده مناسب‌ترین بستر برای پیدایش رفتارهای مذهبی است. تربیت دینی کودک دارای سیر منطقی است. به رعایت تناسب بین مفاهیم آموختنی به کودک و سن او، در اسلام توجه خاصی شده است. کودک از طریق تکرار و تقلید و آشنایی این آموزه‌ها را یاد می‌گیرد. بر این اساس، آموزه‌های امام سجاد (علیه السلام) در دعای بیست و پنجم صحیفه سجادیه، همسو با یافته‌های علمی و روان‌شناختی معاصر، بر اهمیت سلامت جسمانی در تربیت نسل‌های آینده تأکید دارند. این نگاه، می‌تواند راهنمای

ارزشمند برای والدین و مربیان باشد تا در کنار پرورش فکری و معنوی فرزندان، توجه ویژه‌ای به سلامت جسمانی آنان نیز داشته باشند. جداسازی تربیت اخلاقی از سایر بخش‌های دین، با توجه به تقسیم‌بندی احکام، اعتقادات و اخلاقیات، نشان‌دهنده اهمیت ویژه‌ی این مسئله است. در روان‌شناسی، اخلاق یکی از مفاهیم کلیدی محسوب می‌شود که شامل مجموعه‌ای از ارزش‌ها و باورهای درونی است و نقش مهارکننده‌ای در رفتارهای انسانی ایفا می‌کند. وجدان اخلاقی، فراتر از یک قضاوت ساده نسبت به درست و نادرست بوده و فرد را به درک، تشخیص و عمل بر اساس اصول، تکالیف و قوانین اخلاقی سوق می‌دهد.

با توجه به مطالب ارائه‌شده، می‌توان گفت اسلام و روان‌شناسی بر اهمیت یادگیری مشاهده‌ای و تربیت عملی والدین تأکید دارند. رفتارهای انسان عمدتاً از طریق یادگیری شکل می‌گیرد و خانواده، نخستین و مهم‌ترین پایگاه این یادگیری است. ازاین‌رو، بهره‌مندی از الگوهای برتر اخلاقی و تربیتی و برنامه‌ریزی برای ترویج آن‌ها از طریق رسانه‌ها و فضای مجازی، می‌تواند نقشی کلیدی در رشد همه‌جانبه کودکان ایفا کند. ایجاد فضای امن و عاطفی در خانه با توجه به نیازهای فردی و بهره‌گیری از آموزش عملی در تربیت دینی با مدیریت تکنولوژی جدید می‌تواند از نکات کاربردی جهت استفاده والدین باشد.

فهرست منابع

۱- آزاد، عباس (۱۳۹۸)، تربیت فرزند از دیدگاه امام سجاد (علیه السلام) با تاکید بر دعای

۵۲ صحیفه سجادیه، ره توشه راهیان نور محرم الحرام (ویژه خانواده).

۲- افشاری کرمانی، محمد حسین (۱۴۰۱)، تربیت اجتماعی فرزندان در بستر نهاد خانواده،

ره توشه، ۱۰، ۵۱-۴۱.

۳- اکبرخانی، حسین علی، کریمیان وحید (۱۳۹۶)، الگو تربیتی مبتنی بر سیره امام سجاد (علیه

السلام)، مجله علمی رویکردهای پژوهشی در علوم اجتماعی، ۱۹، ۱۲-۳۳.

۴- انصاریان، حسین (۱۳۷۲)، دیار عاشقان: تفسیر جامع صحیفه سجادیه، تهران: پیام

آزادی.

۵- باهنر، ناصر (۱۳۹۹)، آموزش مفاهیم دینی همگام با روانشناسی رشد، تهران:

سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشریه بین الملل.

۶- برک، لورا (۲۰۱۴)، روان شناسی رشد ۱ از لقاح تا کودکی، تهران: ارسباران.

۷- جی. ا. فرست (۲۰۰۵)، مادر کافی، تهران: نشر چلچله.

۸- جعفری میانائی، سهیلا؛ علیمحمدی، نصرالله؛ حسن پور، مرضیه؛ بانکی پور فرد، امیر

حسین (۱۳۹۹)، مدل مفهومی مراقبت در دوران شیرخوارگی از دیدگاه اسلام، حیات، ۲۶(۳)،

۳۴۲-۳۲۷.

۹- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق)، وسائل الشیعه، قم: انتشارات آل البیت.

۱۰- حسن نیا، سمیه؛ شمشیری، بابک (۱۳۹۸)، بررسی تطبیقی فرایندهای یادگیری مشاهده

ای بندورا در قرآن، **رویش روانشناسی**، ۸(۳)، ۱۶۷-۱۷۴.

۱۱- حیدری تفریشی، غلامحسین (۱۳۸۷)، **تربیت اسلامی «روش‌ها، اصول،**

مفاهیم»، دانشگاه آزاد اسلامی واحد فرهان، ۲۱-۲۸.

۱۲- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، **مفردات الفاظ قرآن**، بیروت:

دارالشامیه.

۱۳- رمضانی گیوی، سمانه؛ مرادی، حسن؛ عمارتکار، الهام (۱۴۰۰)، تعریف سلامت و

بیماری از منظر ابن سینا و طب رایج، **نشریه طب سنتی اسلام و ایران**، ۱۲(۳)، ۱۱۷-۲۰۸.

۱۴- سلیمانی، مصطفی (۱۳۹۰)، درآمدی بر نظام تربیتی و انسان شناسی از منظر صحیفه

سجادیه، **راه تربیت**، ۱۵، ۷۲-۹۵.

۱۵- سیف، علی اکبر (۱۳۹۱)، **روانشناسی پرورشی نوین**، تهران: دوران.

۱۶- سیف، سوسن؛ کدیور، پروین؛ کرمی، رضا؛ لطف آبادی، حسین (۱۳۸۸)،

روانشناسی رشد ۱، تهران: سمت.

۱۷- شاملی، عباس علی (۱۳۷۹)، در تکاپوی رسیدن به مدلی از تربیت اخلاقی در اسلام،

مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، ۲، ۴۶-۱۳.

۱۸- کری، ویلیام (۱۹۳۴)، **نظریه‌های رشد**، تهران: رشد.

۱۹- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۹۱ق)، **اصول کافی**، تصحیح شیخ نجم الدین الاملی،

تهران، مکتبه اسلامیة .

۲۰- گنجی، مهدی (۱۳۹۴)، **روانشناسی کودکان استثنائی براساس msD۵**، تهران:

ساوالان.

۲۱- لویس، جان فیلیپ؛ لویس کارن، کم دونالد (۲۰۱۵)، **فرزند پروری با کفایت**

با رویکردهای طرحواره درمانی، تهران: ارجمند.

۲۲- متقی، علی بن حسام (۱۴۱۹ق)، **کنز العمال**، بیروت: دار الکتب العلمیه.

۲۳- محسن پور، بهرام (۱۳۸۸)، نقش پیش فرض‌های متافیزیکی در تحقیقات روان‌شناسی

و علوم تربیتی، **نشریه روش‌شناسی علوم انسانی**، (۵۹)، ۲۳-۳۸.

۲۴- مجیدی، هادی (۱۴۰۰)، نقش مادر تربیت دینی فرزندان با تأکید بر مراحل پیش از

تولد و پس از آن، **پژوهش در علوم رفتاری و تربیتی**، ۲، ۱۱۱-۱۳۱.

۲۵- محمدزاده، اعظم (۱۳۹۹)، بررسی نقش والدین در تربیت دینی فرزند پیش از تولد

در اسلام، **نشریه مطالعات پژوهش زنان با رویکرد اسلامی**، ۱۳، ۵-۲۶.

۲۶- موسوی، سیده الناز، الهی، طاهره؛ مسجدی، عباس؛ سالک لایلا؛ جلیل پور، مینا؛

شهسواری، زهرا (۱۳۹۸)، تطبیق مراحل رشد انسان در روانشناسی و نهج البلاغه (مقاله مروری)،

پژوهش در دین و سلامت، ۱۲۹-۱۴۰.

۲۷- نیک نژادی، فرزانه (۱۳۸۶)، تاثیر آموزش روش‌های تربیتی براساس دیدگاه خواجه

نصیرالدین طوسی بر تغییر نگرش مادران در تربیت فرزندان، **نشریه دانش و پژوهش در**

علوم تربیتی، ۴۲-۲۳.

۲۸- وجدانی، فاطمه (۱۳۹۳)، بررسی انتقادی سه دیدگاه رایج تربیت اخلاقی براساس

دیدگاه علامه طباطبایی (ره)، **نشریه علوم تربیتی از دیدگاه اسلام**، ۲، ۴۳-۶۵.

بررسی رابطه میان تربیت با رویکرد اسلامی با میزان اضطراب و خودکارآمدی در دانش آموزان خراسان شمالی

امیر حسین مهرزاد^۱، ایلیا روغنی^۲

چکیده

تربیت اسلامی یکی از بنیادی‌ترین موضوعاتی است که در فرهنگ و هویت ایرانی نقش مؤثری ایفا کرده است. ارتباط اضطراب و روش‌های تربیتی در کودکان یکی از مباحث مهم در روان‌شناسی رشد است. هدف از انجام این مطالعه، بررسی ارتباط بین تربیت با پایه مبانی اسلامی با سطح اضطراب و خودکارآمدی کودکان مقطع ابتدایی در استان خراسان شمالی بود. در این مطالعه تربیت با پایه اسلامی با میزان اضطراب و استرس و همچنین میزان استقلال اجتماعی و خودکارآمدی اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است. به منظور بررسی این موارد از سه ابزار پرسشنامه فرزندپروری در نگرش اسلامی، پرسشنامه استاندارد خودکارآمدی کودکان و نوجوانان (SEQ) (C) و پرسشنامه اضطراب کودکان اسپنس استفاده شد. جامعه آماری شامل کودکان پایه ششم ابتدایی که شاغل به تحصیل در مدارس دولتی ابتدایی استان خراسان شمالی هستند در نظر گرفته شد. برای تحلیل داده‌های گردآوری شده از نرم‌افزار SPSS استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که میان تربیت اسلامی و اضطراب دانش آموزان رابطه‌ی معکوس و معنی داری وجود داشت ($p=0/048$). همچنین میان تربیت اسلامی و میزان خودکارآمدی دانش آموزان ارتباط مستقیم و معنی داری دیده شد ($p=0/035$). نتایج تحقیق حاکی از آن بود که ارتقای تربیت اسلامی در دانش آموزان می‌تواند یکی از عوامل مؤثر در افزایش احساس خودکارآمدی و کاهش میزان اضطراب آنها باشد.

واژگان کلیدی: تربیت اسلامی، اضطراب، خودکارآمدی، دانش آموزان خراسان شمالی

۱. دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد، نویسنده مسئول mehrzad894@gmail.com

۲. کارشناس روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی. Roghani.ilia@gmail.com

مقدمه

در سال ۱۳۵۷، انقلابی در ایران رخ داد که نه تنها نظام سیاسی و اجتماعی کشور را دگرگون کرد، بلکه تأثیرات عمیقی نیز بر نظام تربیتی و آموزشی مدارس و خانواده‌ها گذاشت. انقلاب اسلامی با ایدئولوژی جامع و گسترده خود، چارچوبی جدید برای تربیت و آموزش تعریف کرد که اساس و بنیاد آن بر آموزه‌های اسلامی و تعالیم پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) و ائمه اطهار (علیهم السلام) استوار بود (عباسی، ۲۰۲۱، ص ۷). این تحول بنیادین، نظام تربیتی کشور را به سوی معنویت، اخلاق و اصول اسلامی هدایت نمود و اهداف جدیدی برای تربیت نسل آینده تعیین کرد (پاکمهر و همکاران، ۲۰۲۱، ص ۱۹۹).

پیش از انقلاب، نظام تربیتی در ایران تا حد زیادی تحت تأثیر فرهنگ و سیاست‌های غربی قرار داشت. آموزش و پرورش در این دوره بیشتر به انتقال دانش علمی و مهارت‌های فنی محدود می‌شد و کمتر به جنبه‌های اخلاقی، معنوی و هویتی توجه می‌کرد (نژاد، ۲۰۲۴). خانواده‌ها نیز، با توجه به روند مدرن‌سازی جامعه در آن دوران، کمتر به اصول دینی در تربیت فرزندان خود پایبند بودند. نتیجه این امر، فاصله گرفتن بسیاری از جوانان از فرهنگ اسلامی و افزایش گرایش به الگوهای غربی بود (امید و همکاران، ۲۰۲۰، ص ۱۹).

این وضعیت، زمینه‌ساز نگرانی‌هایی در میان نیروهای مذهبی و انقلابی شد که در نهایت، به یکی از انگیزه‌های مهم برای شکل‌گیری انقلاب اسلامی بدل گردید (قناعتی، ۲۰۲۳، ص ۴۲۶). با پیروزی انقلاب اسلامی، تغییرات گسترده‌ای در رویکردهای تربیتی و آموزشی کشور به وجود آمد. هدف اصلی، پرورش نسلی بود که نه تنها از نظر علمی و فنی توانمند باشد، بلکه از نظر اخلاقی و اعتقادی نیز در بالاترین سطح قرار داشته باشد. نظام تربیتی جدید، بر آموزه

های قرآن و سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و ائمه اطهار (علیهم السلام) استوار شد و تلاش شد تا در همه جنبه‌های تربیتی، ارزش‌های اسلامی به صورت عمیق و پایدار نهادینه شود. مدارس و مراکز آموزشی، به عنوان یکی از مهم ترین نهادهای اجتماعی، نقشی کلیدی در این تغییرات ایفا کردند (پاک‌مهر و همکاران، ۲۰۲۱، ص ۱۹۹). محتوای کتاب‌های درسی بازنگری شد و مباحثی مانند معارف اسلامی، تاریخ اسلام، اخلاق و اصول دینی به طور گسترده در برنامه‌های آموزشی گنجانده شد. علاوه بر این، تربیت معلمان نیز دستخوش تغییراتی اساسی شد. معلمان به عنوان الگوهای اخلاقی و تربیتی برای دانش‌آموزان، موظف شدند تا نه تنها دانش علمی خود، بلکه ایمان و اعتقادات دینی را نیز تقویت کنند. خانواده‌ها نیز به عنوان اولین نهاد تربیتی، تحت تأثیر ایدئولوژی انقلاب اسلامی قرار گرفتند (حق‌وردی و همکاران، ۲۰۲۱، ص ۱۳۴). ارزش‌های اسلامی و سنت‌های دینی در خانواده‌ها بیش از پیش اهمیت یافت و والدین تشویق شدند تا با پرورش فرزندان خود در محیطی اسلامی، آن‌ها را برای زندگی در جامعه‌ای مبتنی بر ارزش‌های دینی آماده کنند. نقش مادران و پدران به عنوان مربیان اخلاقی و دینی در خانواده تقویت شد و آموزه‌هایی همچون توکل به خدا، اهمیت نماز و روزه، و ارزش‌های اخلاقی نظیر راست‌گویی و احترام به دیگران، به بخش‌های جدایی‌ناپذیر از تربیت فرزندان تبدیل شد.

تربیت اسلامی یکی از بنیادی‌ترین موضوعاتی است که در فرهنگ و هویت ایرانی نقش مؤثری ایفا کرده است. از زمان ورود اسلام به ایران در قرن هفتم میلادی، این دین نه تنها در اعتقادات و باورهای مردم بلکه در نظام‌های تربیتی و فرهنگی جامعه ایرانی تأثیر عمیقی بر جای گذاشت. ترکیب ارزش‌ها و آموزه‌های اسلامی با فرهنگ پیشین ایرانی، تمدنی منحصر به فرد را شکل داد که تا امروز پایه و اساس هویت دینی، اخلاقی، و فرهنگی ایرانیان محسوب می‌شود.

تربیت اسلامی در جامعه ایران، به‌عنوان کشوری با اکثریت مسلمان و نظامی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی، جایگاهی محوری دارد و اهداف آن شامل پرورش انسان‌هایی مؤمن، متعهد، و دارای اخلاق نیکو است یکی از مسائل کلیدی در تربیت اسلامی این است که چگونه می‌توان تعالیم دینی را به گونه‌ای ارائه کرد که نه تنها با اصول اسلامی همخوانی داشته باشد، بلکه با نیازهای متنوع جامعه مدرن نیز سازگار باشد. تربیت اسلامی یکی از مهم‌ترین عوامل شکل‌دهنده هویت فرهنگی و اجتماعی ایران است. اما با توجه به تغییرات گسترده‌ای که جامعه معاصر با آن روبه‌رو است، بازنگری در روش‌ها و رویکردهای تربیتی امری ضروری به نظر می‌رسد (قناعتی، ۲۰۲۳، ص ۴۲۶).

ترکیب تعالیم اسلامی با فناوری‌ها و نیازهای روز می‌تواند راه‌حلی مؤثر برای انتقال ارزش‌های اسلامی به نسل‌های آینده باشد. این رویکرد نه تنها به حفظ هویت اسلامی ایرانی کمک می‌کند، بلکه زمینه‌ساز ایجاد جامعه‌ای پویا، متعادل و ارزش‌محور نیز خواهد بود (گدازگر، ۲۰۰۱، ص ۳۲۱). جامعه ایرانی امروزه با چالش‌هایی نظیر جهانی‌سازی، فناوری‌های نوین، تغییرات فرهنگی و اجتماعی و گسترش اندیشه‌های مختلف مواجه است. این تغییرات می‌توانند منجر به ایجاد شکاف بین آموزه‌های سنتی اسلامی و واقعیت‌های زندگی روزمره شوند.

تربیت اسلامی در ایران از دوران کودکی آغاز می‌شود و از طریق نهادهایی مانند خانواده، مدارس، مساجد، و رسانه‌ها ترویج می‌شود. این تربیت تأکید ویژه‌ای بر ارزش‌هایی نظیر صداقت، عدالت، احترام به حقوق دیگران، و مسئولیت‌پذیری دارد. در جامعه ایران، تربیت اسلامی نه تنها در محیط‌های رسمی آموزشی، بلکه در زندگی روزمره نیز قابل مشاهده است (مهران، ۱۹۹۰، ص ۵۳). مناسبت‌های مذهبی مانند ماه رمضان و محرم، نقش مهمی در تقویت هویت دینی و اجتماعی مردم ایفا می‌کنند. همچنین نظام آموزشی با ادغام مباحث دینی در برنامه

های درسی و فعالیت‌های فرهنگی، تلاش می‌کند تربیت اسلامی را با نیازهای مدرن هماهنگ کند.

در تربیت اسلامی، خانواده به‌عنوان اصلی‌ترین نهاد تربیتی مطرح است (معدن‌دار و همکاران، ۲۰۲۳، ص ۲۴۲۶). به‌طور کلی، در ایران، خانواده‌ها به‌طور سنتی وظیفه انتقال ارزش‌های دینی را بر عهده داشته‌اند. اما با تغییر سبک زندگی و کاهش تعاملات خانوادگی، این وظیفه به میزان زیادی به نهادهای آموزشی و فرهنگی منتقل شده است (برادران و همکاران، ۲۰۲۳، ص ۲۳۹). نظام آموزشی ایران که به‌صورت رسمی وظیفه انتقال آموزه‌های اسلامی را بر عهده دارد، با چالش‌هایی نظیر کمبود منابع آموزشی مناسب، ضعف در روش‌های تدریس و کاهش انگیزه دانش‌آموزان برای یادگیری موضوعات دینی مواجه است. این امر موجب شده تا بسیاری از نوجوانان علاقه کمتری به تعلیم اسلامی نشان دهند (معدن‌دار و همکاران، ۲۰۲۳، ص ۲۴۲۶).

اضطراب و خودکارآمدی دو مفهوم روان‌شناختی مهم هستند که به شکل‌گیری شخصیت و عملکرد فرد در زندگی روزمره تأثیر می‌گذارند (رضوی و همکاران، ۲۰۱۷، ص ۲۴۷). اضطراب، معمول‌ترین پاسخ به محرک تنش‌زا است (کورپیتا و بارلو، ۲۰۱۸، ص ۲۲۷). منظور از اضطراب، هیجان ناخوشایندی است که همه‌ی ما درجاتی از آن را در قالب کلماتی همچون «دلشوره»، «نگرانی»، «تنش» و «ترس» تجربه کرده‌ایم. در مواجهه با رویدادهای رنج‌آورتر از دامنه‌ی تحمل معمولی آدمی (نظیر فاجعه‌های طبیعی، تجاوز جنسی، کودک‌ربایی)، گاهی مجموعه نشانه‌های حاد ناشی از اضطراب به نام اختلال تنش پس‌آسیبی (PTSD) بروز می‌کند. کسانی که از سانحه جان به در می‌برند، از این موضوع که دیگران از دست رفته‌اند و خودشان زنده مانده‌اند، احساس گناه می‌کنند و این احساس، هفته‌ها و ماه‌ها یا حتی سال‌ها بعد،

در پی تنش خفیف تری بروز می کند و ممکن است زمان درازی بر جا بماند. اضطراب به اشکال مختلفی مانند اختلال اضطراب فراگیر (GAD)، اختلال هراس (پانیک)، فوبیاهای خاص، اضطراب اجتماعی، و اختلال وسواس فکری-عملی (OCD) تقسیم می شود (نولن و همکاران، ۲۰۱۴). اضطراب در کودکان به صورت های مختلفی بروز می کند و ممکن است شامل نگرانی های مداوم، ترس های غیرمنطقی، اجتناب از موقعیت های خاص، و نشانه های جسمانی مانند سردرد یا دل درد باشد.

کودکان در این سن به دلیل محدودیت در بیان احساسات خود و عدم درک کامل از وضعیت روانی شان، ممکن است علائم اضطراب را به صورت غیرمستقیم نشان دهند. کودکان ابتدایی در مرحله حساسی از رشد روانی و اجتماعی قرار دارند. این دوره زمانی است که آن ها برای نخستین بار با محیط های جدید (مانند مدرسه)، مسئولیت های جدید (مانند انجام تکالیف)، و روابط اجتماعی پیچیده تر مواجه می شوند. اضطراب می تواند به شکل موانعی در این مسیر ظاهر شود و باعث کاهش کیفیت یادگیری، کاهش اعتماد به نفس، و مشکلات رفتاری شود.

ارتباط اضطراب و روش های تربیتی در کودکان یکی از مباحث مهم در روان شناسی رشد است (چورپیتا و بارلو، ۲۰۱۸، ص ۲۲۷). روش های تربیتی می توانند اضطراب را کاهش داده یا برعکس، آن را تشدید کنند (رومرو و همکاران، ۲۰۲۱، ص ۱۲). والدینی که از روش های تربیتی گرم، حمایتگر و تشویقی استفاده می کنند، معمولاً محیطی امن و پایدار برای کودک فراهم می آورند (رخشانی و همکاران، ۲۰۲۲؛ رومرو و همکاران، ۲۰۲۱، ص ۱۲). این روش ها باعث تقویت احساس ارزشمندی و امنیت در کودک می شوند و به او کمک می کنند تا در مواجهه با استرس و چالش های زندگی کمتر مضطرب شود. فراهم کردن فرصت برای بیان احساسات،

آموزش مهارت‌های حل مسئله، و احترام به استقلال کودک، از جمله اقداماتی است که اضطراب را کاهش می‌دهد (بستیرو، ۲۰۲۳، ص ۱۱).

خودکارآمدی (Self-Efficacy) مفهومی کلیدی در روان‌شناسی است که به باور فرد در مورد توانایی‌هایش برای انجام وظایف خاص و دستیابی به اهداف اشاره دارد (باندورا، ۱۹۷۸، ص ۲۳۷؛ واندینتر و همکاران، ۲۰۱۱، ص ۲۱). این مفهوم توسط آلبرت باندورا، یکی از برجسته‌ترین روان‌شناسان، مطرح شده و بخشی از نظریه یادگیری اجتماعی اوست (لیو، ۱۹۹۷). خودکارآمدی به‌طور مستقیم بر انگیزش، عملکرد و تاب‌آوری افراد در مواجهه با چالش‌ها تأثیر می‌گذارد. افراد با خودکارآمدی بالا معتقدند که می‌توانند حتی در شرایط سخت به اهداف خود برسند. این باور باعث می‌شود در مقابل شکست‌ها مقاومت بیشتری نشان دهند (شوارزر، ۲۰۰۸، ص ۷). همچنین این افراد تمایل دارند مشکلات را موانع موقتی ببینند و راه‌های جدیدی برای حل آن‌ها بیابند. معمولاً دانش‌آموزان با خودکارآمدی بالا تمایل دارند بهتر برنامه‌ریزی کنند، استراتژی‌های یادگیری مؤثری اتخاذ کنند و در شرایط سخت تحصیلی کمتر دچار اضطراب شوند (ازیزلی و همکاران، ۲۰۱۵، ص ۵۸؛ لوشچینسکا و همکاران، ۲۰۱۱، ص ۱۵۱). به‌طور کلی خودکارآمدی نقش مهمی در موفقیت و رضایت از زندگی دارد و می‌تواند از طریق تجربه‌های مثبت، حمایت اجتماعی، و مدیریت استرس تقویت شود. این مفهوم به افراد کمک می‌کند تا با اعتماد به نفس بیشتری با چالش‌های زندگی روبرو شوند و به اهداف خود دست یابند (هافمن و شرا، ۲۰۰۹، ص ۹۱).

نوع تربیت و تعامل والدین تأثیر مستقیمی بر شکل‌گیری باورهای کودک درباره توانایی‌های خود دارد. روش‌های تربیتی صحیح می‌توانند زمینه‌ساز خودکارآمدی بالا در کودکان شوند و به آن‌ها کمک کنند تا در مواجهه با چالش‌های زندگی احساس اعتماد به نفس و

توانمندی بیشتری داشته باشند (کانگ و یسمن، ۲۰۲۲). برای همین تربیت اسلامی در جامعه ایران، به‌عنوان کشوری با اکثریت مسلمان و نظامی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی، جایگاهی محوری دارد و اهداف آن شامل پرورش انسان‌هایی مؤمن، متعهد، و دارای اخلاق نیکو است (قناعتی، ۲۰۲۳، ص ۴۲۶).

ترکیب تعالیم اسلامی با فناوری‌ها و نیازهای روز می‌تواند راه‌حلی مؤثر برای انتقال ارزش‌های اسلامی به نسل‌های آینده باشد. این رویکرد نه تنها به حفظ هویت اسلامی ایرانی کمک می‌کند، بلکه زمینه‌ساز ایجاد جامعه‌ای پویا، متعادل و ارزش‌محور نیز خواهد بود (گدازگر، ۲۰۰۱، ص ۳۲۱). جامعه ایرانی امروزه با چالش‌هایی نظیر جهانی‌سازی، فناوری‌های نوین، تغییرات فرهنگی و اجتماعی و گسترش اندیشه‌های مختلف مواجه است. این تغییرات می‌توانند منجر به ایجاد شکاف بین آموزه‌های سنتی اسلامی و واقعیت‌های زندگی روزمره شوند.

تربیت اسلامی در ایران از دوران کودکی آغاز می‌شود و از طریق نهادهایی مانند خانواده، مدارس، مساجد، و رسانه‌ها ترویج می‌شود. این تربیت تأکید ویژه‌ای بر ارزش‌هایی نظیر صداقت، عدالت، احترام به حقوق دیگران، و مسئولیت‌پذیری دارد. در جامعه ایران، تربیت اسلامی نه تنها در محیط‌های رسمی آموزشی، بلکه در زندگی روزمره نیز قابل مشاهده است (مهران، ۱۹۹۰). مناسبت‌های مذهبی مانند ماه رمضان و محرم، نقش مهمی در تقویت هویت دینی و اجتماعی مردم ایفا می‌کنند. همچنین نظام آموزشی با ادغام مباحث دینی در برنامه‌های درسی و فعالیت‌های فرهنگی، تلاش می‌کند تربیت اسلامی را با نیازهای مدرن هماهنگ کند. کودکان در این سنین به دلیل محدودیت در بیان احساسات خود و عدم درک کامل از وضعیت روانی‌شان، ممکن است علائم اضطراب را به صورت غیرمستقیم نشان دهند. کودکان ابتدایی در مرحله حساسی از رشد روانی و اجتماعی قرار دارند. این دوره زمانی است که آن‌ها

برای نخستین بار با محیط‌های جدید (مانند مدرسه)، مسئولیت‌های جدید (مانند انجام تکالیف)، و روابط اجتماعی پیچیده‌تر مواجه می‌شوند. اضطراب می‌تواند به شکل موانعی در این مسیر ظاهر شود و باعث کاهش کیفیت یادگیری، کاهش اعتماد به نفس، و مشکلات رفتاری شود. نوع تربیت و تعامل والدین تأثیر مستقیمی بر شکل‌گیری باورهای کودک درباره توانایی‌های خود دارد. برای مثال، والدینی که از روش‌های حمایتی استفاده می‌کنند و کودک را به تلاش و یادگیری تشویق می‌کنند، معمولاً خودکارآمدی بالایی در فرزندان خود ایجاد می‌کنند. در مقابل، والدینی که بیش از حد سخت‌گیر هستند و انتظارهای غیرواقع‌بینانه از کودک دارند، ممکن است باعث کاهش خودکارآمدی شوند (مسعود و همکاران، ۲۰۱۶، ص ۱۲۷).

روش‌های تربیتی تأثیر مستقیم و بلندمدتی بر خودکارآمدی کودکان دارند (کانگ و یسمین، ۲۰۲۲). والدینی که محیطی حمایتی و تشویقی ایجاد می‌کنند، فرصت تجربه موفقیت‌ها و مدیریت شکست‌ها را برای کودک فراهم می‌آورند. در نتیجه، این کودکان با باور به توانایی‌های خود، مهارت‌های لازم برای مواجهه با چالش‌های زندگی را کسب می‌کنند. تربیت صحیح، پایه‌ای برای رشد اعتماد به نفس و خودکارآمدی بالا در دوران بزرگسالی است (توزنده جانی و همکاران، ۲۰۱۱، ص ۵۶).

همان‌طور که گفته شد، اضطراب و خودکارآمدی دو مؤلفه مهم روان‌شناختی هستند که بر عملکرد تحصیلی، اجتماعی و عاطفی دانش‌آموزان مقطع ابتدایی تأثیر زیادی دارند (باروز و همکاران، ۲۰۱۳؛ پنینیل و چیزر، ۲۰۲۲؛ کانگ و یسمین، ۲۰۱۵). این دو متغیر با یکدیگر رابطه‌ای معکوس دارند؛ به این معنا که هرچه سطح خودکارآمدی یک دانش‌آموز بالاتر باشد، احتمال ابتلا به اضطراب کاهش می‌یابد و بالعکس (رضوی و همکاران، ۲۰۱۷، ص ۲۴۷).

این ارتباط به ویژه در مقطع ابتدایی که کودکان در حال توسعه مهارت‌های اجتماعی و یادگیری نحوه مدیریت احساسات خود هستند، اهمیت بیشتری دارد (باندورا، ۲۰۱۵، ص ۲۳۹). خودکارآمدی، طبق نظریه باندورا، به باور فرد به توانایی‌هایش برای مدیریت موقعیت‌های مختلف و دستیابی به اهداف اشاره دارد. وقتی دانش‌آموزان احساس کنند توانایی انجام یک تکلیف یا مدیریت یک موقعیت اجتماعی را دارند، کمتر درگیر افکار منفی و ترس از شکست می‌شوند (لیو، ۱۹۹۷، ص ۲۱). این امر به طور مستقیم سطح اضطراب آن‌ها را کاهش می‌دهد. اضطراب، به ویژه در دوران ابتدایی، می‌تواند توانایی دانش‌آموزان در باور به توانمندی‌هایشان را مختل کند (زایدنر، ۲۰۱۴، ص ۲۶۵). برای مثال، دانش‌آموزی که از حضور در کلاس یا پاسخ‌گویی به سؤال معلم می‌ترسد، ممکن است به دلیل اضطراب، احساس کند توانایی انجام این کار را ندارد. این باور به نوبه خود خودکارآمدی او را کاهش می‌دهد و چرخه‌ای معیوب از اضطراب و کاهش خودکارآمدی شکل می‌گیرد (باروز و همکاران، ۲۰۱۳، ص ۲۰۴).

ارتقای خودکارآمدی می‌تواند ابزاری مؤثر برای کاهش اضطراب باشد و به دانش‌آموزان کمک کند تا با اعتماد به نفس بیشتری در تعاملات اجتماعی و تحصیلی خود عمل کنند. توجه ویژه به این ارتباط در محیط‌های آموزشی و خانه می‌تواند نقش مهمی در ارتقای سلامت روانی و اجتماعی کودکان داشته باشد و به آن‌ها کمک کند تا مسیر تحصیلی و اجتماعی موفق‌تری را طی کنند (رضوی و همکاران، ۲۰۱۷، ص ۲۴۷).

ارتباط میان خودکارآمدی، اضطراب، و تربیت اسلامی در دانش‌آموزان ابتدایی، یک رابطه پیچیده و در عین حال بسیار مهم است. این سه عامل نه تنها بر عملکرد تحصیلی کودکان تأثیر می‌گذارند، بلکه نقش مهمی در شکل‌گیری شخصیت، عزت نفس و توانایی‌های اجتماعی آن‌ها دارند. با طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی جامع، ارتقای آگاهی معلمان و والدین، و

ایجاد محیط‌های حمایتی در مدارس، می‌توان به تقویت این ارتباط مثبت کمک کرد و زمینه رشد سالم تر و موفق‌تر دانش‌آموزان را فراهم ساخت.

در این مقاله، تلاش شده است که با پرسشنامه‌ها و تعاملاتی که با کودکان انجام شده، ارتباط میان یکی از رایج‌ترین روش‌های تربیتی که دانش‌آموزان، چه در محیط خانه و مدرسه و چه در محیط‌های عمومی و اجتماعی، با آن رو به رو هستند، یعنی تربیت با پایه اسلامی، با میزان اضطراب و استرس و همچنین میزان استقلال اجتماعی و خودکارآمدی اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته و در نهایت تلاش شده تا راهکارهای مناسب به منظور بهبود خودکارآمدی و همچنین کاهش میزان استرس کودکان ارائه شود.

مفهوم‌شناسی

تربیت اسلامی با تأکید بر ارزش‌های اخلاقی، تقویت هویت دینی، ایجاد احساس مسئولیت و تقویت خودشناسی، زمینه‌ای مناسب برای افزایش اعتماد به نفس و توانایی مدیریت روابط اجتماعی فراهم می‌آورد (خالدیان و همکاران، ۲۰۱۶، ص ۹۵). به عنوان مثال، ارزش‌هایی همچون صداقت، احترام به دیگران، و کمک به هم‌نوع که در آموزه‌های اسلامی برجسته شده اند (نوبهار و غفاری، ۲۰۲۳، ص ۱)، می‌توانند به دانش‌آموزان کمک کنند تا در تعاملات اجتماعی خود احساس کارآمدی بیشتری داشته باشند (خالدیان و کرمی‌باغظیفونی، ۲۰۱۶، ص ۸۶؛ صبا و فتاحی، ۲۰۱۷، ص ۱۱۷).

نکته مهم دیگر این است که تربیت اسلامی به دلیل تأکید بر سازگاری اجتماعی و روابط مثبت با دیگران، می‌تواند در ایجاد حس مشارکت و همبستگی در دانش‌آموزان نقش کلیدی داشته باشد. این امر باعث می‌شود که آن‌ها در تعاملات گروهی و مواجهه با چالش‌های

اجتماعی، احساس توانمندی بیشتری کنند. تربیت اسلامی، بر اساس آموزه‌های قرآن و سنت، به شکلی جامع بر رشد جنبه‌های مختلف شخصیت فرد تأکید دارد. این نوع تربیت نه تنها به جنبه‌های معنوی و اخلاقی می‌پردازد، بلکه فرد را به تعامل سازنده با دیگران، مسئولیت‌پذیری در جامعه و احترام به حقوق دیگران ترغیب می‌کند (اتابکی و همکاران، ۲۰۲۳).

در واقع، تربیت اسلامی از طریق ارتقای اعتماد به نفس، خودشناسی، و خودکنترلی، به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا در تعاملات اجتماعی خود احساس توانمندی بیشتری داشته باشند (عسگری و همکاران، ۲۰۲۳). خودکارآمدی اجتماعی، به معنای باور فرد به توانایی‌هایش برای مدیریت روابط اجتماعی، مقابله با چالش‌های بین‌فردی و موفقیت در گروه‌هاست. نتایج نشان داد که دانش‌آموزانی که تربیت اسلامی قوی‌تری داشتند، در این زمینه عملکرد بهتری نشان دادند. این موضوع قابل تبیین است؛ زیرا ارزش‌های اسلامی نظیر احترام به دیگران، کمک به نیازمندان، صبر و صداقت می‌توانند دانش‌آموزان را به ایجاد و حفظ روابط مثبت اجتماعی ترغیب کنند (خالدیان و کرمی‌باغظیفونی، ۲۰۱۶، ص ۹۵).

تربیت اسلامی بر اهمیت برقراری روابط مثبت و همکاری با دیگران تأکید می‌کند. آموزه‌هایی مانند حسن خلق، احترام به والدین و معلمان، و مشارکت در امور اجتماعی، به دانش‌آموزان می‌آموزد که چگونه در موقعیت‌های مختلف اجتماعی رفتار کنند (مولائی، ۲۰۱۵، ص ۱۰۴). این امر به شکل‌گیری یک خودکارآمدی اجتماعی پایدار کمک می‌کند. همچنین با تقویت معنویت و ارتباط با خداوند، به کاهش استرس‌ها و نگرانی‌های مرتبط با موقعیت‌های اجتماعی کمک می‌کند. فردی که به این باور رسیده است که خداوند پشتیبان اوست، با آرامش بیشتری در موقعیت‌های اجتماعی ظاهر می‌شود و این امر بر خودکارآمدی اجتماعی او تأثیر می‌گذارد.

یکی از اصول اساسی در تربیت اسلامی، توکل به خدا و اعتماد به مشیت الهی است (قوام و میرعظیم، ۲۰۱۰، ص ۱۷). این باور به دانش آموزان می آموزد که خداوند همواره پشتیبان آن هاست و جای نگرانی نیست. این احساس پشتیبانی الهی می تواند سطح استرس و نگرانی آن ها را کاهش داده و به آرامش روانی منجر شود (مولائی، ۲۰۱۵، ص ۱۰۴). همچنین تربیت اسلامی، به ویژه در خانه و مدرسه، محیطی پر از محبت، احترام و احساس امنیت ایجاد می کند. محیطی که کودک در آن احساس امنیت و ارزشمندی کند، به کاهش اضطراب او کمک می کند (قوام و میرعظیم، ۲۰۱۰، ص ۱۷). تأکید بر رفتارهای مثبت مانند مهربانی، بخشش، و صبر نیز نقش حمایتی این نوع تربیت را تقویت می کند.

قرآن کریم در آیه ۲۸ سوره رعد می فرماید: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»؛ یعنی «بدانید که با یاد خدا دل ها آرامش می یابد». آموزه های این چینی می تواند دانش آموزان را به استفاده از شیوه هایی مانند دعا، نماز و یاد خدا برای مقابله با نگرانی ها ترغیب کند که خود باعث کاهش اضطراب و استرس در دانش آموزان از ابتدای دوره آموزش به طور طولانی مدت شود (غضنفری و اصغری پور، ۲۰۲۲، ص ۹؛ قوام و میرعظیم، ۲۰۱۰، ص ۱۷).

روش کار

این پژوهش از نوع توصیفی و مبتنی بر روش همبستگی است که به بررسی روابط میان متغیرهای تربیت با رویکرد اسلامی، میزان اضطراب، و خودکارآمدی در میان دانش آموزان استان خراسان شمالی پرداخته است. هدف اصلی این پژوهش، بررسی ارتباط میان سطح تربیت اسلامی با میزان اضطراب و خودکارآمدی کودکان مقطع ابتدایی در مدارس استان خراسان شمالی، در نظر گرفته شد. برای جمع آوری داده ها، از سه ابزار معتبر و استاندارد استفاده شد.

پرسشنامه فرزندپروری در نگرش اسلامی، که اصول و مؤلفه‌های تربیت اسلامی را ارزیابی می‌کند، ابزار اصلی برای سنجش متغیر تربیت اسلامی بود. برای سنجش خودکارآمدی، از پرسشنامه استاندارد خودکارآمدی کودکان و نوجوانان (SEQ-C) استفاده شد. این ابزار توسط موریس توسعه یافته و یکی از ابزارهای معتبر در ارزیابی خودکارآمدی در گروه‌های سنی کودکان و نوجوانان است. اضطراب دانش‌آموزان با استفاده از پرسشنامه اضطراب کودکان اسپنس اندازه‌گیری شد.

جامعه آماری پژوهش شامل تمامی کودکان پایه ششم ابتدایی که شاغل به تحصیل در مدارس دولتی ابتدایی استان خراسان شمالی هستند، بوده و جمع‌آوری داده‌ها در پاییز سال ۱۴۰۳ به انجام رسیده است. حجم نمونه با استناد به مطالعه برومند و همکاران ۳۰۰ نفر در نظر گرفته شد (برومند، ۲۰۱۰، ص ۳۴).

ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش، پرسشنامه‌های استاندارد بوده است. ترکیب پرسشنامه‌ها به این صورت بود که به منظور بررسی سطح تربیت اسلامی از پرسشنامه فرزند پروری در نگرش اسلامی که شامل ۵۴ سؤال بود استفاده شد (۲۰۱۵). این پرسشنامه به صورت طیف لیکرت طراحی و روایی سنجی شده و شامل ۵ نمره (از ۴ (خیلی موافقم) تا ۰ (خیلی مخالفم)) می‌باشد. در سال ۱۳۹۴ مکتوبیان و همکاران با آزمایش این پرسشنامه بر روی ۱۲۲۰ نفر از دانش‌آموزان، امر روایی و پایایی سنجی این پرسشنامه را انجام دادند. همسانی درونی سؤالات با ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد که ۰/۹۴۱ را به دست داد. هم چنین، ضریب همبستگی پرسشنامه با خرده مقیاسهای آزادگذاری، استبدادی و اقتدار منطقی از پرسشنامه «فرزندپروری بامریند» محاسبه شد. بنابراین، اعتبار و روایی پرسشنامه در حد مطلوبی بدست آمد و نشان داده شد که این ابزار، فرزندپروری را در نگرش اسلامی بخوبی می‌آزماید.

به منظور سنجش میزان خودکارآمدی کودکان از پرسشنامه استاندارد خودکارآمدی کودکان و نوجوانان (SEQ-C) موريس استفاده شد. این پرسشنامه شامل ۲۳ سوال در طیف لیکرت بود که نمرات از پاسخ‌ها از ۴ (خیلی زیاد) تا ۰ (اصلاً) نمره دهی شدند (موريس، ۲۰۰۱، ص ۱۴۵). در پژوهش طهماسیان و همکاران روایی محتوایی و صوری این پرسشنامه مناسب ارزیابی شده است. همچنین ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده برای این پرسشنامه عدد ۰/۸۹۰ بدست آمد که این پرسشنامه را ابزاری پایا معرفی میکند (مظاهری و صادقی، ۲۰۱۶، ص ۶۱).

به منظور سنجش میزان اضطراب کودکان از پرسشنامه اضطراب کودک اسپنس استفاده شد. این پرسشنامه شامل ۴۵ سوال می‌باشد که پاسخ‌های آن از نمره ۳ (همیشه) تا نمره ۰ (هیچوقت) نمره دهی شدند (نوتا و همکاران، ۲۰۰۴، ص ۸۱۳). روایی و پایایی این پرسشنامه توسط هفشجانی و همکاران در سال ۱۳۹۹ سنجیده شد که در آن سنجش پایایی پرسشنامه در بخش همسانی درونی با استفاده از آلفای کرونباخ انجام شد که عدد ۰/۹۳۹ بدست آمد (امیرالسادات و همکاران، ۲۰۲۱، ص ۳۹۴۰).

در مجموع پرسشنامه پژوهش حاضر شامل ۱۲۱ سوال بود.

در این پژوهش، داده‌ها از طریق توزیع و جمع‌آوری پرسشنامه‌ها به دو روش حضوری و الکترونیکی گردآوری شدند. این پرسشنامه‌ها در میان نمونه آماری منتخب توزیع شدند که به صورت تصادفی در دسترس انتخاب شده بودند. هدف از این روش، دستیابی به نمایندگی بهتر از جمعیت و کاهش سوگیری احتمالی در انتخاب نمونه‌ها بود. پیش از توزیع پرسشنامه، توضیحات کاملی درباره هدف پژوهش و نحوه استفاده از اطلاعات به شرکت‌کنندگان ارائه شد تا آن‌ها بتوانند با آگاهی کامل در مطالعه شرکت کنند. همچنین تأکید شد که تمام اطلاعات جمع‌آوری شده به صورت کاملاً محرمانه باقی می‌ماند و تنها در چارچوب این پژوهش مورد

استفاده قرار می‌گیرد. برای تضمین رعایت اصول اخلاقی پژوهش، رضایت آگاهانه از تمامی شرکت‌کنندگان گرفته شد و هیچ فشاری برای مشارکت در مطالعه بر آن‌ها وارد نشد. پرسشنامه‌ها شامل سؤالاتی بودند که متغیرهای پژوهش را با دقت اندازه‌گیری می‌کردند. این ابزار پژوهشی، پیش از استفاده، از نظر اعتبار (روایی) و پایایی مورد بررسی و تأیید قرار گرفته بود تا داده‌های گردآوری‌شده دارای کیفیت علمی قابل قبولی باشند. جمع‌آوری داده‌ها در محیطی آرام و بدون حواس‌پرتی انجام شد تا شرکت‌کنندگان بتوانند پاسخ‌های دقیق و صادقانه ارائه دهند.

برای تحلیل داده‌های گردآوری‌شده از نرم‌افزار SPSS استفاده شد. ابتدا به منظور بررسی نرمال بودن توزیع متغیرهای پژوهش، از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده شد. پس از تأیید نرمال بودن یا نبودن توزیع داده‌ها، از آزمون‌های آماری مناسب استفاده شد. به طور خاص، در صورتی که توزیع داده‌ها نرمال بود، آزمون همبستگی اسپیرمن برای بررسی رابطه بین متغیرها مورد استفاده قرار گرفت. علاوه بر این، از آزمون‌های آماری دیگر از جمله رگرسیون برای پیش‌بینی روابط میان متغیرها استفاده شد. در تمامی تحلیل‌های آماری، مقدار احتمال (سطح معناداری) کمتر از 0.05 ($p < 0.05$) به عنوان معیار معناداری آماری در نظر گرفته شد. در نهایت، تمامی مراحل پژوهش با رعایت اصول اخلاقی و علمی انجام شد. پیش از آغاز پژوهش، اطمینان حاصل شد که شرکت‌کنندگان کاملاً از اهداف پژوهش آگاه هستند و مشارکت آن‌ها کاملاً داوطلبانه است. همچنین محرمانه بودن تمامی اطلاعات و پاسخ‌ها برای شرکت‌کنندگان تضمین شد تا اعتماد آن‌ها جلب شود و کیفیت پاسخ‌ها افزایش یابد.

یافته‌ها

در ابتدا به منظور بررسی نرمال بودن داده‌ها از آزمون کولموگرونوف – اسمیرنوف استفاده شد. با توجه به اینکه مقدار احتمال برای متغیرهای تحقیق بزرگتر ۰/۰۵ بدست آمد (جدول ۱) پس نتیجه می‌گیریم که داده‌های جمع‌آوری شده برای متغیرهای تحقیق نرمال است.

جدول ۱- نتایج آزمون کولموگرونوف – اسمیرنوف

متغیر	تعداد (نفر)	میانگین $\pm$ انحراف معیار	نتیجه آزمون (p)
نمره تربیت اسلامی	۳۰۰	۱۵۵/۱۳ $\pm$ ۲۲/۰۹	۰/۱۲۰
نمره خودکارآمدی	۳۰۰	۵۷/۷۶ $\pm$ ۱۸/۵۱	۰/۱۲۶
نمره میزان اضطراب	۳۰۰	۵۷/۳۳ $\pm$ ۱۹/۹۵	۰/۰۵۸

*سطح معنا داری ۰/۰۵ $p \leq$

با توجه به نرمال بودن توضیح متغیرها، از آزمون‌های پارامتریک استفاده شد.

ضریب همبستگی پیرسون بین دو متغیر میزان تربیت اسلامی با خودکارآمدی اجتماعی برابر ۰/۴۰۳+ بوده و مقدار عدد معنی داری (p-value)، ۰/۰۳۵ مشاهده شده. با احتساب ضریب معنی داری ۰/۰۵ $p \leq$ ، مشاهده می‌شود که بین میزان تربیت اسلامی با سطح خودکارآمدی اجتماعی دانش آموزان ابتدایی، رابطه‌ای معنی دار از نوع مستقیم وجود دارد (جدول ۲).

همچنین داده‌های جدول ۲ نشان دهنده ارتباط معکوس و معنی داری بین متغیرهای میزان تربیت اسلامی با سطح اضطراب دانش آموزان نشان می‌دهد. طبق آزمون آماری پیرسون، ضریب

همبستگی بین این دو متغیر برابر ۰/۵۶۸- بدست آمد. مقدار عددی p نیز در این آزمون برابر ۰/۰۴۸ بود.

جدول ۲- نتایج آزمون آماری همبستگی پیرسون

متغیر		خودکارآمدی اجتماعی	اضطراب
تربیت اسلامی	ضریب همبستگی	+۰/۴۰۳	-۰/۵۶۸
	p-value	۰/۰۳۵	۰/۰۴۸

*سطح معناداری $p \leq ۰/۰۵$

با توجه به آزمون آماری رگرسیون خطی، آماره R^2 نشان میدهد که ۲۳ درصد از تغییرات خودکارآمدی اجتماعی توسط تربیت اسلامی توضیح داده می شود. همچنین با توجه ضریب β بدست آمده می توان نتیجه گرفت که هر واحد تغییرات در نمره تربیت اسلامی، به طور متوسط ۱/۸۵ واحد خودکارآمدی را افزایش می دهند.

همچنین آماره R^2 برای ارتباط بین تربیت اسلامی و اضطراب دانش آموزان هم نتایج مشابهی داشت. آماره R^2 برای این متغیر برابر ۰/۱۶۲ می باشد که نشان میدهد ۱۶ درصد از تغییرات اضطراب توسط تربیت اسلامی توضیح داده می شود. همچنین با توجه ضریب β بدست آمده می توان نتیجه گرفت که هر واحد تغییرات در نمره تربیت اسلامی، به طور متوسط ۰/۹۵ واحد اضطراب را کاهش می دهند (جدول ۳).

جدول ۳- نتایج آزمون رگرسیون خطی

متغیر	ضریب (β)	خطای استاندارد	آماره t	سطح معنی داری (p)
خودکارآمدی	۱/۸۵	۰/۵۰۲	۱/۷۸۶	$p \leq ۰/۰۱$
اضطراب	-۰/۹۵	۰/۵۴۹	-۰/۷۱۲	$p \leq ۰/۰۱$

* سطح معنا داری $p \leq ۰/۰۱$

** متغیر وابسته نمره تربیت اسلامی در نظر گرفته شده

بحث

این مطالعه در پاییز سال ۱۴۰۳ بر روی ۳۰۰ نفر از دانش آموزان مقطع ابتدایی به صورت یک مطالعه مقطعی (توصیفی - همبستگی) انجام گرفت. در این مطالعه از پرسشنامه‌ها به منظور جمع‌آوری داده‌ها و روش‌های آماری به منظور آنالیز آن‌ها استفاده شد. هدف از انجام این مطالعه بررسی ارتباط بین تربیت اسلامی با خودکارآمدی اجتماعی و سطح اضطراب دانش آموزان مقطع ابتدایی استان خراسان شمالی بود. داده‌ها از طریق پرسشنامه فیزیکی و رو در رو و همچنین استفاده از پرسشنامه آنلاین جمع‌آوری شد.

نتایج مطالعه حاضر نشان داد که تربیت اسلامی با خودکارآمدی اجتماعی رابطه مستقیم و معناداری دارد. این یافته نشان می‌دهد که ارتقای تربیت اسلامی در دانش آموزان می‌تواند یکی از عوامل مؤثر در افزایش احساس خودکارآمدی آن‌ها باشد. خودکارآمدی اجتماعی، که به معنای باور فرد به توانایی‌های خود برای برقراری تعاملات مؤثر اجتماعی و حل مشکلات اجتماعی است، یکی از مؤلفه‌های مهم در توسعه مهارت‌های زندگی و موفقیت تحصیلی و شخصی محسوب می‌شود (شوارتز و لوشچینسکا، ۲۰۰۸، ص ۷).

طبق یافته‌های این مطالعه همچنین؛ تربیت اسلامی با اضطراب دانش‌آموزان ابتدایی رابطه معکوس و معناداری دارد. این یافته بیانگر آن است که هرچه دانش‌آموزان در محیطی با تأکید بیشتر بر اصول تربیت اسلامی رشد کنند، میزان اضطراب آن‌ها کاهش می‌یابد. اضطراب به‌عنوان یکی از مشکلات شایع در دوران کودکی می‌تواند بر عملکرد تحصیلی، روابط اجتماعی و سلامت روان دانش‌آموزان تأثیر منفی بگذارد (چورپیتا و بارلو، ۲۰۱۸، ص ۲۲۷). بنابراین، شناسایی عوامل کاهش‌دهنده اضطراب، مانند تربیت اسلامی، می‌تواند در ارتقای سلامت روانی دانش‌آموزان نقش مهمی ایفا کند.

به طور کلی، رابطه پیچیده میان خودکارآمدی، اضطراب، و تربیت اسلامی در دانش‌آموزان ابتدایی با چالش‌های متعددی روبه‌رو است. به طور مثال؛ بسیاری از والدین و معلمان از تأثیر متقابل این سه عامل آگاهی کافی ندارند و ممکن است بدون قصد، اضطراب کودکان را افزایش دهند یا به کاهش خودکارآمدی آن‌ها دامن بزنند (رومرو، ۲۰۲۱، ص ۱۲). یا اینکه به واسطه فشارهای اجتماعی و فرهنگی، انتظارات بیش از حد والدین یا جامعه از دانش‌آموزان برای دستیابی به موفقیت‌های تحصیلی منجر به افزایش اضطراب و کاهش خودکارآمدی می‌شود (بستیرو و کیتانیا، ۲۰۲۳، ص ۱۱). در نتیجه؛ برنامه‌های آموزشی باید به گونه‌ای طراحی شوند که علاوه بر تقویت مهارت‌های تحصیلی، به آموزش ارزش‌های اسلامی و مهارت‌های مدیریت اضطراب پردازند. این برنامه‌ها می‌توانند شامل فعالیت‌هایی مانند آموزش مهارت‌های زندگی، بحث درباره اصول اخلاقی، و تمرین تکنیک‌های آرام‌سازی باشند.

به طور کلی، یافته‌های این پژوهش بر اهمیت تربیت اسلامی به‌عنوان یک ابزار مؤثر برای بهبود خودکارآمدی اجتماعی و کاهش اضطراب دانش‌آموزان تأکید می‌کند. این دو متغیر، که نقشی کلیدی در سلامت روان و موفقیت تحصیلی و اجتماعی دانش‌آموزان ایفا می‌کنند، از

طریق تقویت ارزش‌های دینی و اخلاقی بهبود می‌یابد (خالدیان و کرمی‌باغظیفونی ۲۰۱۶، ص ۹۵؛ رشیدزاده، ۲۰۲۰). این نتایج می‌تواند راهنمای ارزشمندی برای معلمان، والدین، و سیاست‌گذاران باشد تا از اصول تربیت اسلامی به‌عنوان رویکردی جامع برای ارتقای سلامت روانی و اجتماعی دانش‌آموزان استفاده کنند.

در پایان، باید به این موضوع اشاره کرد که ارتباط میان خودکارآمدی، اضطراب، و تربیت اسلامی در دانش‌آموزان ابتدایی، یک رابطه پیچیده و در عین حال بسیار مهم است. این سه عامل نه تنها بر عملکرد تحصیلی کودکان تأثیر می‌گذارند، بلکه نقش مهمی در شکل‌گیری شخصیت، عزت نفس و توانایی‌های اجتماعی آن‌ها دارند. با طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی جامع، ارتقای آگاهی معلمان و والدین، و ایجاد محیط‌های حمایتی در مدارس، می‌توان به تقویت این ارتباط مثبت کمک کرد و زمینه رشد سالم‌تر و موفق‌تر دانش‌آموزان را فراهم ساخت. از دیدگاه روان‌شناختی، خودکارآمدی اجتماعی و اضطراب رابطه‌ای متقابل دارند. دانش‌آموزانی که از خودکارآمدی اجتماعی بالاتری برخوردارند، در موقعیت‌های اجتماعی کمتر دچار اضطراب می‌شوند (باروز و همکاران، ۲۰۱۳، ص ۲۰۴). به عبارتی، اعتماد به توانایی‌های فردی در برقراری تعاملات اجتماعی می‌تواند به کاهش نگرانی‌های مرتبط با این تعاملات منجر شود. یافته‌های این پژوهش نشان داد که تربیت اسلامی می‌تواند به طور همزمان هر دو متغیر را بهبود بخشد. از یک سو، تربیت اسلامی با تأکید بر اصول اخلاقی، اعتماد به نفس و مهارت‌های ارتباطی، خودکارآمدی اجتماعی را تقویت می‌کند. از سوی دیگر، همین چارچوب با ایجاد آرامش درونی و کاهش افکار منفی، اضطراب را کاهش می‌دهد. بنابراین، تأثیر مثبت تربیت اسلامی بر خودکارآمدی اجتماعی و کاهش اضطراب نشان می‌دهد که این نوع تربیت نه تنها به بهبود توانایی‌های اجتماعی کمک می‌کند، بلکه از جنبه‌های منفی روانی مانند اضطراب نیز پیشگیری

می‌کند. تربیت اسلامی بر مفاهیمی مانند اعتماد به خدا، تقویت معنویت، آرامش درونی، و پذیرش واقعیت‌ها تأکید دارد (نوبهار و غفاری، ۲۰۲۳، ص ۱). این آموزه‌ها می‌توانند به دانش آموزان کمک کنند تا با چالش‌ها و نگرانی‌های روزمره خود بهتر کنار بیایند و احساس امنیت بیشتری داشته باشند (خالدیان و کرمی‌باغطیفونی، ۲۰۱۶).

نتیجه گیری

یافته‌های این تحقیق نشان داد که تربیت اسلامی، با فراهم کردن چارچوبی مبتنی بر معنویت، امید و امنیت روانی، می‌تواند به کاهش اضطراب دانش‌آموزان ابتدایی کمک کند. این نتایج تأکید می‌کند که توجه به اصول تربیتی اسلامی در خانه و مدرسه می‌تواند تأثیرات مثبتی بر سلامت روانی دانش‌آموزان داشته باشد و به ایجاد نسلی با آرامش روانی و اعتماد به نفس کمک کند. همچنین، یافته‌های تحقیق نشان داد که تربیت اسلامی نه تنها به رشد اخلاقی و معنوی دانش‌آموزان کمک می‌کند، بلکه تأثیر قابل توجهی بر تقویت مهارت‌های اجتماعی و خودکارآمدی آنان دارد. این نتایج تأکید می‌کند که توجه به تربیت اسلامی در محیط‌های آموزشی و خانواده، می‌تواند به ایجاد افرادی با اعتماد به نفس، مسئولیت‌پذیر، و آماده برای مواجهه با چالش‌های اجتماعی منجر شود.

این نتایج نشان می‌دهد که تربیت اسلامی می‌تواند به‌عنوان یک رویکرد جامع برای توسعه مهارت‌های اجتماعی و روانی دانش‌آموزان در نظام‌های آموزشی مورد استفاده قرار گیرد. برخی از کاربردهای عملی این یافته‌ها عبارتند از:

- طراحی برنامه‌های آموزشی مبتنی بر تربیت اسلامی: این برنامه‌ها می‌توانند مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان را تقویت کرده و به کاهش اضطراب آن‌ها کمک کنند.
 - تمرکز بر تقویت معنویت در مدارس: فعالیت‌هایی مانند آموزش ذکرها، داستان‌های قرآنی، و نماز جماعت می‌تواند همزمان بر افزایش خودکارآمدی و کاهش اضطراب مؤثر باشد.
 - ایجاد محیط‌های حمایتی: تربیت اسلامی تأکید زیادی بر محبت، حمایت، و احترام دارد.
- این ویژگی‌ها می‌توانند محیط خانه و مدرسه را به مکانی امن برای رشد روانی و اجتماعی دانش‌آموزان تبدیل کنند.

فهرست منابع

- ۱- اتابکی، جواد؛ توسکی، مریم؛ امام جمعه، فرهاد (۲۰۲۳)، مولفه‌های نشاط فردی و اجتماعی از دیدگاه اسلام و نظریه‌های جامعه‌شناسی و روانشناسی، فصلنامه **مطالعات میان رشته‌ای فقه**، ۳ (۲) (پیاپی ۱۰)، ۱۱۳-۱۳۲.
- ۲- اصغری نکاح، محسن؛ مهاجر، زهرا؛ حسین زاده، زهرا و ضیایی، سیده (۲۰۲۳)، مداخله خودکنترلی و تنظیم هیجان مبتنی بر آموزه‌های اسلامی برای خودارضایی نوجوانان: مطالعه تک موردی، **مجله اصول بهداشت روانی**، ۲۵ (۳)، ۱۵۱-۱۶۰.
- ۳- برومند، رضا (۲۰۱۰)، پیش‌بینی عملکرد تحصیلی درس ریاضی از طریق باورهای انگیزی (خودکارآمدی، ارزش‌گذاری درونی و اضطراب امتحان)، **مجله مطالعات روانشناسی تربیتی**، ۶ (۱۰)، ۱۹-۳۴.
- ۴- پاک‌مهر، حمیده؛ امین‌خندقی، مقصود؛ قنذیلی، سیدجواد؛ سعیدی‌رضوانی، محمود (۲۰۲۱). الگوسازی مفهومی گفتمان آموزه‌های انقلاب اسلامی ایران در برنامه‌های درسی، **پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی**، ۲۳ (۱۱)، ۱۹۹-۲۲۴.
- ۵- حق‌ویردی، رضا؛ برخورداری، رمضان؛ کشاورز، سوسن؛ محمودنیا، علیرضا (۲۰۲۱)، تحلیل جایگاه تربیت‌معلم در گفتمان‌های حاکمیت سیاسی بعد از انقلاب اسلامی ایران، **پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی**، ۵۲ (۲۹)، ۱۳۴-۱۶۱.

۶- خالدیان، محمد؛ کرمی باغظیفونی، زهرا (۲۰۱۶). کارآمدی آموزش معنویت مبتنی

بر آموزه‌های اسلامی بر ارتقای سرمایه روان شناختی و مؤلفه‌های آن (خودکارآمدی،

امیدواری، تاب‌آوری و خوش‌بینی دانشجویان، **روان‌شناسی و دین**، ۳۶(۹)، ۷۱-۸۶

۷- خالدیان، محمد؛ کرمی باغظیفونی، زهرا، نعمتی سوگلی‌تپه، فاطمه، حربی، آزاده

(۲۰۱۶)، تاثیر معنویت درمانی با تاکید بر آموزه‌های دین مبین اسلام بر ارتقاء خودکارآمدی

در دانشجویان، **روانشناسی اجتماعی**، ۳۹(۴)، ۹۵-۱۰۶.

۸- رشیدزاده، عبدالله (۲۰۲۰)، اثربخشی آموزش برنامه مبتنی بر معنویت و آموزه‌های

اسلامی بر اضطراب و تاب‌آوری تحصیلی دانش آموزان، **مسائل کاربردی تعلیم و تربیت**

اسلامی.

۹- روستا، امید؛ نصری، منیره (۲۰۲۰)، جایگاه تعلیم و تربیت در نشر پهلوی اوّل (بررسی

موردی: آثار داستانی محمد حجازی و محمد مسعود)، **پژوهشنامه اورمزد**، ۵۴:۵۱-۶۷.

۱۰- صبا، بهمن؛ فتاحی، بهرام (۲۰۱۷)، تاثیر آموزش هوش معنوی با تاکید بر آموزه‌های

قرآنی، بر واکنش به استرس تحصیلی و خودکارآمدی تحصیلی دانش آموزان پسر دوره

متوسطه شهرستان شبستر، **مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی**، ۲(۳)، ۱۱۷-۱۳۶.

۱۱- عباسی، حجت الله (۲۰۲۱)، بررسی تربیت دینی در دو دهه اول انقلاب اسلامی: با

تکیه بر «طرح کلیات نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران»، **پژوهش در**

آموزش معارف و تربیت اسلامی، ۲(۱)، ۷-۲۶.

۱۲- غضنفری، علی؛ اصغری پورپارسا، معصومه (۲۰۲۲)، اصول و روش های تربیت

اسلامی در سوره توحید، **پژوهش های نوین در آموزه های قرآن و سنت**، ۹(۵)، ۹-

۲۶.

۱۳- غفاری، محمد؛ نوبهار، رحیم (۱۴۰۲)، آموزه های اسلامی و جرم زدایی، **مبانی**

فقهی حقوق اسلامی، ۱(۳۱)، ۴۶۶-۴۷۸.

۱۴- قناعتی، حسین (۲۰۲۳)، روش های تربیت نسل تمدن ساز، **همایش پژوهش های**

مدیریت و علوم انسانی در ایران، ۱۴(۱۴)، ۴۲۶-۴۳۷.

۱۵- قوام، میرعظیم (۲۰۱۰)، اصول و ویژگی های تربیت اسلامی از منظر قرآن کریم،

بصیرت و تربیت اسلامی، ۱۷(۷)، ۱۷-۳۴.

۱۶- مکتوبیان، آسیه (۲۰۱۵)، ساخت و هنجاریابی پرسشنامه فرزندپروری در نگرش

اسلامی، **پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی**، ۲۷، ۱۲۳-۱۴۳.

۱۷- مولائی، محمدرضا (۲۰۱۵)، نقش رفتارهای نوع دوستانه و گرایشات مذهبی در

پیش‌بینی مشارکت اجتماعی و سیاسی دانش آموزان دبیرستان‌های اردبیل، **روان‌شناسی**

مدرسه و آموزشگاه، ۴(۲)، ۱۰۴-۱۱۷.

۱۸- نادری نژاد، ریحانه (۲۰۲۴)، تحلیل تاریخی ایجاد مدارس غیر انتفاعی بعد از انقلاب

اسلامی ایران و مواجهه اندیشه تعلیم و تربیت با آن، **پژوهشنامه فرهنگی و اجتماعی**

کودک و نوجوان، ۶۷-۹۶.

- 19- Amiralsadat Hafshejani, F. , Akbari, B. , Hosseinkhanzadeh, A. A. , & Abolghasemi, A. (2021). Factor Structure, Reliability and Validity of the Development of the Spence Children's Anxiety Scale-Short Version. medical journal of mashhad university of medical sciences, 64(5), 3940-3952.
- 20- Azizli, N. , Atkinson, B. E. , Baughman, H. M. , & Giammarco, E. A. (2015). Relationships between general self-efficacy, planning for the future, and life satisfaction. Personality and Individual Differences, 82, 58-60.
- 21- Bandura, A. (1978). Reflections on self-efficacy. Advances in behaviour research and therapy, 1(4), 237-269.
- 22- Bandura, A. (2015). Self-efficacy conception of anxiety. In Anxiety and self-focused attention (pp. 89-110). Routledge.
- 23- Baradaran Haghiri, M. , Zeinalizadeh, S. , & Mohseni, T. (2023). The role of teachers in building civilization with an emphasis on the identity of students based on the intellectual system of the leaders of the Islamic Revolution. The Journal of Theory and Practice in Teachers Education, 9(15), 268-239.

- 24- Barrows, J. , Dunn, S. , & Lloyd, C. A. (2013). Anxiety, self-efficacy, and college exam grades. *Universal Journal of Educational Research*, 1(3), 204-208.
- 25- Besteiro, E. M. , & Quintanilla, A. J. (2023). The relationship between parenting styles or parenting practices, and anxiety in childhood and adolescence: a systematic review. *Revista espanola de pedagogia*, 75(267),11
- 26- Chorpita, B. F. , & Barlow, D. H. (2018). The development of anxiety: The role of control in the early environment. *The Neurotic Paradox*, Vol 2, 227-264.
- 27-Godazgar, H. (2001). Islamic ideology and its formative influence on education in contemporary Iran. *Economía, Sociedad y Territorio*, 3(10), 321-336.
- 28- Hoffman, B. , & Schraw, G. (2009). The influence of self-efficacy and working memory capacity on problem-solving efficiency. *Learning and individual differences*, 19(1), 91-100.
- 29-Kong, C. , & Yasmin, F. (2022). Impact of parenting style on early childhood learning: mediating role of parental self-efficacy. *Frontiers in Psychology*, 13, 928629.
- 30- Lev, E. L. (1997). Bandura's theory of self-efficacy: applications to oncology. *Scholarly inquiry for nursing practice*, 11(1), 21-37; discussion 39.
- 31- Luszczynska, A. , Schwarzer, R. , Lippke, S. , & Mazurkiewicz, M. (2011). Self-efficacy as a moderator of the planning-behaviour relationship in interventions designed to promote physical activity. *Psychology and Health*, 26(2), 151-166.
- 32- Madandar Arani, A. , Amani Tehrani, M. , & Sorkhabi, S. (2023). A systematic review of the critiques and problems of

- fundamental reform document of education in the Islamic Republic of Iran. *Iranian Journal of Comparative Education*, 6(2), 2426-2445.
- 33- Masud, H. , Ahmad, M. S. , Jan, F. A. , & Jamil, A. (2016). Relationship between parenting styles and academic performance of adolescents: mediating role of self-efficacy. *Asia Pacific Education Review*, 17, 121-131.
- 34- Mazaheri, Z. , & Sadeghi, A. (2016). Development and evaluating the reliability and validity of the students' academic self-efficacy questionnaire. *New Educational Approaches*, 10(2), 61-80.
- 35- McLeod, B. D. , Wood, J. J. , & Weisz, J. R. (2007). Examining the association between parenting and childhood anxiety: A meta-analysis. *Clinical psychology review*, 27(2), 155-172.
- 36- Mehran, G. (1990). Ideology and education in the Islamic Republic of Iran. *Compare*, 20(1), 53-65.
- 37- Muris, P. (2001). A brief questionnaire for measuring self-efficacy in youths. *Journal of Psychopathology and behavioral Assessment*, 23, 145-149.
- 38- Nauta, M. H. , Scholing, A. , Rapee, R. M. , Abbott, M. , Spence, S. H. , & Waters, A. (2004). A parent-report measure of children's anxiety: psychometric properties and comparison with child-report in a clinic and normal sample. *Behaviour research and therapy*, 42(7), 813-839.
- 39- Nolen-Hoeksema, S. , Fredrickson, B. , Loftus, G. R. , & Lutz, C. (2014). *Introduction to psychology*. Cengage Learning Washington.
- 40- Piniel, K. , & Csizér, K. (2015). Changes in motivation, anxiety and self-efficacy during the course of an academic writing seminar. *Motivational dynamics in language learning*, 81, 164-194.

- 41- Rakhshani, T. , Hamid, S. , Kamyab, A. , Kashfi, S. M. , & Jeihooni, A. K. (2022). The effect of parenting style on anxiety and depression in adolescent girls aged 12–16 years. *Heliyon*, 8(11).
- 42- Razavi, S. A. , Shahrabi, A. , & Siamian, H. (2017). The relationship between research anxiety and self-efficacy. *Materia socio-medica*, 29(4), 247.
- 43- Romero-Acosta, K. , Gómez-de-Regil, L. , Lowe, G. A. , Lipps, G. E. , & Gibson, R. C. (2021). Parenting styles, anxiety and depressive symptoms in child/adolescent. *International journal of psychological research*, 14(1), 12-32.
- 44- Schwarzer, R. , & Luszczynska, A. (2008). Self efficacy. *Handbook of positive psychology assessment*, 2(0), 7-217.
- 45- Thergaonkar, N. R. , & Wadkar, A. (2007). Relationship between test anxiety and parenting style. *Journal of Indian Association for Child and Adolescent Mental Health*, 3(1), 10-12.
- 46- Tozandehjani, H. , Tavakolizadeh, J. , & Lagzian, Z. (2011). The effect of parenting styles on self-efficacy and mental health of students. *Internal Medicine Today*, 17(2), 56-64.
- 47- Van Dinther, M. , Dochy, F. , & Segers, M. (2011). Factors affecting students' self-efficacy in higher education. *Educational research review*, 6(2), 95-108.
- 48- Zeidner, M. (2014). Anxiety in education. In *International handbook of emotions in education* (pp. 265-288). Routledge.

عوامل مؤثر در شخصیت کودکان با تأکید بر نقش خانواده از منظر قرآن

فاطمه شورورزی^۱

چکیده

از جمله مباحث مهم و پیچیده در روان‌شناسی، موضوع شخصیت می‌باشد. شخصیت مجموعه ثابتی از خلیات و عادات است که افکار، احساسات و اعمال فرد را تعیین می‌کند. در شکل‌گیری شخصیت کودکان عوامل مختلفی دخیل هستند که بدون در نظر گرفتن این عوامل صحبت در رابطه با شخصیت بی‌معنا و نامفهوم می‌باشد. این پژوهش، با هدف بررسی فرایند تمام شکل‌گیری شخصیت کودکان و عوامل مؤثر بر آن با تأکید بر نقش خانواده و نحوه شکل‌گیری شخصیت مطلوب از دیدگاه قرآن انجام شده است. بدین منظور منابع روانشناسی غربی و ایرانی و آیات قرآن و تفاسیر آن‌ها مورد بررسی قرار گرفته و داده‌های حاصل طبقه‌بندی شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که عوامل مؤثر در شکل‌گیری شخصیت به دو دسته وراثتی و غیروراثتی طبقه‌بندی می‌شود. عوامل غیروراثتی در دو زیر طبقه درونی و بیرونی قرار می‌گیرند. یکی از مؤثرترین عوامل بیرونی، بحث خانواده است. خداوند به عنوان اولین مربی به تربیت انسان اقدام کرده و هدف از ارسال پیامبران الهی و کتب آسمانی را تربیت انسان‌ها قرار داده است.

واژگان کلیدی: روانشناسی، شخصیت، اسلام، قرآن، والدین، خانواده.

^۱. دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی دانشگاه خوارزمی تهران، لیسانس مهندسی کامپیوتر گرایش سخت افزار

Fa.shurvarzi@gmail.com

مقدمه

بدون شک، شخصیت یکی از موضوعات اصلی و محوری در روان‌شناسی است و هدف نهایی تمامی تحقیقات مرتبط با انسان به شمار می‌آید. شناخت انسان و نحوه تربیت و محیط رشد او، از جمله سوالات اساسی است که در طول تاریخ، بسیاری از رشته‌های علوم انسانی به دنبال پاسخ به آن بوده‌اند. در ادیان الهی، به ویژه در اسلام، موضوع خودشناسی و آگاهی از خویش از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در دیدگاه اسلامی، انسان از زمان تولد دارای ساختار روانی اولیه‌ای است که به آن فطرت گفته می‌شود. فطرت به مجموعه‌ای از دانش‌ها و آگاهی‌ها اشاره دارد که به تدریج در طول زندگی انسان نمایان می‌شود و بر رفتار او تأثیر می‌گذارد. ویژگی بارز این دانش‌ها، غیر اکتسابی بودن آن‌هاست. نوع مشابهی از این دانش‌ها در حیوانات نیز وجود دارد که به غریزه معروف است؛ به عنوان مثال، لانه‌سازی پرندگان یک عمل طبیعی و غریزی به شمار می‌آید.

در روان‌شناسی غربی، با وجود تحقیقات علمی و تجربیات گسترده، هنوز به یک جمع بندی کلی و تعریف جامع برای شخصیت نرسیده‌اند و نظریات ارائه شده علی‌رغم جذابیت، دارای ابهامات و نواقص زیادی هستند. عوامل تشکیل دهنده شخصیت شامل وراثت، خانواده و محیط اجتماعی می‌باشد که دین اسلام به تمامی این عوامل پرداخته و خانواده را به عنوان مهم ترین عامل تأثیرگذار در شکل‌گیری شخصیت معرفی می‌کند. تربیت، به عنوان اصلی ترین عامل در شکل‌گیری شخصیت و هویت افراد، از اهمیت بالایی برخوردار است و برای رسیدن به تربیتی صحیح، توجه به محتوا و مربی ضروری است. بنابراین، استفاده از ارزش‌های استخراج شده از منبع معتبری مانند قرآن، مسیر را برای دستیابی به این هدف هموارتر می‌سازد. همچنین، خانواده به عنوان نخستین و مهم ترین آموزگار در انتقال این ارزش‌ها مطرح می‌شود؛ چون هر فرد بخش

عمده‌ای از زمان آموزشی خود را در همین محیط می‌گذرانند. از سوی دیگر، قرآن کریم نیز به عنوان کتاب هدایت، به نقش خانواده توجه ویژه‌ای دارد.

بنابراین، این نوشتار با هدف بررسی عوامل موثر بر شکل‌گیری شخصیت کودکان و با تأکید بر جایگاه خانواده از دیدگاه قرآن، به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است. داده‌های موردنیاز با مراجعه به منابع اصلی گردآوری و سپس بر اساس تفاسیر و آثار مرتبط تحلیل شده اند. به نظر می‌رسد خانواده به عنوان مهم‌ترین عامل تربیت، می‌تواند با استفاده از دستورات قرآن و عملیاتی کردن آن‌ها در تمامی مراحل زندگی، در ایجاد خانواده‌ای اسلامی و تقویت بنیان خانواده، گام‌های مؤثری بردارد.

۱- مفهوم شناسی

۱-۱- مفهوم شخصیت در مکاتب روان‌شناسی

کلمه «شخصیت» که معادل انگلیسی آن، «personality» است، از واژه لاتین «persona» ریشه گرفته و به نقاب یا ماسکی اشاره دارد که بازیگران در تئاتر یونان و روم باستان بر چهره می‌نهادند. این استعاره، بیانگر آن است که شخصیت هر فرد، همچون ماسکی است که برای تمایز خود از دیگران به کار می‌برد (کریمی، ۱۳۷۰، ص ۵).

شخصیت در اصطلاح، اشاره به الگویی از رفتار فردی و یا اجتماعی فرد دارد. الگوهای معینی از رفتار و شیوه‌های تفکر که نحوه سازگاری شخص را با محیط، معین می‌کند. واژه «معین»، به همسانی رفتار اشاره دارد؛ به این معنی که مردم در شرایط گوناگون به دین‌گرایی دارند تا به طرز نسبتاً معینی تفکر کنند یا دست به عمل بزنند. برای مثال یک نفر صرف‌نظر از این که تا چه اندازه او را تحریک کنند، به ندرت از خود خشم نشان می‌دهد. یک نفر هم به

کوچک‌ترین تحریکی، عصبانی می‌شود. رفتار، نتیجه تعامل ویژگی‌های شخصیت با شرایط مادی و اجتماعی محیط است (اتکینسون، ۱۳۷۰، ص ۷۳).

در میان مکاتب روان‌شناسی، تعاریف متعددی از مفهوم «شخصیت» ارائه شده است: «شخصیت به معنای مجموعه‌ای از ویژگی‌ها، خصوصیات و الگوهای رفتاری است که فرد به طور خودآگاه یا ناخودآگاه به عنوان سبک و شیوه زندگی خود بروز می‌دهد. به عبارت دیگر، شخصیت شامل صفات هیجانی، رفتاری و منش‌هایی است که در شرایط عادی نمایانگر فرد بوده و برای هر شخص نسبتاً ثابت و قابل پیش‌بینی است. به عقیده او، شخصیت از دو عامل اساسی تشکیل می‌شود: ۱. ویژگی‌های ارثی ۲. تجارب زندگی، به ویژه تجربیات دوران کودکی.» (اسدی نوقابی، ۱۳۸۴، ص ۱۹۱).

گوردون آلپورت، یکی از شناخته‌شده‌ترین روان‌شناسان در زمینه مطالعه شخصیت و کسی که به طور علمی به رسمیت شناختن این حوزه در روان‌شناسی کمک شایانی کرد، تعریفی از شخصیت ارائه داده است که به این صورت است: «شخصیت، یک سازمان پویا از نظام‌های جسمی و روانی درون فرد است که رفتار و افکار خاص او را تعیین می‌کند. همچنین، آلپورت شخصیت را به عنوان مجموعه‌ای از عوامل درونی می‌داند که تمامی فعالیت‌های فرد را هدایت می‌کند.» (بشارتی، ۱۳۹۷).

آدامز بر این باور است که هر زمان که از واژه «من» استفاده می‌کنیم، اگر به دقت بدانیم که منظورمان چیست و این واژه به چه چیزی اشاره دارد، در واقع به درک نسبتاً خوبی از مفهوم شخصیت دست یافته‌ایم (شولتز، ۱۳۸۴، ص ۲۵۸).

با مشاهده جنبه‌های مشترک تعریف‌های ذکر شده، نشان می‌دهد که اولاً، تمامی آن‌ها به مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و خصوصیات جسمی و روانی اشاره دارند. ثانیاً، در همه این تعاریف

به موضوع تمایز و تفکیک فرد از دیگران، به طور مستقیم یا غیرمستقیم، اشاره شده است. بنابراین می توان به تعریفی دست یافت که به شکل نسبی، ویژگی های مشترک تعاریف پیشین را دربرگیرد. بر اساس این تعریف، «شخصیت مجموعه ای از ویژگی های جسمانی، روانی و رفتاری است که موجب تمایز هر فرد از دیگران می شود» (کریمی، ۱۳۸۴، ص ۲۸۶).

۱-۲- مفهوم شخصیت از دیدگاه اسلام

یکی از مهم ترین عناصر شخصیت که در قرآن وجود دارد، مفهوم «شاکله» است. خداوند در قرآن می فرماید: «قُلْ كُلُّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَى سَبِيلًا»؛ «بگو هر کسی بر شاکله (ساختار روانی و بدنی) خویش عمل می کند و خدای شما به کسی که راهش از هدایت بیشتری برخوردار است داناتر است» (اسراء: ۸۴).

«شاکله» در اصل از واژه «شکل» به معنای مهار کردن حیوان گرفته شده است و «شکال» به خود مهار اطلاق می شود. از آنجا که ویژگی های روحی، صفات و عادات هر فرد را به نوعی به یک الگو یا رویه خاص محدود می کند، به این وضعیت «شاکله» می گویند. همچنین، کلمه «أشکله» به پرسش ها، نیازها و تمامی مسائلی اطلاق می شود که به نوعی انسان را تحت تأثیر قرار داده و او را محدود می سازد (راغب اصفهانی، ۱۳۷۵، ص ۴۶۲). بنابراین، مفهوم «شاکله» به هیچ وجه مختص به ذات انسانی نیست. مرحوم «طبرسی» در کتاب «مجمع البیان» دو معنا برای آن ذکر کرده است: «طبیعت و خلقت» و همچنین «روش، مذهب و سنت»؛ زیرا هر یک از این موارد به نوعی فرد را در عمل محدود می کند (طبرسی، ۱۳۶۷، ج ۱۴، ص ۱۹۷).

از این رو، مشخص می شود که افرادی که آیه را به عنوان دلیلی برای سلطه صفات ذاتی بر انسان تفسیر کرده و آن را نشانه ای از جبر می دانند، به شدت در اشتباه هستند. این شیوهی

نگرش، که به دلایل گوناگون سیاسی، اجتماعی و روانی بر ادبیات بسیاری از ملت‌ها سایه افکنده و برای توجیه ناکامی‌هایشان به آن تکیه می‌کنند، از خطرناک‌ترین باورهایی است که می‌تواند یک جامعه را به خواری و سقوط بکشاند و آن را برای سال‌ها یا حتی قرن‌ها در چرخه‌ی عقب ماندگی نگه دارد. ما بر این باوریم که مسلک جبر همواره به عنوان ابزاری برای سلطه‌گری‌های استعمارگران بوده تا بدین طریق از واکنش‌های شدید مردمی که تحت ستم هستند، در امان بمانند.

به‌طور خلاصه، «شاکله» هرگز به معنای سرشت طبیعی انسان نیست، بلکه به هر گونه عادت، سبک، مذهب یا روشی گفته می‌شود که به زندگی انسان جهت می‌بخشد. بنابراین، عادات و سنن کسب‌شده به واسطه تکرار عمل اختیاری و همچنین باورهایی که فرد به‌طور استدلالی یا تعصبی پذیرفته، همگی در این مفهوم نقش مهمی داشته و جزو شاکله محسوب می‌شوند. به‌طور کلی، ویژگی‌ها و روحیات انسان غالباً جنبه اختیاری دارند؛ زیرا وقتی فرد عملی را به‌طور مکرر انجام می‌دهد، ابتدا به «حالت» می‌رسد و سپس به «عادت»، و در نهایت به تدریج به «ملکه» تبدیل می‌شود. این ملکات هستند که به رفتارهای انسان شکل می‌دهند و مسیر زندگی او را تعیین می‌کنند، در حالی که پیدایش آن‌ها به عوامل اختیاری بستگی دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ج ۱۲، ص ۲۴۸).

در بعضی از روایات، «شاکله» به «نیت» تفسیر شده است. در «اصول کافی» از امام صادق (علیه السلام) نقل شده: «النَّيَّةُ أَفْضَلُ مِنَ الْعَمَلِ أَلَا وَ إِنَّ النَّيَّةَ هِيَ الْعَمَلُ. ثُمَّ تَلَا قَوْلَهُ عَزَّوَجَلَّ «قُلْ كُلُّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ؛ يَعْنِي عَلَى نِيَّتِهِ»؛ «نیت افضل از عمل است، اصلاً نیت همان عمل است. سپس آیه «قُلْ كُلُّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ» را قرائت نموده و اضافه فرمودند: منظور از شاکله، «نیت» است» (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۵۱).

این تفسیر نکته جالبی را در خود دارد و آن اینکه نیت انسان، که ریشه در اعتقادات او دارد، به شکل‌گیری عمل او کمک می‌کند. در واقع، نیت، خود یک نوع شاکله است که فرد را محدود می‌سازد. به همین دلیل، گاهی نیت را معادل خود عمل تفسیر می‌کنند و گاهی نیز آن را بالاتر از عمل می‌دانند؛ زیرا در نهایت، «مسیر عمل» از «مسیر نیت» نشأت می‌گیرد. در روایت دیگری آمده که از امام صادق (علیه السلام) پرسیدند: «آیا می‌توان در معابد یهود و کلیساهای نصاری نماز خواند؟ فرمودند: «در آنها نماز بخوانید». شخصی پرسید: آیا در آن نماز بخوانیم هر چند آنها هم در آن نماز می‌خوانند؟ فرمود: آری، مگر قرآن نمی‌خوانی آنجا که می‌فرماید: «قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَى سَبِيلًا» سپس فرمود: تو به سوی قبله‌ات نماز بخوان و آنها را رها کن» (عروسی حویزی، ۱۳۸۳، ص ۲۱۴).

حاصل برداشت از این آیه آن است که سرچشمه‌ی رفتارهای انسان به شاکله‌ی او وابسته است؛ مفهومی که در روان‌شناسی با شخصیت هم‌ارز دانسته می‌شود. برای ارائه تعریفی دقیق و نسبتاً خالی از اشکال از «شاکله» یا همان شخصیت، می‌توان به تعریف زیر اشاره کرد: «شاکله عبارت است از ساختار و نظام روانی واحد انسان که بر اثر تعامل وراثت، محیط و انتخاب‌های فردی شکل می‌گیرد، به طوری که فرد محرک‌های محیطی را بر اساس این شاکله تفسیر کرده و به آن‌ها به شیوه‌ای خاص واکنش نشان می‌دهد» (احمدی، ۱۳۷۴، ص ۲۱).

۲- عوامل مؤثر بر شخصیت

عوامل مؤثر بر شخصیت را می‌توان به دو دسته ارثی و غیرارثی تقسیم کرد؛ چرا که برخی از عوامل نه تنها ارثی نیستند، بلکه ارتباط مستقیمی با محیط نیز ندارند و در واقع جنبه‌های درونی انسان هستند که بر شکل‌گیری شخصیت تأثیر می‌گذارند. این عوامل (ارثی و غیرارثی) هر یک شامل مجموعه‌ای از عوامل خاص خود هستند.

۲-۱- عوامل وراثتی

الف) عوامل ژنتیکی: شواهد قوی نشان می‌دهد برخی از ویژگی‌ها یا ابعاد شخصیت، به ارث می‌رسند. این ویژگی‌ها شامل روان‌پریشی، درون‌گرایی، روان‌رنجوری، برون‌گرایی، گشودگی به تجربه، وظیفه‌شناسی، حساسیت به تحریک و تمایل به ارتباط با دیگران هستند (شولتز، ۱۳۸۴، ص ۲۱۰).

ب) بنیه و مزاج: «بنیه» به ویژگی‌های جسمانی یک فرد اشاره دارد که به طور کلی شامل قد، وزن، تناسب بدنی، ویژگی‌های جنسی و خصوصیات ظاهری مانند چهره و ... می‌شود. در این راستا، «مزاج» به حالت غالب، سطح انرژی و شیوه واکنش‌های عاطفی اشاره دارد که در مجموع شخصیت فرد را شکل می‌دهد (وولف، ۱۳۸۶، ص ۱۱۲). مزاج از دوران کودکی به عنوان نمایانگر ظاهری بنیه به حساب می‌آید. قدیمی‌ترین نظریه در مورد مزاج به بقراط، پزشک یونانی، نسبت داده می‌شود که بعدها توسط جالینوس مورد اصلاح قرار گرفت.

۲-۲- عوامل غیر وراثتی

این عوامل خود به دو دسته کلی تقسیم می‌شود:

۲-۲-۱- عوامل درونی

عواملی که مربوط به درون انسان هستند و بر او تأثیر می‌گذارند که این عوامل عبارتند از:

الف) ناهشیاری

این عامل در برخی از نظریه‌ها به عنوان یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار در شکل‌گیری شخصیت مورد توجه قرار گرفته است. مفهوم ناهشیاری دارای چندین معناست که بسته به رویکرد انتخابی در روان‌شناسی، این معانی متفاوت خواهد بود. یکی از تعاریفی که در اینجا به

عنوان عامل مؤثر در شخصیت مورد تأکید قرار می‌گیرد، تعریفی است که فروید ارائه داده و آن را ناهشیاری عاطفی (هیجانی) می‌نامد.

فروید بیش از سایر اندیشمندان، در نظریه روان‌کاوی خود از این اصطلاح بهره برده است. از دیدگاه او، ناهشیاری مخزنی تاریک از خواسته‌ها و تمایلات سرکوب‌شده است که بخشی از آن‌ها به صورت عقده بروز یافته‌اند (همت بناری، ۱۳۸۶، ص ۱۱۰).

ب) انگیزه‌ها و هیجانات فرد

انگیزه‌ها و هیجانات فرد نقش حیاتی در تعیین رفتار و شکل‌گیری شخصیت انسان دارند. انگیزه‌ها بخش مهمی از شخصیت را تشکیل می‌دهند و هیجانات نیز در بروز رفتارهای خاص از سوی فرد تأثیرگذار هستند.

«انگیزش» در لغت به معنای دلیل و عاملی است که فرد را به انجام کاری ترغیب می‌کند. اما در معنای اصطلاحی که در اینجا مورد بررسی قرار می‌گیرد، به حالتی روانی اشاره دارد که انسان را به سمت خاصی هدایت کرده و او را به انجام رفتارهای مشخص وامی‌دارد (احمدی و فراهانی، ۱۳۸۰، ص ۱۵۱). به‌نوعی، فرایندی است که به رفتار، نیرو، جهت و پویایی می‌بخشد (شجاعی، ۱۳۹۱، ص ۸). همچنین می‌توان عوامل شکل‌گیری انگیزه‌ها را در شناخت‌ها، باورها، نیازها و هیجان‌ها جست‌وجو کرد.

«هیجان» در سه نمود اصلی بروز می‌یابد: ترس، خشم و شادی. برای هیجان تعاریف گوناگونی ارائه شده است که در اینجا به یکی از آن‌ها اشاره می‌کنیم (پلاچیک، ۱۳۷۱، ص ۲۰۲-۲۰۵).

ج) اراده

«اراده» به عنوان یک عامل مهم و تعیین کننده در کنار وراثت و محیط قرار دارد. به این معنی که اگرچه ویژگی‌های وراثتی و شرایط محیطی می‌توانند بر شدت و ضعف اراده تأثیر بگذارند، اما «اراده» به عنوان یک عامل کلیدی و مستقل نیز نقش مهمی ایفا می‌کند. این بدان معناست که انسان می‌تواند با تکیه بر توانمندی‌ها و قابلیت‌های خویش، مسیری متفاوت از آنچه وراثت یا محیط فرهنگی و اجتماعی برایش تعیین می‌کند، برگزیند. در نتیجه، او توانایی دارد خودش آینده‌اش را بسازد و شخصیتش را مطابق خواست و اراده‌اش شکل دهد. از همین رو، نقش و جایگاه اراده موجب شده است نظریه پردازان شخصیت در دیدگاه‌های خود توجه ویژه‌ای به آن داشته باشند و از اثرگذاری آن در فرایند شکل‌گیری شخصیت سخن بگویند (لاچیک، ۱۳۷۱، ص ۱۱۰).

۲-۲-۲- عوامل بیرونی

عوامل بیرونی به مجموعه‌ای از عواملی اشاره دارند که از خارج بر انسان تأثیر می‌گذارند؛ نظیر خانواده، هم‌سالان، فرهنگ و محیط اجتماعی که خود شامل عوامل دیگری نیز می‌شود.

الف) خانواده

خانواده را می‌توان یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در شکل‌گیری شخصیت انسان دانست. به‌سختی می‌توان نظریه‌ای در مورد شخصیت یافت که به تأثیر خانواده اشاره نکرده باشد. این عامل از لحظه تولد همراه فرد بوده و در فرایند شخصیت‌سازی او نقش دارد. خانواده کودک از نظر تعداد اعضا، شیوه تعامل با او و نیز امکاناتی که برایش فراهم می‌کند، می‌تواند در رشد شخصیت او نقش مهمی داشته باشد.

در خانواده سه محور اساسی مطرح است:

تأثیر والدین: والدین با رفتارهای خود شرایطی را ایجاد می کنند که منجر به بروز رفتارهای خاصی در فرزندان می شود. آن ها همچنین به عنوان الگوهایی برای تقلید کودک عمل می کنند و به طور انتخابی برخی رفتارها را تشویق می نمایند (جان پروین و ای. لارن، ۱۳۸۱، ص ۱۵).

خواهران و برادران: این گروه با تعیین برخی معیارها و فراهم کردن الگوهایی برای الگوگیری، بر کودک اثر گذاشته و نقش های مکملی را بر عهده می گیرند و می توانند از طریق تعاملات اجتماعی، تجربیات خود را تمرین کنند. همچنین در زمان های تنش عاطفی، به یکدیگر کمک می کنند (پاول هنری ماسن و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۴۵۸). به عنوان مثال، فرزند اول که سلطه گر و جسور است، ممکن است بر خواهران کوچک تر خود تأثیر گذاشته و باعث شکل گیری شخصیتی انفعالی و غیررقابت طلب در آن ها شود.

ترتیب تولد: جایگاه فرزند (اول، دوم یا آخر) در خانواده می تواند در شکل گیری شخصیت او تأثیرگذار باشد. آلفرد آدلر معتقد است که بزرگ تر یا کوچک تر بودن در میان خواهران و برادران، همراه با برخوردهای متفاوت والدین، وضعیت های گوناگونی را در دوران کودکی پدید می آورد که در شکل گیری شخصیت فرد تأثیرگذار است. همچنین، بندورا در تحقیقات خود به این نتیجه رسید که فرزندان اول و تک فرزندان نسبت به سایر فرزندان، دیدگاه متفاوتی نسبت به توانایی های خود دارند (شولتزف، ۱۳۸۴).

ب) گروه هم سالان

گروه هم سالان و دوستان، نخستین جمعی هستند که فرد پس از خانواده با آن ارتباط برقرار می کند و شخصیت او تحت تأثیر این گروه قرار می گیرد. در واقع، کودکان در دو دنیای متفاوت زندگی می کنند: دنیای والدین و بزرگ ترها و دنیای هم سالان. آنچه که گروه هم سالان برای کودک و شخصیت او فراهم می آورند، مهارت های اجتماعی است که به گونه ای به او آموزش

می‌دهند که بزرگسالان قادر به ارائه آن نیستند. همسالان به طرق مختلف در شکل‌گیری شخصیت، رفتار اجتماعی، ارزش‌ها و نگرش‌های فرد مؤثرند.

ج) مدرسه و یادگیری

مدرسه به عنوان عامل سوم، از دیگر مؤلفه‌هایی است که در شکل‌گیری شخصیت فرزندان نقش مؤثری ایفا می‌کند. این نهاد، شامل فرهنگ‌ها، طبقات اجتماعی و مؤسسات مختلفی است که مورد توجه روان‌شناسان قرار دارد. برخی بر این باورند که بزرگ‌ترین رویداد علمی در تاریخ بشر، نه فرود انسان بر کره ماه، بلکه لحظه‌ای است که یک کودک پنج‌ساله برای نخستین بار به مدرسه قدم می‌گذارد (بادن، ۱۳۷۴، ص ۸۵). یکی از اصلی‌ترین تأثیرات مدرسه بر شخصیت فرد، فرآیند اجتماعی شدن است. کودک در مدرسه یاد می‌گیرد که چگونه باید رفتار اجتماعی داشته باشد و نقش خود را در جامعه ایفا کند. او می‌آموزد که در چه زمینه‌هایی فکر کند، چگونه همکاری کند و با دیگران هم‌سویی داشته باشد (نوری، ۱۳۸۶، ص ۴۱).

د) جامعه

شخصیت هر فرد از طریق تعاملات متقابل با دیگران شکل می‌گیرد. واکنش‌های دیگران به رفتارهای فرد، تأثیر مستقیمی بر توسعه شخصیت او دارد و شخصیت انسان در بستر اجتماعی اش رشد می‌کند. ریشه‌های این نظریه را می‌توان در دیدگاه‌های روان‌کاوانی مانند زیگموند فروید یافت. بر اساس نظریه فروید، «من» نمایانگر شخصیت اجتماعی فرد است که تحت تأثیر قوانین و محدودیت‌های اجتماعی قرار دارد و همواره سعی می‌کند خود را با آداب و رسوم اجتماعی تطبیق دهد (جونز، ۱۳۴۰، ص ۲۲۹). این عوامل به عنوان «فرهنگ» در شکل‌گیری شخصیت انسان نقش مهمی ایفا می‌کنند. جامعه به واسطه انتظاراتش از فرد و تأیید یا رد رفتارهای خاص او، تأثیر قابل توجهی بر نوع شخصیت افراد دارد. فرهنگ در میزان‌های متفاوتی بر شکل

گیری شخصیت تأثیر می‌گذارد. واکنش‌های افراد نسبت به فرهنگ جامعه نیز متنوع است. به بیان دیگر، فرهنگ هر جامعه مرزها و چارچوب‌هایی را برای پرورش شخصیت مشخص می‌کند و هر فرهنگ، گونه‌ای خاص از شخصیت را می‌پروراند که با شخصیت‌های شکل گرفته در فرهنگ‌های دیگر تفاوت دارد (کینگ، ۱۳۴۶، ص ۷۰). از دیدگاه روان‌شناسی اجتماعی، شخصیت انسان در جریان فرایند فرهنگ‌پذیری شکل می‌گیرد و مفهوم شخصیت تا حدی بازتاب جذب عناصر و مؤلفه‌های فرهنگی موجود در محیط اجتماعی است (فیلدینگ، ۱۳۵۴، ص ۲۳۲).

هـ) محیط اقلیمی

محیط نیز در روند تکوین شخصیت انسان اثرگذار است، هرچند سهم مستقل آن چندان چشمگیر نیست. با این همه، برای کامل شدن بحث، اشاره به محیط ضروری به نظر می‌رسد. محیط زیست انسان از جمله موضوعاتی است که در نظریه‌های جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان مورد توجه قرار گرفته است. این نظریه‌پردازان بر این باورند که محیط جغرافیایی که فرد در آن زندگی می‌کند، در شکل‌گیری شخصیت، اخلاق و رفتار او مؤثر است. به‌عنوان مثال، افرادی که در بیابان‌های گرم و خشک و کم‌آب زندگی می‌کنند، ممکن است شخصیتی خشن، بی‌احساس و بی‌رحم داشته باشند؛ در حالی که ساکنان مناطق خوش آب و هوا معمولاً شخصیتی ملایم، بااحساس، همدوست و علاقمند به علم و فلسفه را پرورش می‌دهند (فضایی، ۱۳۸۱، ص ۱۹۲-۱۹۳).

۳- نقش خانواده در شکل‌گیری شخصیت از منظر قرآن

خانواده به عنوان نخستین و اثرگذارترین محیطی است که کودک در آن پرورش می‌یابد و شالوده باورهای خود را در آن بنا می‌کند. این نهاد همواره در آموزه‌های اسلامی و دیدگاه

بزرگان جایگاه ویژه‌ای داشته است. خانواده، در مقام اولین کانون تربیتی، بستری است که در آن ارزش‌ها به شکل مستقیم یا غیرمستقیم از سوی والدین و دیگر اعضای بزرگسال به فرد منتقل می‌گردد (نیکزاد، ۱۳۷۵، ص ۶۵).

در اسلام، خانواده دارای جایگاهی والا و مهم است. این نهاد کوچک اما مقدس، جایگاهی برای پرورش و تعالی انسان‌ها و محیطی مناسب برای شکوفایی فطرت و استعدادها، نسل آینده به شمار می‌آید. خانواده، ستون اساسی پیشرفت و تکامل جامعه است و اگر بر پایه تربیت اسلامی و در چارچوب برنامه‌های قرآنی و سنتی سامان یابد، می‌تواند نقشی مهم در رشد و توسعه جامعه ایفا کند (بیگی، ۱۳۸۹، ص ۳۵۵). از این رو، با توجه به رهنمودهای قرآن می‌توان افراد را در تربیت درست و انتقال صحیح ارزش‌ها یاری داد. در آیات گوناگون قرآن کریم به مسئله خانواده و کارکرد تربیتی آن، چه به صورت مستقیم و چه غیرمستقیم اشاره شده است. به عنوان مثال «وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتَهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبَثَ لَا يَخْرِجُ إِلَّا نَكْدًا كَذَلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ» (اعراف / ۵۸).

در تفسیر این آیه آمده است که واژه «نکدا» به چیزی گفته می‌شود که از خیر و سودمندی بی‌بهره باشد و «نبات نکد» نیز به گیاهی اطلاق می‌شود که اندک، کم‌ثمر و بی‌فایده است. با نگاهی گسترده‌تر به آیه، می‌توان خانواده پاک را یکی از نمونه‌های سرزمین پاک دانست که محصولی نیکو و ثمربخش پدید می‌آورد (قرائتی، ۱۳۸۶، ج ۴، ص ۸۸). افزون بر این، علامه طباطبائی در تفسیر این آیه بیان می‌کند که «این آیه در قالب یک مثال کلی نشان می‌دهد اعمال صالح و آثار پسندیده از سرشت پاک برمی‌خیزد و در مقابل، کردار ناپسند نیز از ذات ناپاک سرچشمه می‌گیرد.» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۲۰۰).

از این رو، رشد جسمی و روانی انسان در سال‌های آغازین زندگی تا حد زیادی متأثر از فضای خانواده و شرایط زندگی پدر و مادر است. کودک از مادر نه تنها تغذیه می‌کند، بلکه عاطفی همچون محبت، رحمت، ایثار و از خودگذشتگی را نیز می‌آموزد؛ همچنین از پدر روحیه اندیشه‌ورزی، استقامت و تلاش و کوشش را فرا می‌گیرد و از هر دو والد، احساس مسئولیت، بردباری، سرپرستی و شیوه‌های تربیتی را می‌آموزد. این روند یادگیری نیز تا سال‌های بعدی زندگی ادامه می‌یابد.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در سخنی گران‌قدر به تأثیر عمیق پدر و مادر به عنوان مدیران خانواده در شکل‌گیری شخصیت و باورهای انسان اشاره می‌فرماید: «كُلُّ مَوْلُودٍ يُوَلَّدُ عَلَى الْفِطْرَةِ ثُمَّ آبَاؤُهُ يَهُودِيْنَهُ وَ يُمَجْسَانِهِ وَ يُنَصْرَانِهِ»؛ «هر فرزندی بر اساس فطرت [خدایی] به دنیا می‌آیند و این پدر و مادر هستند که او را یهودی و مجوسی و نصرانی بار می‌آورند» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۶۱، ص ۱۸۶).

باورهای دینی پدر و مادر نقشی بنیادین در شکل‌گیری منش و شخصیت فرزند ایفا می‌کند و جهان‌بینی او را سامان می‌دهد. از همین رو، خداوند در قرآن کریم تأکید می‌فرماید که «وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّىٰ يُوْمِنَ ... وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يُوْمِنُوا ...»؛ «و با زنان مشرک و بت‌پرست، تا ایمان نیاورده‌اند، ازدواج نکنید ... و زنان خود را به ازدواج مردان بت‌پرست، تا ایمان نیاورده‌اند، در نیاورید!» (بقره: ۲۲۱).

مهیا کردن فضایی سالم و عاری از هرگونه آلودگی، همراه با رعایت حقوق تمامی اعضای خانواده، روند رشد تربیتی و آموزشی کودکان و شکل‌گیری هنجارهای مطلوب شخصیتی را تقویت می‌کند و در پی آن، میزان اطمینان از سلامت جامعه نیز افزایش می‌یابد.

والدین لازم است از همان آغاز تولد، به همه نیازهای اساسی کودک با دقت و عمق توجه کنند و در ارتقای سطح شخصیتی او از هیچ تلاش مادی و معنوی دریغ نورزند. حاکم بودن فضای محبت و صمیمیت یا برعکس، قهر و کینه، در نوع شخصیت شکل گرفته در کودک تأثیر چشمگیری دارد؛ به گونه‌ای که می‌تواند او را به فردی درون‌گرا یا برون‌گرا تبدیل کند و یا زمینه مشارکت اجتماعی یا گوشه‌گیری او را فراهم سازد.

همچنین خداوند در آیه ۶ سوره تحریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ»؛ «ای کسانی که ایمان آورده اید! خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌هاست، نگاه دارید» (تحریم: ۶).

در تفسیر این آیه آمده است: نگه داری خویشتن، به ترک معاصی و عدم تسلیم در برابر شهوات سرکش است، و نگه داری خانواده به تعلیم و تربیت و امر به معروف و نهی از منکر و فراهم ساختن محیطی پاک و خالی از هرگونه آلودگی، در فضای خانه و خانواده است. این برنامه‌ای است که باید از نخستین سنگ بنای خانواده، یعنی از مقدمات ازدواج، و سپس نخستین لحظه تولد فرزند آغاز گردد، و در تمام مراحل با برنامه ریزی صحیح و با نهایت دقت تعقیب شود. به تعبیر دیگر، حق زن و فرزند تنها با تأمین هزینه زندگی و مسکن و تغذیه آنها حاصل نمی‌شود. مهم تر از آن، تغذیه روح و جان آنها و به کار گرفتن اصول تعلیم و تربیت صحیح است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ج ۲۴، ص ۲۸۷).

این آیه به روشنی نشان می‌دهد که انسان، هم در برابر خویشتن و هم در برابر خانواده خود مسئولیت دارد. از این رو، در اینجا به نقش مؤثر خانواده، چه پیش از تولد فرزند و چه پس از آن، از منظر آیات الهی پرداخته می‌شود.

در تأکید بر نقش والدین در تربیت فرزندان، قرآن کریم به داستان مادرشدن حضرت مریم (سلام الله علیها) اشاره می‌کند: «هنگامی که کودک پاک و معصوم مریم به دنیا می‌آید، این رویداد برای مردم بسیار شگفت‌آور است؛ زیرا چگونه ممکن است مریم دختری نامشروع به دنیا آورد، در حالی که پدر و مادر مریم هرگز آلوده و بدکار نبوده‌اند؟!» (مریم) او را در آغوش گرفته، نزد قوم خود آورد. گفتند: ای مریم! کار بسیار شگفت‌انگیز و ناپسندی انجام داده‌ای! ای خواهر هارون! نه پدرت مرد بدی بود و نه مادرت زن بدکاره‌ای!» (مریم: ۲۷ و ۲۸). مردم، مریم (سلام الله علیها) را با برادر و پدر و مادرش می‌سنجند؛ دختری که برادری غیور چون هارون و پدر و مادری شریف و پاکدامن دارد، چگونه ممکن است از راه عفاف و پاکدامنی منحرف شده باشد؟! (بهشتی، ۱۳۸۸، ص ۲۰۵). این مقایسه فرزند با خاندان او نشان می‌دهد که از خانواده صالح، انتظار فرزند نیک می‌رود، و همین امر، نقش عمیق و تعیین‌کننده خانواده را در شکل‌گیری شخصیت فرزندان آشکار می‌سازد.

۳-۱- پیش از ازدواج

۳-۱-۱- خودسازی و اصلاح زن و مرد

این که تربیت فرزند از چه زمانی آغاز می‌شود و والدین از چه هنگام باید خود را برای پرورش و شکل‌دهی شخصیت او آماده سازند و زمینه‌های لازم را فراهم کنند؟ ممکن است سؤال خیلی از افراد باشد.

در پاسخ باید گفت که تربیت فرزند، سال‌ها پیش از تولد او شروع می‌شود؛ بدین معنا که همه رفتارهای پدر و مادر، و حتی پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها، در شخصیت فرزند اثر می‌گذارد. در زیارات اربعین سیدالشهدا (علیه السلام) درباره اهل بیت (علیهم السلام) می‌خوانیم:

«أَشْهَدُ أَنْكُمْ كُنْتُمْ فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ وَالْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ». این عبارت نشان می‌دهد که اهل بیت در نسل‌های پیشین خود نیز از پدران و مادرانی پاک و به‌دور از شرک برخوردار بوده‌اند. این مطلب، مؤید مباحث پیشین است که شاکله فرزند از رفتارها و ویژگی‌های نیاکان نیز تأثیر می‌پذیرد و این همان اصلی است که از آن با عنوان قانون وراثت یاد می‌شود. اسلام نیز با توجه به همین اصل وراثت، برای تربیت فرزندان از آغاز، بنیانی استوار در نظر گرفته است (مظاهری، ۱۳۸۵، ص ۲۹).

از این‌رو، زن و مرد پیش از ازدواج و پذیرفتن مسئولیت پرورش انسانی دیگر، باید به خودشناسی بپردازند و به‌عنوان دو انسان، در اصلاح و تزکیه خویش بکوشند تا پس از تشکیل زندگی مشترک، بتوانند نقش خود را در برابر فرزندان به‌درستی ایفا کنند. انسان مسلمان در گام نخست، مسئول اصلاح خویش است و در مرحله بعد، مسئول هدایت و اصلاح دیگران.

خداوند متعال هم در قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ»؛ «ای کسانی که ایمان آورده اید، مراقب خود باشید» (مائده: ۱۰۵). همچنین می‌فرماید: «أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ»؛ «آیا مردم را به نیکی دعوت می‌کنید، اما خودتان را فراموش می‌نمایید؟» (بقره: ۴۴). این دو آیه، اهمیت توجه به نفس و اصلاح آن را می‌رساند. انسان در تزکیه خود باید به عواملی همچون رزق حلال، محیط سالم، الگو و سرپرستی مناسب و نیکو توجه داشته باشد. در قرآن کریم در مورد نحوه تربیت حضرت مریم (سلام الله علیها) آمده است: «فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكَ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ»؛ «پس خداوند او را به خوبی قبول کرد و به نیکویی پرورش داد و زکریا را سرپرست او کرد. هرگاه

زکریا به محراب نزد مریم وارد می-شد، نزد او روزی می-یافت و می-گفت: ای مریم! این از کجا برایت آمده؟ مریم می-گفت: این از طرف خداست که خدا هر که را بخواهد بی حساب روزی می-دهد (آل عمران: ۳۷).

در تفسیر آیه مزبور آمده است: عوامل مؤثر در تربیت عبارتند از: روح پاک مادر: «فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ»، جسم سالم: «نَبَاتًا حَسَنًا»، تعلیم و تربیت الهی: «كَفَّلَهَا زَكَرِيَّا»، تغذیه پاک: «وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا» (قرائتی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۵۳) با توجه به مطالب یادشده، می توان نتیجه گرفت که خودسازی زن و مرد، و توجه به عوامل مذکور، حتی پیش از ازدواج، از اهمیت فراوانی برخوردار است؛ زیرا این عوامل در شخصیت آینده فرزند نقشی تعیین کننده خواهند داشت.

۳-۱-۲- انتخاب همسر مناسب و هم شأن

زن و مرد، دو رکن اصلی کانون مقدس خانواده اند که بنیان و ساختار خانواده بر آن ها استوار می شود. برای داشتن فرزند صالح، انتخاب همسر شایسته و نیکو از اهمیت بسزایی برخوردار است. قرآن کریم در آیاتی که مردان و زنان پاک را از آن یکدیگر، و مردان و زنان مشرک و ناپاک را نیز هم سنخ و در کنار هم می داند، به این موضوع اشاره دارد. این هم نشینی و همراهی مردان و زنان پاک، و در مقابل، باهم بودن مردان و زنان ناپاک، نشان دهنده قطعی و مسلم بودن اصل تناسب و لزوم رعایت این تناسب هاست. همین تأثیر والدین بر کودکان، مهم ترین دلیلی است بر توجه به توصیه های اسلام برای پیش از ازدواج و انتخاب همسر شایسته. وقتی قرآن توصیه می کند با هم سنخ و هم شأن خود ازدواج کنید، دلیل آن تأثیر ژرف والدین بر تربیت فرزندان است. کودکی که در خانواده ای پرورش می یابد که پدر و مادر هر دو برای ارزش ها اهمیت قائل اند و به آن ها پایبندند، دارای شخصیتی سالم و متعادل خواهد شد. اما اگر

والدین به ارزش‌ها بی‌توجه باشند، یا میان باورها و ارزش‌های پدر و مادر دوگانگی و تعارض وجود داشته باشد، این ناسازگاری به درون و رفتار کودک نیز منتقل می‌شود و او را در انتخاب مسیر زندگی دچار سردرگمی می‌کند؛ به گونه‌ای که ممکن است انتخاب او پایان مطلوبی نداشته باشد. در اینجا باید نکته‌ای را یادآور شد: پابندی خانواده به ارزش‌ها، تنها یک عامل تربیتی نیست؛ بلکه بستر ساز تربیت درست فرزندان است؛ زیرا عوامل متعدد دیگری - مانند دوست و همشین - نیز بر شکل‌گیری شخصیت آن‌ها اثرگذارند. از این رو، والدین باید در روابط اجتماعی فرزندان خود دقت و توجه فراوان داشته باشند. این موضوع با توجه به داستان فرزند حضرت نوح (علیه السلام) اهمیت بیشتری می‌یابد؛ فرزندى که با وجود پرورش در دامن پیامبری بزرگ همچون نوح، به سبب همشینی با افراد ناصالح گمراه شد و سرانجام به نابودی کشیده شد. قرآن نیز در آیاتی به نقش اثرگذار همشین اشاره می‌کند؛ از جمله: «لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ»؛ «افراد باایمان نباید به جای مؤمنان، کافران را دوست و سرپرست خود انتخاب کنند، و هر کس چنین کند، هیچ رابطه‌ای با خدا ندارد» (آل عمران: ۲۸).

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى أَوْلِيَاءَ»؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، یهود و نصارا را دوستان خود مگیرید» (مائده: ۵۱).

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِنْ دُونِكُمْ»؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از غیر خودتان، (دوست و) همراز مگیرید» (آل عمران: ۱۱۸). نقش مؤثر دوست و همشین در شکل‌گیری شخصیت انسان، قابل انکار نیست. همان گونه که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید: «انسان بر دین دوستش است.» (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۲۰۷).

از این رو، با در نظر گرفتن تأثیر محیط بر پرورش و نهاده‌سازی ارزش‌ها، یکی از اصلی‌ترین مسئولیت‌های والدین، افزون بر پابندی عملی به ارزش‌ها و نظارت بر پیوندهای اجتماعی فرزندان، فراخواندن و تشویق آنان به رعایت و برپا داشتن این اصول است.

امام سجاد (علیه السلام) نیز برای داشتن فرزندانی صالح این گونه دعا می‌کنند: «خدایا! بر من منت گذار و فرزندانم را نگه داری کن و آنان را برای من شایسته گردان و آنان را نیکوکاران پرهیزگار، صاحبان بینش و پندپذیران سربه راه خود قرار ده.» (صحیفه سجادیه، ۱۳۸۶، دعای بیست و پنجم).

۳-۲- بعد از ازدواج

۳-۲-۱- پیش از تولد

۳-۲-۱-۱- تقویت خودسازی و تزکیه بیشتر خود

همان گونه که پیش از وصلت بر اصلاح و بازنگری فردی تأکید می‌شود، این روند تزکیه و خودسازی باید پس از تشکیل خانواده و در دوران پیش از فرزندآوری نیز استمرار یابد؛ چرا که در این مقطع، مسئولیت زوجین سنگین‌تر شده و آنان بایستی خود را برای پذیرش رسالت پرورش و تربیت انسانی دیگر آماده سازند. بدیهی است که این تلاش برای خودسازی، با توجه به مؤلفه‌هایی که پیش‌تر به آن‌ها اشاره شد، اثربخشی و کارایی عمیق‌تری خواهد داشت.

۳-۲-۱-۲- دعا برای داشتن فرزند صالح

اما کار زن و شوهر در این مرحله تمام نمی‌شود، بلکه آن‌ها باید، علاوه بر تزکیه و تقویت ایمان خود، از توفیقات الهی، برای داشتن فرزند نیکو مدد گیرند؛ چراکه همه توفیقات و نیکی‌ها به دست خداست. آن‌ها علاوه بر تلاش و کوشش در زمینه سازی صحیح و ارزشی برای تولد

فرزند، باید از خداوند متعال هم کمک بگیرند تا او را از خطرات و وسوسه ها مصون دارد. دعا در اینجا نقش مؤثری دارد. آیات فراوانی از قرآن، دعای والدینی را ذکر می کند که داشتن فرزند صالح را از خداوند متعال خواستارند.

برای مثال، می توان به آیات زیر رجوع کرد:

«وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي»؛ «و فرزندان مرا صالح کن» (احقاف: ۱۵).

«رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَ تَقَبَّلْ دُعَاء»؛ «پروردگارا! مرا برپاکنده نماز

قرار ده و از فرزندان من نیز چنین کن. پروردگارا! دعای (ما را) بپذیر» (ابراهیم: ۴۰).

«رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ»؛ «پروردگارا! ما را تسلیم (فرمان)

خود قرار ده و از نسل ما امتی که تسلیم تو باشند قرار ده» (بقره: ۱۲۸).

۳-۲-۱-۳- تغذیه حلال

تغذیه از جمله موضوعات اساسی در رشد و تکامل جسمی و روانی انسان به شمار می آید. در دیدگاه های طب کل نگر، غذا به عنوان بخشی از اکوسیستم جهان تلقی می شود و از تأثیر محیط اطراف، حرکت افلاک و صور فلکی بر گیاهان و حیوانات - که دو منبع اصلی تأمین خوراک انسان هستند - سخن به میان می آید (یوسفی و شیرافکن، ۱۳۹۳، ص ۲۵). در تعالیم دینی نیز تغذیه جایگاهی بسیار والا دارد و از مهم ترین عوامل سلامت دانسته شده است که نقش چشمگیری در فرایند رشد روحی و جسمی انسان ایفا می کند. از همین رو، نوع و کیفیت خوراک در اسلام مورد توجه ویژه قرار گرفته و آیات و احکام فراوانی در قرآن کریم درباره آن بیان شده است. تغذیه در تکوین شخصیت کودکان نیز مؤثر است. اگر نطفه ی جنین از مال حرام منعقد شود، یا مادر در زمان بارداری از مال حرام تغذیه کند زمینه ی «شقاوت» در نهاد

فرزند هموار می شود. داشتن فرزند صالح و نسل پاک سعادت بزرگی است که رسیدن به آن مقدماتی می خواهد. این طور نیست که مادر باردار هر غذایی را که دلش خواست بخورد. بدون این که بداند از چه راهی تهیه شده است. البته همه این مسئولیت ها به گردن مادر باردار نیست بلکه پدر خانواده هم باید حواسش باشد که چه نانی به سفره خانواده می آورد.

۳-۳- رفتار والدین به عنوان الگو

پس از تولد فرزند، نقش والدین سنگین تر و تأثیرگذارتر می شود؛ زیرا کودک رفتار و گفتار پدر و مادر را الگوی خود قرار می دهد، ارزش ها را در عمل آنان مشاهده می کند و از همان ها سرمشقی برای زندگی می گیرد. کودک از آغاز دارای استعداد فطری و آمادگی طبیعی فراوانی برای آموختن و پذیرفتن تربیت است و والدین نخستین الگوهای رفتاری او به شمار می آیند. اسلام نیز بر ضرورت شایستگی الگوها تأکید کرده و هم در قرآن و هم در روایات، از نقش الگو بودن پدر و مادر سخن گفته است. قرآن کریم در این زمینه می فرماید: «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ»؛ «و کسانی که ایمان آورده اند و فرزندان شان به پیروی از آنان ایمان اختیار کردند، فرزندان شان را (در بهشت) به آنان ملحق می کنیم» (طور: ۲۱).

احمدی در تایید این مطلب به سخن امام کاظم (علیه السلام) اشاره می کند که می فرمایند: «رفتار کودکان در اثر خوبی های رفتار والدین آنها حفظ و نگهداری می شود» (احمدی، ۱۳۸۰، ص ۷۴).

نیز امام سجاد (علیه السلام) خطاب به والدین می فرماید: «حق فرزندت بر تو این است که بدانی او از توس و نیک و بد این جهانش به تو بستگی دارد، و تو نسبت به تربیت درست و راهنمایی اش به سوی خدای عزوجل و یاری اش در مسیر طاعت خدا مسئولی. درباره اش چنان

کوشش نما که بدانی رفتار نیکت نسبت به پاداش، و رفتار بدت نسبت به او کیفر دارد.» (حاج شریفی خوانساری، ۱۳۸۶، ص ۹).

این پیروی از والدین، تنها شامل اهل ایمان نمی‌شود، بلکه در آیاتی از قرآن نیز آمده است که اهل کفر و بت پرستان نیز برای توجیه بت پرستی خود، پیروی از پدران را ذکر می‌کردند: «وَإِذْ قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَى مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ قَالُوا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا»؛ «و هنگامی که به آنها گفته شود: به سوی آنچه خدا نازل کرده و به سوی پیامبر بیاوید، می‌گویند: آنچه را از پدران خود یافته‌ایم، ما را بس است» (مائده: ۱۰۴).

نیز می‌فرماید: «وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانَ الشَّيْطَانُ يَدْعُوهُمْ إِلَى عَذَابِ السَّعِيرِ»؛ «و هر گاه به آنان گفته شود: آنچه را خدا نازل کرده پیروی کنید، گویند: بلکه ما آنچه را پدرانمان را بر آن یافته‌ایم پیروی خواهیم کرد. آیا اگر شیطان آنان را به عذاب فروزان فرا خواند باز هم باید از او تبعیت کنند؟» (لقمان: ۲۱). خداوند در آیه‌ای دیگر از قرآن، به روشنی، به کفو و هم‌شان بودن همسران اشاره کرده است: «الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ»؛ «زنان پلید برای مردان پلیدند، و مردان پلید برای زنان پلید. و زنان پاک برای مردان پاکند، و مردان پاک برای زنان پاک. زنان پاک لایق مردان پاکند و مردان پاک لایق زنان پاک.» (نور: ۲۶). اسلام بر دقت فراوان در امر انتخاب همسر تأکید می‌کند و علت اصلی این حساسیت، مسئله تولد و پرورش فرزندان است. همان‌گونه که بیماری‌های جسمی مانند سل و امثال آن می‌توانند از راه وراثت از مادر به کودک منتقل شوند، انحرافات روحی و اخلاقی و نیز صفات ناپسند نیز به فرزند انتقال می‌یابند (ارگانی بهبهانی حائری، ۱۳۸۶، ص ۱۹). خانواده‌ای که از همسرانی مؤمن و پاک

تشکیل شده و برای ایمان، اصالت و ارزش‌ها اهمیت قائل است، فرزندان خود را نیز بر پایه همان ارزش‌ها تربیت کرده و آنان را به جامعه تحویل می‌دهد.

نتیجه گیری

شخصیت سالم در نگاه قرآن، الگویی جامع برای همه انسان‌ها، در همه زمان‌ها و همه مکان‌هاست و به دوره یا محیط خاصی محدود نمی‌شود. سلامت و بهداشت روان افراد نیز تحت تأثیر عواملی چون وراثت، خانواده، محیط زندگی و الگوهای فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی جامعه قرار دارد که در این میان، «خانواده و شیوه تعلیم و تربیت» از اساسی‌ترین عوامل به شمار می‌آیند. قرآن کریم، به عنوان معتبرترین منبع تربیتی و هدایتی در مکتب اسلام، هم بر «محتوا» و هم بر «مربی» توجه ویژه دارد.

از منظر قرآن، محیط خانواده، بنیادی‌ترین و اثرگذارترین بستر شکل‌گیری شخصیت انسان است و والدین در این مسیر نقشی تعیین‌کننده دارند. به همین دلیل، توصیه‌های قرآن به زن و مرد، تمام مراحل زندگی آنان را دربرمی‌گیرد؛ از دوران پیش از ازدواج و اهمیت انتخاب همسری شایسته و پرهیزگار - زیرا والدین هم انتقال‌دهنده ویژگی‌های ظاهری و هم باطنی به فرزندان‌اند - تا دوران پس از ازدواج، که نیازمند تهذیب نفس، خودسازی و توجه به نقش الگویی والدین است.

بر این اساس، می‌توان گفت قرآن در مسیر دستیابی به تربیتی صحیح، داشتن خانواده‌ای سالم و در نتیجه جامعه‌ای اسلامی و پایمند به ارزش‌های راستین، بیش و پیش از هر چیز بر «خودسازی والدین» تأکید می‌کند؛ چراکه تنها خانواده‌ای می‌تواند در ترویج فضایل اخلاقی و ارزش‌های الهی تأثیرگذار باشد که خود باورمند و پای‌بند به همان ارزش‌ها باشد.

پس از آن، قرآن کریم والدین را به ایجاد محیطی سالم و پاک برای پرورش فرزندان صالح سفارش می‌کند. از این‌رو، پس از تولد فرزند، مسئولیت والدین سنگین‌تر می‌شود؛ زیرا آنان مرجع و الگویی عملی برای فرزندان خود هستند. در همین مرحله است که توصیه‌های

قرآنی شکل جدی‌تر و کاربردی‌تری به خود می‌گیرد. بدین معنا که والدین باید هم در عمل به ارزش‌ها پای‌بند باشند و هم فرزندان خود را به حفظ و احیای این ارزش‌ها ترغیب، تشویق و در صورت لزوم امر کنند. این مسئولیت نیز تنها به زمان حیات محدود نمی‌شود، بلکه حتی پس از مرگ والدین نیز در قالب وصیت‌ها و سفارش‌های مؤکد ادامه می‌یابد.

فهرست منابع

* - قرآن کریم.

* نهج البلاغه (۱۳۸۳)، ترجمه محمد دشتی، قم، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام.

* صحیفه سجادیه (۱۳۸۶)، ترجمه محمد مهدی رضایی، چ دوم، قم، جمال.

۱- اتکینسون، هلیگارد (۱۳۷۰)، **زمینه روانشناسی**، ترجمه گروهی، تهران: انتشارات رشد.

۲- احمدی، سیداحمد (۱۳۸۰)، **اصول و روش‌های تربیت در اسلام**، اصفهان: دانشگاه اصفهان.

۳- احمدی، علی‌اصغر و محمد نقی فراهانی (۱۳۸۰)، **روان‌شناسی عمومی**، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.

۴- اسدی نوقابی، احمدعلی (۱۳۸۴)، **روان-پرستاری** (بهداشت روان ۲)، تهران: بشری.

۵- بادن، پیر (۱۳۷۴)، **روان‌شناسی شخصیت**، محمود ایروانی، تهران: آفرینش.

۶- بشارتی، هانیه (۱۳۸۷)، **تعاریف شخصیت**، پژوهشکده باقرالعلوم.

۷- بناب، مهدی محی‌الدین (۱۳۷۴)، **روان‌شناسی انگیزش و هیجان**، تهران: دانا.

۸- بیگی، روح‌الله (۱۳۸۹)، **ارزش‌های اجتماعی در قرآن**، قم: اسوه.

۹- پاول هنری ماسن و همکاران (۱۳۸۶). **رشد و شخصیت کودک**، مهشید پاسایی،

تهران: نشر مرکز.

۱۰- پلاچیک، روبرت (۱۳۷۱)، **هیجان‌ها**، محمود رمضان زاده، مشهد: چاپ و انتشارات

آستان قدس رضوی.

۱۱- جان پروین و ای. لارن (۱۳۸۱)، **شخصیت (نظریه‌ها و پژوهش)**، محمدجعفر

جوادی و پروین کدیور، تهران: آئیژ.

۱۲- جونز، ارنست (۱۳۴۰)، **اصول روان‌کاوی**، هاشم رضوی، تهران: کاوه.

۱۳- حر عاملی، سید حسن (۱۴۱۴ق)، **وسائل الشیعه**، قم: انتشارات آل البيت.

۱۴- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۵)، **مفردات الفاظ القرآن**، تهران:

مرتضوی.

۱۵- شجاعی، محمدصادق (۱۳۹۱)، **انگیزش و هیجان**، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۱۶- شولتزف دوان (۱۳۸۴)، **نظریه‌های شخصیت**، یوسف کریمی و دیگران، تهران:

ارسباران.

۱۷- طباطبائی، سید محمدحسین (۱۳۷۴)، **المیزان فی تفسیر القرآن**، سید محمدباقر

موسوی همدانی، چاپ پنجم، قم: جامعه مدرسین.

۱۸- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۶۷)، **تفسیر مجمع البیان**، ترجمه محمد

بیستونی، ج ۱۴، ص ۱۹۷.

- ۱۹ عروسی حویزی، عبدالعلی (۱۳۸۳)، **نورالثقلین**، چاپخانه حکمت.

۲۰- فضایی، یوسف (۱۳۸۱)، **تعریف شخصیت و عوامل سازنده آن**، چیستا، ۱۸۰-

۱۸۱

۲۱- فیلدینگ آگبرن، ویلیام (۱۳۵۴)، **زمینه جامعه‌شناسی**، احمد حسین آریان پور،

تهران: دهخدا.

۲۲- کریمی، یوسف (۱۳۷۰)، **روانشناسی شخصیت**، تهران: دانشگاه پیام -نور.

۲۳- کینگ، ساموئل (۱۳۴۶)، **جامعه‌شناسی**، مشفق همدانی، تهران: امیر کبیر.

۲۴- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴)، **بحارالانوار**، بیروت: موسسه الوفا.

۲۵- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۷)، **تفسیر نمونه**، قم، دارالکتاب اسلامی.

۲۶- نوری، مهدی (۱۳۸۶)، **رشد و تکامل شخصیت**، کرج، دانشگاه آزاد

اسلامی.

۲۷- همت بناری، علی (۱۳۸۶)، **شخصیت و مهم‌ترین عوامل غیر**

وراثتی شکل‌گیری آن، قم: معرفت.

۲۸- وولف، دیوید (۱۳۸۶)، **روانشناسی دین**، محمد دهقان، تهران: رشد.

راهکارهای انتقال ارزش‌های دینی به کودکان از منظر روایات

فاطمه فرهادیان^۱، فاطمه حبیبی^۲

چکیده

ارزش‌های دینی اموری هستند که خداوند به واسطه جبرئیل بر پیامبر برای هدایت بشر و رشد و تعالی و سعادت نسل جدید نازل نموده است. انتقال ارزش‌های دینی به کودکان از جمله دغدغه‌های والدین دیندار به عنوان متولیان اصلی تربیت است؛ زیرا اگر افرادی در آغاز دوران کودکی از آموزه‌های دینی بی‌بهره بمانند و خانواده و مدرسه نیز نسبت به شکوفایی هویت دینی آنان بی‌توجه باشند، تصور صحیحی از هویت دینی به دست نخواهند آورد. از آنجایی که روایات برخی از راهکارهای انتقال ارزش‌های دینی به کودکان را بیان نموده‌اند، این نوشتار می‌تواند در استخراج راه کارهایی در این زمینه مؤثر باشد. از یافته‌های این پژوهش به روش توصیفی تحلیلی با مراجعه به کتابخانه‌ها این است که آشنا ساختن با علوم اهل بیت (علیهم السلام)، سیره عملی و گفتاری آنان، آموزش دادن احکام و مسائل دینی، تقویت نیروی ایمان، شرکت دادن کودک در مراسم‌های دینی، ارائه الگو و سرمشق مناسب، بیان عبرت و پندآموزی و تشویق به تفکر در پدیده‌های هستی از جمله راهکارهای مستقیم و غیرمستقیم انتقال ارزش‌های دینی به کودکان از منظر روایات است.

واژگان کلیدی: راهکار، ارزش‌های دینی، کودکان، روایات.

^۱. مدرس و پژوهشگر، ارشد روانشناسی، f.farhadyan.169@gmail.com

^۲. طلبه سطح دو حوزه علمیه اهل بیت (علیهم السلام) ملک شهر، f.habibi@gmail.com

مقدمه

ارزش‌های دینی به آن دسته از ارزش‌ها اطلاق می‌شود که اکثر انسان‌ها یا افراد یک جامعه آن‌ها را مثبت و مطلوب می‌دانند، مانند شجاعت، صداقت، کمک به دیگران، حمایت از افراد مظلوم، احترام به بزرگ‌ترها و دفاع از وطن. انسان به منظور دستیابی به کمال و نزدیکی به حق آفریده شده و خداوند نیز پیامبران و اولیای الهی را با برنامه‌ای جامع برای سعادت بشری به میان مردم فرستاده است تا با پیروی از این بزرگواران، به سعادت واقعی دست یابند. در این راستا، هویت دینی پدیده‌ای است که به تدریج و با عمل به آموزه‌های وحیانی شکل می‌گیرد.

بحران هویت که امروزه انسان‌های غربی را درگیر کرده، نتیجه نگرش مادی‌گرایانه به زندگی و بی‌توجهی به وحی و دین است. نسل جوان به‌ویژه بیشتر از سایرین با این بحران مواجه شده است و با بررسی و تحلیل عواملی که به آسیب‌های هویتی در این نسل منجر می‌شوند، می‌توان به این نتیجه رسید که دوری کودکان از ارزش‌های دینی در دوران کودکی و نوجوانی، به بی‌هویتی آنان کمک می‌کند. بدون شک، اگر افراد در آغاز دوران کودکی و همچنین در هفت سال دوم زندگی خود از ارزش‌های دینی محروم بمانند و خانواده و مدرسه نیز نسبت به پرورش آن‌ها بی‌توجه باشند، نمی‌توانند درک درستی از ارزش‌های دینی مانند شجاعت، صداقت، کمک به دیگران، حمایت از مظلوم و احترام به بزرگ‌ترها پیدا کنند. بنابراین، در این نوشتار با توجه به اهمیت انتقال ارزش‌های دینی به کودکان، به بررسی راهکارهای این انتقال در کلام ارزشمند ائمه اطهار، شامل راهکارهای مستقیم و غیرمستقیم پرداخته می‌شود. در این مقاله تلاش شده است از روش توصیفی تحلیلی و منابع کتابخانه‌ای استفاده گردد.

از پیشینه این موضوع می‌توان گفت که کتب و مقاله‌های زیادی در زمینه ارزش‌های دینی و کودکان به رشته تحریر درآمده است از جمله: کتاب «آشنایی با طرح نهادینه سازی ارزش‌ها» اثر رضا فرهادیان؛ این اثر در سه فصل «درآمدی بر چیستی و ماهیت ارزش‌ها»؛ «شیوه اجرایی طرح در دبستان» و «نهادینه‌سازی ارزش‌ها در دبیرستان» تهیه و تدوین شده است. همچنین کتاب «دوران طلایی تربیت» از محمد علی قاسمی. در این کتاب به بعضی از شیوه‌های غیرمستقیم مثل داستان، شعر، فضا سازی، بهره گیری از بازی و نکته‌هایی برای تثبیت ارزش‌های دینی اشاره شده است. این دو کتاب از نظر موضوع و روش‌شناسی، با مقاله حاضر همپوشانی ندارد.

فرامرزی (۱۴۰۲) در مقاله «اهمیت انتقال اصول و ارزش‌های دینی به کودکان و نوجوانان به اهمیت انتقال اصول و ارزش‌های دینی به کودکان و نوجوانان اشاره نموده است اما به راهکارهای انتقال ارزش‌های دینی به کودکان از منظر روایات نپرداخته است.

شریعتی و گویا (۱۳۹۵) در مقاله «بررسی مفهوم ارزش‌های دینی و اخلاقی از دیدگاه اسلام و فلسفه»، سعی کرده‌اند ارزش‌های دینی و اخلاقی از منظر اسلام و فلاسفه به صورت مفهوم را تحلیل کنند؛ چرا که هدف ادیان این است تا جامعه انسانی را انسانی تر و اخلاقی تر کنند و به تبع در اکثر ادیان، به ویژه دین مبین اسلام، ارزش‌های اخلاقی با دین سازگاری و وفاق دارند.

مقدسی پور (۱۳۸۱) در پایان نامه «اصول و روش‌های آموزش مفاهیم دینی به کودکان دبستانی» به اصول و روش‌های آموزش مفاهیم دینی در کودکان دبستانی اشاره کرده است.

در این آثار نیز به طور شاخص به ارزش‌ها و راه‌های انتقال آن با ساختار متناسب بررسی نشده است. از این رو این مقاله با هدف شناسایی راهکارهای عملی برای انتقال ارزش‌های دینی به کودکان از منظر روایات تدوین شده است. با توجه به کتاب و نوشته‌های نویسندگان می‌توان

بیان کرد که به راهکارهای انتقال ارزش‌های دینی به کودکان از منظر روایات اشاره نشده، بنابراین نویسنده را بر آن داشت که به این تحقیق بپردازد.

مفهوم‌شناسی

۱- راهکار

راه در لغت به معنای روش، شیوه، طریقه (دهخدا، ۱۳۷۳؛ معین، ۱۳۸۶) و در اصطلاح، واژه “راهکار” به مجموعه‌ای از روش‌ها و شیوه‌هایی اطلاق می‌شود که فرد را در کشف ناشناخته‌ها یاری می‌کند. این اصطلاح شامل قواعدی است که در هنگام تحقیق و پژوهش مورد استفاده قرار می‌گیرند و همچنین ابزارها و فنون مختلفی که انسان را از اطلاعات ناآشنا به دانش و آگاهی هدایت می‌کنند، را در بر می‌گیرد (ساروخانی، ۱۳۷۵، ص ۵۴۰).

۲- ارزش‌های دینی

ارزش‌های دینی آن‌اموری هستند که مطلوب خداوند به عنوان نازل‌کننده و فرستنده دین برای هدایت بشر به سر منزل مقصود می‌باشد (فتوحی و موسوی نسب، ۱۳۹۴، ص ۷۰۱).

۳- انتقال ارزش‌ها

منظور از انتقال ارزش‌ها، ارزش‌هایی است که نسل‌های گذشته به آن‌ها پایبند بودند و اکنون باید این ارزش‌ها به منظور رشد، پیشرفت و سعادت نسل جدید منتقل شوند. در این راستا، نهادهای مختلفی از جمله والدین، خانواده، صدا و سیما، وزارت ارشاد اسلامی، حوزه‌های علمیه، همسالان و آموزش و پرورش مسئول حفظ و انتقال این ارزش‌ها هستند. تمام این نهادها مسئولیت انتقال این ارزش‌ها را بر عهده دارند. فرآیند انتقال ارزش‌ها شامل نقش مؤثر والدین، خانواده و نهادهای فرهنگی در آموزش و نهادهای‌سازی ارزش‌های دینی در نسل جدید می‌باشد.

۴- کودک

فرزند انسان از زمان تولد تا بلوغ، کودک یا «صغیر» نامیده می‌شود که معادل آن در زبان عربی «طفل» است (ابن منظور، ۱۴۰۸ق، ج ۱۱، ص ۱۰۴) در مصباح المنیر آمده است: «فرزند صغیر انسان را کودک (طفل) نامند. این لفظ بر فرزند مذکر (پسر) و مؤنث (دختر) و نیز جمع آن‌ها (فرزندان) اطلاق می‌گردد و تا زمانی که به سن تمیز نرسیده است، او را طفل صغیر می‌نامند.» (فیومی، ۱۴۲۸ق، ص ۳۷۴). به نظر می‌رسد این تعریف برای مفهوم کودک مناسب‌تر باشد؛ کودک به فرزند انسان از تولد تا بلوغ اطلاق می‌شود. در این دوران، کودک بیشترین ظرفیت را برای پذیرش آموزه‌های تربیتی و دینی دارد.

راهکارهای انتقال ارزش‌های دینی به کودکان از منظر روایات

با مراجعه به روایات راهکارهای انتقال ارزش‌های دینی به کودکان به دو قسم مستقیم و غیرمستقیم تقسیم می‌شود.

راهکارهای مستقیم انتقال ارزش‌های دینی به کودکان از منظر روایات

از جمله روش‌های مستقیم برای انتقال ارزش‌های دینی به کودکان، بر اساس روایات، می‌توان به آشنا کردن آن‌ها با علوم اهل بیت (علیهم السلام)، معرفی سیره عملی و گفتاری ایشان، آموزش احکام و مسائل دینی، تقویت ایمان و شرکت دادن کودکان در مراسم دینی اشاره کرد.

۱-۱- آشنا ساختن با علوم اهل بیت (علیهم السلام)، سیره عملی و گفتاری

آنان

اهل بیت (علیهم السلام) انسان‌های کامل و برگزیده‌ای هستند که از سوی خدا به عنوان الگوهای عملی و گفتاری برای هدایت بشر انتخاب شده‌اند. سخنان، رفتار و ویژگی‌های آنان

تجلی گر زندگی پاک انسانی و نمایانگر تمامی ارزش های الهی است. بنابراین، آشنایی کامل با علوم اهل بیت (علیهم السلام) و سیره عملی و گفتاری آن ها برای انتقال ارزش های دینی ضروری و حائز اهمیت است.

یکی از روش های مؤثر در انتقال ارزش های دینی از طریق سیره عملی و گفتاری اهل بیت (علیهم السلام)، بیان فضایل آن هاست. زیرا تبیین فضایل، معجزات، اخلاق و ویژگی های برجسته زندگی اهل بیت (علیهم السلام) به زبان ساده و قابل فهم برای کودکان، تأثیر بسزایی در افزایش علاقه و محبت آن ها به اهل بیت (علیهم السلام) دارد (احسانی، ۱۳۸۵، ص ۲۵).

در فرآیند آشنا کردن کودکان با اهل بیت (علیهم السلام)، همان طور که در سیره معصومان (علیهم السلام) مشاهده می شود، مناسب است که ویژگی های فردی، خانوادگی و محیطی آن ها و همچنین توضیحی کوتاه از زندگی شان به کودکان ارائه شود. به عنوان مثال، باید به کودکان توضیح داده شود که محل زندگی و وطن اصلی ائمه اطهار (علیهم السلام) شهر مدینه بوده است که محل زندگی رسول خدا نیز می باشد و مسلمانان چگونگی استقرار نسبت به آن احساس محبت و علاقه دارند. همچنین، ارائه توصیف ساده ای از شهر مدینه و مسلمانان در آن مفید خواهد بود. ارائه این اطلاعات به کودکان، به خصوص با تأکید بر اینکه اهل بیت (علیهم السلام) همگی فرزندان و اعضای خانواده پیامبر اسلام هستند، به آن ها کمک می کند تا بهتر با ائمه آشنا شوند و این آشنایی در ذهن شان تثبیت گردد.

به عنوان نمونه، روش آشنا سازی و معرفی با تأکید بر ویژگی های شخصیتی و خانوادگی در سیره ائمه اطهار (علیهم السلام) دیده می شود. به عنوان مثال، امام حسین (علیه السلام) در روز عاشورا به لشکر عمر سعد خود را این گونه معرفی کرد و فرمود: «آیا من فرزند دختر پیامبر شما و فرزند وصی او نیستم؟ آیا حمزه سید شهدا عموی پدرم و جعفر طیار ذوالجناحین عموی من

نیستند؟ به خدا سوگند، از مشرق تا مغرب، غیر از من کسی فرزند دختر پیامبر اسلام نیست و تنها من فرزند دختر پیامبر شما هستم».

همچنین، امام سجاد (علیه‌السلام) در مجلس یزید، در سخنرانی و خطبه‌ای که به درخواست اهل مجلس ایراد کرد، به معرفی خود و اهل بیت پدرش پرداخت.

۱-۲- آموزش دادن احکام و مسائل دینی

یکی از روش‌های انتقال ارزش‌های دینی به کودکان، امر و نهی‌های والدین و دیگر افراد است که به نوعی به آموزش دینی آن‌ها کمک می‌کند. کودک معمولاً کارهایی را که والدین از او می‌خواهند، درست تلقی کرده و به آن‌ها عمل می‌کند. اگر آموزش‌های والدین در زمینه احکام و معارف دینی به‌طور صحیح و آگاهانه ارائه شود، بسیاری از مشکلات دینی کودک برطرف خواهد شد. بنابراین، ضروری است که والدین ابتدا با احکام و مسائل دینی به‌طور کامل آشنا شوند و سپس آن‌ها را به درستی به فرزندان خود آموزش دهند. متأسفانه، بسیاری از والدین به دلیل غفلت یا عدم آشنایی کافی با مسائل دینی، مطالب نادرستی را به فرزندان خود آموزش می‌دهند که با احکام دینی در تضاد است. این آموزش‌های نادرست در محیط خانه می‌تواند منجر به برداشت‌های غلط فرزند از دین شود و عواقب ناخوشایندی، مانند انحراف فکری، به دنبال داشته باشد. در این زمینه، مسئولیت گناه و پیامدهای ناشی از این آموزش‌های نادرست برعهده والدین است و آن‌ها در آخرت مورد بازخواست قرار خواهند گرفت. از این رو، به والدین توصیه شده است که در این زمینه غفلت نکنند و پیش از آموزش دستورات دینی به فرزندان، خود نیز با معارف دینی آشنا شوند و آنچه را که رهبران دین در این خصوص بیان کرده‌اند، بیاموزند و سپس به فرزندان‌شان منتقل کنند (احسانی، ۱۳۸۵).

برای آموزش احکام دینی به کودکان، استفاده از داستان و بازی به عنوان یک روش مناسب تر در نظر گرفته می شود. در این شیوه، آموزش به طور مستقیم انجام نمی شود، اما کودکان با شنیدن داستان و مراحل انجام عمل مربوطه، با اصول و شیوه های آن آشنا می شوند. به عنوان مثال، می توانید در داستانی که برای کودک تعریف می کنید، شخصیتی را به عنوان روزه دار معرفی کنید و توضیح دهید که او به عنوان یک روزه دار چه کارهایی را انجام نمی دهد و دلیل روزه داری اش چیست.

همچنین می توانیم با نشان دادن مثال ها در زندگی روزمره به کودکان آموزش دهیم. به عنوان مثال، می توان نماز را در خانه به عنوان یک نمونه عملی به نمایش گذاشت یا آن را به بخشی از بازی های کودکانه مانند "خاله بازی" تبدیل کرد.

از طرف دیگر، باید به کودک اجازه داده شود تا سوالاتش را بپرسد و به آن ها پاسخ داده شود. این امر به درک عمیق تر او از مسائل دینی کمک خواهد کرد. زمانی که کودک خود سوالی درباره احکام مطرح می کند، بهترین زمان برای آموزش فراهم می شود و اگر این فرصت از دست برود، ممکن است دیگر اشتیاقی به شنیدن نداشته باشد.

علاوه بر این، می توان با طرح سوالاتی آن ها را به چالش کشید و درباره شیوه های اجرای عبادات و احکام حلال و حرام پرسش هایی مطرح کرد و پاسخ هایشان را اصلاح نمود. البته این کار باید در فواصل زمانی متفاوت و هر بار با یک یا دو سوال انجام شود تا شوق کودک به پاسخگویی حفظ گردد.

بنابراین، می توان گفت که یکی از مهم ترین و اساسی ترین راهکارهای انتقال ارزش های دینی به کودکان، آشنایی کامل با احکام و مسائل دینی است که این امر باعث استحکام پایه های دینی فرد خواهد شد.

۱-۳- تقویت نیروی ایمان

تقویت ایمان و باورهای مذهبی در کودکان نقش مهمی در جلوگیری از اشتباهات و لغزش‌های آن‌ها و اصلاح رفتارشان دارد. این حقیقتی غیرقابل انکار است و از زمان‌های گذشته در میان خانواده‌ها به‌عنوان یک اصل پذیرفته شده شناخته می‌شود. تاریخ و تجربیات نشان می‌دهد که افرادی که از اعتقادات مذهبی عمیق برخوردارند و به اصول و ارزش‌های آن‌ها پایبند هستند، معمولاً افرادی نیکوکار و دور از خطاها و مفسدات اجتماعی و انحرافات اخلاقی به شمار می‌آیند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که افرادی که ایمان عمیقی دارند و خود را در حضور خداوند احساس می‌کنند و به پیام‌های آسمانی توجه می‌کنند، کمتر در معرض آلودگی‌ها و اشتباهات قرار می‌گیرند. به همین جهت امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«بَادِرُوا أَوْلَادَكُمْ بِالْحَدِيثِ قَبْلَ أَنْ يَسْبِقَكُمْ إِلَيْهِمُ الْمُرْجَةُ»؛ «نوجوانان خود را با احادیث و معارف ما آشنا کنید قبل از اینکه گروه‌های منحرف بر شما پیشی گیرند و آنان را به انحراف بکشانند» (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۹۶). امام مجتبی (علیه السلام) نیز در مورد تأثیر آیات قرآن فرمود:

«در این قرآن چراغ‌های هدایت و شفای سینه‌هاست برای هر عارف صاحب بصیرتی شایسته است که در پرتو نور آن به قلب خویش جلا دهد و هر نکته سنجی را رواست که دل خویش را به توسط قرآن مهار کند و تفکر در آن حیات بخش قلب‌هاست و کسانی که به دنبال آن می‌روند، مانند کسانی هستند که در تاریکی‌ها به سراغ نور می‌روند.» (مجلسی، ۱۴۰۴،

۱-۴- شرکت دادن کودک در مراسم‌های دینی

شرکت دادن کودکان در مراسم مذهبی برای آشنایی آن‌ها با ارزش‌های اسلامی ضروری است؛ چرا که کودک با چشمان خود شاهد حضور مردم در مکان‌های دینی می‌شود و نحوه ابراز احساسات نسبت به بزرگان دین را یاد می‌گیرد. به ویژه، مشارکت کودک در نماز جماعت و بردن او به مسجد نقش مهمی در انتقال ارزش‌های دینی به او دارد؛ زیرا مسجد در اسلام جایگاه ویژه‌ای دارد و نماد دین به شمار می‌آید. هر جا که مسجدی باشد، نشان‌دهنده وجود مسلمانان در آن منطقه است. مسجد علاوه بر اینکه محل تجمع مسلمانان و مکانی برای وعظ و تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی است، ارزش معنوی نیز دارد و همواره مورد احترام مردم بوده است. در اسلام، مسجد آداب خاصی دارد که مردان و زنان مسلمان باید به آن‌ها پایبند باشند. به طور کلی، هر گونه بی‌احترامی به مسجد جایز نیست و نباید در آنجا انجام شود (پاک‌نیا، ۱۳۹۲، ص ۳۱).

یکی از کاربردهای مهم مسجد که بر سایر کاربردهای آن غالب است، نقش عبادی آن است. صدای اذان که از بلندگوی مسجد به گوش می‌رسد، نشانه‌ای از فرارسیدن وقت نماز است و مؤمنان با شنیدن اذان به سمت مسجد می‌روند. حضور زنان و مردان، بزرگسالان و کودکان، و حتی شاهان و فقرا در مساجد، صحنه‌های زیبا و دلنشینی را به وجود می‌آورد که برای هر انسان مؤمن و خداجو لذت‌بخش است. همراه بردن کودکان به مسجد و شرکت دادن آن‌ها در نماز جماعت، نه تنها این صحنه‌ها را جذاب‌تر می‌کند بلکه تصویر این مناظر را در ذهن آن‌ها زنده نگه می‌دارد و آن‌ها را به برگزاری برنامه‌های دینی، به ویژه نماز جمعه و جماعت، تشویق می‌کند.

جریان مباحثه یکی از داستان‌های زیبا و جذاب قرآنی و تاریخی است که در زمان حیات رسول خدا (صلی الله علیه وآله و سلم) اتفاق افتاد و تأثیر زیادی بر نصاری بنی‌نجران گذاشت. فاطمه زهرا (سلام الله علیها) به عنوان دختر پیامبر (صلی الله علیه وآله و سلم) در این واقعه مهم به همراه فرزندان خردسالش، حسن (علیه السلام) و حسین (علیه السلام)، در کنار پدر و شوهر بزرگوارش شرکت کرد (آل عمران: آیه ۶۱). این حضور باعث شد که هیأت بنی‌نجران از تصمیم خود منصرف شوند و به صلح با رسول الله (صلی الله علیه وآله و سلم) تن دهند. وقتی اسقف نجران پیامبر (صلی الله علیه وآله و سلم) و همراهانش را دید، ترسی عجیب در دلش ایجاد شد و گفت: «چهره‌هایی را می‌بینم که اگر از خدا بخواهند تا کوه‌ها از جا کنده شوند، این کار انجام می‌شود.» او به یارانش گفت که اگر با این گروه مباحثه کنند، نسل یهود برای همیشه از روی زمین برچیده خواهد شد. به همین دلیل، در همان مکان، مسجدی به نام مسجد مباحثه ساخته شد که امروزه محل تجمع مسلمانان است. (پاک نیا، ۱۳۹۲، ص ۳۱). این واقعه نشان می‌دهد که حضور کودکان در مسجد می‌تواند آن‌ها را با مناسک و ارزش‌های دینی آشنا کرده و به آن‌ها انس ببخشد.

۲- راهکارهای غیرمستقیم انتقال ارزش‌های دینی به کودکان از منظر

روایات

نتایج بهره‌برداری از راهکارهای غیرمستقیم به مراتب بهتر از راهکارهای مستقیم است، زیرا در روش‌های مستقیم، تذکرات مکرر و متوالی ممکن است منجر به لجابت و واکنش منفی کودک شود و بیان ایرادات و نصایح احساسات او را جریحه‌دار کند.

۲-۱- ارائه الگو و سرمشق مناسب

یکی از شیوه‌های غیرمستقیم برای انتقال ارزش‌های دینی به کودکان، استفاده از الگوهاست که می‌توان آن را «روش الگویی» نامید. این روش در تمام جنبه‌های زندگی کاربرد دارد و به دلیل ارائه محتوای تربیتی به شکل عینی و عملی، در انتقال مفاهیم و آموزش برنامه‌های تربیتی بسیار مؤثر است. به همین دلیل، در متون اسلامی بر اهمیت استفاده از الگو و پیروی از شخصیت‌های نیکو تأکید شده است (قائمی مقدم، ۱۳۸۶، ص ۲۲).

از دیدگاه ائمه اطهار (علیهم السلام)، هنگامی که کودک به دنیا می‌آید، دارای استعداد فطری و آمادگی ذاتی برای یادگیری و تربیت است. بنابراین، لازم است که یک الگوی تربیتی مناسب برای او فراهم شود تا از طریق مشاهده رفتار این الگوها، به ویژه والدین، الگوبرداری کند و از آن‌ها پیروی نماید. در صورتی که چنین الگویی در دسترس فرزند نباشد، قطعاً تربیت او با انحراف مواجه خواهد شد.

امام هادی (علیه السلام) در مرحله اول، قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) را به عنوان بالاترین الگوی تربیتی معرفی می‌کند و چنین می‌فرماید:

«نخستین خبری که حقانیت و صدق آن از قرآن به دست می‌آید و می‌توان کتاب خدا را بر آن گواه گرفت، حدیثی است که بر طبق کتاب خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) نقل شده است و اختلاف کلمه‌ای در آن نیست که فرمود: من در میان شما دو چیز گران بها می‌گذارم: کتاب خدا و عترتم یعنی اهل بیت را که هر گاه به آن تمسک جوید، گمراه نمی‌شوید و این دو هیچ گاه از هم جدا نشوند تا کنار حوض کوثر بر من وارد شوند، و ما چون شواهد صدق این حدیث را به صراحت در قرآن می‌یابیم که می‌فرماید: ولی و صاحب اختیار شما تنها خدا و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آوردند؛ همان کسانی که نماز را به پا می‌دارند و زکات

را در حال رکوع می‌پردازند و هر کس خدا و پیامبر او و کسانی را که به او ایمان آوردند (اهل بیت (علیهم السلام) را ولی خود بگیرد، پیروز است؛ زیرا حزب خدا پیروز و سعادتمند است.» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۰)

امام هادی (علیه السلام) در زیارت جامعه کبیره، ائمه معصوم (علیهم السلام) را به عنوان بهترین سرمشق‌های انسان‌های هدایت‌جو می‌داند و چنین می‌فرماید:

«سلام بر پیشوایان هدایت و چراغ‌های ظلمت و نشانه‌های پرهیزکاری و صاحبان خرد و دارندگان عقل و پناه مردم و وارثان انبیا و نمونه و سرمشق برتر و دعوت‌کنندگان نیکو و محبت‌های خدا بر اهل دنیا و آخرت و سرای نخستین.» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۰) بنابراین باید از شیوه‌های اجرایی در انتقال این ارزشها در روایات الگو گرفت.

۲-۲- بیان عبرت و پندآموزی

یکی از موثرترین شیوه‌های غیرمستقیم برای انتقال ارزش‌های دینی به کودکان، که در روایات و رفتارهای پیشوایان دینی ذکر شده، روش عبرت است. عبرت حالتی است که ناشی از مواجهه با موضوعات ظاهری و قابل مشاهده برای انسان ایجاد می‌شود و به درک باطنی و غیرمشهود منجر می‌گردد (قائمی مقدم، ۱۳۸۶، ص ۲۲).

امیرالمؤمنین (علیه السلام) در تربیت فرزند خود از همین روش استفاده کرده و در نامه‌ای به امام حسن (علیه السلام) می‌فرماید:

«... يَا بُنَيَّ إِنِّي قَدْ أَنْبَأْتُكَ عَنِ الدُّنْيَا وَحَالِهَا، وَزَوَالِهَا وَانْتِقَالِهَا، وَأَنْبَأْتُكَ عَنِ الْآخِرَةِ وَ مَا أُعِدَّ لِأَهْلِهَا فِيهَا، وَضَرَبْتُ لَكَ فِيهِمَا الْأَمْثَالَ، لَتَعْتَبِرَ بِهَا وَتَحْذُو عَلَيْهِا؛ «پسر عزیزم! من تو را از دنیا و تحولات گوناگونش و نابودی و دست به دست گردیدنش آگاه کردم و از آخرت و آنچه

برای انسان‌ها در آنجا فراهم است اطلاع دادم و برای تو از هر دو مثال زدم تا به آن پندپذیری و براساس آن در زندگی گام برداری.» (نهج البلاغه، نامه ۳۱).

در این متن، حضرت اشاره می‌کنند که من اخبار را برای تو نقل کردم، نشانه‌ها را توضیح دادم و مسیر را به تو نشان دادم و اکنون بر عهده توست که پند بگیری و زندگی‌ات را بر اساس آن پیش ببری. بنابراین، عبرت‌آموزی به عنوان یک شیوه تربیتی دیگر مطرح می‌شود (قائمی مقدم، ۱۳۸۶، ص ۲۲).

اصل کلیدی که بر این روش حاکم است، تفکر و تعقل است. زیرا بدون این اصل، شنیدن وقایع تاریخی و مشاهده آثار گذشتگان، هیچ معنا و محتوایی نخواهد داشت و تنها به شکل آثار بی‌روحي خواهد بود که بدون هدف از کنار انسان می‌گذرد، بی‌آنکه اندیشه‌ای را در ذهن ایجاد کند. اگر این احساس ظاهری با تأمل و تفکر درونی همراه شود، به اعتبار و بینش منجر خواهد شد و مصداق کلام علی (علیه السلام) خواهد بود که می‌فرماید: «تَفَكُّرُكَ يُفِيدُكَ الْأَسْتَبْصَارَ وَيَكْسِبُكَ الْأَعْيَارَ»؛ «فکر کردن به تو، بینایی و عبرت گرفتن می‌بخشد» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۳، ص ۳۱۶).

بنابراین، در سایه تفکر و اندیشه، محسوسات معنا پیدا می‌کنند و حالتی در انسان به وجود می‌آید که او را قادر می‌سازد از ظواهر عبور کند و به معانی عمیق و کشف حقیقت برسد و در واقع به نوعی بصیرت دست یابد. این بصیرت، ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها را برای او مشخص می‌کند و به عنوان راهنمای عمل و رفتار او عمل می‌کند (قائمی مقدم، ۱۳۸۶، ص ۲۲).

تأکید مکرر قرآن و روایات بر سیر و سفر و مطالعه سرگذشت اقوام و ملل و عبرت گرفتن از آن‌ها به دلیل آثار تربیتی متعددی است که این موضوع به دنبال دارد. به عنوان مثال، یکی از مهم‌ترین اهداف تربیت این است که انسان به سطحی از درک و بصیرت برسد که بتواند از

ظواهر امور فراتر رود و به باطن آن‌ها نگاه کند. او باید از محسوسات بگذرد و به معقولات دست یابد و توانایی تحلیل، ارزیابی، حل و فصل مسائل و تصمیم‌گیری در ابعاد مختلف زندگی را کسب کند. عبرت راهی است که می‌تواند انسان را به این هدف تربیتی برساند و شاید مهم‌ترین اثر تربیتی عبرت نیز همین باشد.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) در کلام خود بر این اثر عبرت تصریح کرده چنین می‌فرماید: «مَنْ اَعْتَبَرَ اَبْصَرَ وَمَنْ اَبْصَرَ فَهَمَّ وَمَنْ فَهَمَّ عَلِمَ»؛ «کسی که عبرت آموزد، آگاهی یابد و کسی که آگاهی یابد، می‌فهمد و آنکه بفهمد، دانش آموخته است» (نهج البلاغه، حکمت ۲۰۸).

و در جای دیگر می‌فرمایند:

«رَحِمَ اللَّهُ أُمْرِيَّ تَفَكَّرَ فَأَعْتَبَرَ وَاعْتَبَرَ فَأَبْصَرَ...»؛ «خدا رحمت کند کسی را که بیندیشد و سپس پند پذیرد، و اندرز گیرد و سپس بینا گردد...» (نهج البلاغه، خطبه ۱۰۳).

نتیجه به دست آمده از این دو کلام این است که تفکر زمینه‌ساز عبرت است و عبرت زمینه بصیرت را فراهم می‌آورد. آن حضرت در سخنی دیگر انسان بصیر را چنین توصیف می‌کند: «إِنَّمَا الْبَصِيرُ مَنْ سَمِعَ فَتَفَكَّرَ، وَنَظَرَ فَأَبْصَرَ، وَانْتَفَعَ بِالْعِبَرِ...»؛ «همانا بینا کسی است که (به) درستی) بشنود و سپس (در آن) بیاندیشد، و (به درستی) بنگرد و بینا گردد و از عبرت‌ها پند گیرد...» (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۳).

این سخن بدین معناست که انسان تنها زمانی به بصیرت و بینش واقعی می‌رسد که به شنیدن بسنده نکند و در مطالب شنیده‌شده تفکر کند و با دقت به مسائل بنگرد. نتیجه این تفکر و دقت، همان عبرتی است که در تصمیم‌گیری‌ها و رفتار فرد تأثیرگذار خواهد بود. از مباحث قبلی می‌

توان نتیجه گرفت که عبرت حالتی است که در اثر رویدادهای خاص برای انسان ایجاد می‌شود. در این حالت، فرد از یک موضوع محسوس و ظاهری به درکی باطنی و غیرمحسوس دست می‌یابد. پیامد این درک، تغییراتی در رفتار فرد خواهد بود. فرد خود نقش اصلی را در ایجاد این حالت بر عهده دارد و از این رو، عبرت به عنوان یک روش خودتربیتی شناخته می‌شود. همچنین، ممکن است دیگران نیز شرایطی را برای به وجود آمدن چنین حالتی فراهم کنند که در این صورت، این روش یک شیوه تربیتی دیگر به حساب می‌آید. مهم‌ترین منبع عبرت‌آموزی، جهان و تاریخ بشر است و مهم‌ترین روش آن، آشنایی با دنیا و سنت‌های حاکم بر زندگی انسان‌ها در طول تاریخ می‌باشد (قائم‌ی مقدم، ۱۳۸۶، ص ۲۲).

۲-۳- تشویق به تفکر در پدیده‌های هستی

یکی از وظائف والدین در تربیت دینی فرزندان تشویق فرزند خود به تفکر و اندیشه است. تفکر در آموزه‌های دینی یکی از فعالیت‌های بسیار ارزشمند به شمار می‌رود به نحوی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) ارزش آن را معادل هفتاد سال عبادت بیان می‌نمایند:

«تَفَكَّرُ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةٍ سَبْعِينَ سَنَةً»؛ «یک ساعت تفکر را از هفتاد سال عبادت برتر است.» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۰، ص ۳۲۶).

حضرت علی (علیه السلام) نیز در این زمینه می‌فرمایند: «لَا عِلْمَ كَالْتَفَكْرِ»؛ «هیچ دانشی مانند اندیشیدن نیست.» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۶۹، ص ۴۰۹).

والدین با صحبت درباره زیبایی و مفاهیم مختلف می‌توانند در ذهن فرزندان خود سؤالات و اندیشه‌های جدیدی را ایجاد کنند و به آن‌ها بفهمانند که زیبایی امری است که انسان به آن تمایل دارد. به عنوان مثال، وقتی که فردی در زیبایی یک غروب دل‌انگیز غرق می‌شود یا جذب

زیبایی یک گل می‌شود، به همین دلیل به سمت آن جذب می‌گردد. در این زمینه، اندیشه‌ها و افکار نو و بدیع می‌توانند زیبایی و جذابیت افراد را تحت تأثیر قرار دهند. اما هنگامی که انسان‌ها از این زیبایی‌ها بهره‌مند نباشند و از آن‌ها بی‌خبر باشند، به سمت چیزهایی می‌روند که در دسترس دارند و سعی می‌کنند با نمایش و عرضه آن‌ها خود را معرفی کنند و توجه دیگران را جلب نمایند تا کمبودهای خود را پنهان کنند.

با توجه به این نکات، والدین باید به کودکان و نوجوانان بیاموزند که درباره پدیده‌های اطراف خود فکر کنند و هر چیزی را بدون تأمل نپذیرند؛ بلکه تلاش کنند به عمق معانی و مفاهیم بپردازند، رفتارها را مورد توجه قرار دهند، سؤال کنند و همواره در جهت ارتقاء و افزایش دانش و آگاهی خود تلاش نمایند (شاگری‌نیا، ۱۳۸۳، ص ۱۵۵). غفلت در تربیت دینی فرزند می‌تواند باعث شود که او به نکات دقیق و زیبایی‌های آفرینش و به آفریننده هستی توجه نکند و هدف از آفرینش را به درستی درک نکند.

نتیجه گیری

سرنوشت هر کودک تا حد زیادی به والدین بستگی دارد، بنابراین میزان آگاهی آن‌ها و توجه‌شان به تعلیم و تربیت فرزندشان اهمیت دارد. اگر پدر و مادر به درستی وظایف خود را انجام دهند، می‌توانند با به‌کارگیری روش‌های مؤثر تربیتی، به شکوفایی هویت دینی و اخلاقی فرزندان خود کمک کنند و سعادت و آینده آن‌ها را تضمین نمایند. همچنین، خودشان از وجود چنین فرزندان شایسته‌ای بهره‌مند خواهند شد و به جامعه نیز خدمت بزرگی انجام خواهند داد.

آموزش کودکان درباره ارزش‌های دینی از اهمیت بالایی در آینده و سرنوشت آن‌ها برخوردار است. برای شکل‌گیری این ارزش‌ها می‌توان از روش‌های مختلفی، از جمله روش‌های مستقیم و غیرمستقیم، استفاده کرد. آشنا کردن کودکان با علوم اهل بیت (علیهم السلام)، سیره عملی و گفتاری آن‌ها، آموزش احکام و مسائل دینی، تقویت ایمان، شرکت دادن کودکان در مراسم‌های دینی، ارائه الگوهای مناسب، بیان عبرت‌ها و پندها و تشویق به تفکر در پدیده‌های هستی، از جمله راهکارهای مستقیم و غیرمستقیم انتقال ارزش‌های دینی به کودکان از منظر روایات است. تربیت دینی باید از دوران کودکی آغاز شود، زمانی که ذهن کودک آماده پذیرش ارزش‌ها و الگوهاست. والدین و جامعه می‌توانند با اقدامات هدفمند، نسلی آگاه، متعهد و اخلاق‌مدار پرورش دهند.

مدارس نیز می‌توانند از طریق برنامه‌های آموزشی و فرهنگی در تربیت دینی نقش مؤثری داشته باشند. رسانه‌ها با ارائه محتوای مناسب می‌توانند ارزش‌های دینی را به کودکان منتقل کنند و مراکز مذهبی نیز با برگزاری برنامه‌های ویژه برای کودکان، تجربه عملی ارزش‌های دینی را به آن‌ها آموزش دهند.

فهرست منابع

- * قرآن، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
- * نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی.
- ۱- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۸)، **لسان العرب**، بیروت: داراحیاء التراث.
- ۲- احسانی، محمد (۱۳۸۵)، تربیت دینی خانواده، **فصلنامه معرفت**، شماره ۳۲، ۳۴-۲۵.
- ۳- احسانی، محمد (۱۳۸۵)، روش‌های گفتاری آشناسازی کودکان با سیره اهل بیت (علیهم السلام)، مجله شمیم یاس.
- ۴- پاک نیا، عبدالکریم (۱۳۹۲)، **حقوق متقابل والدین و فرزندان (آموزه‌های اهل بیت (علیهم السلام) برای زندگی بهتر)**، چاپ سیزدهم، قم: نشر کمال الملک.
- ۵- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد (۱۳۶۶)، **تصنیف غررالحکم ودررالحکم**، محقق: درایتی، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- ۶- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹)، **وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه**، قم: موسسه آل‌البیت (علیهم السلام)، چاپ اول.
- ۷- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳)، **لغت‌نامه دهخدا**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۸- ساروخانی، باقر (۱۳۷۵)، **روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی**، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

۹- سعید شریعتی، شهر؛ قدیمی، گویا (۱۳۹۵)، بررسی مفهوم ارزش‌های دینی و اخلاقی

از دیدگاه اسلام و فلسفه، **کنفرانس ملی دانش و فناوری روانشناسی، علوم تربیتی و**

جامع روانشناسی ایران، تهران، <https://civilica.com/doc/591326>.

۱۰- شاکری‌نیا، ایرج (۱۳۸۳)، تربیت دینی با تأکید بر نقش مهم خانواده، **فصلنامه**

مصباح، ۵۰، ص ۱۵۵.

۱۱- فرامرزی، فاطمه (۱۴۰۲)، اهمیت انتقال اصول و ارزش‌های دینی به کودکان و

نوجوانان، **مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های مدیریت، تعلیم**

و تربیت در آموزش و پرورش، تهران، <https://civilica.com/doc/1999637>.

۱۲- فتوحی، سید حسین، موسوی نسب، محمد رضا (۱۳۹۴)، راهکارهای انتقال ارزش

های دینی به کودکان دبستانی، نشریه معرفت، ۲۴ (۲۰۹)، ۱۰۷-۱۱۶.

۱۳- فیومی، أبو العباس (۱۴۲۸ق)، **مصباح المنیر**، بیروت: المكتبة العلمية، بی‌تا.

۱۴- قائمی مقدم، محمدرضا (۱۳۸۶)، مقاله عبرت و تربیت در قرآن و نهج البلاغه (۱)،

مجله حوزه و دانشگاه، ۲۷، ۲۵-۲۲.

۱۵- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴)، **بحارالانوار**، بیروت: موسسه الوفا.

۱۶- معین، محمد (۱۳۸۶)، **فرهنگ معین**، چاپ دوم، تهران: زرین.

۱۷- مقدسی‌پور، علی (۱۳۸۱)، اصول و روش‌های آموزش مفاهیم دینی به

کودکان دبستانی، پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد، رشته علوم تربیتی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدس سره.

۱۸- موسوی خمینی، روح الله (۱۳۸۶)، روح نقطه عطف؛ اشعار عارفانه امام

خمینی و نامه‌ای از آن حضرت به احمد خمینی، چاپ هشتم، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمه الله علیه).

اثربخشی پروتکل درمان شناختی-رفتاری بر اعتماد به نفس و مهارت‌های

ارتباطی دختران نوجوان با تأکید بر دیدگاه قرآن و روایات

نجمه السادات امیری دشت بیاض^۱

چکیده

هدف این پژوهش، بررسی اثربخشی پروتکل درمان شناختی-رفتاری بر افزایش اعتماد به نفس و مهارت‌های ارتباطی دختران نوجوان با تأکید بر دیدگاه قرآن و روایات می‌باشد. این پژوهش به شیوه نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل، انجام شده است. جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان دختر متوسطه دوم شهرستان تربت‌جام (۹۱۰ نفر) در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ می‌باشد. نمونه‌ای متشکل از ۳۰ دانش‌آموز به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش (۱۵ نفر) و کنترل (۱۵ نفر) قرار گرفت. ابزار پژوهش شامل پروتکل درمان شناختی-رفتاری سیلر (۲۰۰۸)، پرسشنامه اعتماد به نفس کوپر اسمیت (۱۹۶۷)، و پرسشنامه مهارت‌های ارتباطی جرابک (۲۰۰۴) است. همچنین، از آموزه‌های قرآنی و روایات اسلامی به عنوان مبنای نظری در تبیین عوامل مرتبط با اعتماد به نفس و مهارت‌های ارتباطی استفاده گردیده است. نتایج نشان داد که آموزش درمان شناختی-رفتاری، که در این پژوهش با مفاهیم قرآنی و روایی تلفیق شده بود، تأثیر معناداری بر بهبود مهارت‌های ارتباطی و افزایش اعتماد به نفس دختران نوجوان داشت. این یافته‌ها بر اهمیت استفاده از آموزه‌های اسلامی در طراحی و اجرای مداخلات روان‌شناختی تأکید می‌کند.

واژگان کلیدی: اثربخشی درمان شناختی-رفتاری، اعتماد به نفس، مهارت‌های ارتباطی، دختران نوجوان

^۱. کارشناسی ارشد روانشناسی، مشاور و استاد حوزه علمیه خراسان، najameamiry03578580@gmail.com

مقدمه

رشد از دوران کودکی به نوجوانی با سرعتی بالا و غیرقابل پیش‌بینی صورت می‌گیرد. در این دوره، تغییرات در الگوی تفکر انتزاعی، شکل‌گیری هویت فردی و اجتماعی و تلاش برای دستیابی به استقلال در جنبه‌های مختلف زندگی، معمولاً با چالش‌های زیادی برای نوجوانان همراه است (مهدوی و میرزاوند، ۱۳۹۹، ص ۱۱۵). در تعریف دوره نوجوانی، رحمانی و همکاران (۱۳۹۵) آن را دوره گذار از کودکی به بزرگسالی تعریف می‌کنند که با تغییرات زیستی، اجتماعی، عاطفی و شناختی در فرد همراه است. این دوره به دلیل تغییرات در الگوهای فکری، توسعه روابط با همسالان، تمایل به استقلال فکری و همچنین تلاش برای جلب تأیید از سوی گروه همسالان، منجر به افزایش تنش‌ها بین والدین و فرزندان می‌شود.

در قرآن کریم شاهد آیاتی هستیم که به اعتماد به نفس اشاره می‌کند. نمونه‌ای از این آیات عبارتند از:

«فِيمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لَنتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ...»؛ «پس بر اثر رحمتی از جانب خدا، نرم‌خویی کردی نسبت به آنها و اگر خشن و سخت‌دل بودی، قطعاً از دور تو پراکنده می‌شدند. پس از آنها درگذر و برای آنها طلب آمرزش کن و در کارها با آنها مشورت کن.» (آل عمران: ۱۵۹)

در این آیه خداوند متعال به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله وسلم) خطاب می‌کند که با مهربانی و نرمی با یاران خود رفتار کند و نرم‌خویی و مدارا، جزئی از خصایص اعتماد به نفس می‌باشد که فرد مطمئن از نفس، قادر به اعمال آن در موقعیت‌های مختلف است.

«فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا * إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا»؛ «پس همانا با هر سختی، آسانی هست. همانا با هر سختی، آسانی هست.» (شرح: ۵-۶).

این آیات ما را تشویق می‌کنند که به رغم سختی‌ها و دشواری‌ها، همواره امیدوار باشیم و بدانیم پس از هر دشواری آسانی پدیدار خواهد شد. این باور مثبت، مؤلفه‌ای کلیدی در شکل‌گیری اعتماد به نفس است.

گلکاریان و همکاران (۱۴۰۱) به بررسی اثر بخشی درمان شناختی-رفتاری بر اعتماد به نفس و شادکامی معتادان بهبود یافته در شهرستان بابل پرداخته و نتایج نشان داد که درمان شناختی-رفتاری تأثیر معناداری بر افزایش اعتماد به نفس و شادکامی معتادان بهبود یافته دارد.

بیرامی و همکاران (۱۴۰۰) نیز پژوهشی در مورد بررسی مقایسه‌ای اثر بخشی درمان مبتنی بر کارآمدی هیجانی و شناخت درمانی مبتنی بر ذهن آگاهی در کاهش وابستگی به اینترنت، آسیب‌پذیری روان‌شناختی و راهبردهای ناسازگار شناختی تنظیم هیجان در دانش‌آموزان مبتلا به اعتیاد اینترنتی پرداختند. به این نتیجه رسیدند که هر دو روش درمانی، در بهبود وابستگی به اینترنت و کاهش آسیب‌پذیری روان‌شناختی (شامل افسردگی، اضطراب و استرس) و همچنین راهبردهای ناسازگار شناختی تنظیم هیجان (از جمله سرزنش خود، سرزنش دیگران، نشخوار فکری و فاجعه‌انگاری) مؤثر بودند.

رجبی و علیمزادی (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «بررسی اثر بخشی درمان شناختی رفتاری بر وضوح خودپنداره، افسردگی، اضطراب و استرس و عزت نفس در دانشجویان دارای نشانگان ضربه عشق»، به این نتیجه رسید که این نوع درمان می‌تواند به عنوان یک روش مؤثر برای کاهش مشکلات هیجانی و بهبود عزت نفس در افراد مبتلا به نشانگان ضربه عشق عمل کند.

در آیات و روایات هم مهارت ارتباط مؤثر مورد توجه بوده است. خداوند در سوره بقره آیه ۸۸ می‌فرماید: «قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا»؛ «با مردم به زبان خوش سخن بگویید» و یا در سوره طه آیات ۲۵ تا ۲۸ از زبان قرآن می‌خوانیم: «رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِنْ

لِسَانِي يَفْقَهُوا قَوْلِي»؛ «پروردگارا! سینه‌ام را گشاده کن و کارم را برایم آسان گردان و گره از زبانم بگشای، تا سخنان مرا بفهمند.» امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه می‌فرماید: «ارزش انسان از گفتارش شناخته می‌شود.» (دشتی، ۱۳۶۹، حکمت ۸۱). هم‌چنین توصیه کرده‌اند: «عَوِّدْ لِسَانَكَ حُسْنَ الْكَلَامِ تَأْمَنَ الْمَلَامُ»؛ «زبان‌ت را به نیکو سخن گفتن عادت بده تا از ملامت ایمن باشی.» (آمدی، ۱۴۲۹ق، ص ۴۵۷).

درک، مهارت و تمایل به یادگیری و کسب اطلاعات از دیگران به معنای توانایی بیان منظور و احساسات خود به دیگران، ایجاد ارتباط مؤثر با آنها و علاقه به برقراری روابط دوستانه است. مقدار یادگیری فراگیران در یک شرایط مشابه می‌تواند متفاوت باشد و یکی از دلایل اصلی این تفاوت، سبک‌های مختلف یادگیری آن‌هاست. سبک یادگیری مشخص می‌کند که فرد در مواجهه با یک موقعیت، چه مدت، به چه موضوعاتی و با چه میزان توجه خواهد کرد. در حقیقت، ضعف در عملکرد یادگیری و فقدان مهارت و انگیزه برای یادگیری در افراد تأثیر زیادی بر موفقیت آن‌ها خواهد داشت. (کلب، ۱۹۸۵).

از سوی دیگر میتوان گفت که ارتباطات مؤثر و موفق بین افراد می‌تواند به بهبود و افزایش سازگاری با شرایط کمک کند. هر فرد در روند رشد اجتماعی خود برای پیشرفت و شکوفایی استعدادهايش و همچنین برای سازگاری بهتر با محیط و اطرافیان، به کسب مهارت‌های ارتباطی نیاز دارد. این مهارت‌ها از خانواده آغاز می‌شود و با توجه به رشد و سن افراد، در مدرسه و جامعه نیز شکل می‌گیرد. (هریسون و همکاران، ۲۰۰۷، ص ۵۱)

هنر برقراری ارتباط مؤثر یکی از مهارت‌های بنیادی است که اگر فرد به آن مجهز باشد، می‌تواند بسیاری از هیجانات منفی را از خود دور کرده و از سلامت روانی بیشتری برخوردار

شود. به عبارت دیگر، فردی که مهارت‌های ارتباط بین فردی را دارد، به احساسات و هیجانات

دیگران حساسیت بیشتری نشان می‌دهد. (نوری، ۱۴۰۴، ص ۹۴)

درمان شناختی رفتاری یک نوع روان‌درمانی کوتاه‌مدت و متمرکز بر مسائل فعلی است که بر پایه این اصل بنا شده که نحوه تفکر و احساس فرد تأثیر مستقیمی بر رفتار او دارد. این روش به حل مشکلات و تعیین اهداف تمرکز دارد و تلاش می‌کند تا الگوهای فکری مراجع را تغییر دهد تا واکنش او به موقعیت‌های دشوار بهبود یابد. رویکرد درمان شناختی رفتاری می‌تواند در مورد مسائل و مشکلات مختلف سلامت روان مورد استفاده قرار گیرد و توسط روانشناسان برای درمان اختلالات روانی به کار گرفته می‌شود. (ملازاده و عاشوری، ۱۳۸۸، ص ۱). در انواع درمان‌های شناختی-رفتاری، درمانگران تشویق می‌شوند که علاوه بر تجربیات بالینی، از خلاقیت خود برای توسعه تکنیک‌ها و فنون شخصی استفاده کنند. این روش‌ها به عنوان درمانی تعاملی و مبتنی بر همکاری شناخته می‌شوند. درمان شناختی-رفتاری ساختارمند، متمرکز بر مشکلات و مبتنی بر یک مدل آموزشی با تأکید بر زمان حال است. این روش به مراجعان آموزش می‌دهد که افکار خود را ارزیابی و اصلاح کرده و شیوه‌های مؤثرتر تفکر را جایگزین افکار ناکارآمد کنند. همچنین، مراجعان می‌آموزند که شناخت‌های مرتبط با مشکلات خود را در زندگی به دست آورند و با انجام تمرین‌های شناختی-رفتاری، بر حل مشکلات بین فردی و بهبود مهارت‌های اجتماعی تمرکز کنند. (سعیدی و همکاران، ۱۳۹۹).

در اسلام، اعتماد به نفس به عنوان یکی از مراحل مهم در مسیر رشد روحی و عرفانی شناخته می‌شود و بستر ساز سایر فضایل اخلاقی مانند صداقت، شجاعت و عدالت است. توجه به این فضیلت، به ویژه در عصر حاضر، اهمیت زیادی دارد؛ زیرا اعتماد به نفس نه تنها در شکل‌گیری شخصیت فردی تأثیرگذار است، بلکه در تعاملات اجتماعی و موفقیت‌های تحصیلی و

شغلی نیز نقش مهمی ایفا می‌کند. اعتماد به نفس به افراد کمک می‌کند تا با چالش‌های زندگی به صورت سازنده و مثبت روبرو شوند و باورهای محدودکننده را کنار بگذارند و به پتانسیل واقعی خود برسند.

یادگیری مداوم آموزه‌های دینی و به‌کارگیری آن‌ها در زندگی روزمره می‌تواند به تقویت پایدار اعتماد به نفس و ایجاد ساختار شخصیتی قوی‌تر کمک کند. این امر فرصت‌هایی را برای افراد فراهم می‌آورد تا علاوه بر بهبود درک خود از دین، اعتماد به نفس خود را به شیوه‌ای مؤثر و معنادار تقویت کنند. به‌کارگیری این آموزه‌ها در زندگی شخصی و حرفه‌ای می‌تواند به افراد کمک کند تا با چالش‌های پیش‌رو به شیوه‌ای مؤثرتر برخورد کنند و از زندگی خود لذت بیشتری ببرند. «پرورش افکار» متعهد است محتوایی ارائه دهد که نه تنها آموزنده و مبتنی بر آموزه‌های دینی باشد، بلکه به طور مستقیم بر تقویت اعتماد به نفس و کیفیت زندگی تأثیر بگذارد. با توجه به موارد گفته شده پژوهشگر به دنبال یافتن پاسخ به این پرسش است که آیا درمان شناختی رفتاری بر افزایش تاب‌آوری و اعتماد به نفس و عملکرد یادگیری و مهارت‌های ارتباطی در نوجوانان مؤثر است؟

روش

پژوهش حاضر از نوع نیمه آزمایشی و طرح پیش‌تست - پس‌تست با گروه کنترل بود. جامعه آماری پژوهش حاضر، شامل کلیه دانش‌آموزان دختر متوسطه دوم شهرستان تربت جام می‌باشد که در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ مشغول به تحصیل بودند. که شامل ۹۱۰ نفر می‌باشند که با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس ۳۰ نفر به عنوان نمونه‌گزینش گردید و به دو گروه آزمایش (۱۵ نفر) و کنترل (۱۵ نفر) قرار گرفتند. ملاک‌های ورود شامل: دانش‌آموزان دختر متوسطه دوم، رضایت آگاهانه، شرکت نکردن همزمان در برنامه‌ی درمانی دیگر و ملاک

های خروج شامل: دارای اختلال روانی، مایل نبودن به ادامه‌ی آموزش، غایب بودن بیشتر از دو جلسه در جلسه‌های آموزش، مشارکت نداشتن و همکاری در پروسه اجرای آموزش می باشد.

ابزار پژوهش

پرسشنامه عملکرد یادگیری یانگ، کلمز و مورفی (۲۰۰۳) که شامل پنج آیت می باشد و ابعاد مختلف عملکرد یادگیری را پوشش می دهد. پاسخ دهندگان، میزان موافقت خود را با هر یک از ابعاد بر مبنای یک طیف ۵ درجه‌ای از خیلی کم تا خیلی زیاد به ترتیب با نمره ۱ تا ۵ مشخص می نمایند.

پایایی پرسش نامه یانگ و همکاران (۲۰۰۳) برای پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده کرد و پایایی پرسشنامه را ۰/۹۰ گزارش کرد. در مطالعه مهدی پور (۱۳۹۳) پایایی پرسشنامه بر اساس یک مطالعه مقدماتی پایایی پرسشنامه ۰/۸۰ محاسبه شد. روایی پرسشنامه در پژوهش یانگ و همکاران (۲۰۰۳) از طریق تحلیل عاملی مورد تایید قرار گرفت. در مطالعه مهدی پور (۱۳۹۳) برای بدست آوردن روایی پرسشنامه از نظرات استاد راهنما و چندین تن از دیگر اساتید و متخصصین و کارشناسان استفاده شده است.

پرسش نامه اعتماد به نفس

پرسش نامه اعتماد به نفس کوپر اسمیت در سال ۱۹۶۷ که بر اساس تجدید نظری که بر روی مقیاس راجرز و ریموند (۱۹۵۴) انجام داد، تهیه و تدوین شد. که دارای ۵۸ گویه است که ۸ گویه آن دروغ سنج هستند. اگر پاسخ دهنده از ۸ گویه دروغ سنج بیش از ۴ نمره بیاورد، بدان معنی است که نتیجه آزمون قابل اعتماد نیست و آزمودنی سعی کرده است خود را بهتر جلوه

دهد. در مجموع ۵۰ گویه آن به ۴ خرده مقیاس (اعتماد به نفس کلی، اعتماد به نفس اجتماعی، اعتماد به نفس خانوادگی و اعتماد به نفس تحصیلی) تقسیم شده است.

شیوه نمره گذاری این آزمون صفر و یک است و حداقل نمره-ای که یک فرد می تواند بگیرد، صفر و حداکثر ۵۰ خواهد بود. کسب نمره کمتر از ۲۵ به منزله اعتماد به نفس پایین خواهد بود. این پرسش نامه یک ابزار استاندارد است که به دفعات در پژوهش های مختلف استفاده شده است. روایی این پرسشنامه در ایران در پژوهش های مختلف مورد تایید قرار گرفته است (ثنایی، ۲۰۱۳؛ تیموری، ۲۰۱۴). برای گروه آزمایش از درمان شناختی-رفتاری بر اساس دستورالعمل سیلر (۲۰۰۸) استفاده شده در ۱۲ جلسه ۴۵ تا ۶۰ دقیقه ای اجرا گردید. خلاصه جلسات در جدول (۱) ارائه گردیده است.

جدول ۱- خلاصه محتوای جلسات درمان شناختی-رفتاری بر اساس دستورالعمل سیلر (۲۰۰۸)

جلسه	محتوا
اول	معرفی اعضا به یکدیگر، آغاز یادگیری درباره احساسات و انجام هدف گذاری، انجام پیش آزمون
دوم	آموزش احساسات مختلف، توجه به احساسات دیگران با نگاه به حالت چهره و زبان بدن آنها، آموزش تغییر احساسات در طول روز و همه روزه.
سوم	آگاهی از تغییرات فیزیکی در بدن، آموزش ارتباط بین نشانه های بدنی و شیوه تفکر، احساس و رفتار.
چهارم	کممک به تشخیص افکار، آموزش چگونگی تأثیر افکار ما بر احساسات و اعمال ما.
پنجم	ادراک ارتباط بین افکار، احساسات، نشانه های بدنی و اعمال، مشاهده چگونگی اثرگذاری تغییر در افکار، احساسات، نشانه های بدنی یا اعمال بر دیگر پیوندها
ششم	آموزش امکان وجود شیوه های فکری متفاوت با شیوه فکری خودمان، آموزش سوالاتی که ما را در فهم بهتر موضوعات نگران کننده ذهنمان یاری می کنند.
هفتم	آموزش شیوه های جایگزین توجه به مشکلات، آموزش نگاه علمی به شیوه حل مسئله خود، با توجه به شواهد و حقایق به جای حدس و گمان، توجه به تأثیر مثبت افکار مثبت و احساس.
هشتم	ایجاد یک طرح شش گامی برای هدف گذاری، تشویق اعضا برای کار با یکدیگر و حمایت از یکدیگر در مشکلات
نهم	آموزش اینکه چطور هر فرد، متفاوت با دیگران بوده و درباره ی چیزهای مختلفی نگران است، چگونه برخی از افکار و احساسات میتوانند باعث تداوم احساس بد فرد شوند، شناسایی شیوه های مختلفی که افراد برای محافظت از خود در برابر نگرانی ها، استفاده می کنند.
دهم	شناسایی خطاهای ذهنی و شناختی. در مورد اهداف یادگیری، برنامه ریزی برای یادگیری، چرخه یادگیری، سطوح یادگیری، تکنیک های مدیریت زمان، روش ها و تکنیک های مطالعه، یادداشت برداری، شرطی کردن خود، یادگیری سازمان یافته و ارزیابی خود، اطلاعات قابل توجهی را به دست بیاوریم.
یازدهم	باید استراتژی هایی که به ما کمک می کند تا به آن اهداف برسیم را مشخص کنیم. برقراری ارتباط میان موقعیت یادگیری و تجربه مثبتی در گذشته.
دوازدهم	یادگیری اینکه چگونه مشکلات خود را به گام های کوچکتر و قابل دستیابی تر بشکنیم، توجه به اینکه الگو برداری از فردی که به خوبی با مسائل خود مواجه می شود، می تواند سودمند باشد، انجام پس آزمون.

داده ها با استفاده از تحلیل کوواریانس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت .

جدول ۲- میانگین و انحراف معیار متغیر اعتماد به نفس در گروه آزمایش و گواه در مرحله پیش آزمون و پس آزمون

مقیاس	گروه	تعداد	آزمایش		گواه	
			میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد
اعتماد به نفس	پیش آزمون	۱۵	۲۲,۴۷	۴,۴۱	۲۳,۴۷	۳,۵۰
	پس آزمون	۱۵	۳۰,۶۰	۲,۸۵	۲۲,۰۷	۳,۹۷
مهارت‌های ارتباطی	پیش آزمون	۱۵	۱۰۰,۸۷	۱۲	۱۰۱	۱۰,۷۴
	پس آزمون	۱۵	۱۲۶,۰۷	۹,۳۸	۱۰۴,۹۳	۱۰,۱۸

همانطور که در جدول ۲ ملاحظه می‌شود، میانگین نمره‌های پیش آزمون و پس آزمون اعتماد به نفس گروه آزمایشی، به ترتیب، ۲۲/۴۷ و ۳۰/۶۰ و در گروه گواه، به ترتیب، ۲۳/۴۷ و ۲۲/۰۷ می‌باشد. میانگین نمره‌های پیش آزمون و پس آزمون مهارت‌های ارتباطی گروه آزمایشی، به ترتیب، ۱۰۰/۸۷ و ۱۲۶/۰۷ و در گروه گواه، به ترتیب، ۱۰۱ و ۱۰۴/۹۳ می‌باشد.

بررسی مفروضه‌های تحلیل کوواریانس

پیش‌نیاز انجام تمامی آزمون‌های پارامتری، نرمال بودن توزیع آماری متغیرهاست. به طور کلی می‌توان گفت که آزمون‌های پارامتری، عموماً بر میانگین و انحراف معیار استوارند. حال اگر توزیع جامعه نرمال نباشد، نمی‌توان استنباط درست از نتایج داشت در این قسمت ابتدا به بررسی نرمال بودن داده‌ها از طریق کلموگروف اسمیرونوف می‌پردازیم که نتایج آن در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳- آزمون نرمال بودن داده ها (کلموگروف اسمیرونف) برای متغیرهای پژوهش

سطح معناداری	کلموگروف اسمیرونف	تعداد	آزمون	
۰,۵۹	۰,۷۷	۳۰	پیش آزمون	اعتماد به نفس
۰,۹۲	۰,۵۶	۳۰	پس آزمون	
۰,۹۰	۰,۵۷	۳۰	پیش آزمون	مهارت‌های ارتباطی
۰,۸۳	۰,۶۲	۳۰	پس آزمون	

با توجه به جدول ۳ از آن جا که سطح معناداری تمامی متغیرها از ۰/۰۵ بالاتر است، پس داده‌ها از توزیع نرمال برخوردار است و لذا از آمارهای پارامتریک استفاده می‌شود. برای بررسی خط پایه از آزمون t مستقل استفاده گردیده که نتایج آن در جدول ۴-۷ ارائه شده است.

جدول ۴- آزمون تی مستقل برای مقایسه‌ی خط پایه در متغیرهای پژوهش

سطح معناداری	درجه آزادی	T	متغیر
۰,۵۰	۲۸	-۰,۶۹	اعتماد به نفس
۰,۹۷	۲۸	-۰,۰۳	مهارت‌های ارتباطی

نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد نتایج تی مستقل برای هیچ کدام از متغیرهای پژوهش شامل تاب‌آوری و اعتماد به نفس و عملکرد یادگیری و مهارت‌های ارتباطی معنادار نمی‌باشد. بنابراین دو گروه در خط پایه هم‌تا می‌باشند.

تحلیل کوواریانس دارای این مفروضه است که واریانس درون هر خانه از جدول داده‌ها باید یکسان باشد اندازه نامساوی خانه مسئله جدی ایجاد نمی‌کند، اما نباید مقدار هر خانه چهار برابر کوچکترین خانه باشد. این پژوهش، قبل از تحلیل داده‌ها، برای بررسی همگنی واریانس متغیرها، از آزمون لوین برای مساوی بودن واریانس‌های خطا استفاده شد. که نتایج آزمون F لوین تاب‌آوری و اعتماد به نفس و عملکرد یادگیری و مهارت‌های ارتباطی در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۵- نتایج آزمون لوین برای همگنی واریانس متغیرهای پژوهش

متغیر وابسته	F	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	سطح معناداری
اعتماد به نفس	۰,۳۶	۱	۲۸	۰,۵۵
مهارت‌های ارتباطی	۱,۲۹	۱	۲۸	۰,۲۷

همان‌گونه که در جدول ۵ مشاهده می‌شود، نتایج آزمون همگنی واریانس‌های گروه آزمایش و گواه برای تاب‌آوری و اعتماد به نفس و عملکرد یادگیری و مهارت‌های ارتباطی معنی‌دار نمی‌باشد بنابراین واریانس‌های گروه آزمایش و گواه یکسان است.

یکی دیگر از مفروضه‌های آزمون کوواریانس، وجود همگنی شیب‌های رگرسیون است، بدین معنی که رابطه بین متغیر وابسته و متغیر کمکی باید برای تمام گروه‌ها یکسان باشد، یعنی شیب‌های رگرسیون باید موازی باشند. جهت بررسی همگنی شیب‌های رگرسیون تعامل بین عامل گروه و پیش‌آزمون‌ها بررسی شد. چنانچه تعامل بین این دو متغیر از نظر آماری معنی‌دار باشد، داده‌ها از فرضیه همگنی شیب‌های رگرسیون پشتیبانی نمی‌کنند. به بیان دیگر، چنانچه تعامل دو متغیر گروه و پیش‌آزمون معنی‌دار نباشد، داده‌ها از فرضیه همگنی شیب‌های رگرسیون پشتیبانی می‌کنند. جدول ۶ همگنی شیب‌های رگرسیون متغیرهای تاب‌آوری، اعتماد به نفس، عملکرد یادگیری و مهارت‌های ارتباطی را نشان می‌دهد.

جدول ۶- همگنی شیب‌های رگرسیون متغیرهای پژوهش در گروه آزمایش و کنترل

متغیر وابسته	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
گروه & پیش‌آزمون اعتماد به نفس	۲,۳۹	۱	۲,۳۹	۰,۱۹	۰,۶۷
گروه & پیش‌آزمون مهارت‌های ارتباطی	۹,۲۵	۱	۹,۲۵	۰,۰۹	۰,۷۷

نتایج جدول ۶ نشان می‌دهد که مقادیر F تعامل بین گروه و پیش‌آزمون برای مهارت‌های ارتباطی و اعتماد به نفس معنی‌دار نمی‌باشد. ($p < 0/05$) بنابراین، شیب‌های رگرسیون پیش‌آزمون و پس‌آزمون مهارت‌های ارتباطی و اعتماد به نفس در گروه‌های آزمایش و کنترل به طور معنی‌داری متفاوت نیستند و فرض همگنی شیب‌های رگرسیون تأیید می‌شود.

جدول ۷- نتایج آزمون چند متغیره لامبدای ویلکز برای بررسی تفاوت اعتماد به نفس و مهارت های ارتباطی در گروه آزمایش و گواه

اثر	مقدار	F	درجه آزادی فرض	درجه آزادی خطا	معناداری
لامبدای ویلکز	۰,۲۷	۲۳,۸۰	۲	۲۵	۰,۰۰۱

با توجه به جدول (۷) و از آنجا که مقدار به دست آمده برای f چند متغیره لامبدای ویلکز در سطح ۰,۰۵ معنادار است بر این اساس می توان گفت دست کم در یکی از متغیرهای وابسته (مهارت های ارتباطی، اعتماد به نفس) بین دو گروه تفاوت معناداری وجود دارد. برای پی بردن به این تفاوت تحلیل کواریانس چند متغیره انجام گرفت. نتایج حاصل از آن در جدول ۹ درج شده است.

جدول ۸- نتایج تحلیل کواریانس چند متغیره مهارت‌های ارتباطی، اعتماد به نفس، عملکرد یادگیری و مهارت‌های ارتباطی در آزمودنی‌ها گروه آزمایش و گواه

توان آزمون	میزان تاثیر	سطح معنا داری	F	میانگین مجدورات	درجه آزادی	مجموع مجدورات	متغیر وابسته	گروه
۱	۰,۶۱	۰,۰۰	۴۱,۳۶	۵۲۹,۵۴	۱	۵۲۹,۵۴	مهارت‌های ارتباطی	گروه
۱	۰,۵۵	۰,۰۰	۳۱,۹۴	۳۲۳۶,۸۲	۱	۳۲۳۶,۸۲	اعتماد به نفس	
				۱۲,۸۰	۲۶	۳۳۲,۹۰	مهارت‌های ارتباطی	خطا
				۱۰۱,۳۶	۲۶	۲۶۳۵,۲۶	اعتماد به نفس	

نتایج جدول ۸ نشان می‌دهد که تفاوت بین دو گروه در متغیر مهارت‌های ارتباطی ($f=41/36$) در سطح $p<0/01$ معنی‌دار است. لذا بین نمرات مهارت‌های ارتباطی در گروه آزمایش و گواه تفاوت معناداری وجود دارد. پس نتیجه می‌گیریم که آموزش درمان شناختی-رفتاری بر افزایش مهارت‌های ارتباطی نوجوانان تاثیر دارد.

داده‌ها نشان می‌دهد که اعتماد به نفس ($f=31/94$) در سطح $p<0/05$ معنی‌دار است. لذا بین نمرات اعتماد به نفس در گروه آزمایش و گواه تفاوت معناداری وجود دارد. پس نتیجه می‌گیریم که آموزش درمان شناختی-رفتاری بر افزایش اعتماد به نفس نوجوانان تاثیر دارد.

بحث و نتیجه

برای بررسی آموزش درمان شناختی-رفتاری بر اعتماد به نفس و مهارت های ارتباطی از تحلیل کواریانس تک متغیره استفاده می شود که متغیر وابسته (اعتماد به نفس و مهارت-های ارتباطی) و متغیر مستقل (آموزش درمان شناختی-رفتاری) می باشد.

نتایج نشان می دهد که آموزش درمان شناختی-رفتاری در افزایش اعتماد به نفس نوجوانان شهرستان تربت جام مؤثر است. میانگین اعتماد به نفس و مهارت های ارتباطی گروه آزمایش در مقایسه با گروه کنترل بیشتر است. در نتیجه آموزش درمان شناختی-رفتاری در اعتماد به نفس و مهارت-های ارتباطی نوجوانان شهرستان تربت جام تأثیر دارد.

این یافته ها با نتایج پژوهش محمدزاده و همکاران (۱۳۹۵)؛ قاسمی و همکاران (۱۳۹۳)؛ کاظمینی (۱۳۹۰)؛ هاسین و همکاران (۲۰۱۴)؛ باتلرو همکاران (۲۰۱۰) و پترسون و همکاران (۲۰۰۱) همسو است. در تبیین یافته ها و با توجه به تحقیقات پیشین می توان گفت در مدل شناختی رفتاری، شناخت ها (افکار) تعیین کننده احساس و رفتار افراد هستند و نقش محوری در تبیین سلامت روانی و اختلال روانی ایفا می کنند. اعتماد به نفس ضعیف می تواند تاثیر گسترده و فراگیری در زندگی فرد داشته باشد. افکار، رفتار، احساسات و نحوه تلقی فرد از خود را تحت تاثیر قرار می دهد. وقتی نوجوانان احساس ضعف در اعتماد به نفسشان می کنند، به خود می گویند کاری نمی توانند انجام دهند. معمولاً نوجوانان در مورد کارهای مشکلی که با آنها روبرو می شوند، احساس دلواپسی، دلشوره، ترس، عصبانیت، اضطراب، استرس و نگرانی می کنند. به خاطر عدم کارایی بهتر، از خود، سرخورده و عصبانی می شوند. از موقعیت نامعلوم و جدید می ترسند. از کسانی که کارها را راحت می گیرند، متنفرند و احساس ناامیدی و افسردگی می کنند. لذا گوشه گیر و منزوی شده، از نگاه کردن به چشم دیگران اجتناب کرده و

احساس درماندگی می‌کنند. پژوهش‌های برآمده از دل نظریه شناختی رفتاری نشان داده‌اند که عدم اعتماد به نفس با سوء تعبیر، تحریف، سوی‌مندی یا استدلال‌های غیر منطقی همراه است و در موقعیت‌های تهدید و خطر، انسان به طور انتخابی فقط به نشانه‌های تهدید در محیط توجه دارند و نشانه‌های خنثی یا غیر تهدیدآمیز را نادیده می‌گیرند، یا فقط به شکست‌ها و ناتوانایی‌هایشان فکر می‌کنند و موفقیت‌ها و توانمندی‌هایشان را نادیده می‌گیرند؛ که این ناشی از تحریف‌های شناختی (انتزاع‌گزینی، فیلتر ذهنی، بزرگنمایی-کوچکنمایی و ...) می‌باشد. در این رویکرد درمانی با کار بر روی تحریفه‌ها و افکار فعال شده در این موقعیت‌ها و به چالش کشیدن باورهای مثل «من نمی‌توانم، من شکست می‌خورم، من ضعیفم، و...»، موجب می‌شود افراد به توانایی‌های خود اعتماد کرده، بتوانند خود و توانمندی‌هایشان را باور کنند و واقع‌بینانه آن‌ها را ارزیابی نمایند. به جای تمرکز بر نقاط ضعف‌شان، بر روی نقاط قوت‌شان متمرکز شوند و خود را باور نمایند. در قسمت رفتاری با مشخص کردن تکالیف راحت‌تر، و قابل انجام (استفاده از تکنیک استپ به استپ و شکستن کارهای سخت به کارهای آسان‌تر) کمک می‌کند افراد بتوانند خود را باور کنند، و نسبت به خود احساس اعتماد کنند. چرا که اعتماد به نفس نقش پررنگی در زندگی آینده (تحصیلی، شغلی، خانوادگی و اجتماعی) فرد ایفا می‌کند و پیشرفت فرد تحت تاثیر این عنصر مهم است. بر اساس نتایج به دست آمده مدل شناختی رفتاری با بهره‌گیری از تکنیک‌های شناختی و رفتاری در افزایش اعتماد به نفس نوجوانان موثر بوده و می‌تواند به عنوان یک مدل درمانی اثربخش از آن بهره برد.

امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «خوب شنیدن را پیاموز آن‌گونه که خوب گفتن را می‌

همچنین می‌فرمایند: «از مودت‌ها، زبان‌ها سخن می‌گویند و از محبت‌ها، چشم‌ها.» (آمدی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۶۳۵).

از امام صادق (علیه السلام) نیز نقل شده است: «سه چیز است که می‌تواند دلیل بر اندیشه نافذ فرد باشد: برخورد نیکو، خوب شنیدن، خوب پاسخ گفتن.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸۷، ص ۸۳۲).

پیامبر (صلی الله علیه و اله و سلم) نیز در این زمینه فرموده‌اند: «سلامت انسان در نگه داری زبانش می‌باشد.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۲، ص ۶۸۲).

همچنین فرموده‌اند: «هر کس برادر مسلمانش را به سخنی مورد لطف قرار دهد و در مجلسی به او احترام بگذارد، پیوسته تا زمانی که در این وضعیت باشد، در سایه بلند خداوند مورد رحمت است.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۷، ص ۶۱۳).

با توجه به نظرات محققان می‌توان گفت زمانی که شناخت‌ها و باورهای غیرمنطقی و در نتیجه رفتارهای غیرمنطقی به چالش کشیده شوند و با تفکر منطقی و تمرین و کسب مهارت باورها و رفتارهای مثبت جایگزین شوند، میزان رضایت و سازگاری زناشویی و مهارت‌های ارتباطی بهبود قابل ملاحظه‌ای پیدا می‌کند؛ زیرا هنگامی که ارتباطی بی‌پرده، واضح و با احساس روی می‌دهد، رابطه تقویت می‌گردد و اما زمانی که به صورت تدافعی پرخاشگرانه و نامؤثر برقرار می‌شود، رابطه را تضعیف می‌کند.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر سعی بر آزمون فرضیه مربوط به بررسی اثر بخشی پروتکل درمان شناختی-رفتاری بر اعتماد به نفس و مهارت‌های ارتباطی دختران نوجوان با تأکید بر دیدگاه قرآن و روایات دارد. نتایج این پژوهش نشان داد که آموزش درمان شناختی-رفتاری با تأکید بر دیدگاه قرآن و روایات، توانسته است موجب افزایش اعتماد به نفس و مهارت‌های ارتباطی گروه آزمایش گردد. اعتماد به نفس نه تنها در رشد فردی و موفقیت‌های نقش کلیدی دارد، بلکه در تعاملات و روابط اجتماعی و خانوادگی نیز تأثیرگذار است. خودباوری می‌تواند به عنوان یک پایه محکم برای ساخت روابط سالم و پایدار عمل کند و به فرد کمک کند تا با استرس‌ها و چالش‌های زندگی به شکلی مؤثرتر مواجه شود. نحوه استفاده از آموزه‌های دینی در مشاوره‌های روانشناسی و دینی شامل:

تأکید بر ارزش‌های فردی: استفاده از آموزه‌های دینی می‌تواند به افراد کمک کند تا ارزش‌های فردی خود را بازشناسی کنند و بر اساس آن‌ها، به خودپذیری و خودمحبت برسند. مشاوره دینی با تأکید بر این که هر فردی آفریده شایسته و محترمی است، به تقویت اعتماد به نفس کمک می‌کند.

استفاده از دعا و مراقبه: دعا و مراقبه از جمله روش‌هایی است که در مشاوره‌های دینی برای ایجاد آرامش، تمرکز و تقویت روحیه استفاده می‌شوند. این تکنیک‌ها به افراد کمک می‌کنند تا با استرس‌ها و نگرانی‌های خود بهتر کنار بیایند و به طور مؤثرتری با چالش‌های زندگی مقابله کنند. ارائه تفسیر و تحلیل دینی: در مشاوره‌های دینی، ارائه تفسیرهای دینی از متون مقدس می‌تواند به فرد کمک کند تا معنا و مفهوم عمیق‌تری از زندگی و تجربیات خود پیدا کند. این درک عمیق‌تر، بستری برای رشد اعتماد به نفس و شکل‌گیری هویتی مستحکم‌تر فراهم می‌آورد.

فهرست منابع

*قران کریم

*نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، سید کاظم محمدی (۱۳۶۹)، قم: انتشارات موعود

اسلام.

۱- الآمدی، عبدالواحد (۱۴۲۹ق)، **غرر الحکم و درر الکلم**، تحقیق السید مهدی

الرجائی، قم: مؤسسه دار الکتاب الاسلامی.

۲- بیرامی، منصور؛ هاشمی، تورج؛ اسماعیل پور، خلیل؛ شیر، علی (۱۴۰۰)، اثر بخشی

درمان مبتنی بر کارآمدی هیجانی بر کاهش وابستگی به اینترنت و آسیب پذیری روان شناختی

در دانش آموزان دارای نشانه های اعتیاد اینترنتی، **مطالعات روان شناسی بالینی**، ۱۱(۴۴)،

۳۲-۳۴.

۳- رجبی، سوران؛ علیمزادی، خدیجه (۱۳۷۹)، بررسی اثربخشی درمان شناختی رفتاری

بر وضوح خودپنداره، افسردگی، اضطراب و استرس و عزت نفس در دانشجویان دارای نشانگان

ضربه عشق، **مطالعات روان شناختی**، ۳(۱۵)، ۱۳۱-۶۴۱.

۴- رحمانی، مریم؛ قاسمی، وحید؛ هاشمیان فر، علی (۱۳۵۹)، تاثیر روابط اجتماعی بر بروز

رفتارهای پرخطر نوجوانان شهر بجنورد، **جامعه شناسی کاربردی**، ۱(۱۶)، ۶۲-۱.

۲۰۳ اثربخشی پروتکل درمان شناختی-رفتاری بر اعتماد به نفس و مهارت‌های ارتباطی

۵- سعیدی، مژده؛ خلعتبری، جواد؛ قربان شیروودی، شهره؛ ابوالقاسمی، شهنام (۱۳۹۹)،

اثربخشی درمان شناختی‌رفتاری و درمان متمرکز بر شفقت بر احساس تنهایی زنان در شرف

طلاق، *مجله مطالعات ناتوانی*.

۶- طبرسی، علی بن حسن (۱۳۷۹)، *مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار*، قم: دارالتقلین.

۷- قاسمی ارگنه، حامد؛ دارابی عمارتی، عابدین؛ صفری سفید چغائی، صبا (۱۳۹۳)، اثر

بخشی آموزش شناختی رفتاری بر خودکارآمدی و عزت نفس دانش آموزان دوره دوم

شهرستان صحنه، *دومین کنفرانس ملی روانشناسی و علوم رفتاری*، ۷۲۳۹۴۳

cod/moc.acilivic//:sptth/

۸- گلکاریان، پریرسا؛ هدایت زاده، فاطمه؛ صادقی، مژده (۱۴۰۱)، اثربخشی درمان شناختی

رفتاری بر اعتماد به نفس و شادکامی معتادان بهبود یافته شهرستان بابل، سومین کنفرانس بین

المللی علوم انسانی، حقوق، مطالعات اجتماعی و روانشناسی، 7421551/

cod/moc.acilivic//:sptth

۹- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، (۱۴۰۳)ق، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار*

الأئمة الأطهار. بیروت: مؤسسه الوفاء.

۱۰- محمدزاده، حکیمه؛ محتشمی، جمیله؛ بحرینیان، عبدالمجید؛ شاکری، نرزه؛

جمشیدی، طیب (۱۳۹۵)، اثربخشی درمان شناختی به شیوه گروهی بر میزان اعتماد به نفس دانش

آموزان دختر. *روان پرستاری*، ۴(۱): ۷۲-۸۱.

۱۱- ملازاده، جواد؛ عاشوری، احمد (۱۳۸۸)، بررسی اثربخشی درمان گروهی شناختی_رفتاری در پیشگیری از عود و بهبود سلامت روانی افراد معتاد، **دانشور رفتار**، ۶۱(۴۳)،

۱-۲۱

۱۲- مهدوی، سمیرا؛ میرزاوند، جهانگیر (۱۳۹۹)، رابطه علی تعارض والد-فرزند، اضطراب ، احساس تنهایی و کنترل شخصی به عنوان پیشایندهای گرایش به مصرف مواد مخدر در نوجوانان، ۵۵، ۵۱۱-۲۳۱

۱۳- نوری رزی، شیوا (۱۴۰۴)، بررسی رابطه بین آموزش مهارت‌های ارتباطی بر سلامت روانی و کاهش استرس در دانش‌آموزان، **فصلنامه سلامت روان در مدرسه**، ۳(۱)، ۱۰۱-۴۹.

14- Kolb, D. (1985). Learning style inventory, **Technical manual**. Boston, MA: Mcber and Company Press.

15- Harrison, L. J., Clarke, L., & Ungerer, J. A. (2007). Children's drawings provide a new perspective on teacher-child relationship quality and school adjustment. **Early Childhood Research Quarterly**, 22(1), 55-71

16- Young, J. E., Klosko, J. S., & Weishaar, M. E. (2003). **Schema Therapy: A practitioners Guide**. New York: The Guilford press.

17- Peterson, C. & Seligman, M. (2001). **Values in Action (VIA) classification of strengths**. <http://www.positivepsychology.org/taxonomy.Htm>.

18- Butler, M. H., & et al, 2010, Prayer as a Conflict Resolution Ritual: Clinical Implications of Religious Couples' Report of Relationship Softening,

Healing Perspective, and Change Responsibility, **The American Journal of Family Therapy**, v. 30, p. 19-37.

ظاهرة المراهقة و البلوغ من منظور القرآن و علوم التربية

عفت حسینی

المخلص

تعتبر فترة المراهقة، ليس فقط من حيث النمو الجسدى، بل من منظور اجتماعى وثقافى أيضاً، فترة ذهبية فى حياة كل فرد. إن التحولات الجسدية، والتقدم المعرفى، وتطوير التفكير المجرد، وتحديد الهوية، والاستقلالية، وتحمل المسؤولية، وتعزيز التفاعلات الاجتماعية، فضلاً عن تقلبات المشاعر والعواطف، هى جوانب بارزة فى هذه المرحلة. يُعتبر المراهقون من أهم ثروات البلاد. هذه الفترة هى مرحلة حساسة ومهمة يمكن أن تكون، من خلال المعرفة والتربية السليمة، أساساً لسعادة المراهق. ولكن إذا تعرضوا للإهمال وعدم الانتباه، فإن ذلك سيكون سبباً لسقوطهم وانحطاطهم. ومن الضرورى الإشارة إلى أن المراهقين أكثر عرضة للمخاطر والانحرافات مقارنة بالأطفال. إنهم يقفون على مفترق طرق بين العقل والعواطف. كما أن استخدام القوة والقدرات والمواهب لدى المراهقين يعد مسألة أخرى تتطلب التعرف عليهم، إذ إن عدم التعرف الصحيح قد يؤدى إلى إهدارها. السؤال الرئيسى فى هذا البحث هو: كيف يعرف العلم والقرآن والحديث المراهق؟ بالتأكيد ستكون الإجابات المستمدة من سيرة النبى محمد (صلى الله عليه واله و سلم) وأئمة المعصومين (عليهم السلام) فى هذا الشأن مفيدة، بالإضافة إلى الاهتمام بآراء المتخصصين فى علوم التربية حول التربية. نوع النشاط التنفيذى فى إجراء هذا البحث تم بشكل مكتبى ومن خلال دراسة المعلومات المسجلة من النصوص والوثائق، مما أدى إلى الوصول إلى نتائج.

الكلمات المفتاحية: القرآن الكريم، مراهقة، البلوغ، العلوم التربوية

The phenomenon of adolescence and puberty from the perspective of the Quran and educational sciences

Afate Hoseini

Abstract

Adolescence is not only a period of physical growth but also a significant social and cultural phase in every individual's life. The physical transformations, cognitive advancements, development of abstract thinking, identity formation, independence, responsibility, and enhanced social interactions, along with emotional fluctuations, are all prominent aspects of this stage. Adolescents are considered one of the most valuable assets of a country. This period is sensitive and crucial, as it can serve as a foundation for the happiness of the adolescent through proper knowledge and education. However, neglect and lack of attention can lead to their downfall. It's important to note that adolescents are more susceptible to risks and deviations compared to children. They find themselves at a crossroads between reason and emotion. Additionally, recognizing and utilizing the strengths, abilities, and talents of adolescents is another critical issue that requires proper understanding; otherwise, these qualities may be wasted. The main question of this research is: How do science, the Quran, and Hadith define adolescence? Certainly, insights drawn from the life of the Prophet Muhammad (PBUH) and the Imams (AS) in this regard will be beneficial, along with considering the opinions of specialists in educational sciences about upbringing. The type of executive activity in conducting this research was carried out through desk work and studying recorded information from texts and documents, which led to the attainment of results.

Keyword: holy quran ,teenager ,puberty, educational sciences.

منهج التربية الدينية فى ضوء نهج البلاغة

آمنه دلنياد

المخلص

الوقاية من الجريمة والأضرار الاجتماعية من منظور أمير المؤمنين على (عليه السلام) تشمل الأساليب التربوية والرقابية التى تؤكد على المراقبة، وإدارة المشاعر، واختيار العلاقات الصحية، والاستخدام الصحيح للفرص. ولهذا الغرض، استفادت هذه الدراسة من منهجين تربويين: الوقائى والرقابى. تشمل الأساليب التربوية منهجين هما الوقاية والمراقبة. فى المنهج الوقائى، يوفر الوالدان بيئة لنمو سليم للأبناء من خلال المراقبة المستمرة، وتنمية العقل والوعى الدينى، والتخطيط الصحيح لأوقات الفراغ، وتجنب البيئات غير الصحية. أما فى منهج المراقبة، فإن التركيز على ضبط الغضب والمشاعر، وإدارة العلاقات الاجتماعية من خلال اختيار الأصدقاء المناسبين، ومراقبة السلوك والأداء له دور أساسى فى التربية. وتساعد هذه الحلول مجتمعة فى تكوين فرد واعٍ، وأخلاقي، ومسؤول. تُظهر هذه الدراسة أن الاستفادة من تعاليم أمير المؤمنين على (عليه السلام) فى مجالى الوقاية والمراقبة يمكن أن تساهم فى الحد من الأضرار الاجتماعية. ومن بين الحلول التى أوصت بها السيرة العلوية لإنشاء مجتمع صحى ونشط، التأكيد على تعزيز التفكير، والوعى الدينى، والمراقبة الصحيحة للسلوك، والاستخدام المفيد للفرص تم إجراء هذه الدراسة بأسلوب وصفى — تحليلى. فى القسم الوصفى، تم عرض آراء أمير المؤمنين (عليه السلام) حول الوقاية والمراقبة، بالاستناد إلى المصادر الإسلامية والتاريخية. فى القسم التحليلى، تمت مراجعة الحلول المقدمة وشرح ارتباطها بالأساليب التربوية والإدارية. ويساعد هذا النهج على فهم أفضل للأسس التربوية وتكييفها مع الاحتياجات الاجتماعية.

الكلمات المفتاحية: التربية، التربية الدينية، الوقاية والمراقبة، الإمام على (عليه السلام).

The method of religious education according to Nahjul Balagha

Amna Delniad

Abstract

Crime prevention and social harm reduction from the perspective of Amir al-Mu'minin Ali (peace be upon him) includes educational and control methods that emphasize supervision, managing emotions, choosing healthy relationships, and making proper use of opportunities. For this purpose, the present research utilizes two educational approaches: prevention and control. Educational methods consist of two approaches: prevention and control. In the preventive approach, parents ensure the healthy development of their children by maintaining continuous supervision, fostering intellect and religious awareness, proper planning for leisure time, and avoiding unhealthy environments. In the control approach, paying attention to anger and emotion management, regulating social relationships by selecting appropriate friends, and monitoring individuals' behavior and performance play a fundamental role in training. These strategies, when combined, contribute to raising an aware, ethical, and responsible individual. The present research demonstrates that utilizing the teachings of Amir al-Mu'minin Ali (peace be upon him) in the two areas of prevention and control can help reduce social harm. Emphasizing the strengthening of intellectual thought, religious awareness, proper supervision of individuals' behavior, and the optimal use of opportunities are among the strategies recommended in the Alawi doctrine for establishing a healthy and dynamic society. This study has been conducted using a descriptive-analytical method. In the descriptive section, the views of Amir al-Mu'minin (peace be upon him) regarding prevention and control are presented with reference to Islamic and historical sources. In the analytical section, the proposed strategies are examined, and their connection with educational and managerial methods is explained. This approach aids in a better understanding of educational principles and their alignment with societal needs.

Keywords: education, religious education, prevention and control, Imam Ali (peace be upon him)

دراسة مقارنة للأساليب التربوية من منظور علم النفس والدين مع التركيز على الدعاء الخامس والعشرين للإمام السجاد (عليه السلام) في الصحيفة السجادية

سييده ولى زاده، زينب حامدى، فاطمه اسمعيلى

المخلص

تهدف هذه الدراسة إلى إجراء تحليل مقارنة لأساليب التربية من منظور علم النفس والتعليمات الدينية، مع التركيز على الدعاء الخامس والعشرين في الصحيفة السجادية، أحد أهم النصوص التربوية الإسلامية. هذا الدعاء، الذى عبّر عنه الإمام السجاد (عليه السلام) في شكل مناجاة، يقدم نموذجاً شاملاً للتربية. تشمل التربية الإنسانية جوانب متنوعة مثل التربية الجسدية والدينية والأخلاقية، والتي تم تحليلها في هذه الدراسة باستخدام نهج علمي وديني. نظراً لتنوع النهج التربوية على مستوى العالم، يتطلب الاستفادة من تجارب الدول الأخرى تقييم هذه التجارب بناءً على المبادئ الإسلامية. في هذه الدراسة، تم فحص النهج التربوية الأكثر شيوعاً في العالم في ضوء تعليمات الإمام السجاد (عليه السلام)، وتم تحديد نقاط القوة والضعف فيها. كانت منهجية هذه الدراسة تحليلية - مقارنة. في البداية، تم توضيح مفهوم التربية، ثم تم تحليل وتقييم العناصر الرئيسية للتربية، بما في ذلك الجوانب الجسدية والدينية والأخلاقية من منظور الإمام السجاد (عليه السلام) وعلماء النفس الغربيين. تظهر نتائج البحث أنه من وجهة نظر علم النفس، يتم التأكيد على كل من هذه العناصر بشكل مستقل. ولكن من وجهة نظر الإمام السجاد (عليه السلام)، فإن دمج وتوحيد هذه العناصر يشكل نظاماً تربوياً شاملاً يمكنه توجيه الأطفال منذ الولادة وحتى سن السابعة. تغطي شمولية رؤية الإمام السجاد التربوية (عليه السلام) العديد من المفاهيم المطروحة في مجالى علم النفس والتربية بشكل أكثر اكتمالاً.

الكلمات المفتاحية: الإمام السجاد (عليه السلام)، التربية الجسدية، التربية الدينية، التربية

الأخلاقية، النظريات التربوية

Comparative Study of Educational Methods from the Perspective of Psychology and Religion with Emphasis on the Twenty-fifth Prayer of Imam Sajjad (Peace Be Upon Him) in the Sahifa Sajjadiya

Sepideh Vali Zadeh

Zeinab Hamed

Fatemeh Esmaeili

Abstract

The present study aims to conduct a comparative analysis of educational methods of psychology and religious teachings, with an emphasis on the twenty-fifth prayer in the Sahifa Sajjadiya, one of the most valuable Islamic educational texts. This prayer, expressed as a supplication by Imam Sajjad (Peace Be Upon Him), provides a comprehensive model for education. Human education encompasses various dimensions including physical, religious, and moral aspects, which have been analyzed in this study using both scientific and religious approaches. Given the diversity of educational approaches globally, leveraging the experiences of other countries requires evaluating these experiences based on Islamic principles. In this study, the most common educational approaches worldwide have been examined in light of the teachings of Imam Sajjad (Peace Be Upon Him), identifying their strengths and weaknesses. The methodology of this research is analytical and comparative. Initially, the concept of education is defined, followed by the analysis and evaluation of key educational components, including physical, religious, and moral aspects from the perspectives of Imam Sajjad (Peace Be Upon Him) and Western psychologists. The findings of the research indicate that, from a psychological standpoint, each of these components is emphasized independently. However, according to Imam Sajjad (Peace Be Upon Him), the integration and unification of these components form a comprehensive educational system capable of guiding children from birth to the age of seven. The comprehensiveness of Imam Sajjad's (Peace Be Upon Him) educational viewpoint covers many concepts in the fields of psychology and education in a more complete manner

Keywords: Imam Sajjad (PBUH), Physical Education, Religious Education, Moral Education,

دراسة العلاقة بين التربية ذات المنهج الإسلامی ومستوى القلق والكفاءة

الذاتية لدى طلاب محافظة خراسان الشمالية

امير حسين مهرزاد، ايليا روغنى

المخلص

التربية الإسلامية تعدّ من أهم الموضوعات الأساسية التي تلعب دوراً مؤثراً في الثقافة والهوية الإيرانية. إن العلاقة بين القلق وأساليب التربية لدى الأطفال تُعدّ من القضايا الهامة في علم النفس النمائي. يهدف هذا البحث إلى دراسة العلاقة بين التربية القائمة على الأسس الإسلامية ومستوى القلق والفاعلية الذاتية لدى الأطفال في المرحلة الابتدائية بمحافظة خراسان الشمالية. تم في هذه الدراسة تحليل العلاقة بين التربية ذات الأسس الإسلامية ومستوى القلق والتوتر، بالإضافة إلى مدى الاستقلال الاجتماعي والفاعلية الذاتية الاجتماعية. ولتحقيق هذا الهدف، تم استخدام ثلاثة أدوات بحثية، وهي: استبيان التنشئة الوالدية من منظور إسلامي، استبيان الفاعلية الذاتية للأطفال والمراهقين (SEQ-C)، واستبيان قلق الأطفال لسبنس. شملت العينة الإحصائية طلاب الصف السادس الابتدائي في المدارس الحكومية لمحافظة خراسان الشمالية. وتم تحليل البيانات المجمعة باستخدام برنامج SPSS. أظهرت نتائج الدراسة وجود علاقة عكسية ومهمة بين التربية الإسلامية ومستوى القلق لدى الطلاب ($p=0.048$). كما وُجدت علاقة مباشرة ومهمة بين التربية الإسلامية ومستوى الفاعلية الذاتية لدى الطلاب ($p=0.035$). تشير نتائج البحث إلى أن تعزيز التربية الإسلامية لدى الطلاب يمكن أن يساهم بشكل ملحوظ في زيادة الشعور بالفاعلية الذاتية وخفض مستوى القلق لديهم.

الكلمات المفتاحية: التربية الإسلامية، القلق، الفاعلية الذاتية، طلاب محافظة خراسان الشمالية

Examining the Relationship Between Islamic-Oriented Upbringing and Levels of Anxiety and Self-Efficacy Among Students in North Khorasan Province

Amirhossein Mehrzad

Ilia Roghani

Abstract

Islamic education is one of the fundamental concepts that has played a significant role in shaping Iranian culture and identity. The relationship between anxiety and parenting methods in children is a crucial topic in developmental psychology. This study aims to examine the association between education based on Islamic principles and the levels of anxiety and self-efficacy among elementary school children in North Khorasan province. The study investigates the impact of Islamic-based upbringing on anxiety, stress levels, social independence, and social self-efficacy. To achieve this, three standardized research instruments were utilized: the Islamic Parenting Attitude Questionnaire, the Self-Efficacy Questionnaire for Children and Adolescents (SEQ-C), and the Spence Children's Anxiety Scale. The statistical population consisted of sixth-grade students enrolled in public elementary schools in North Khorasan province. Data were analyzed using SPSS software. The findings revealed a significant inverse relationship between Islamic education and students' anxiety levels ($p = 0.048$). Additionally, a significant direct relationship was observed between Islamic education and students' self-efficacy ($p = 0.035$). The results indicate that fostering Islamic education among students can be a key factor in enhancing their sense of self-efficacy while reducing their levels of anxiety.

Keywords: Islamic education, anxiety, self-efficacy, children in North Khorasan province

العوامل المؤثرة في شخصية الأطفال مع التأكيد على دور الأسرة من منظور القرآن الكريم

فاطمه شوروزی

المخلص

يعد موضوع الشخصية من أهم المواضيع وأكثرها تعقيداً في علم النفس. فالشخصية عبارة عن مجموعة ثابتة من السمات والعادات التي تحدد أفكار الشخص ومشاعره وأفعاله. تدخل عوامل مختلفة في تشكيل شخصية الطفل، وبدون أخذ هذه العوامل بعين الاعتبار فإن الحديث عن الشخصية يصبح بلا معنى وغير مفهوم. يهدف هذا البحث إلى دراسة عملية تكوين شخصية الطفل برمتها والعوامل المؤثرة فيها مع التركيز على دور الأسرة وكيفية تكوين الشخصية المرغوبة من منظور القرآن الكريم. ولتحقيق هذه الغاية، تمت دراسة المصادر النفسية الغربية والإيرانية، والآيات القرآنية وتفسيراتها، وتم تصنيف البيانات الناتجة. تشير نتائج الأبحاث إلى أن العوامل المؤثرة في تكوين الشخصية تصنف إلى فئتين: وراثية وغير وراثية. وتنقسم العوامل غير الوراثية إلى قسمين: داخلية وخارجية، ومن أكثر العوامل الخارجية تأثيراً الأسرة. لقد اتخذ الله تعالى، باعتباره المربي الأول، إجراءً لتعليم البشر وجعل هدفه إرسال الأنبياء الإلهيين والكتب الإلهية لتعليم البشر.

الكلمات المفتاحية: علم النفس، الشخصية، الإسلام، القرآن، الوالدين، الأسرة

Factors Influencing Children's Personality, with an Emphasis on the Role of the Family from the Perspective of the Quran

Fatemeh shurvarzi

Abstract

One of the important and complex topics in psychology is the subject of personality. Personality is a fixed set of dispositions and habits that determine a person's thoughts, feelings, and actions. Various factors are involved in the formation of children's personalities, and without considering these factors, talking about personality is meaningless and incomprehensible. This research aims to investigate the entire process of children's personality formation and the factors affecting it, emphasizing the role of the family and the way to form a desirable personality from the perspective of the Quran. For this purpose, Western and Iranian psychological sources and Quranic verses and their interpretations have been examined and the resulting data have been classified. The research findings indicate that the factors effective in the formation of personality are classified into two categories: hereditary and non-hereditary. And non-hereditary factors are classified into two subcategories: internal and external, one of the most effective external factors is the family. God, as the first educator, has taken action to educate humans and has set the purpose of sending divine prophets and divine books to educate humans

Keywords: Psychology, Personality, Islam, Quran, Parents, Family

أساليب نقل القيم الدينية إلى الأطفال من منظور الروايات

فاطمه فرهاديان، فاطمه حبيبي

المخلص

القيم الدينية هي ما أنزله الله على النبي بواسطة جبريل لهداية البشرية ونمو الجيل الجديد ورفعته وسعادته. إن نقل القيم الدينية إلى الأبناء يعد من اهتمامات الوالدين المتدينين باعتبارهم الأوصياء الأساسيين على تربيتهم، لأنه إذا حرم الفرد من التعاليم الدينية في بداية طفولته وكانت الأسرة والمدرسة غير مبالية بتنمية هويته الدينية، فلن يكتسب فكرة صحيحة عن هويته الدينية. ولما كانت الروايات تعبر عن أفضل الاستراتيجيات لنقل القيم الدينية للأطفال، فقد قامت هذه المقالة باستخراج استراتيجيات لنقل القيم الدينية للأطفال من خلال الرجوع إلى الروايات. وتوصلت هذه الدراسة الوصفية التحليلية بالرجوع إلى المكتبات إلى أن تعريف الأطفال بعلوم النبي محمد (صلى الله عليه وسلم) وسلوكياته العملية واللفظية وتعليمهم القواعد والقضايا الدينية وتقوية قوة الإيمان وإشراك الأطفال في الاحتفالات الدينية وتقديم القدوة والأمثلة.

الكلمات المفتاحية: أساليب، القيم الدينية، اطفال، الروايات

Strategies for Transmitting Religious Values to Children from the Perspective of Narrations

Fatemeh farhadyan
Fatemeh habibi

Abstract

Religious values are principles revealed by God to the Prophet through Gabriel for the guidance of mankind, fostering the growth, excellence, and happiness of the new generation. Transmitting these values to children is a primary concern for religious parents, who serve as the main custodians of education. If children are deprived of religious teachings during early childhood and their families and schools neglect the development of their religious identity, they may fail to form a proper understanding of religious values. This study explores methods for transferring religious values to children by drawing on traditions. Through descriptive and analytical research based on library sources, the findings emphasize several direct and indirect strategies. These include familiarizing children with the teachings and sciences of the Ahl al-Bayt (peace be upon them), introducing their practices and sayings, teaching religious rules and principles, strengthening their faith, involving them in religious ceremonies, presenting suitable role models, imparting lessons through storytelling, and encouraging reflective thinking about the phenomena of existence.

Keywords: strategies, religious values, children, traditions

**فاعليه بروتوكول العلاج المعرفى السلوكى فى تعزيز الثقة بالنفس و المهارات
التواصلية لدى المقيتات المراققات مع التاكيد على رويه القرآن الكريم و الروايات**
نجمه السادات اميرى دشت بياض

المخلص

هدفت هذه الدراسة إلى معرفة فاعلية بروتوكول العلاج المعرفى السلوكى فى زيادة الثقة بالنفس ومهارات التواصل لدى الفتيات المراهقات، مع التركيز على منظور القرآن الكريم والروايات. أجريت هذه الدراسة بطريقة شبه تجريبية بتصميم الاختبار القبلى والبعدى مع مجموعة ضابطة. وشمل السكان الإحصائيون جميع طالبات المدارس الثانوية فى مدينة تورباجام ٩١٠ شخصاً العام الدراسى ١٤٠٣-١٤٠٢ تم اختيار عينه مكونه من ٣٠ طالباً باستخدام طريقة العينه الملائمة وتم توزيعهم عشوائياً على مجموعتين تجريبية ١٥ طالباً (وضابطة ١٥) طالباً. وتضمنت أدوات البحث بروتوكول سيلر للعلاج السلوكى المعرفى (٢٠٠٨)، واستبيان كوبر سميث لتقدير الذات (١٩٦٧)، واستبيان جيريك لمهارات الاتصال (٢٠٠٤) كما تم الاستعانة بالتعاليم القرآنية والأحاديث الإسلامية كأساس نظرى فى تفسير العوامل المرتبطة بالثقة بالنفس ومهارات التواصل. وأظهرت النتائج أن التدريب على العلاج المعرفى السلوكى الذى تم دمجه مع المفاهيم القرآنية والسردية فى هذه الدراسة كان له أثر معنوى فى تحسين مهارات التواصل وزيادة الثقة بالنفس لدى الفتيات المراهقات. وتؤكد هذه النتائج على أهمية استخدام التعاليم الإسلامية فى تصميم وتنفيذ التدخلات النفسية.

الكلمات المفتاحية: فعالية العلاج المعرفى السلوكى، الثقة بالنفس، مهارات التواصل،

الفتيات المراهقات

The Effectiveness of a Cognitive-Behavioral Therapy Protocol on the Self-Confidence and Communication Skills of Adolescent Girls: A Perspective Based on the Quran and Narrations

Najme Amiri

Abstract

The aim of this study was to investigate the effectiveness of cognitive-behavioral therapy protocol on increasing self-confidence and communication skills of adolescent girls with an emphasis on the perspective of the Quran and narrations. This study was conducted in a quasi-experimental manner with a pre-test-post-test design with a control group. The statistical population included all female high school students in Torbatjam city (910 people) in the academic year 1402-1403. A sample of 30 students was selected using convenience sampling and randomly assigned to two experimental (15 people) and control (15 people) groups. The research instruments included the cognitive-behavioral therapy protocol of Seeler (2008), the Cooper-Smith Self-Confidence Questionnaire (1967), and the Jarabak Communication Skills Questionnaire (2004). Also, Quranic teachings and Islamic narrations were used as a theoretical basis in explaining the factors related to self-confidence and communication skills. The results showed that cognitive-behavioral therapy training, which was integrated with Quranic and narrative concepts in this study, had a significant effect on improving communication skills and increasing self-confidence in adolescent girls. These findings emphasize the importance of using Islamic teachings in the design and implementation of psychological interventions.

Keywords: Cognitive-behavioral therapy effectiveness, self-confidence, communication skills, adolescent girls



Khorasan Seminary
Management Center

Comparative Studies

on Children and Adolescents

Volume 1, Issue 1, Spring and Summer 2026

1

**Scientific Semi Annual Journal Of Comparative
Studies on Children and Adolescents**

Khorasan Seminary* Scientific Deputy In Cooperation with Hazrat
khadijeh (PBH) Seminary

- **The phenomenon of adolescence and puberty from the perspective of the Quran and**
Afate Hoseini
- **The method of religious education according to Nahjul Balagha**
Amna Delniad
- **Comparative Study of Educational Methods from the Perspective of Psychology and Religion with
Emphasis on the Twenty-fifth Prayer of Imam Sajjad (Peace Be Upon Him) in the Sahifa Sajjadiya."**
Sepideh Vali Zadeh & Zeinab Hamedei & Fatemeh Esmacili
- **Examining the Relationship Between Islamic-Oriented Upbringing and Levels of Anxiety and
Self-Efficacy Among Students in North Khorasan Province**
Amirhossein Mehrzad & Ilia oghani1
- **Factors Influencing Children's Personality, with an Emphasis on the Role of the Family from the
Perspective of the Quran**
Fatemeh shurvarzi
- **Strategies for Transmitting Religious Values to Children from the Perspective of Narrations**
Fatemeh farhadyan & Fatemeh habibi
- **The Effectiveness of a Cognitive-Behavioral Therapy Protocol on the Self-Confidence and
Communication Skills of Adolescent Girls: A Perspective Based on the Quran and Narrations**
Najme Amiri